

کیمهان ۵۳۰

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح‌زاده

جمعه ۲۸ شهریور تا پنجشنبه ۳ مهر ۱۴۰۴ خورشیدی

سال چهل و دوم - شماره ۱۹۹۶



روزنه‌های روبرو به دیوار!

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:
دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife
@kayhanlife
@KayhanLife
https://kayhanlife.com/newsletters-subscription

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon
@kayhanlondon
@kayhanlondon
https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و دوم
کیهان شماره ۱۹۹۶ (۵۳۰)
۲۸ شهریور تا ۳ مهر ۱۴۰۴
۱۹ تا ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۵

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london



کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: جاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)»
برای نخستین بار ایده‌آه گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد.
عالمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق ایمیل یا کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.
Satrap Publishing: Email: satrap@bconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



نامه‌ها و عاشقانه‌ها

حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی
نوشته: داریوش پیرنیا
به کوشش منصوره پیرنیا

لطفاً جهت تهیه کتاب "نامه‌ها و عاشقانه‌ها" با انتشارات مهر ایران
شماره تلفن: ۳۰۱۲۷۹۶۷۷۸ و یا ۲۴۰۶۰۳۲۷۲۳ در شرق آمریکا تماس حاصل نمایید.
Web: www.pirniah.com Email: pirniah@pirnia.com



کیمسان

فهرست مطالب**

۴		سر مقاله - شرایط ژانوسی جامعه ایران / الاهه بقرات
۴-۵		تیتز هفته - روزنه‌های رو به دیوار! ... /
۶		سخت‌رانی شاهزاده رضا پهلوی در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی ... /
۷		اورشلیم بست: ده‌ها زن آموزش دیده توسط موساد در «جنگ ۱۲ روزه» در ایران حضور داشتند ... /
۸-۹		نامه سرگشته خانواده‌های دادخواه و آسیب‌دیدگان اعتراضات به مردم جهان برای ... /
۹		وزارت خارجه آمریکا: قتل مهسا امینی و دیگران کیفرخواست محکمی برای اثبات جنایات ... /
۱۰-۱۱		کنفرانس «گفتگوی ملی برای ایران» برگزار شد: برای همبستگی نیروهای آزادیخواه مخالف ... /
۱۱		مأموریت آسمانی بدون جواز دولتی / خیراندیش (احمد احرار)
۱۲-۱۳		پنج کلو له برای شاه (۵) ... / گفت و شنود محمود تربتی سنجایی با عبدالله ارگانی
۱۳		جمهوری اسلامی بایک شهپازی را اعدام کرد ... /
۱۴		آخرین برگ‌های اتمی جمهوری اسلامی و مذاکره با واشنگتن ... / هدی رؤوف (ایندیپندنت عربی)
۱۵		«توافق قاهره»: گروسی: از تمام سایت‌های اتمی ایران باز دیم می‌شود ... /
۱۶-۱۷		چرا امشب وطنه گریه فراتر از قانون اساسی گریه می‌کند؟ ... / محمود مساتلی
۱۸-۱۹		فره‌بانیان کشتار هفتم: کتیر حماس در کیبوتز «نیر عوز» چه کسانی بودند؟ ... / پتیکن آذر مهر
۲۰-۲۱		«نیو یورک بست»: ترامپ باید با قطع شریان اقتصادی جمهوری اسلامی تأمین مالی نیروهای ... /
۲۱		دوران محمدرضا شاه: ایران خانه شماس (صد سال پهلوی: ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) ... / فرید خلیفی
۲۱		به مناسبت سالگرد دخیز ملی مهسا به یاد تمام جانبختگان ۴۷ سال ... / بهنام محمدی
۲۲		ویژگی‌های کلیدی رهبری ملی ... / علی رشپه‌ازی
۲۳		تحلیگر «تایم»: شرایط جمهوری اسلامی وخیم‌تر می‌شود ... /
۲۴-۲۵		ادعای عباس عراقچی در باره «توافق قاهره»: باز دیدار تأسیسات اتمی به شرطی انجام می‌شود که ... /
۲۵		احضار عباس عراقچی به مجلس شورای اسلامی برای حضور در یک «جلسه اضطراری» ... /
۲۶		لزوم واقع‌گرایی در آریوز بیسیون خارج ایران و ارتباط آن با داخل کشور ... / دکتر ضاسعدی فیروز آبادی
۲۶-۲۷		وال استریت ژورنال: خامنه‌ای بعد از جنگ ۱۲ روزه افسرده، گوشه‌گیر و منزوی شده ... /
۲۷		دوران محمدرضا شاه: آموزش عالی همگام با غرب (صد سال پهلوی: ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) ... / فرید خلیفی
۲۷		رهبر جمهوری اسلامی: حالت نه جنگ، نه صلح خوب نیست! ... / بهنام محمدی
۲۸		مدیر کل وزارت دفاع اسرائیل: نبردهای دیگری با جمهوری اسلامی خواهیم داشت ... /
۲۸-۲۹		اسرائیل ۱۸۷ کیف پول رم‌از رم‌تبط با سپاه پاسداران با ۵۱ میلیارد دلار تراکش را شناسایی کرد ... /
۲۹		رویدود کنفرانس مشترک با تانیاها: ایران هسته‌ای تحت حکومت ملاهای تندرو شیعه برای اسرائیل و ... /
۳۰		گزارش ارتش اسرائیل در باره بازداشت دو عضو «یکان ۸۴۰ سپاه قدس» در اوایل سال ۱۴۰۴ ... /
۳۱		تجمع ایرانیان لندن در سومین سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی و هشدار به مردم بریتانیا ... /
۳۱		دومین جشنواره سینمایی «زن - زندگی - آزادی» ... /
۳۲		روزنامه لوموند: تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی در جنگ ۱۲ روزه کاملاً نابود نشد ... /
۳۲-۳۳		پیشهاد امنیتی اسرائیل به دولت الجولانی: ایجاد کردور هوایی برای حملات آتی به جمهوری اسلامی ... /
۳۳		خیانت پوتین به اسد: احمد الجولانی: در نبرد سرتکونی شاراسد، باروسیه به توافق رسیده بودیم ... /
۳۴		آخرین هشدارهای اروپا به عباس عراقچی: جمهوری اسلامی هنوز اقدام قابل قبول انجام نداده است ... /
۳۴-۳۵		بر خلاف ادعای عراقچی در «توافق قاهره» با آژانس، هیچ تضمینی برای «عدم حمله نظامی» ... /
۳۵		واکنش نظام به مخالفان داخلی «توافق قاهره»: این توافق توسط «کمیته هسته‌ای شورای عالی» ... /
۳۵		وزارت خارجه آلمان از شهر و ندان این کشور خواست فوری ایران را ترک کنند ... /
۳۶-۳۷		محاکمه یک درجه‌دار ارتش آلمان به اتهام «قاچاق ایرانی‌ها» ... /
۳۷		«دشمن مردم» ... / بهنام محمدی
۳۷		رضا آذرکیش از فرماندهان بسیج ایران شهر در یک حمله مسلحانه کشته شد ... /
۳۸		یافته‌های نظرسنجی «ایسپا»: ۴۷٪ در صد کاربران در ایران برای کشته‌خوار و اطلاعات از ... /
۳۹		۶۲۰ هزار میلیارد تومان بدهی دوشرکت بزرگ اتومبیل‌سازی ایران ... /
۴۰		انفجار سبانه در شهر ری: «تابناک»: جنگ روانی اکانت‌های سلطنت طلب بود ... /
۴۰-۴۱		مدیر کل سابق اداره «ارشاد اسلامی» گیلان به اتهام «لواط تفخیزی» به ۱۰۰۰ ضربه شلاق و ... /
۴۱		تخریب یک شبکه بزرگ مالی فروش نفت ایران: دودلال ایرانی و ۱۲ شرکت بامر از ... /
۴۲-۴۳		اردشیر فرح‌هنرمند موسیقی: دوست دارم در مملکت خودم یک کنسرت اجرا کنم ... /
۴۴		ادامه‌ر کود در بخش صنعت: دیگر مزی‌به نام «انرژی ارزان» در صنعت ایران ... /
۴۵-۴۶		آبامسعود پز شکیان اراده و جسارت اصلاح ساختار بود چه رادارد؟ ... /
۴۶		آغاز کمپین «ایران آزادما» در سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی ... /
۴۷		تشکیل پرونده جدید برای عباس واحدیان شاهرودی ... /
۴۷		در گذشت بیژن بهزادی، پیشگام رونق خوراک ایرانی در قلب لندن ... /
۴۸		آمار تکانه‌دهنده در باره هدر رفتن انرژی در ایران ... /
۴۹		پیامدهای شکاف میان‌ه‌بینه و در آمد: از گسترش فقر و تغییر الگوی مصرف تا مهاجرت نیروی کار ... /
۵۰		هشدار یک اقتصاددان درباره سه‌رقمی شدن تورم در اقتصاد ایران ... /
۵۱		واگذاری ۸۰ هکتار از اراضی ملی دماوند به «خودی‌ها» ... /
۵۲		اورژانس ایران با کمبود ۱۵ هزار نیرو و هزاران آمبولانس روبرو است ... /
۵۳		اقتصاد کو بی‌هم نمی‌تواند گاهش قدرت خرید شهر و ندان را جبران کند! ... /
۵۴		چشم‌انداز منشی اشتغال در ایران با بحران انرژی و رکود تورمی ... /
۵۵		چرا ارز بدنت‌ها و پز شکان جوان خودکشی می‌کنند؟ ... /
۵۶-۵۷		زنان در صدر فهرست اخراج و در انتهای پذیرش در آگهی‌های استخدام ... /
۵۷-۵۸		هشدار هادریاره وقوع زلزله «آخر زمانی» در تهران ... /
۵۸-۵۹		۳۰۰ مدرسه در خطر فرونشست اصفهان و احتمال تخلیه اجباری سه میلیون نفر ... /
۶۰		۶/۵۳ درصد از واحدهای صنعتی تعطیل شده با مشکل تأمین منابع مالی روبرو بودند ... /
۶۱		آمارهای متناقض و تکانه‌دهنده از سه نهاد درباره قربانیان حوادث کار ... /
۶۲-۶۳		خبرهای کوتاه ... /
۶۴		پشت جلد - عکس هفته / رهبران آمریکا و بریتانیا

بازنشر
بازنشر



تیر هفته

روزنه‌های رو به دیوار!



● بازگشت تحریم‌های بین‌المللی و همچنین شناخته شدن جمهوری اسلامی ذیل ماده هفت منشور سازمان ملل به عنوان تهدیدی برای صلح و امنیت جهان، می‌تواند به هرگونه اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران مشروعیت ببخشد. حمله آمریکا و متحدینش در سال ۲۰۰۳ میلادی به عراق با استناد به همین ماده انجام گرفت.

پی گفتگوی تلفنی با عباس عراقچی با صراحت اعلام کرد: «روزنه برای یافتن یک راه حل دیپلماتیک در رابطه با پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی به سرعت در حال بسته شدن است.» این مقام اروپایی در ادامه افزود که مقامات تهران باید «گام‌های معتبری برای پاسخگویی به خواست‌های سه کشور اروپایی عضو برجام، از جمله همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و اجازه بازرسی از تمام تأسیسات هسته‌ای بدون تاخیر و اتلاف وقت بردارد.» همین هشدارها توسط وزرای خارجه آلمان، بریتانیا و فرانسه نیز در روزهای گذشته تکرار شدند.

در تازه‌ترین تحولات، امانوئل ماکرون رئیس جمهور فرانسه که روز پنجشنبه ۱۸ سپتامبر در مصاحبه با «کانال ۱۲» اسرائیل سخن می‌گفت، اعلام کرد که تحریم‌های «اسنپ یک» علیه جمهوری اسلامی در پایان ماه سپتامبر فعال خواهند شد. وی در پاسخ به مجری این کانال که پرسید آیا توافق بر سر بازگشت سریع تحریم‌ها قطعی است؟ پاسخ داد: «بله؛ فکر می‌کنم همین‌طور است. زیرا آخرین اخباری که از ایرانی‌ها داریم جدی نیست.»

خبرگزاری «اکسیوس» در توضیح این خبر نوشته است، اظهارات ماکرون در این مصاحبه نشان می‌دهد که تلاش‌ها برای دستیابی به توافق بین قدرت‌های اروپایی و جمهوری اسلامی ایران شکست خورده و در گام بعدی انتظار می‌رود که شورای امنیت سازمان ملل متحد هفته آینده در مورد بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل علیه جمهوری

مقامات اروپایی ۲۶ شهریور ۱۴۰۴ به جمهوری اسلامی هشدار دادند روزنه‌ای که برای جمهوری اسلامی باز گذاشته‌اند تا اقدامات لازم را برای جلوگیری از اجرای «مکانیسم ماشه» و بازگشت تحریم‌های بین‌المللی انجام دهد، در روزهای آینده بسته خواهد شد. این هشدار پس از گفتگوهای تلفنی وزرای خارجه سه کشور آلمان، فرانسه و بریتانیا و مقام ارشد سیاست خارجی اتحادیه اروپا با عباس عراقچی وزیر خارجه دولت مسعود پزشکیان اعلام شد.

اگرچه محتوای این تماس تلفنی منتشر نشده، ولی از لحن هشدار کشورهای اروپایی می‌توان نتیجه گرفت که جمهوری اسلامی دست از تلاش برای خرید زمان برنداشته و حاضر نیست سه خواسته مشخص اروپا را برآورد کند. اروپا در نشستی که با مقامات جمهوری اسلامی در استانبول در تاریخ ۵ امرداد داشت فعال نشدن مکانیسم ماشه را مشروط به بازگشت بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و آزادی عمل آنها در بازرسی از همه تأسیسات هسته‌ای ایران، مشخص شدن سرنوشت ۴۰۸ یا به روایتی ۴۴۱ کیلوگرم اورانیوم غنی‌سازی شده ۶۰ درصدی، و بازگشت به میز مذاکرات با ایالات متحده آمریکا در رابطه با فعالیت‌های اتمی کرده بودند.

هشدار اروپا: روزنه دیپلماسی در حال بسته شدن است
کایا کالاس مقام ارشد سیاست خارجی اتحادیه اروپا، در

سرمقاله

شرایط ژانوسی جامعه ایران

پس از وقوع انقلاب ۵۷ تقریباً سه تا هفت سال طول کشید تا جمهوری اسلامی همزمان با ادامه‌ی جنگ با عراق، در جنگ سیاسی و فرهنگی با مردم ایران پیروز شود و مهر خود را بر دهه‌های آینده بکوبد.

طی این مدت در حالی که با پاکسازی‌های گسترده در همه جا و تحمیل مقررات اسلامی به همه کس، همه چیز در ظاهر همساز و هم‌رنگ اسلام سیاسی می‌شد، در باطن اما نطفه‌ی خشم و انزجاری پرورش می‌یافت که خشن‌ترین سرکوب‌ها نیز مانع رشد آن نشد. ایران به نوعی به یانوس یا ژانوس، خدای روم



دریاچه چیتگر/ ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۵/ رویترز

باستان تبدیل شد با دو چهره، به سوی گذشته و آینده که منشأ همه راه‌ها و گذرگاه‌ها و گذارها و آغاز و پایان هر چیز است. در نیمه‌ی اول دهه شصت دیگر ایران سیاهپوش شده بود و از همه جا صدای نوحه به گوش می‌رسید. آنهم نه فقط به خاطر اعدام‌ها و کشته‌شدگان جنگ بلکه به دلیل تحمیل رنگ‌های تیره و نوع پوشش به همه. رنگ سیاه و سورمه‌ای و روپوش‌های بلند (آن‌موقع هنوز کسی به آنها «مانتو» می‌گفت!) و مقنعه که برای دستگاه‌های دولتی اجباری بود، چنان چهره شهرهای ایران و به ویژه پایتخت و شهرهای بزرگ را عوض کرد که روپوش خاکستری زنان اگر که برانزده و خوشبوخت می‌بود و پیراهن روشن و صورت اصلاح‌کرده‌ی مردان نوعی «عمیان» به نظر می‌آمد! وقتی اواخر دهه شصت روپوش «کیمونو» و کمی کوتاه «مد» شد، دیگر یک «انقلاب» بود! اینهمه از یکسو اجرای «به مرگ گرفتن و به تب راضی شدن» توسط رژیم بود؛ اما از سوی دیگر نیاز و ضرورت و روانشناسی بازار و «انسان» که در سیاه‌ترین شرایط به دنبال آزادی و اختیار و تنوع و زیبایی و «سود» است.

هدف از یادآوری آن دوران یکی، فراموش نکردن سال‌های سیست که طی آنها جنگ سیاسی و فرهنگی رژیم علیه مردم جریان داشت، و دیگری مقایسه با فضای متناقض کنونی ایران. وقتی که رژیم درگیر تحریم و جنگ ناشی از سیاست‌های ضدا ایرانی و ضدبشری خود است و جامعه ژانوسی همچنان درگیر نبرد تاریخی آزادی و تجدد با استبداد و ارتجاع، گذشته و آینده و همواره در حال گذار از راه‌ها و گذرگاه‌هایی که رژیم تابلوی «عبور ممنوع» بر آنها نصب کرده است.

جامعه ایران امروز پس از چهار دهه از نظر ظاهری و تحمل اجباری تکنیکی اصلاً شبیه جامعه دهه شصت نیست. در حالی که در آن دهه‌ی سیاه و سال‌های بعد نیز ذهن و فکرش همواره ناراضی و عاصی ماند وگرچه اینهمه سرکوب وحشیانه و اعدام از همان ۵۷ تا امروز وجود نمی‌داشت!

از جنبش ۸۸ اما که پرونده‌ی اصلاحات نه برای رژیم بلکه برای بخش بزرگی از مردم بسته شد، رسیدن مسیر جامعه به جنبش ملی مهسا در ۴۰۱ ضرورتی محتم بود که از راه می‌رسید تا به نقطه‌ی باور به نیروی خود برای تغییر و عبور از شرایط کنونی برسد. شرایطی که جمهوری اسلامی در ضعیف‌ترین موقعیت خود از یکسو تلاش می‌کند تا مثلاً کنسرت و رقص و آواز کاخ نیاوران تهران را به حساب خود و پوست‌اندازیش بنویسد و از سوی دیگر مأموران وحشی حراستش در کاخ مرمر رامسر به زنان هجوم می‌برند. این فلاکت متناقض رژیم نیز بازتابی از شرایط ژانوسی جامعه ایران است.

نیروی «قدس» یک نهاد عملیاتی است که مسئولیت انجام فعالیت‌های مخفی در خارج از مرزهای ایران را بر عهده دارد. این یگان با توطئه‌های ترور، فعالیت‌های تروریستی

مجلس شورای اسلامی را در جریان قرار دهد. در این میان، جمهوری اسلامی به تلاش‌های روسیه برای تهدید شش ماهه «مکانیسم ماشه» امید بسته است. در

اسلامی ایران رأی‌گیری کند که می‌تواند از ۲۷ سپتامبر به اجرا درآید. با اینهمه یک منبع به «اکسیوس» گفته است که سه



و تلاش‌های بی‌ثبات‌کننده مرتبط است و مخالفان ایرانی، منافع اسرائیل و متحدان غربی در سراسر جهان را هدف قرار می‌دهد.

جمهوری اسلامی، خطری برای صلح و امنیت جهان
کشورهای عضو «مکانیسم واکنش سریع» (نهادی وابسته به گروه موسوم به جی هفت یا هفت کشور صنعتی جهان شامل آمریکا، کانادا، ژاپن، فرانسه، ایتالیا، آلمان و بریتانیا) نیز اخیراً هشدار مشابهی داده‌اند. «مکانیسم واکنش سریع» علاوه بر این هفت کشور، استرالیا، هلند و نیوزلند را نیز در بر می‌گیرد. در این بیانیه به «افزایش نگران‌کننده و غیرقابل قبول فعالیت‌های نهادهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی در خارج از مرزهای ایران» اشاره می‌شود.

با توجه به هشدارهای کشورهای اروپائی، در صورتی که این کشورها بار دیگر در دقیقه ۹۰ عقب‌نشینی نکنند، می‌بایست شاهد تنش‌های بسیاری در روابط جمهوری اسلامی با غرب و حتی با کشورهای منطقه به ویژه کشورهائی بود که متحدین آمریکا و اروپا به حساب می‌آیند. با توجه به اینکه تحریم‌های بین‌المللی در شش قطعنامه سازمان ملل که با امضای برجام در تابستان ۲۰۱۵ (۱۳۹۴) به تعلیق درآمدند، با اجرای مکانیسم ماشه می‌توانند بازگردند، و جمهوری اسلامی نیز ذیل ماده هفت منشور سازمان ملل قرار دارد و تهدیدی برای صلح و امنیت جهان شناخته می‌شود، همه اینها می‌تواند به هرگونه اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران مشروعیت ببخشد. حمله آمریکا و متحدینش در سال ۲۰۰۳ میلادی به عراق، دیگر کشوری که ذیل ماده هفت تحریم شده بود، با استناد به همین ماده انجام گرفت.

صورتی که این پیشنهاد رای شورای امنیت را به دست آورد و آمریکا، فرانسه یا بریتانیا برای متوقف ساختن آن از حق وتوی خود استفاده نکنند، جمهوری اسلامی شش ماه دیگر فرصت خواهد داشت تا با کارت‌های جدید بر سر میز مذاکره با کشورهای غربی بنشیند. اما به نظر نمی‌رسد که اروپا بخواهد بار دیگر وارد بازی وقت خریدن جمهوری اسلامی شود. تکرار هشدار کشورهای آلمان و بریتانیا به شهروندان خود برای ترک ایران در اسرع وقت، نشان از این واقعیت دارد که اوضاع رو به بهبود پیش‌بینی نمی‌شود. برخی دیگر از کشورهای اروپائی نیز بدون انتشار بیانیه و از طریق سفارتخانه‌های خود در تهران از شهروندان‌شان خواستند به سرعت ایران را ترک کنند.

این تصمیم کشورهای اروپائی اقدامی پیشگیرانه در آستانه اجرای «مکانیسم ماشه» و بازگشت تحریم‌های بین‌المللی است. این کشورها با این هشدار به شهروندان خود و به ویژه ایرانیانی که دارای تابعیت دوگانه هستند، می‌خواهند با سیاست گروهانگیری جمهوری اسلامی مقابله کنند. گروهان‌هایی که در آینده چون گذشته به عنوان حربه‌ای برای فشار بر کشورهای اروپائی و معامله استفاده خواهند شد. البته به گروهان گرفتن شهروندان اروپائی تنها نگرانی این کشورها نیست. اخیراً سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی آلمان، فرانسه، بریتانیا و هلند گزارش‌هایی را مبنی بر گسترش فعالیت‌های نهادهای اطلاعاتی و نظامی جمهوری اسلامی در کشورهای خود منتشر کرده‌اند. در برخی از این گزارش‌ها به گسترش همکاری جمهوری اسلامی و به ویژه «یگان ۸۴۰» نیروی «قدس» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با گروه‌های تبهکار محلی و سلول‌های خفته اسلامگرایان افراطی در شهرهای اروپائی اشاره می‌شود. «یگان ۸۴۰»

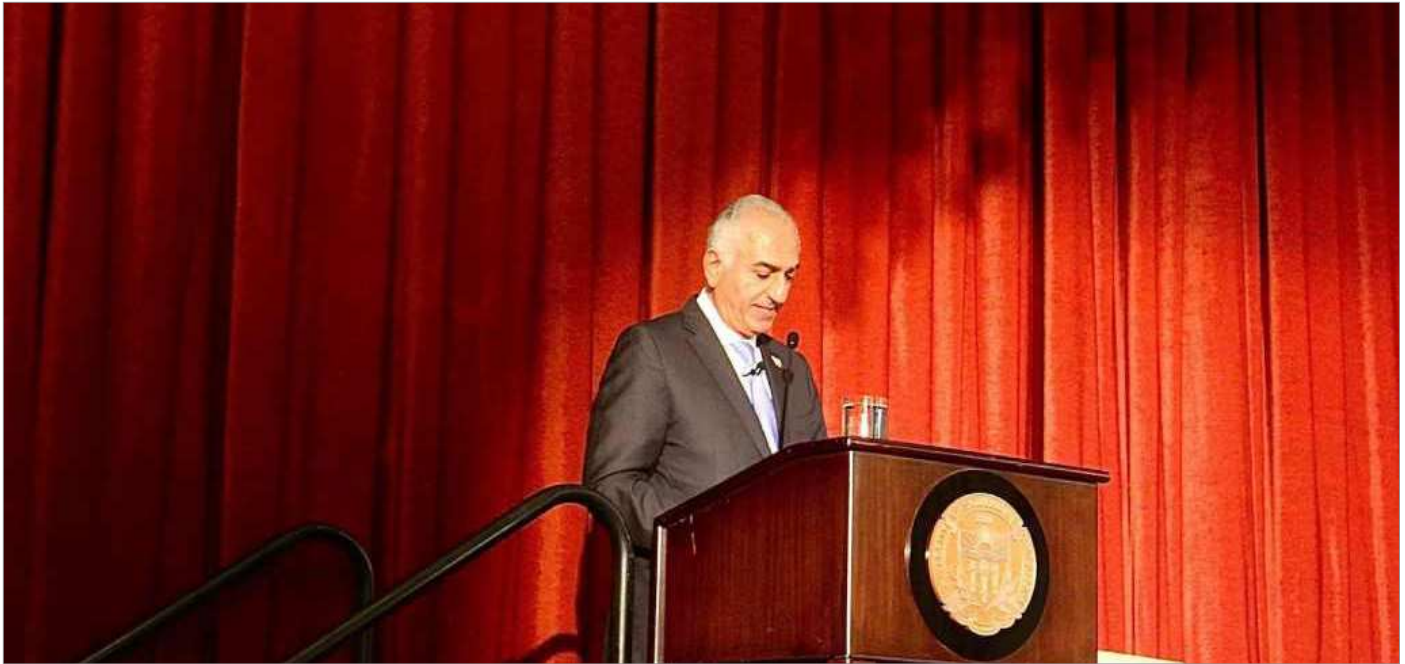
کشور اروپایی همچنان «به دیپلماسی متعهد هستند و آماده‌اند تا در هر زمانی، از جمله در نیویورک هفته آینده [در مجمع عمومی سازمان ملل] با جمهوری اسلامی ایران تعامل کنند!»

مقامات جمهوری اسلامی تا کنون هیچگونه ابراز نظری در رابطه با این هشدارها و گفتگوهای تلفنی عباس عراقچی با مقامات اروپائی نکرده‌اند. مقامات تهران در این روزها تکرار می‌کنند که توافق به‌دست آمده در نشست قاهره به امضای عباس عراقچی و رافائل گروسی مدیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به معنای ورود بلافاصله بازرسان این نهاد وابسته به سازمان ملل متحد به تاسیسات اتمی نیست و بازرسی‌های آینده باید در مذاکرات دیگری مطرح و در مورد آنها بر پایه مصوبه اخیر مجلس شورای اسلامی تصمیم گرفته شود. همه اینها یعنی گذشت زمان که در تناقض با اجرای مکانیسم ماشه که زمان زیادی به پایان آن نمانده قرار دارد.

تلاش روسیه برای تعلیق مکانیسم ماشه

مصوبه‌ای که مجلس شورای اسلامی پس از جنگ دوازده روزه میان جمهوری اسلامی و اسرائیل به تصویب رسانده است بر چند نکته اصلی تاکید دارد، از جمله اینکه تمام همکاری‌ها با آژانس تا تحقق شرایط مقرر در این مصوبه به تعلیق درخواهند آمد. نکته دیگر ضمانت‌هایی برای مجوز انجام هرگونه بازرسی مانند احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی، امنیت و حق جمهوری اسلامی برای تداوم غنی‌سازی است. موضوع دیگر اینست که تصمیم‌گیری در مورد این بازرسی‌ها به عهده شورای عالی امنیت ملی و بر مبنای گزارش‌های سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی خواهد بود. دولت نیز طبق این مصوبه موظف است هر سه ماه یکبار

سخنرانی شاهزاده رضا پهلوی در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی؛ در جنگ ۱۲ روزه دستگاه‌های سرکوبگر رژیم ضربات سنگینی خوردند



آزاد ساختن دارایی‌های مسدودشده ایران در آمریکا واریز می‌شود، پشتیبانی مالی برای آنها فراهم آید. حمایت جامعه ایرانیان خارج کشور نقش کلیدی در موفقیت این رویداد دارد. رضا پهلوی بر اهمیت این جامعه تأکید کرد و مستقیماً آن را مخاطب قرار داد: «ایرانیان در خیابان‌های وطن‌مان می‌جنگند و جان می‌دهند. پدران و مادران، فرزندان‌شان را دفن می‌کنند. جوانان هر روز جان خود را برای دستیابی به آزادی به خطر می‌اندازند. در آن لحظات، آنها به جامعه موفق ایرانیان در خارج چشم می‌دوزند و می‌پرسند: آیا شما کنار ما هستید؟ جامعه ایرانیان خارج کشور باید تصمیم بگیرد: آیا شما فقط تماشاگر مبارزه آنها در ایران هستید یا شریک مردم؟»

شاهزاده همچنین بر اهمیت جنبش‌های مردمی و مقاومت مدنی جوانان در ایران، که آنها را «نسل ۷ و پیروز» می‌نامد، تأکید کرد و از هم‌دانشگاهی‌های خود (Trojans) خواست تا در تعهد به ایرانی متفاوت همراه شوند. در عین حال، وی «یهودستیزی که در واکنش به حملات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ در دانشگاه‌های آمریکا اوج گرفت» و نیز «شعاری که خشونت را ستایش می‌کنند» محکوم کرد. او گفت: «جامعه یهودیان ایران میراثی منحصر به فرد و ریشه‌دار در تاریخ مشترک دو ملت دارد» و افزود که «زندگی ایرانیان یهودی پیش از انقلاب ۵۷ نشان‌دهنده همزیستی و تنوع مذهبی بود.»

شاهزاده رضا پهلوی تأکید کرد که مسئولیت او زنده نگه داشتن مشعل آزادی ایران و تضمین آزادی پایدار است. او گفت: «چالش ما تنها نجات ملت‌مان نیست، بلکه ساختن نظام‌ها، نهادها و اخلاق مدنی‌ای است که آزادی را برای نسل‌های آینده پایدار نگه دارد. ما برای راه حل‌های زودگذر اینجا نیستیم؛ ما برای راهکارهای بلندمدت آمده‌ایم، و اینها تنها با مشارکت گسترده ممکن می‌شود. پس امروز اینجایم تا از شما بخواهم در این مبارزه به ما بپیوندید.»

سالن پر از همه، شور و امید میان ایرانیان حاضر بود. هنگامی که شاهزاده پهلوی بر صحنه ظاهر شد، حضار ایستادند و به استقبال او شعار سر دادند. او در آغاز سخنانش گفت: «من تنها به عنوان یک فارغ‌التحصیل به این دانشگاه بازنگشته‌ام؛ بلکه آمده‌ام تا با شما، به عنوان هم‌پیمانی در مأموریت آزادی و نوسازی ایران، صحبت کنم. در طول سال‌ها من از یک استراتژی سخن گفته‌ام که ما را از دیکتاتوری به دموکراسی هدایت کند. این استراتژی بر پنج ستون بهم‌پیوسته استوار است.» به گفته وی، این پنج ستون از جمله شامل بسیج فعالان در داخل و خارج ایران و نیز طرحی برای آینده کشور در صورت سقوط حکومت علی خامنه‌ای است. او این طرح را «پروژه شکوفایی ایران» می‌نامد و در مورد آن توضیح داد که «یک کارزار فراحزبی و مبتنی بر پژوهش برای بازسازی شرایط اقتصادی و سیاسی در ایران آزاد آینده است.»

شاهزاده رضا پهلوی در این سخنرانی با تأکید بر ضرورت همکاری میان دو ملت ایران و اسرائیل، بار دیگر پیشنهاد «پیمان کوروش» را مطرح کرد و گفت: «هدف از این پیمان، همکاری میان اسرائیل و ایران آزاد، دموکراتیک و شکوفا است.» او تأکید کرد که روابط ایران و اسرائیل در آینده می‌تواند قوی باشد. او افزود: «نتیجه واقعی جنگ ۱۲ روزه که آشکارا جنگی علیه رژیم بود و نه مردم ایران- اجازه دهید این تمایز را روشن کنیم- تضعیف نظام از طریق ضربه زدن به دستگاه‌های سرکوبگر رژیم بود. حذف بسیاری از فرماندهان [سپاه پاسداران انقلاب اسلامی] یکی از راه‌های تضعیف رژیم بود، که به نفع مردمی است که اکنون فرصت بیشتری برای ایستادگی در برابر آن دارند... زیرا ما به دنبال آزادی از طریق اشغال خارجی نیستیم.»

وی پیشنهاد کرد یک کارزار سازمانیافته توسط ایرانیان علیه رژیم شکل بگیرد که در آن از تاکتیک‌هایی مانند اعتصاب کارگری استفاده شود و از محل بودجه‌ای که از

● شاهزاده رضا پهلوی طی سخنرانی در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی (USC) با تأکید بر لزوم حمایت از مبارزات مردم ایران برای دستیابی به دموکراسی، از «تغییر رژیم» در ایران به عنوان ضرورتی برای ایجاد صلح و ثبات در خاورمیانه تأکید کرد.

● این سخنرانی با عنوان «داستان دو قوم باستانی: از کوروش بزرگ تا پیمان کوروش» انجام شد. به گزارش وبسایت USC حضور شاهزاده در لس‌آنجلس لحظه‌ای بسیار تأثیرگذار برای ایرانیان این منطقه بود.

● شاهزاده رضا پهلوی در این سخنرانی با تأکید بر ضرورت همکاری میان دو ملت ایران و اسرائیل، بار دیگر پیشنهاد «پیمان کوروش» را مطرح کرد و گفت: «هدف از این پیمان، همکاری میان اسرائیل و ایران آزاد، دموکراتیک و شکوفا است.»

شاهزاده رضا پهلوی طی سخنرانی در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی (USC) با تأکید بر لزوم حمایت از مبارزات مردم ایران برای دستیابی به دموکراسی، از «تغییر رژیم» در ایران به عنوان ضرورتی برای ایجاد صلح و ثبات در خاورمیانه تأکید کرد. وی در این سخنرانی که بخشی از سری سخنرانیان ریموند و دینا لوی بود، درباره آینده ایران، رابطه با اسرائیل و امکان تغییر حکومت جمهوری اسلامی در کشور صحبت کرد.

این سخنرانی با عنوان «داستان دو قوم باستانی: از کوروش بزرگ تا پیمان کوروش» انجام شد. به گزارش وبسایت USC حضور شاهزاده در لس‌آنجلس لحظه‌ای بسیار تأثیرگذار برای ایرانیان این منطقه بود. نیروهای امنیتی در دو سوی سالن Town and Gown حضور داشتند و در محوطه لابی نیز مراقب وضعیت بودند. حدود ۵۰۰ مهمان در سالن حضور داشتند. در بخش دیگری از دانشگاه، در Moreton Fig، مراسم به صورت پخش زنده برای کسانی که موفق به رزرو جا نشده بودند نمایش داده می‌شد.

اورشلیم پست: ده‌ها زن آموزش‌دیده توسط موساد در «جنگ ۱۲ روزه» در ایران حضور داشتند؛ اسرائیل از محل اورانیوم‌های غنی‌شده نیز خبر دارد



طرح: اورشلیم پست

اسلامی اجازه دهد بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ذخایر اورانیومی دسترسی داشته باشند، بر این موضوع تمرکز ویژه‌ای خواهد داشت.

در طول جنگ ۱۲ روزه با جمهوری اسلامی بخش عمده‌ای از تأسیسات هسته‌ای اصلی (نطنز، فردو و اصفهان) هدف قرار گرفت و همچنین به ده‌ها سایت هسته‌ای دیگر آسیب وارد شد. با این حال، بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم با غلظت ۶۰ درصد و نزدیک به سطح تسلیحاتی در طول این عملیات توسط اسرائیل از بین نرفت و سرنوشت آن حتی پس از حمله مستقیم آمریکا به نطنز و اصفهان همچنان مبهم است.

از لحاظ تئوری، این حجم از اورانیوم ۶۰ درصدی می‌تواند بیشتر غنی‌سازی شده و برای تولید حدود شش مهب هسته‌ای مورد استفاده قرار گیرد.

اواخر ژوئن (تیرماه) زمانی که عملیات نخستین بار پایان یافت، برخی منتقدان اسرائیلی گفتند با توجه به آنکه مواد اورانیوم هدف قرار نگرفته، جمهوری اسلامی حتی می‌تواند ظرف چند ماه برای ساخت یک مهب هسته‌ای استفاده شود.

در مقابل، چندین مقام دفاعی اسرائیل به اورشلیم پست گفته‌اند سریع‌ترین زمانی که جمهوری اسلامی در صورت تلاش فوری برای بازسازی همه اجزای بمباران‌شده، می‌تواند برای تولید مهب هسته‌ای تلاش کند، حدود دو سال دیگر خواهد بود؛ دلیل مطرح شده این است که اورانیوم غنی‌شده به خودی خود کاربرد چندانی ندارد.

یکی از شروطی که غرب برای جمهوری اسلامی جهت جلوگیری از اجرای مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌های سازمان ملل در حدود دو هفته آینده تعیین کرده، این است که جمهوری اسلامی به بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اجازه دسترسی به ذخایر اورانیوم را نیز بدهد تا وضعیتی که در حال حاضر مبهم است، شفاف و روشن شود.

دیوید بارنتا صدها مأمور موساد یا افرادی را که توسط مأموران مدیریت می‌شوند، بطور همزمان به عملیات‌هایی در ایران اعزام کرده است؛ همه این گروه‌های متنوع با هماهنگی بسیار بالا عمل کردند.

رئیس دستگاه اطلاعاتی پروژه‌ای را هدایت کرد که طی آن، تا آنجا که می‌توان تصور کرد، طیف گوناگونی از مأموران با پیشینه‌ها و مهارت‌های متنوع به کار گرفته شدند. این روزنامه در بخش دیگری از گزارش خود آورده است که موساد علاوه بر مأموران نفوذی، در جذب و آموزش نیروهای مخالف محلی در ایران برای اقدام علیه «رژیم آیت‌الله‌ها» به سطوح جدیدی از عملیات دست یافته است.

در این گزارش آمده است که مأموران موساد در تهران بطور جمعی و هماهنگ تعداد زیادی از سامانه‌های راداری و سکویهای موشک‌های بالستیک را هدف قرار دادند. علاوه بر این، آنها اطلاعات مربوط به اهداف مورد نظر برای جنگنده‌های اسرائیلی را جهت حمله به طیف گسترده‌ای از این اهداف فراهم کردند.

نویسنده سپس یادآور می‌شود که ضربه آغازین موساد به قدری خیره‌کننده و مؤثر بود که حکومت ایران تازه در روز دوم جنگ توانست به اسرائیل حمله متقابل کند.

موساد از محل اورانیوم غنی‌شده اطلاع دارد

علاوه بر گزارش جدید درباره نقش کلیدی جاسوسان زنان در عملیات «طلوع شیران»، اورشلیم پست دریافته است که شبکه جاسوسی موساد بر محل اورانیوم غنی‌شده در ایران که هنوز مورد حمله قرار نگرفته نیز آگاهی کامل دارد.

بر اساس این گزارش، کنترل موساد به حدی است که اگر تهران بخواهد از این مواد در ساخت مهب اتمی استفاده کند، فوراً مداخله خواهد کرد. موساد تا زمانی که جمهوری

روزنامه «اورشلیم پست» در گزارشی که ۱۴ سپتامبر (۲۳ شهریورماه) منتشر شد نوشت، در جریان جنگ ۱۲ روزه، ده‌ها زن عضو موساد در ایران حضور داشته و در خاک این کشور عملیات‌های مختلفی را علیه برنامه‌های هسته‌ای و موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی انجام داده‌اند.

کتاب «آموزن‌های موساد» نوشته مایکل بار زوهر و نیسیم میشل در سال ۲۰۲۱، عوامل زن موساد را نه تنها به عنوان اغواگر مقامات مرد دشمن و پیشبرد عملیات جاسوسی در تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، بلکه مأمور اجرای عملیات‌های خرابکاری و تهاجمی نیز توصیف می‌کند.

در این گزارش آمده است که مأموران موساد در تهران بطور جمعی و هماهنگ تعداد زیادی از سامانه‌های راداری و سکویهای موشک‌های بالستیک را هدف قرار دادند. علاوه بر این، آنها اطلاعات اهداف مورد نظر برای جنگنده‌های اسرائیلی را جهت حمله به طیف گسترده‌ای از آنها فراهم کردند.

علاوه بر گزارش جدید درباره نقش کلیدی جاسوسان زنان در عملیات «طلوع شیران»، اورشلیم پست دریافته است که شبکه جاسوسی موساد بر محل اورانیوم غنی‌شده در ایران که هنوز مورد حمله قرار نگرفته نیز آگاهی کامل دارد.

روزنامه «اورشلیم پست» در گزارشی که ۱۴ سپتامبر (۲۳ شهریورماه) منتشر شد نوشت، در جریان جنگ ۱۲ روزه، ده‌ها زن عضو موساد در ایران حضور داشته و در خاک این کشور عملیات‌های مختلفی را علیه برنامه‌های هسته‌ای و موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی انجام داده‌اند.

نکته حائز اهمیت از دید نویسنده گزارش این است که دیوید بارنتا رئیس سازمان اطلاعات و عملیات ویژه اسرائیل، نقش مأموران زن موساد در طول جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران را بسیار اساسی می‌داند.

اورشلیم پست می‌نویسد، در حالی که ماهیت دقیق کارهایی که این زنان انجام دادند هنوز در ردیف اطلاعات طبقه‌بندی‌شده قرار دارد، اما در سال ۲۰۲۴ به افتخار یک مأمور ارشد زن موساد که تنها با حرف «G» شناخته می‌شود و پیشینه‌ای ایرانی و تخصص ویژه‌ای در مورد ایران و جذب جاسوسان خارجی در کشورهای دشمن دارد، مراسمی برگزار شد.

کتاب «آموزن‌های موساد» نوشته مایکل بار زوهر و نیسیم میشل در سال ۲۰۲۱، عوامل زن موساد را نه تنها به عنوان اغواگر مقامات مرد دشمن و پیشبرد عملیات جاسوسی در تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، بلکه مأمور اجرای عملیات‌های خرابکاری و تهاجمی نیز توصیف می‌کند.

اگرچه موساد تمایلی به جلب توجه بیش از حد به هیچ زیرگروهی از جاسوسان بالقوه خود ندارد، اما برداشت اورشلیم پست این است که زنان این نهاد اطلاعاتی و عملیاتی در سال ۲۰۲۵ در مقایسه با همتایان پیشین خود، نقش‌های مخفیانه بیشتری از هر نوع را بر عهده گرفته‌اند.

نامه سرگشاده خانواده‌های دادخواه و آسیب‌دیدگان اعتراضات به رهبران و مردم جهان برای اقدام فوری علیه جمهوری اسلامی



● خانواده‌های دادخواه بیش از ۱۰۰ تن از جانب‌گستان و شماری از آسیب‌دیدگان سرکوب اعتراضات توسط جمهوری اسلامی در سومین سالگرد اعتراضات ۱۴۰۱ در نامه‌ای سرگشاده خطاب به رهبران جهان خواستار اقدام فوری علیه جمهوری اسلامی و حمایت از ملت ایران در مبارزات آزادیخواهانه شدند.

● در این نامه که روز سه‌شنبه ۲۵ شهریورماه منتشر شده، آمده که «پاسخ جمهوری اسلامی به اعتراض ما، آسیب‌های جدی جسمی مانند کور کردن یا کشتن عزیزانمان با گلوله‌های جنگی، شکنجه، و اعدام آنان در زندان‌ها با طناب دار بود.»

● قطع روابط دیپلماتیک و اقتصادی با جمهوری اسلامی، اعمال تحریم‌های همه‌جانبه علیه شبکه‌های مالی، نظامی و سایبری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، و حمایت حداکثری و عملی از مردم ایران برای گذار به حکومتی دموکراتیک سه خواسته دیگر امضاکنندگان این نامه از رهبران جهان است.

ده‌ها خانواده از دادخواهان جانب‌گستان اعتراضات سال‌های گذشته و شماری از آسیب‌دیدگان سرکوب اعتراضات توسط جمهوری اسلامی، با انتشار نامه‌ای سرگشاده خطاب به رهبران جهان خواستار اقدام فوری علیه جمهوری اسلامی و همراهی با مبارزات آزادیخواهانه ملت ایران شدند. خانواده‌های دادخواه بیش از ۱۰۰ تن از جانب‌گستان آزادی میهن و شماری از آسیب‌دیدگان سرکوب اعتراضات توسط جمهوری اسلامی در سومین سالگرد اعتراضات ۱۴۰۱ در نامه‌ای سرگشاده خطاب به رهبران جهان خواستار اقدام فوری علیه جمهوری اسلامی و حمایت از ملت ایران در مبارزات آزادیخواهانه شدند.

در این نامه که روز سه‌شنبه ۲۵ شهریورماه منتشر شده، آمده که «پاسخ جمهوری اسلامی به اعتراض ما، آسیب‌های جدی جسمی مانند کور کردن یا کشتن عزیزانمان با گلوله‌های جنگی، شکنجه، و اعدام آنان در زندان‌ها با طناب دار بود.» نویسندگان با تأکید بر اینکه «جمهوری اسلامی از بدو به قدرت رسیدن، منابع مالی و پتانسیل‌های کشور را بجای ایجاد رفاه و آسایش برای مردم، برای راه‌اندازی زیرساخت‌های سرکوب و کشتار به کار گرفته» خواستار آن شدند که دولت‌های دیگر کشورها با اقداماتی چون قرار دادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی از امنیت و صلح جهانی حمایت کنند. قطع روابط دیپلماتیک و اقتصادی با جمهوری اسلامی، اعمال تحریم‌های همه‌جانبه علیه شبکه‌های مالی، نظامی و سایبری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، و حمایت حداکثری و عملی از مردم ایران برای گذار به حکومتی دموکراتیک سه خواسته دیگر امضاکنندگان این نامه از رهبران جهان است.

متن کامل این نامه به شرح زیر است:
ما امضاکنندگان این نامه، از آسیب‌دیدگان و خانواده‌های دادخواه هستیم که خودمان و عزیزانمان در خیزش ملی از جمله سه خیزش بزرگ دی‌ماه ۹۶، آبان‌ماه ۹۸، و اعتراضات ۱۴۰۱ با خیابان آمدم تا در اعتراض به ماهیت استبدادی جمهوری اسلامی همصدا با دیگر اقشار ملت باشیم. پاسخ جمهوری اسلامی به اعتراض ما، آسیب‌های جدی

جهانی به شمار می‌روند. برای ایجاد صلح و امنیت جهانی باید هماهنگ و همه‌جانبه اقدام کرد. اگرچه امروز دیر است اما هنوز فرصتی برای پیشگیری از خطرات بزرگتر باقی است. همچنانکه مردم ایران در داخل کشور به مبارزان خود ادامه می‌دهند، این اقدامات از سوی شما هم به صلح و ثبات در منطقه یاری خواهد رساند:

- قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی؛ مانند اقدامی که به تازگی دولت استرالیا انجام داد.
- قطع هرگونه روابط دیپلماتیک و اقتصادی با جمهوری اسلامی که کمکی برای مشروعیت‌بخشی به آن است.
- اعمال تحریم‌های همه‌جانبه علیه شبکه‌های مالی، نظامی و سایبری سپاه پاسداران.
- حمایت حداکثری و عملی از مردم ایران برای گذار به حکومتی دموکراتیک.

مردم ایران خون داده‌اند و ایستاده‌اند؛ اکنون نوبت جامعه جهانی است که برای امنیت خود اقدام کند. مبارزه ملت ایران در تاریخ به عنوان فداکاری برای آزادی و امنیت جهان ثبت خواهد شد.

امضاکنندگان:

- خانواده عباس شفیعی - اعتراضات ۱۴۰۱
- خانواده پژمان قلی‌پور - اعتراضات آبان ۹۸
- خانواده ابوالفضل امیر عطایی - اعتراضات ۱۴۰۱
- خانواده جواد حیدری - اعتراضات ۱۴۰۱
- خانواده نوید بهبودی - اعتراضات آبان ۹۸
- خانواده مجید کاظمی - اعتراضات ۱۴۰۱
- خانواده آیدا رستمی - اعتراضات ۱۴۰۱
- خانواده مینو مجیدی - اعتراضات ۱۴۰۱
- خانواده امیر الوندی‌مهر - اعتراضات آبان ۹۸
- خانواده محمد حسینی عرفان - اعتراضات آبان ۹۸
- خانواده آمنه شهبازی - اعتراضات آبان ۹۸
- خانواده حمیدرضا کاظمی - اعتراضات ۱۴۰۱

جسمی مانند کور کردن یا کشتن عزیزانمان با گلوله‌های جنگی، شکنجه، و اعدام آنان در زندان‌ها با طناب دار بود. جمهوری اسلامی از بدو به قدرت رسیدن، منابع مالی و پتانسیل‌های کشور را بجای ایجاد رفاه و آسایش برای مردم، برای راه‌اندازی زیرساخت‌های سرکوب و کشتار به کار گرفته است. در درون کشور، با اعدام و سرکوب مردم را ساکت می‌کند و در خارج از کشور نیز از طریق تروریسم دولتی، گروگانگیری، جنگ‌افروزی با استفاده از نیروهای نیابتی خود، تولید موشک‌های دوربرد و تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای امنیت جهانی را تهدید می‌کند.

با اینهمه ملت ایران، شامل زن، مرد، پیر و جوان با وجود سرکوب‌های خونبار، همچنان به اعتراض و مبارزه برای آزادی و زندگی با کرامت ادامه می‌دهند. جمهوری اسلامی امروز به دلیل شکست در تأمین رفاه عمومی، سرکوب گسترده و از دست دادن پایگاه اجتماعی، پشتوانه مردمی ندارد و ماندگاری آن تنها با زور گلوله و سرکوب وابسته است. این رژیم جنایتکار اکنون در تاریک‌ترین نقطه تاریخی خود ایستاده است؛ در نقطه‌ای که زندگی روزمره شهروندان مختل شده، هر روز بحران‌های جدیدی از فروپاشی اقتصادی تا فروپاشی محیط زیستی نمایان می‌شوند.

خشکسالی به سرعت در حال گسترش در ایران است و این روند به معنای تشدید موجی از مهاجرت‌های اجباری است. این موج، تهدیدی مستقیم برای کشورهایی است که هم‌اکنون نیز با معضل مهاجران دست و پنجه نرم می‌کنند. مهره‌های اصلی سرکوب از دست رفته‌اند و پس از جنگ ۱۲ روزه [میان جمهوری اسلامی و اسرائیل] و مخفی شدن علی خامنه‌ای، دستگاه پروپاگاندای رژیم هم بی‌خاصیت شده است.

با اینهمه، همچنان شبکه‌های تروریستی سپاه پاسداران در سراسر جهان و نیروهای نیابتی حکومت در منطقه، به واسطه تلاش رژیم برای دستیابی به سلاح هسته‌ای، در حال جنگ‌افروزی بوده و تهدیدی جدی علیه امنیت و صلح

وزارت خارجه آمریکا: قتل مهسا امینی و دیگران کیفرخواست محکمی برای اثبات جنایات جمهوری اسلامی علیه بشریت است



اعتراضات گسترده در سراسر جهان در حمایت از صدای مردم ایران

● در سومین سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی، تامی پیگوت معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد «قتل مهسا و قتل بسیاری دیگر، کیفرخواست محکمی برای اثبات جنایات جمهوری اسلامی علیه بشریت است».

● در این بیانیه از جمله آمده است: «۴۶ سال است که جمهوری اسلامی از طریق شکنجه و اعدام حکومت می‌کند و مخالفان را با اعدام‌های عمومی و ضرب و شتم ساکت می‌کند. در حالی که جمهوری اسلامی ثروت کشور را صرف پروراندن تروریسم می‌کند، مردم خود را نادیده گرفته و آنها را با کمبود آب و برق، فقر، و زیر ساخت‌های رو به زوال مواجه کرده است. ایران می‌بایست یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان باشد. در عوض، آینده این کشور توسط یک طبقه حاکم فاسد بر باد رفته است».

● در این میان روزنامه «کیهان» چاپ تهران در گزارشی با عنوان «وقایع‌نگاری یک مرگ از پیش طراحی‌شده»، در یک سناریوسازی جدید ادعا کرد که پسرخاله مهسا امینی که عضو «حزب کومله» بود در یک نقشه برنامه‌ریزی شده به او دارو خوراند است!

حساب وزارت خارجه آمریکا به فارسی در ادامه نوشته است: «در این روز تأثیرگذار، ما در کنار زنان شجاع و مردم ایران ایستاده‌ایم. ما از مبارزه مردم ایران جهت دستیابی به عدالت و پاسخگویی در برابر این رژیم بی‌رحم تقدیر می‌کنیم، و ایالات متحده آمریکا بر وضعیت اسفناک حقوق بشر در ایران همچنان تأکید خواهد کرد و خواستار تغییرات معنا دار است».

سناریوسازی جدید کیهان تهران در سالگرد مهسا

در این میان روزنامه «کیهان» چاپ تهران در گزارشی با عنوان «وقایع‌نگاری یک مرگ از پیش طراحی‌شده»، در یک سناریوسازی جدید ادعا کرد که پسرخاله مهسا امینی که عضو «حزب کومله» بود در یک نقشه برنامه‌ریزی شده به او دارو خوراند است!

کیهان تهران مدعی شد، بر اساس اسناد به دست آمده، قرار این بود که از شهریور یا مهر ۱۴۰۱ و همزمان با بازگشایی مدارس و دانشگاه‌ها، یکسری اعتراضات از داخل همین مراکز کلید بخورد و گروه‌هایی مثل مجاهدین خلق، «الاحوازیه»، «جیش‌العدل»، کومله و حزب دموکرات و پ‌ک‌ک، داعش، اعتراضات را به اغتشاش و شورش تبدیل کنند!

این روزنامه حتا مدعی شد در نشست سه‌جانبه‌ای با حضور نمایندگانی از آمریکا، انگلیس، اسرائیل قرار شد ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا، تسلیحاتی در اختیار ضدانقلاب مستقر در کردستان قرار دهد و با پشتیبانی اطلاعاتی از مجاهدین در داخل ایران اقدامات سری انجام شود!

قتل حکومتی مهسا امینی دختر جوان اهل سقز که در سفری به تهران توسط گشت ارشاد اسلامی دستگیر و در بازداشتگاه جان خود را از دست داد، به بزرگترین جنبش سراسری اعتراضی علیه جمهوری اسلامی انجامید که ماه‌ها ادامه یافت و چشم جهان را خیره ساخت. همبستگی ملی و بین‌المللی با خیزش مهسا و ابتکارات نسل‌های جوان ایران در این جنبش به عنوان نقطه عطفی در تاریخ مبارزات مردم ایران علیه رژیم اسلامی ثبت شده است.

جمهوری اسلامی ایران به پایان رسید، گرامی می‌داریم. ۴۶ سال است که جمهوری اسلامی از طریق شکنجه و اعدام حکومت می‌کند و مخالفان را با اعدام‌های عمومی و ضرب و شتم ساکت می‌کند. در حالی که جمهوری اسلامی ثروت کشور را صرف پروراندن تروریسم می‌کند، مردم خود را نادیده گرفته و آنها را با کمبود آب و برق، فقر، و زیر ساخت‌های رو به زوال مواجه کرده است. ایران می‌بایست یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان باشد. در عوض، آینده این کشور توسط یک طبقه حاکم فاسد بر باد رفته است».

در این بیانیه همچنین آمده است: «ایالات متحده آمریکا در کنار مردم ایران و فراخوان آنها برای عزت و زندگی بهتر ایستاده است. ما به اعمال فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی و حصول اطمینان از پاسخگو قرار دادن این رژیم به دلیل اقداماتش علیه مردم خود و همسایگانش ادامه خواهیم داد».

تامی پیگوت معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در پایان این بیانیه می‌نویسد: «نام مهسا هرگز فراموش نخواهد شد. قتل او و قتل بسیاری دیگر، کیفرخواست محکمی برای اثبات جنایات جمهوری اسلامی علیه بشریت است. ایالات متحده آمریکا به همکاری با متحدان و شرکای خود در سراسر جهان جهت حصول اطمینان از اینکه جنایات این رژیم با پاسخگویی، عدالت، و عزم راسخ روبرو شود، ادامه خواهد داد».

همچنین حساب کاربری وزارت خارجه آمریکا به فارسی در شبکه‌های اجتماعی با انتشار عکسی از اعتراضات ایرانیان خارج کشور در خیزش مهسا نوشته است: «در سومین سالگرد مرگ فجیع او، یاد مهسا (ژینا) امینی، دختر ۲۲ ساله ایرانی را گرامی می‌داریم که بنا به گزارش‌ها پس از ضرب و شتم توسط مقامات رژیم به دلیل عدم رعایت قوانین حجاب اجباری، جان خود را از دست داد. نام و داستان او در قلب و ذهن ما حک شده است، و ما بار دیگر تأکید می‌نماییم که او را فراموش نکرده و هرگز فراموش نخواهیم کرد».

در سومین سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی، تامی پیگوت معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد به اعمال فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی و حصول اطمینان از پاسخگو قرار دادن این رژیم به دلیل اقداماتش علیه مردم خود و همسایگانش ادامه خواهد داد.

وی در این بیانیه که ۱۵ سپتامبر (۲۴ شهریور) منتشر شد، نوشته است: «در سومین سالگرد قتل وحشیانه مهسا ژینا امینی، یاد و خاطره او را که زندگیش در عنفوان جوانی توسط

خانواده عرفان دشتی - اعتراضات ۱۴۰۱

خانواده پویا بختیاری - اعتراضات ۹۸
حمدی (پارسا) غلامی - آسیب‌دیده ۱۴۰۱
علی زارعی - آسیب‌دیده ۱۴۰۱
پوریا علیپور - آسیب‌دیده ۱۴۰۱
مرسده شاهین‌کار - آسیب‌دیده ۱۴۰۱
مجید موافق - آسیب‌دیده ۱۴۰۱
حامد داوودی - آسیب‌دیده ۱۴۰۱
حسین نوری نیکو - آسیب‌دیده ۱۴۰۱
مصطفی رحمان زاده - آسیب‌دیده ۱۴۰۱
سامان پورریغما - آسیب‌دیده ۱۴۰۱
پارسا قبادی - آسیب‌دیده ۱۴۰۱
محمد فرضی - آسیب‌دیده ۱۴۰۱
علی دلپسند - آسیب‌دیده ۱۴۰۱
الهه توکل‌یان - آسیب‌دیده ۱۴۰۱
عرفان شکوری - آسیب‌دیده ۱۴۰۱
یاسر الوندیان - آسیب‌دیده ۱۴۰۱
مرسده دهقانی - آسیب‌دیده ۱۴۰۱
حمیدرضا حیدری - آسیب‌دیده ۱۴۰۱
محسن عبدالرضا - آسیب‌دیده ۱۴۰۱
حسین اشتری - آسیب‌دیده ۱۴۰۱
علی مجیدی - زندانی سیاسی و آسیب‌دیده
و ۷۰ خانواده دادخواه و شهروند آسیب‌دیده از درون ایران

کنفرانس «گفتگوی ملی برای ایران» برگزار شد؛ برای همبستگی نیروهای آزادیخواه مخالف جمهوری اسلامی چه باید کرد؟



نازنین انصاری مدیرمسئول کیهان لندن و کاملیا انتخابی‌فرد سردبیر ایندپیندنت فارسی در یکی از پنل‌های کنفرانس «گفتگوی ملی برای ایران»

اجتماعی و سیاسی ایران و مسئولیت فردی و اجتماعی، بازخوانی وقایع و تحولات «انقلاب ۵۷» و مقایسه با وضعی کنونی، ضرورت «شکل‌گیری گفتگوی ملی» با رویکرد فراجنبی میان نیروهای سیاسی، «شناسایی اختلافات و مشکلات» به عنوان موانع ایجاد همبستگی و فراهم کردن شرایط برای افزایش همکاری میان گروه‌ها و جریان‌های مختلف فکری بود.

اغلب حاضرین در کنفرانس تأکید کردند که جمهوری اسلامی به ویژه پس از «جنگ ۱۲ روزه» و ناشی از فشارهای داخلی و بین‌المللی اکنون در ضعیف‌ترین موقعیت خود قرار دارد و می‌بایست از این فرصت به سود مردم ایران و تحقق آزادی و حقوق آنها استفاده کرد.

پنل‌های کنفرانس و مهمانان این کنفرانس دوره‌به‌دوره متشکل از چندین پنل با حضور مهمانان از حرفه‌ها و فعالیت‌های مختلف و طیف‌های فکری و سیاسی متفاوت به ترتیب زیر اعلام شده بود:

- «دادخواهی و آینده ایران»: لادن بازرگان، سعید دهقان، مهسا پیرایی و لادن برومند.
- «آزادی اینترنت و آینده دیجیتال ایران»: علیرضا فیروزی، نیما راشدان و اعظم جنگروی.
- «ایرانیان در خدمات عمومی»: علی احساسی، علیرضا آخوندی، هانا نیومان و کیان رجاییان.
- «سیاست خارجی درباره ایران: چیست و به کجا می‌رود؟»: بهنام بن‌طالب‌لو، الکس وطنخواه، آلن ایر و نگار مجتهدی.

- «درس‌هایی از گذرها: ایران چه می‌تواند بیاموزد؟»: کارل گرشن، نیاز زکا، ابراهیم الاصل و رکسانا صابری.
- «راهبرد و مسیرهای گذار به دموکراسی»: مهدی یحیی‌نژاد، شکریه برادست، فواد پاشایی و مهرداد یوسفیانی.
- «رسانه، حقیقت و سلامت اطلاعات» (در دو بخش):

نازنین انصاری، کاملیا انتخابی‌فرد، مازیار بهاری

- در آستانه‌ی سومین سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی، کنفرانس دو روزه «گفتگوی ملی برای ایران» روز شنبه ۱۳ سپتامبر (۲۲ شهریورماه) در واشنگتن دی‌سی به کار خود پایان داد. در این نشست، شماری از متخصصان، حقوقدان‌ها، فعالان سیاسی و مدنی، روزنامه‌نگاران و نویسندگان و آسیب‌دیدگان اعتراضات ضدحکومتی در ایران، درباره شیوه‌های گذار و مسیرهای پیش روی کشور به بحث و تبادل نظر پرداختند.

- این کنفرانس شامل پنل‌های تخصصی با تمرکز بر ایجاد فضای تبادل نظر میان نمایندگان، فعالان و حامیان گروه‌ها و طیف‌های مختلف سیاسی بود.

- برگزارکننده این کنفرانس «انجمن همبستگی برای ایران» بود. محور اصلی گفتگوهای مهمانان، بر موانع و مشکلات میان نیروهای آزادیخواه مخالف جمهوری اسلامی برای همبستگی و ارائه راهکار برای تقویت همکاری میان آنها قرار داشت.

- در بخش مربوط به «رسانه، حقیقت و سلامت اطلاعات» که نازنین انصاری مدیرمسئول کیهان لندن نیز در آن شرکت داشت، موضوع از جمله روی نقش رسانه‌ها در شرایط ویژه ایران و وضعیت خبرنگاران چه در داخل و چه در خارج کشور متمرکز بود.

در آستانه‌ی سومین سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی، کنفرانس دو روزه «گفتگوی ملی برای ایران» روز شنبه ۱۳ سپتامبر (۲۲ شهریورماه) در واشنگتن دی‌سی به کار خود پایان داد. در این نشست، شماری از متخصصان، حقوقدان‌ها، فعالان سیاسی و مدنی، روزنامه‌نگاران و نویسندگان و آسیب‌دیدگان اعتراضات ضدحکومتی در ایران، درباره شیوه‌های گذار و مسیرهای پیش روی کشور به بحث و تبادل نظر پرداختند.

برگزارکننده این کنفرانس «انجمن همبستگی برای ایران» بود. محور اصلی گفتگوهای مهمانان، بر موانع و مشکلات



یکی از پنل‌های کنفرانس «گفتگوی ملی برای ایران»

مأموریت آسمانی بدون جواز دولتی

خبراندیش (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۱۶۰) خرداد ۱۳۸۶



جلسه به آقای «د» نماینده حراف و پر حرارت مجلس برسانم.

حسب‌الوظیفه، پاکت را رساندم و طبق معمول، در گوشه‌ای از تالار جلسه علنی ایستادم و به مذاکرات گوش سپردم. لایحه با اهمیتی که دولت به مجلس داده بود مطرح شد. آقای «د» پشت تریبون رفت و با حرارت زیاد در مخالفت با لایحه صحبت کرد.

این جور مخالف‌خوانی در آن زمان خلاف عادت بود و بسیاری از وکلا را متعجب کرد. اما چون می‌دانستند آقای «د» کسی نیست که بی‌گدار به آب بزند، لایحه هر کدام در ذهن خودشان دنبال سرخ قضیه می‌گشتند. من هم البته اطمینان داشتم بین این نطق و نامه‌ای که حامل آن بودم ارتباطی وجود دارد. پس از آن که آقای «د» نطق خود را به پایان رساند و نماینده دیگری در موافقت با لایحه صحبت کرد، مرحوم آقا سید یعقوب (انوار) اجازه صحبت خواست و او نیز شدیداً در مخالفت با لایحه سخن گفت.

در پایان وقت اداری، من برای تسلیم گزارش روزانه به دفتر رئیس کل رفتم و در آنجا شاهد برخورد تند رئیس (سپاس مختار) با آقا سید یعقوب بودم. رئیس بر سر وکیل مجلس فریاد می‌زد که این فضولیاها به امثال تو نمی‌رسد. چه حق داشتی با لایحه دولت مخالفت کنی. سید یعقوب متعذر شد که چون دیدم آقای «د» آن طور مخالفت کرد پیش خودم فکر کردم لایحه مصلحت چنین است و خواستم خدمتی کرده باشم.

رئیس با تغییر گفت: بعد از این وقتی خواستی فکر کنی اجازه بگیر!

اشخاص باید بدانند که هر دکانی یک دکاندار و هر امامزاده‌ای یک متولی دارد و بدون مجوز، کسی حق ندارد از این دکانها باز کند و از این امامزاده‌ها بسازد.

دولت امام زمانی چشم دیدن رقیبان را ندارد. انکار که تدارک مقدمات و صاف کردن جاده برای ظهور حضرت صاحب‌الامر، حق انحصاری دولت نهم و آیت‌الله‌های قم است.

سایت «بازتاب» خبر داده است: «در ادامه پروژه‌های رو به افزایش سوءاستفاده از عقاید مذهبی مردم، اعضای یک باند دیگر مدعی ارتباط با حضرت ولی عصر (عج) در منطقه کلاردشت، دستگیر شدند. گفته می‌شود یک استاد دانشگاه مقیم آمریکا، برنامه‌ریزی و خط‌دهی به اعضای این باند را برعهده داشته و یک زن تهرانی نیز با هدایت این فرد، کلاسهایی را برگزار می‌کرده تا با سوءاستفاده از اعتقادات مردم، آنچه را مأموریت آسمانی خود برای امام زمان (عج) بوده تشریح کند.

این زن ۵۱ ساله با حضور در مراسم موسوم به سفره در منزل برخی از خاها، تعداد بسیاری از آنان را گرد خود جمع کرده و از میان آنان، چهل نفر را به‌عنوان سفیر برای ترویج مأموریت آسمانی خود، که از سوی فرشتگان به وی نازل شده، به شهرهای گوناگون اعزام کرده بود. گفته می‌شود بیشتر این سفیران آسمانی! دستگیر شده‌اند.»

روانش شاد، مرحوم سرتیپ «پ» از افسران خوش‌سابقه و خوش‌محضر شهربانی، حکایت می‌کرد که در اواخر سلطنت رضاشاه، من مأمور خدمت در کلانتری ۳ بودم و وظیفه داشتم روزهایی که مجلس شورای ملی جلسه داشت مراقب انتظامات در اطراف کاخ بهارستان باشم و جریان رفت و آمدها و مذاکرات مجلس را هم گزارش دهم. روزی، صبح زود به اداره کل شهربانی احضار شدم و پانکی سربسته به من دادند که آن را قبل از تشکیل

→ (حضور نیافت)، مهتاب وحیدی‌راد و مهرداد قاسمفر. - «فراتر از کنشگری: ایجاد یک جامعه شبکه‌ای برای ایران»: نازنین افشین‌جم، نگین شیرآقایی، اسماعیل عبدی، سیامک آرام و شارمین میمن‌نژاد. - «بازتاب گذشته: عبور از امروز با بینش تاریخی»: شهرام خلدی، شایان سمیعی، لادن برومند و علی احساسی. - «گفتگوی ملی در میان طیف‌های سیاسی برای شناسایی اختلافات و مشکلات»: شهران طبری، ایرج گنج‌بخش، شهریار آهی و آرش عزیزی.

در این پنل‌ها وضعیت فعلی اجتماعی ایران با وضعیت منتهی به «انقلاب ۵۷» نیز مقایسه شد. همچنین مطرح شد که در دوران کنونی مسئله اصلی فروپاشی جمهوری اسلامی و آزادی مردم است و پس از آن حرکت در مسیر شکوفایی ایران است و باید بعد از جمهوری اسلامی شرایطی را فراهم کرد که تمام جریان‌هایی که به دنبال توسعه و پیشرفت کشور هستند در آن آینده سهیم باشند.

موانع همبستگی یکی از پنل‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی از سوی برخی کاربران بیشتر به آن توجه و پرداخته شد، «گفتگوی ملی در میان طیف‌های سیاسی برای شناسایی اختلافات و مشکلات» با شرکت شهران طبری، ایرج گنج‌بخش، شهریار آهی و آرش عزیزی بود. در این پنل گنج‌بخش عنوان کرد: «در مجلس مؤسسان که قرار است در آینده پس از جمهوری اسلامی انتخابات آن برگزار شود، باید گرایش‌های مختلف از جمله پادشاهیخواه، جمهوریخواه، سکولار، لیبرال، راست و چپ و مذهبی در آن حضور داشته باشند، بنابراین اگر دنبال تکثر هستیم باید از امروز آماده شویم تا بتوانیم کنار هم بنشینیم.» او تأکید کرد برای پیشبرد گفتگوی ملی، به «خویش‌شناسی و گذشت» نیاز است و همچنین باید تمام قدرت و تمرکز را روی از بین بردن «اصل ولایت فقیه» گذاشت.

در بخشی از این پنل شهریار آهی در ارتباط با موانع پیش روی شکل‌گیری گفتگوی ملی گفت: «بزرگترین مانع برای اپوزیسیون به ویژه در خارج کشور نگاه به بالا و نگاه به قدرت است، باید نگاه به پایین یعنی مردم و زندگی مردم باشد.» او توضیح داد: «اعتراضات مردم روز به روز بیشتر می‌شود، باید نگاه به آن اعتراضات باشد مثل اعتراض معلمان و کادر درمان... و اپوزیسیون باید سعی کند پشتیبان آنها باشد و با جلب اعتماد از آنها نمایندگی بگیرد.»

آرش عزیزی فعال سیاسی نیز گفت: «اول باید مخالفان دموکراسی‌خواه جمهوری اسلامی، با هم بتوانند گفتگو کنند و دوماً بتوانند همکاری کنند: از پهلوی تا موسوی همکاری کنند و نهادسازی کنند، اما واقعیت این است که این الگو با شرایط حالا شدنی نیست زیرا گروه‌های مختلف نسبت به هم در بالاترین سطوح دشمنی دارند و حتی نزدیک مبحث گفتگو هم نیستیم.»

در بخش مربوط به «رسانه، حقیقت و سلامت اطلاعات» که نازنین انصاری مدیرمسئول کیهان لندن نیز در آن شرکت داشت، موضوع از جمله روی نقش رسانه‌ها در شرایط ویژه ایران و وضعیت خبرنگاران چه در داخل و چه در خارج کشور متمرکز بود. در این بخش نیز مسائل سیاسی ایران مطرح شد و دیگر شرکت‌کنندگان در پنل نیز شامل کاملیا انتخابی، مهتاب وحیدی‌راد و مهرداد قاسمفر درباره‌ی آن به گفتگو پرداختند.

برگزارکنندگان و مهمانان این کنفرانس بطور مشترک عنوان کردند که همبستگی جریان‌های مختلف اپوزیسیون به تقویت صدای مردم ایران و افزایش حمایت بین‌المللی از خواست‌ها و حقوق مردم کمک خواهد کرد.

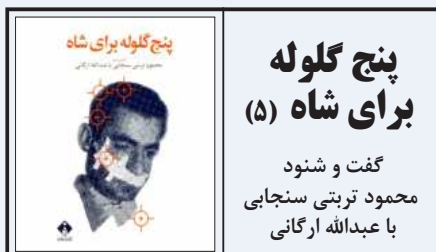
آنچه کیانوری از قول من در خاطراتش گفته کذب محض است

فرمانده لشکر فارس در زندان شیراز با خسرو روزبه روبوسی کرد و

گفت: دوست عزیز، شما اینجا چه می‌کنید؟

(تاریخ نشر در کیهان لندن: دی و بهمن ماه ۱۳۸۱ - شماره‌های ۹۴۳ - ۹۳۹)

باز نشر



پنج گلوله برای شاه (۵)

گفت و شنود
محمود تربتی سنجابی
با عبدالله ارگانی

او، داستان را از زبان شاهدان واقعه و نیز کسانی که پایشان به معرکه کشیده شد، باز می‌گوید. تقریباً همه آنها از جهان رفته‌اند جز يك تن که نزدیکترین دوست ناصر فخرآرایی بود و از قصداو برای کشتن شاه اطلاع داشت اما تا کنون کسی روایت کامل او را ننشیده بود: عبدالله ارگانی. بخشی از کتاب «پنج گلوله برای شاه» و خاطرات عبدالله ارگانی را برای ملاحظه شما برگزیده‌ایم که در چند شماره خواهید خواند.

بیش از نیم قرن بر حادثه پانزده بهمن (سوء قصد به محمدرضا شاه در محوطه دانشگاه تهران میگذرد و هنوز ابهاماتی درباره این رویداد که به انحلال حزب توده و بازداشت گروه زیادی از فعالان سیاسی انجامید باقیست. محمود تربتی سنجابی خبرنگار پیشین روزنامه اطلاعات، اخیراً با تدوین و انتشار کتاب «پنج گلوله برای شاه» این پرونده قدیمی ولی همچنان مفتوح را به نحوی جذاب و غاری از هرگونه جانبداری و جانب‌گیری، در معرض بازنگری قرار داده است.



محمد رضا شاه در حالی که دستمالی بر دهان گرفته است، محوطه دانشگاه را برای رفتن به بیمارستان ترک میکند. (سرهنک محمد دفتری رئیس دژبان پشت سر شاه دیده می‌شود)

از دوران زندان بگویید.

— در زندان شیراز، با عبدالحسین نوشین، احمد قاسمی، خسرو روزبه، محمود بقراطی و چند نفر دیگر از سران حزب که به شیراز تبعید شده بودند، در يك بند بودیم. در يك بعد از ظهر، که من و بقراطی در حیاط زندان قدم می‌زدیم، بقراطی به من گفت: «بالاخره نفهمیدیم ترور شاه، قضیه‌اش چه بود؟» من که از این سؤال تعجب کرده بودم گفتم: «کیانوری در جریان امر بود و این مطلب را با کمیته مرکزی حزب در میان گذاشته است. شما هم از آن مطلع بودید و خودتان تجویز کردید». بقراطی که از این پاسخ من جا خورده بود، گفت: «نه، من هیچ اطلاعی نداشتم». سپس چگونگی امر را از من سؤال کرد و من هم ماجرا را به‌طور مفصل برای او شرح دادم. بقراطی این موضوع را پیش خود نگه می‌دارد تا پلنوم چهارم.

برادران لنکرانی برای من پیغام فرستاد و دیگر هیچ. کیانوری برای اثبات ادعای خود، مردگان را به شهادت گرفته است. در زندان شیراز، در مقابل سلولهای ما يك حیاط به ابعاد ۴×۶ متر و دیوارهایی به ارتفاع پانزده متر بود و يك درخت در وسط آن قرار داشت. نوشین، کارش این بود که هرروز صبح، بعد از صرف صبحانه، می‌رفت زیر آن درخت می‌نشست و مشغول ترجمه می‌شد و وقتی که ظهر برای صرف ناهار می‌آمد، روی سر و شانه‌هایش پر از فضلہ گنجشک بود.

بد نیست بدانید بعد از دستگیری نوشین، تئاتر فردوسی که نوشین آن را تأسیس کرده بود، به دستور فرمانداری نظامی تعطیل شد. لرتا — همسر نوشین — در تئاتر سعدی شروع به کار کرد. در آن زمان، نوشین در زندان تهران بود. لرتا، نمایشنامه‌ای را که می‌خواست بر روی صحنه

بدها، شنیدم که بقراطی و قاسمی در پلنوم چهارم، موضوع را مطرح می‌کنند و کیانوری را زیر سؤال می‌برند. کیانوری ادعا می‌کند که موضوع را با رادمنش و کشاورز و طبری در بالکن ساختمان روزنامه «مردم» در میان گذاشته است. من از صحت و سقم گفت و گوی کیانوری با آنان بی اطلاع، گو این که کیانوری به من گفته بود که موضوع را در اجلاس کمیته مرکزی مطرح خواهد کرد، نه با آقایان رادمنش، کشاورز و طبری.

اما ادعای او مبنی بر این که بقراطی در زندان با من تماس داشته و من به او گفته بودم که: «نتوانستم به کیانوری خبر بدهم که ناصر می‌خواهد روز ۱۵ بهمن نقشه‌اش را عملی کند»، کذب محض است؛ زیرا من معاون انتظامات حزب بودم و در طول هفته، چند بار با او در حزب ملاقات داشتم. همان طور که قبلاً گفتم، کیانوری فقط يك بار توسط یکی از



جمهوری اسلامی بابک شهبازی را اعدام کرد



● حکم اعدام بابک شهبازی که دو سال پیش به اتهام «جاسوسی برای اسرائیل» بازداشت و محاکمه شده بود، سحرگاه چهارشنبه ۲۶ شهریورماه ۱۴۰۴ اجرا شد.

● بابک شهبازی در دی ماه ۱۴۰۲ بازداشت و در اردیبهشت ۱۴۰۴ به اتهام «جاسوسی برای اسرائیل» در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست ابوالقاسم صلواتی به اعدام محکوم شد.

● حکم اعدام بابک شهبازی با سه بار رد درخواست اعاده دادرسی در دیوان عالی کشور تأیید شد. این در حالیست که بارها گرفتن اعتراف اجباری از این شهروند زیر شکنجه‌های سنگین جسمی و روانی مطرح بوده است.

● فاصله کوتاه میان رد درخواست اعاده دادرسی و اجرای حکم اعدام این شهروند که حتی سابقه فعالیت سیاسی هم نداشته و با پرونده‌سازی نهادهای امنیتی روبرو شده، نشان می‌دهد جمهوری اسلامی روند پرونده در اجرای احکام را سرعت بخشیده تا او را زودتر اعدام کند.

حکم اعدام بابک شهبازی که دو سال پیش به اتهام «جاسوسی برای اسرائیل» بازداشت و محاکمه شده بود، سحرگاه چهارشنبه ۲۶ شهریورماه ۱۴۰۴ اجرا شد.

خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضائیه جمهوری اسلامی، با تأیید خبر اعدام بابک شهبازی در سحرگاه ۲۶ شهریورماه ۱۴۰۴ مدعی شد که این شهروند به دلیل همکاری اطلاعاتی، جاسوسی و امنیتی با اسرائیل و تبادل اطلاعات با افراد وابسته به آن کشور اعدام شده است.

در روزهای گذشته افراد نزدیک به بابک شهبازی و فعالان حقوق بشر از خطر اجرای حکم اعدام این شهروند خبر داده بودند. یاسمین شهبازی فرزند بابک شهبازی شب گذشته در شبکه «ایکس» از انتقال پدرش به سلول انفرادی زندان قزلحصار برای اجرای حکم اعدام خبر داده بود.

بابک شهبازی در دی ماه ۱۴۰۲ بازداشت و در اردیبهشت ۱۴۰۴ به اتهام «جاسوسی برای اسرائیل» در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست ابوالقاسم صلواتی به اعدام محکوم شد.

حکم اعدام بابک شهبازی با سه بار رد درخواست اعاده دادرسی در دیوان عالی کشور تأیید شد. این در حالیست که بارها گرفتن اعتراف اجباری از این شهروند زیر شکنجه‌های سنگین جسمی و روانی مطرح بوده است.

منابع آگاه گفته‌اند که در روزهای نخست پس از بازداشت وی، مأموران امنیتی ساعت ۳ بامداد به خانه او حمله کردند و صدای جیغ و فریاد همسر و دختر نوجوانش را ضبط کردند و این صدای ضبط شده را برای این زندانی سیاسی

→ بیاورد برای نوشتن می‌فرستاد. در زندان تهران، وقتی یک زندانی می‌مرد او را بطور موقت در یک اتاق که مخصوص این کار بود، می‌گذاشتند تا این که از اداره متوفیات او را برای کفن و دفن ببرند. این اتاق اغلب خالی بود. نوشتن در این اتاق غایب‌نامه را می‌خواند و دیالوگها و موسیقی و «میزانسن» آن را تنظیم می‌کرد و به لرتا می‌داد و لرتا هم آن را اجرا می‌کرد.

در شیراز، یک شب بین نوشتن و احمد قاسمی بحث آغاز شد و آغازکننده بحث هم احمد قاسمی بود. احمد قاسمی رو به حاضرین کرد و گفت: بعضی‌ها کار تئاتر را به عضویت در کمیته مرکزی حزب ترجیح می‌دهند؛ منظورش نوشتن بود. زیرا نوشتن به خاطر این که کارش در تئاتر فردوسی زیاد بود لذا از عضویت در کمیته مرکزی حزب توده سر باز زده بود. نوشتن هم مطالبی در رد ادعای قاسمی بیان کرد و در پایان اظهارات خود، گفت: بینم ارگانی در این مورد چه می‌گویند؟ من گفتم بعضی‌ها خدماتی به کشور خود می‌کنند که ارزش آن خیلی بالاتر از عضویت در کمیته مرکزی است. مثلاً دانشمندی که مپ اقی را برای شوروی ساخت، هیچوقت عضو حزب کمونیست شوروی نبود و استالین هم برای او احترام زیادی قائل است.

در زندان، بحثها فقط درباره امور حزبی بود؟

— خیر، احمد قاسمی، نوشتن، روزبه، هر کدام درباره



خسرو روزبه لحظاتی قبل از تیرباران

شاعران بزرگ ایران مثل نظامی، فردوسی و مولانا صحبت می‌کردند و اشعارشان را می‌خواندند و تفسیر می‌کردند.

فرهنگ دوستی رئیس شهربانی

یک روز، سرتیپ علی قوام، رئیس شهربانی استان فارس، برای بازدید به زندان آمد. احمد قاسمی قبلاً به ما آموزش داده بود که هرگاه مقام عالیرتبه‌ای برای بازدید می‌آید حرکتی نکنیم که حمل بر بی احترامی باشد، ضمن این که از ادای احترام معمولی هم خودداری می‌کنیم؛ و برای مثال گفت: بایستید و کتاب بخوانید. سرتیپ علی قوام داخل سلول ما شد و بعد از این که قدری به اطراف نگاه کرد به افسری که همراهش بود گفت: این آقایان آدمهای درس خوانده، فهمیده و اهل کتاب و مطالعه هستند چرا چراغ سلول نورش اینقدر کم است؟ چراغ پر نورتری تهیه کنید. قاسمی از این فرصت استفاده و تعارف کرد بنشینید و سپس، خواسته‌های ما را با وی در میان گذاشت. سرتیپ قوام گفت هرچه بخواهید برای شما تهیه می‌کنم. بعد به افسری که همراهش بود دستور داد که خواسته‌های ما را برآورده کند.

پخش کرده و گفته بودند همسر و فرزند او تحت بازداشت و زیر شکنجه هستند؛ مأموران شرط آزادی همسر و فرزند او را در حالی که اصلاً بازداشت نبودند، اعتراف اجباری بابک شهبازی مقابل دوربین و پذیرش اتهامات علیه خودش قرار داده بودند.

فاصله کوتاه میان رد درخواست اعاده دادرسی و اجرای حکم اعدام این شهروند که حتی سابقه فعالیت سیاسی هم نداشته و با پرونده‌سازی نهادهای امنیتی روبرو شده، نشان می‌دهد جمهوری اسلامی روند پرونده در اجرای احکام را سرعت بخشیده تا او را زودتر اعدام کند.

پدر بابک شهبازی دو روز پیش و در ۲۴ شهریورماه در ویدیویی از سازمان‌های حقوق بشری خواست تا کمک کنند که فرزند بی‌گناه او اعدام نشود و صدای او و دیگر زندانیان سیاسی شنیده شود.

سازمان عفو بین‌الملل نیز نیمه امرداد امسال در بیانیه‌ای خواستار توقف هرگونه برنامه برای اجرای حکم اعدام بابک شهبازی شده و بر فشار بر این زندانی و خانواده‌اش برای اعتراف‌گیری اجباری تأکید کرده بود.

بابک شهبازی متولد ۱۳۶۰ در شهر نهاوند استان همدان، متأهل و پدر دو فرزند و پیش از بازداشت تعمیرکار کولر بود.

در اینجا باشی؟» بعد، به طرف روزبه رفت، همدیگر را در آغوش کشیدند و سپس گفت: «چه چیزی می‌خواهید که من برای شما برآورده کنم؟» روزبه گفت: «آقای قاسمی صحبت می‌کنند». قاسمی گفت: «همه چیز داریم، مهر شما را سپاس می‌گویم». آن شخص مهم، با همه ما دست داد و وقتی می‌خواست زندان را ترک کند با صدای بلندگفت: «به امید ایرانی آباد و آزاد». پانزده روز بعد از آن ماجرا، به تهران منتقل شدیم. بعدها، در زندان تهران که بودیم روزنامه‌ها نوشتند اسلحه‌خانه فارس منفجر شده و تمام مهمات از بین رفته است. فرمانده لشکر (سرلشکر معتضدی) محاکمه و به سه سال زندان و خلع درجه، محکوم گردید.

(پایان)

فرمانده لشکر فارس و خسرو روزبه

زندان ما در پشت زندان زنان قرار داشت و به‌وسیله دری که در انتهای راهرو قرار داشت و همیشه قفل بود، از آن جدا شده بود.

یک روز، ساعت ۹ صبح متوجه شدیم که یک نفر همراه سرتیپ قوام — رئیس شهربانی استان فارس — به طرف زندان ما می‌آید. از آنجا که سرتیپ قوام پشت سر او قدم برمی‌داشت حدس زدیم که آن شخص باید شخصیت مهمی باشد. این افسر، هنوز وارد سلول ما نشده بود که چشمش به خسرو روزبه افتاد و با صدای بلندگفت: «آقای روزبه، دوست عزیزم، تو چرا اینجا هستی! چرا من آزاد باشم و تو

آخرین برگ‌های اتمی جمهوری اسلامی و مذاکره با واشنگتن

● توافق میان رژیم ایران و آژانس تنها فنی نیست، بلکه ملاحظات امنیتی و سیاسی تهران را نیز در بر می‌گیرد. با اینهمه، تمرکز اصلی آن بر **اطلاع‌رسانی درباره بازرسی‌ها و چگونگی اجرای آن** است. این توافق در حال حاضر هیچ حقی برای ورود بازرسان ایجاد نمی‌کند و بحث درباره نوع و سطح دسترسی به آینده موکول شده است. همچنین به تعیین ملیت بازرسان و سطح بازرسی‌ها مربوط می‌شود؛ در حالی که آژانس خواهان بازگشت بدون محدودیت بازرسان و امکان بازدید از همه سایت‌های هسته‌ای است.

● هدف اصلی تهران خرید وقت برای جلوگیری از فعال شدن «اسنپ‌بک» و حفظ برگ خود برای فشار به کشورهای غربی محسوب می‌شود. چرا که بازگشت فوری بازرسان هنوز اجازه نیافته و مشخص نیست تأسیسات آسیب‌دیده از جنگ بازرسی شوند یا نه؛ همچنین میزان خسارت و مقدار ذخایر اورانیوم باقیمانده که میزان آن ۶۰ درصد اعلام شده، قابل برآورد نیست.

هدی رؤوف (ایندیپندنت عربی) - رژیم تهران سرنوشت مقدار و مکان اورانیوم ذخیره‌شده را فاش نخواهد کرد تا آخرین برگ‌های فشار و مانور خود را در برابر آمریکا نسوزاند. جمهوری اسلامی ایران بر این باور است که افشای محل ذخایر اورانیوم آن را بیش از پیش در معرض حملات احتمالی آینده قرار می‌دهد.

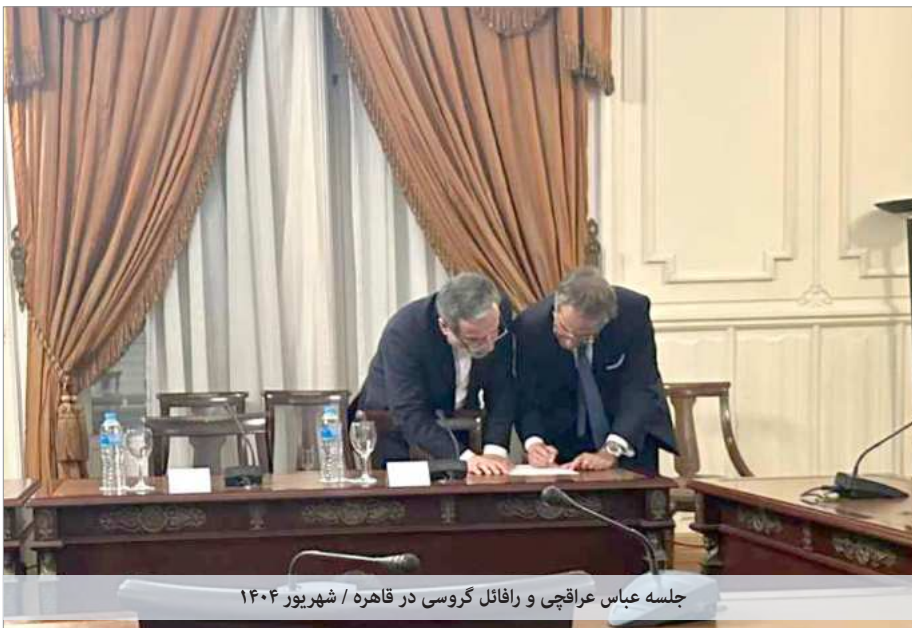
در تهران تردیدهایی نسبت به بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی وجود دارد مبنی بر اینکه بازرسان آژانس به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با افشای اطلاعات حساس درباره برنامه هسته‌ای رژیم ایران، اسرائیل را قادر ساختند تا عملیات اخیر را اجرا کند. همچنین گزارش محکومیت تهران از سوی آژانس فرصت حمله دیگری به اسرائیل داد.

رژیم ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی سه‌شنبه گذشته به توافقی درباره شیوهی بازرسی‌ها در شرایط جدید پس از حملات آمریکا و اسرائیل رسیدند. جزئیات توافق منتشر نشده و رافائل گروسی مدیر آژانس، آن را توافقی فنی-عملیاتی خواند و اعلام کرد که منتشر نخواهد شد.

با این حال، اظهارات گروسی و عباس عراقچی، وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران، بخش زیادی از ابعاد توافق و شرایط اجرای آن را آشکار ساخته است. توافق در اصل به بازگشت بازرسان آژانس به ایران مربوط بود که در جریان جنگ ۱۲ روزه خاک ایران را ترک کرده بودند. همچنین بر اساس قانون همکاری با آژانس، جمهوری اسلامی ایران همکاری خود را تعلیق کرده بود که همین امر موجب اقدام اروپایی‌ها برای فعال سازی مکانیسم ماشه شد.

شرایط اروپایی‌ها حول محور همکاری رژیم ایران با آژانس، بازگشت بازرسان، اعلام سرنوشت اورانیوم غنی‌شده با درصد بالا و از سر گرفتن مذاکرات میان تهران و واشنگتن بود. پس از سه دور مذاکرات تهران و آژانس در وین که رسانه‌ها چندان خوشبینانه به آن نمی‌نگریستند، سرانجام اعلام شد که با میانجیگری مصر، توافقی جدید در چارچوب تازه‌ای میان طرفین به دست آمده است.

علاقه مصر برای حل و فصل دیپلماتیک پرونده جمهوری اسلامی ایران بجای گزینه نظامی که هزینه بزرگی برای منطقه دارد، قابل درک است؛ همچنین تمایل قاهره به تقویت موضوع منع گسترش سلاح هسته‌ای در سطح منطقه مهم است. نکته تازه اما تمایل رژیم ایران به نهایی کردن



جلسه عباس عراقچی و رافائل گروسی در قاهره / شهریور ۱۴۰۴

و چگونگی اجرای آن است. این توافق در حال حاضر هیچ حقی برای ورود بازرسان ایجاد نمی‌کند و بحث درباره نوع و سطح دسترسی به آینده موکول شده است. همچنین به تعیین ملیت بازرسان و سطح بازرسی‌ها مربوط می‌شود؛ در حالی که آژانس خواهان بازگشت بدون محدودیت بازرسان و امکان بازدید از همه سایت‌های هسته‌ای است.

بطور کلی، توافق اخیر در قاهره می‌تواند پایه‌گذار همکاری تدریجی رژیم ایران و آژانس باشد اما هدف اصلی تهران خرید وقت برای جلوگیری از فعال شدن «اسنپ‌بک» و حفظ برگ خود برای فشار به کشورهای غربی محسوب می‌شود. چرا که بازگشت فوری بازرسان هنوز اجازه نیافته و مشخص نیست تأسیسات آسیب‌دیده از جنگ بازرسی شوند یا نه؛ همچنین میزان خسارت و مقدار ذخایر اورانیوم باقیمانده که میزان آن ۶۰ درصد اعلام شده، قابل برآورد نیست. رژیم ایران بر این باور است که افشای محل ذخایر اورانیوم آن را بیش از پیش در معرض حملات آینده قرار می‌دهد. تهران به بازرسان آژانس نیز مظنون است که اطلاعات حساس را درز داده و اسرائیل را قادر به اقدام علیه آن ساخته‌اند. بنابراین، سرنوشت اورانیوم را فاش نخواهد کرد تا آخرین برگ فشار خود در برابر واشنگتن را نسوزاند، به ویژه که در تهران اعتقاد بر این است که هیچ تضمینی برای موفقیت مذاکرات با آمریکا وجود ندارد و ورود به گفتگو با واشنگتن مانع اقدامات دیگر علیه رژیم نخواهد شد. با این حال، جمهوری اسلامی مایل است هر مسیری با آمریکا شامل توافقی جامع درباره چندین موضوع باشد. در مجموع می‌توان گفت که از سر گرفتن مذاکرات میان تهران و واشنگتن بسیار نزدیک است. رژیم ایران طی روزهای اخیر اقداماتی را برای آغاز گفتگو با ایالات متحده آغاز کرده که همزمان با تلاش‌ها برای تعویق فعال ساختن مکانیسم ماشه است.

توافق در مصر بود که شاید به نقش قاهره در موضوع منع گسترش سلاح هسته‌ای مرتبط باشد. از سوی دیگر، خواست جمهوری اسلامی با مصر در پیوند دادن حل پرونده هسته‌ای خود با تلاش‌های منطقه‌ای برای مطرح کردن موضوع مسابقه تسلیحاتی و نیز برنامه هسته‌ای اسرائیل همسو است. دلیل دیگر، تمایل تهران به پیشبرد و بهبود روابط با قاهره است. از این رو، تفاهم و اعلام توافق از مصر صورت گرفت.

رژیم ایران بارها تأکید کرده بود که بازگشت به همکاری با آژانس نیازمند چارچوبی مناسب است؛ گروسی نیز این ضرورت را به صورت تلویحی تأیید کرد. رژیم ایران بر این باور بود که چارچوب فعلی توافق پادمان‌ها، که برای شرایط عادی طراحی شده، پاسخگوی وضعیت پس از حملات تل‌آویو و واشنگتن نیست. بعلاوه، سابقه‌ای برای همکاری آژانس با کشوری عضو که تأسیسات تحت پادمانش هدف حمله قرار گرفته باشد، وجود ندارد.

برای تغییر وضعیت، مجلس شورای اسلامی قانونی را تصویب کرد که بر اساس آن همکاری با آژانس متوقف شود و هرگونه همکاری در پرونده هسته‌ای منوط به تصمیمات شورای عالی «امنیت ملی» جمهوری اسلامی گردد. بنابراین تهران همکاری خود با آژانس را به دو متغیر مشروط کرد: نخست، سابقه حمله به یک عضو معاهده NPT و دوم، روند تصمیم‌گیری داخلی در ایران.

عراقچی در یکی از اظهارات خود گفت که توافق اخیر صراحتاً قانون مجلس شورای اسلامی را به رسمیت شناخته و باید در چارچوب آن عمل شود؛ وی همچنین تأکید کرد هر اقدامی علیه جمهوری اسلامی ایران از جمله بازگرداندن قطعه‌نامه‌های لغوشده شورای امنیت، به معنای لغو این توافق خواهد بود. به این ترتیب، فعال ساختن «مکانیسم ماشه» از سوی سه کشور اروپایی پایان همکاری رژیم ایران با آژانس خواهد بود.

البته توافق میان رژیم ایران و آژانس تنها فنی نیست، بلکه ملاحظات امنیتی و سیاسی تهران را نیز در بر می‌گیرد. با اینهمه، تمرکز اصلی آن بر اطلاع‌رسانی درباره بازرسی‌ها

*منبع: ایندیپندنت عربی

*نویسنده: هدی رؤوف

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، رافائل گروسی مدیرکل این نهاد را «عامل موساد» خواند و اعلام کرد او در صورت سفر به ایران بازداشت خواهد شد.

حسینی‌کیا در مصاحبه با پایگاه خبری «دیدهبان ایران» گفت: «ما مطلع هستیم که آژانس حتما اطلاعات سایت‌های هسته‌ای را به موساد داده است. گروسی خودش عامل موساد است و ما خواستار محاکمه او هستیم... اتفاقا ما هم دوست داریم که ایشان به ایران بیاید و قوه قضاییه ما او را دستگیر خواهد کرد.»

گروسی آتش‌بیار معرکه است!

علی لاریجانی نیز در مصاحبه با وبسایت خامنه‌ای گفته که گروسی «ضعیف و مخرب است و گویا چک سفید به آمریکا و دشمنان ایران داده و در عمل نقش آتش‌بیار معرکه را ایفا می‌کند.» او پیشتر نیز تهدید کرده بود «جنگ تمام شود به حساب گروسی خواهیم رسید.»

در این میان، اروپایی‌ها در مورد عدم همکاری جمهوری اسلامی با آژانس هشدار داده‌اند. همزمان یک سخنگوی وزارت خارجه آمریکا با اشاره به توافق تازه جمهوری

بازرسی گذاشته نشده است.»

عراقچی توضیح داده که ممکن است بین روایت او و رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره توافق امضا شده در مصر تفاوت وجود داشته باشد. وی افزود: «اگر الان از گروسی پرسید می‌گوید قرار بر بازرسی در توافق جدید هست. هست، اما باید شورای عالی امنیت ملی تأیید کند. همه درخواست‌های بازرسی باید از طریق شورای عالی امنیت ملی تأیید شود.»

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، چهارشنبه ۱۹ شهریور در روایتی متفاوت از مدیرکل آژانس درباره توافقی که در قاهره امضا شد، گفته بود: «بر اساس این توافق باید تأکید کنم که هیچ دسترسی به بازرسین آژانس داده نمی‌شود؛ مگر در مورد نیروگاه بوشهر که به دلیل تعویض سوخت و بنا به مصوبه شورای عالی امنیت ملی از قبل در جریان بوده و همچنان ادامه دارد.»

او همچنین تأکید کرده بود: «نفس این توافق هیچ دسترسی تازه‌ای را ایجاد نمی‌کند.»

در واکنش به انتقاد مخالفان مذاکره با آژانس، مطرح شد

«توافق قاهره»؛

گروسی: از تمام سایت‌های اتمی

ایران بازدید می‌شود؛

عراقچی: هیچ

دسترسی به بازرسان

داده نمی‌شود



توافق عراقچی و گروسی در قاهره / شهریورماه ۱۴۰۴

اسلامی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرد که واشنگتن در انتظار روشن شدن جزئیات این توافق است. او در گفتگو با شبکه «العربیه» تأکید کرد آنچه از تهران انتظار می‌رود «اقدامات عملی و ملموس» است، نه «حرکات نمایی».

این مقام آمریکایی افزود: «ضروریست توافقی حاصل شود که بر اساس آن [رژیم] ایران از جاه‌طلبی برای ساخت سلاح هسته‌ای دست بکشد و غنی‌سازی را متوقف کند؛ اقدامی که به سود مردم ایران، منطقه و جهان خواهد بود.» او در پایان خاطرنشان کرد: «اگر این هدف تحقق نیابد، ایالات متحده به حسابرسی از [جمهوری اسلامی] ایران بابت اقداماتش ادامه خواهد داد.»

که عراقچی بدون چراغ سبز مقامات ارشد نظام و بطور مشخص علی خامنه‌ای اجازه امضاء توافقی با آژانس را ندارد. همچنین مطرح شد که محمداقرباقلیاب و علی لاریجانی دبیر شورای عالی «امنیت ملی» جمهوری اسلامی نقش اساسی در توافق با آژانس داشتند. برخی طرفداران جریان اصلاح‌طلب نیز از هر دو آنها به خاطر عملکرد «عاقلانه» تمجید کرده‌اند.

گروسی جاسوس موساد است!

اما صدای مخالفان «توافق» به تدریج بلندتر می‌شود. جواد حسینی‌کیا نایب‌رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی، با انتقاد از توافق اخیر تهران با

● مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در جلسه شورای حکام گفت توافق با جمهوری اسلامی شامل بازرسی از «همه تأسیسات و مراکز اتمی از جمله آنهایی که مورد حمله قرار گرفته‌اند» می‌شود.

● در مقابل اما وزیر خارجه جمهوری اسلامی با انکار حرف‌های گروسی می‌گوید: «هیچ قراری برای بازرسی گذاشته نشده است.»

● عباس عراقچی در روایتی متفاوت از مدیرکل آژانس درباره توافقی که در قاهره امضا شده، گفته است که «بر اساس این توافق باید تأکید کنم که هیچ دسترسی به بازرسین آژانس داده نمی‌شود.»

● جواد حسینی‌کیا نایب‌رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی با انتقاد از توافق اخیر تهران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، رافائل گروسی مدیرکل این نهاد را «عامل موساد» خواند و اعلام کرد او در صورت سفر به ایران، بازداشت خواهد شد.

● در این میان، اروپایی‌ها در مورد عدم همکاری جمهوری اسلامی با آژانس هشدار داده‌اند. همزمان یک سخنگوی وزارت خارجه آمریکا با اشاره به توافق تازه جمهوری اسلامی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرد که واشنگتن در انتظار روشن شدن جزئیات این توافق است. او در گفتگو با شبکه «العربیه» تأکید کرد آنچه از تهران انتظار می‌رود «اقدامات عملی و ملموس» است، نه «حرکات نمایی».

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در جلسه شورای حکام گفت توافق با جمهوری اسلامی شامل بازرسی از «همه تأسیسات و مراکز اتمی از جمله آنهایی که مورد حمله قرار گرفته‌اند» می‌شود.

رافائل گروسی همچنین تأکید کرد که باید سرنوشت بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی در ایران که مشخص نیست پس از بمباران در چه وضعیتی قرار دارد، مشخص شود.

در مقابل اما عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی با انکار حرف‌های گروسی می‌گوید «هیچ قراری برای

چرا مشروطه‌گرایی فراتر از قانون اساسی‌گرایی است؟



تدریس می‌شوند. در مقابل، «نظریه سیاسی» غالباً به معنای بهره‌گیری از دیدگاه‌های مفهومی و تحلیلی (شامل فلسفه، جامعه‌شناسی، روانشناسی و اقتصاد) سعی می‌کند تبیین و تحلیل پدیده‌های سیاسی و ایدئولوژیک را دنبال کند. نظریه سیاسی بر روی موضوعاتی مانند بررسی نظریه‌های قرارداد اجتماعی، لیبرالیسم یا مارکسیسم متمرکز است. به این معنا، نظریه سیاسی شاخه‌ای از علوم سیاسی در دانشگاه‌های جهان محسوب می‌شود.

از این منظر، نکته‌ای ظریف و در عین حال بنیادین جلب توجه می‌کند:

حقوق اساسی (یا قانون اساسی) گوهر وجودی خود را از فلسفه‌ی سیاسی می‌گیرد، اما ساختار مفهومی و محتوایی آن در چارچوب نظریه‌ی سیاسی شکل می‌گیرد. در این سطح ساختاریست که حقوق اساسی با ایدئولوژی‌گرایی نیز مرتبط می‌شود و از آن تأثیر می‌پذیرد. بر این اساس، به درستی می‌توان تأکید کرد که فلسفه‌ی سیاسی نسبت به نظریه‌ی حقوقی تقدم دارد؛ چرا که بنیان‌های مفهومی قانون اساسی، پیش از آنکه در قالب قواعد حقوقی بیان شوند، ریشه در مبانی فلسفی و سیاسی دارند. از همین رو، پیش از پرداختن به محتوای حقوقی قانون اساسی، ضروریست به اصول و مبانی فلسفه‌ی سیاسی توجه کنیم و آنها را به عنوان پیش‌زمینه‌ی هرگونه تحلیل حقوقی در نظر بگیریم.

با توجه به این نکته که مشروطه‌خواهی یا مشروطه‌گرایی خواه در قالب «پادشاهی مشروطه» قرار گیرد، و خواه در شکل حکومتی «جمهوری» نمایان شود، در اصل بر ضرورت قانونمند شدن قدرت سیاسی بر مبنای اراده مردم تأکید دارد. بنیادهای فلسفی این مشروطه‌گرایی- یا قانونمند شدن اقتدار سیاسی- را بی‌تردید باید در اندیشه‌های جان لاک فیلسوف برجسته دوران مدرن جستجو کرد. منظور از قانونمندی نیز این است حاکمیت مردم ضرورتاً باید بر اقتدار سیاسی که هسته اصلی مفهوم مشروطیت را تشکیل می‌دهد، پیشی گیرد. منبع آن قانونمندی نیز اراده آزاد و مستقل سیاسی مردم برای تعیین سرنوشت خویش است. این اندیشه بنیادین، بر بستر تحولات فلسفه سیاسی آغاز دوران

طرح چنین پرسش‌هایی می‌تواند زمینه‌ساز بازاندیشی در ریشه‌های منازعه و گامی مؤثر در جهت روشن ساختن و حل و فصل بخشی از اختلافات نظری پیرامون مشروطه‌خواهی باشد. علت اصلی طرح این موضوع آن است که بسیاری از دیدگاه‌های مناقشه‌برانگیز، خود را صرفاً در چهارچوب حقوقی محدود کرده‌اند و از درک این نکته بنیادین غافل مانده‌اند که قانون اساسی، پیش از آنکه صرفاً متنی حقوقی باشد، بخشی از یک اندیشه‌ی سیاسی است. بر همین اساس، پیشنهاد می‌شود که قانون اساسی را نه صرفاً به عنوان مجموعه‌ای از قواعد حقوقی، بلکه به مثابه نظریه‌ای حقوقی با بنیان‌های فلسفه‌ی سیاسی مورد تحلیل قرار دهیم و در پرتو آن، نسبت‌اش را با مفاهیمی چون عدالت، قدرت، حاکمیت و آزادی بسنجیم.

برای پیشبرد این بحث، می‌توان این فرضیه را مطرح ساخته و در اثبات آن کوشید:

هر نظریه جامع درباره حقوق اساسی (قانون اساسی) که مدعی برخورداری از بنیان‌های حقوقی است، ناگزیر باید جایگاه خود را در چارچوب فلسفه سیاسی تعریف کند. به بیان دقیق‌تر، نظریه‌ی حقوقی نه قلمروی مستقل از فلسفه‌ی سیاسی، بلکه بخشی از آن است؛ یا دست‌کم، با آن در پیوندی تنگاتنگ و بنیادین قرار دارد.

ارتباط گسست‌ناپذیر میان نظریه حقوقی و فلسفه سیاسی

در ابتدا توضیح ساده این نکته ضروریست که بی‌تردید، تفاوت‌هایی میان «فلسفه سیاسی» و «نظریه سیاسی» وجود دارد. «فلسفه سیاسی» با ریشه در سنت‌های فلسفی هم کلاسیک و هم مدرن (مانند افلاطون، ارسطو، هابس، لاک، روسو، کانت، رالز و دیگران)، به بررسی مفاهیم بنیادینی مانند انسان و ارزش ذاتی او، موضوعات مربوط به عدالت، آزادی‌ها و حدود و ثغور آنها، فلسفه حقوق و سرچشمه‌های آن، و مشروعیت و حدود حاکمیت سیاسی می‌پردازد. در حقیقت خاستگاه اصلی این مفاهیم هنجاری بنیادین اندیشه و تفکر فلسفی است و اغلب در دیپارتمان‌های فلسفه

● **قانون اساسی، پیش از آنکه صرفاً متنی حقوقی باشد، بخشی از یک اندیشه‌ی سیاسی است. بنیان‌های مفهومی قانون اساسی، پیش از آنکه در قالب قواعد حقوقی بیان شوند، ریشه در مبانی فلسفی و سیاسی دارند. از همین رو، پیش از پرداختن به محتوای حقوقی قانون اساسی، ضروریست به اصول و مبانی فلسفه‌ی سیاسی توجه کنیم و آنها را به عنوان پیش‌زمینه‌ی هرگونه تحلیل حقوقی در نظر بگیریم.**

● **مشروطه‌خواهی یا مشروطه‌گرایی خواه در قالب «پادشاهی مشروطه» قرار گیرد، و خواه در شکل حکومتی «جمهوری» نمایان شود، در اصل بر ضرورت قانونمند شدن قدرت سیاسی بر مبنای اراده مردم تأکید دارد.**

● **مشروطه‌گرایی تلاشی است برای پیوند زدن قدرت با اخلاق، قانون با عقلانیت، و سیاست با کرامت انسانی. «جمهوریت» لازمه تحقق مشروطیت است؛ نوآوری مهمی که کانت در فلسفه سیاسی خود مطرح کرده است. برای اینکه روح مشروطیت به درستی عملی شود، جمهوریت نه تنها یک شکل حکومت، بلکه پیش‌شرط بنیادی و اجتناب‌ناپذیر تحقق واقعی مشروطه‌گرایی است.**

● **بحث‌ها و سر و صداهایی که فقط بر قانون اساسی مشروطه متمرکز هستند، نمی‌توانند افکار عمومی را به نتیجه روشنی هدایت کنند، زیرا توجه خود را به امری حقوقی و آنهم در قالب قانون اساسی مشروطه محدود می‌سازند. این تقلیل دادن، نه تنها گمراهی‌هایی را برای مردم عادی با خود به همراه می‌آورد، بلکه تشتت و تفرقه را نیز باعث می‌شود.**

محمود مسائلی - در مباحث اخیر و مناقشه‌برانگیز پیرامون قانون اساسی مشروطه، یک پرسش بنیادی اغلب نادیده گرفته می‌شود: آیا مشروطه مفهومی حقوقی است یا مسئله‌ای متعلق به حوزه‌ی نظریه‌ی سیاسی؟ به بیان دیگر، آیا نظریه‌ی حقوقی و نظریه‌ی سیاسی دو قلمرو مستقل و مجزا هستند، یا در رابطه و پیوند متقابل با یکدیگر قرار دارند که بطور همزمان یکدیگر را تقویت می‌کنند؟

اصل پای می‌فشارد که مردم، در همه‌ی زمینه‌ها چه دینی و چه سیاسی حق دارند آزادانه تصمیم بگیرند و سرنوشت خود را در دست گیرند. او با استناد به همین منطق، دفاعی محکم از اصل جدایی دین از سیاست ارائه می‌دهد، و این تفکیک را نه تنها برای تضمین آزادی‌های دینی بلکه برای جلوگیری از استبداد دینی و سیاسی ضروری می‌داند. در نتیجه، سکولاریسم در اندیشه‌ی لاک نه دشمنی با دین، بلکه تضمینی برای آزادی وجدان و حاکمیت مردم است.

یادآوری یک موضوع عمیقاً پیچیده در مفهوم آزادی نزد جان لاک

اگر جان لاک را فیلسوفی تجربی بدانیم، این پرسش به درستی مطرح می‌شود که فلسفه‌ی حقوق طبیعی او که به ظاهر پیشین و غیرتجربی به نظر می‌رسد، چگونه می‌تواند با تجربه ارتباط برقرار کند؟ پاسخ لاک به این پرسش، در ترکیب ویژه‌ای از تجربه‌گرایی و عقل‌گرایی اخلاقی نهفته است. از دیدگاه او، عقل انسانی ابزار اصلی برای درک حقوق طبیعی است، اما این عقل بر بستر تجربه و ارتباط با جهان پیرامون رشد و شکوفا می‌شود. برخلاف هابس، که طبیعت انسان را اساساً خودخواه و خشونت‌طلب می‌داند، لاک معتقد است که انسان، با مشاهده و تأمل در وضعیت طبیعی، به قواعدی اخلاقی درباره‌ی حق، آزادی و برابری پی می‌برد. به عبارت دیگر، حقوق طبیعی نه بر پایه‌ی وحی آسمانی و نه بر اساس مفاهیم انتزاعی و متافیزیکی، بلکه از طریق تجربه‌ی زیسته‌ی انسان و تأمل عقلانی بر آن قابل کشف است. از این منظر، فلسفه‌ی حقوق طبیعی لاک تلاشی است برای نشان دادن اینکه اصول بنیادین عدالت و آزادی، در دسترس عقل تجربی بشر قرار دارند و می‌توان آنها را بدون توسل به دین یا سنت، به عنوان پایه‌ای برای نظم سیاسی عادلانه پذیرفت.

امانوئل کانت و نقش در چند جمله ساده

مفهوم لاک از مشروطیت با دشواری‌هایی روبروست که مهم‌ترین آنها موضوعات اخلاقی و مباحث مربوط به تنظیم روابط عادلانه در جامعه است. این موضوع را می‌توان بطور خلاصه در چند فراز توضیح داد.

۱. مشروطه‌گرایی صرفاً یک شکل خاص از حکومت نیست، بلکه نوعی نظام اخلاقی، حقوقی و عقلانی برای ساماندهی قدرت سیاسی در جامعه است. هدف اصلی مشروطه‌گرایی، تنظیم عادلانه، پایدار و منطقی روابط قدرت در چارچوب اصولی است که از حقوق طبیعی و خرد انسانی سرچشمه می‌گیرند.

در این چارچوب، همانگونه که در اندیشه‌ی جان لاک نیز دیده می‌شود، چهار اصل بنیادین، ستون‌های اصلی مشروطه‌گرایی را تشکیل می‌دهند:

نخست، محدود ساختن قدرت سیاسی از طریق تفکیک قوا و پاسخگویی نهادهای حاکم؛

دوم، حاکمیت قانون به عنوان مرجع نهایی تنظیم رفتار فرد و دولت؛

سوم، تضمین حقوق بنیادین شهروندان نظیر آزادی، مالکیت، امنیت و برابری؛

چهارم، مشارکت عمومی در فرآیندهای سیاسی، که دموکراسی را نه فقط به عنوان یک ساز و کار اجرایی، بلکه به مثابه یک ایده اخلاقی و سیاسی برجسته می‌سازد.

در نتیجه، مشروطه‌گرایی تلاشی است برای پیوند زدن قدرت با اخلاق، قانون با عقلانیت، و سیاست با کرامت انسانی.

۲. «جمهوریت» لازمه تحقق مشروطیت است؛

تا زمانی مشروع است که از حقوق اساسی و ذاتی سه‌گانه مردم حفاظت به عمل آورد:

حق حیات،

حق برخورداری از آزادی،

و حق مالکیت خصوصی.

بر همین اساس، قرارداد اجتماعی که در دوران مدرن به صورت قانون اساسی تبلور یافته، ابزاری حقوقی و سیاسی برای تضمین این سه نوع حقوق بنیادین مردم است.

در این دیدگاه، تفاوت آشکاری میان نظریه‌ی قرارداد اجتماعی لاک و نظریه‌ی هابس وجود دارد. در حالی که هابس قرارداد اجتماعی را برای خروج از وضعیت طبیعی آشفته و اعطای اقتدار مطلق به دولت تصور کرده و آن را توضیح می‌دهد، لاک معتقد است که دولت فقط در محدوده‌ای معین و مشروط، و صرفاً برای دفاع از حقوق طبیعی شهروندان می‌تواند عمل کند. بنابراین، حکومت مادامی مشروع است که موجودیت‌اش به حفاظت از این حقوق سه‌گانه مردم مشروط باشد. افزون بر این، منظور لاک از آزادی یا «لیبرتی» به معنای برخورداری از حریم فردی، امنیت حقوقی و امکان کنش آزاد در چارچوب قانون است، نه «آزادی اراده» به معنای خواست بدون قید و شرط. از این زاویه، مشروط بودن- مشروطه‌گرایی- به معنای قانونمندی است هم از سوی حکومت و هم از سوی مردم.

در نتیجه، مشروطیت در اندیشه لاک نوعی نظم سیاسی و حقوقی است که با هدف دفاع از جان، آزادی و مالکیت مردم بنیان نهاده می‌شود، و تنها تا زمانی مشروع است که از این اهداف پاسداری کند.

۴. در اندیشه جان لاک، حکومت تنها زمانی مشروع است که در چارچوب قرارداد اجتماعی و با رعایت اصول مشروطیت عمل کند. به بیان دیگر، مشروعیت سیاسی مشروط به حفظ حقوق طبیعی مردم یعنی جان، آزادی و مالکیت است، و چنانچه حکومت از این چارچوب خارج شود، مشروعیت خود را از دست می‌دهد. در چنین شرایطی، مردم نه تنها حق دارند، بلکه وظیفه دارند در برابر حکومت ناعادلانه و خودکامه ایستادگی کنند. به باور لاک، این حق مقاومت یا حق قیام، پاسخی عقلانی و اخلاقی به خروج حاکم از قرارداد اجتماعی است، چرا که هیچ قدرتی مطلق نیست و هیچ فرد یا نهادی را نمی‌توان «سایه خدا» یا «پدر ملت» دانست بطوری که فراتر از قانون و پاسخگویی باشد. درواقع، نفی حاکمیت مطلق چه به شکل الهی و چه پدرسالارانه، یکی از بنیان‌های اساسی اندیشه مشروطه‌خواهی مدرن است.

این اصل بعدها در اسناد بین‌المللی نیز بازتاب یافت؛ برای نمونه، در مقدمه‌ی اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است که اگر حقوق بشر به صورت قانونی حمایت نشود، مردم ناگزیر خواهند بود به عنوان آخرین چاره، علیه ستم و سرکوب، به شورش روی آورند. بنابراین، حق قیام نه نشانه بی‌نظمی، بلکه ضامن نهایی حفظ کرامت، آزادی و عدالت است.

۵. در بررسی اندیشه‌های جان لاک، نباید از تأثیر عمیق نهضت اصلاح دینی بر شکل‌گیری دیدگاه‌های فلسفی و سیاسی او غافل شد. جنبش اصلاح مذهبی، به ویژه در سنت پروتستانی، بر این باور تأکید داشت که هر فرد مؤمن قادر است بطور مستقیم با متون مقدس ارتباط برقرار کند و برای درک امور الهی و وحیانی، نیازی به نهاد واسطه‌ای مانند کلیسا یا روحانیت ندارد. این نگاه، که اقتدار دینی را از انحصار کلیسا خارج کرد، به تدریج به انتقال همین منطق به حوزه سیاست انجامید؛ یعنی اگر انسان در امور ایمانی خودمختار است، چرا نتواند در عرصه‌ی سیاسی نیز سرنوشت خود را تعیین کند؟ در همین راستا، لاک بر این

→ مدرن و همزمان با شکل‌گیری مفهوم انسان مدرن خودمختار و برخوردار از حقوق طبیعی پدیدار شد.

مشروطه‌گرایی در فلسفه سیاسی جان لاک در چند گزاره ساده

فلسفه سیاسی جان لاک غلبه با دو مشخصه روشن تعریف می‌شود:

اولین مشخصه ناظر بر فلسفه حقوق طبیعی است که به موجب آن استدلال می‌شود که همه انسان‌ها آزاد و برابر به دنیا می‌آیند. این موهبت طبیعی، حقوقی فطری، ذاتی و جهانشمول به همه انسان‌ها اعطا می‌کند که غیرقابل انکار و گسست هستند. بدون امکان برخورداری مردم از حقوق طبیعی خود، هیچگونه نظریه سیاسی توضیح‌دهنده حاکمیت سیاسی قابل دفاع نیست.

دومین مشخصه موضوع قرارداد اجتماعی است. منظور از این قرارداد هم این است که برای توضیح رابطه میان حق حاکمیت ارادی مردم و حق حاکمیت سیاسی- یعنی رابطه میان حکومت‌کننده و حکومت‌شونده- نوعی قرارداد فرضی اجتناب ناپذیر است که مشخصات دقیق و قابل اجرای آن را «حقوق اساسی» تعریف می‌کند.

بنابراین، در حالی که حقوق انسان‌ها موضوع فلسفه سیاسی (حقوق طبیعی) است، قانون اساسی امری حقوقی و بخشی از فلسفه سیاسی است. مشروطیت قانون اساسی در اینجا معنا پیدا می‌کند. این رابطه را می‌شود به ساده‌ترین شکل ممکن، اینگونه روشنتر توضیح داد:

۱. در بخش دوم از دو رساله درباره‌ی حکومت، جان لاک نظریه‌ی پادشاهی مطلق را که بر مبنای پدرسالاری بنا شده است، غیرقابل دفاع می‌داند. درواقع، «سر رابرت فیلمر» مدافع سرسخت پادشاهی مطلقه بر این باور بود که پادشاه قدرت خود را مستقیماً از خداوند دریافت می‌کند. به باور او، اقتدار سیاسی پادشاه همچون اقتدار پدر بر فرزند است؛ امری که نه تنها رنگ و بوی الهی دارد، بلکه با ساختار سنتی خانواده نیز گره خورده است. بر این اساس، پادشاه از یکسو نماینده‌ی خداوند بر زمین است، مفهومی که به حکومت او بُعدی قدسی و مذهبی می‌بخشد، و از سوی دیگر، همچون پدری مهربان و آگاه، هدایت مردمی نابالغ و نیازمند را بر عهده دارد. در نتیجه، از در دیدگاه فیلمر، مردم نه تنها صلاحیت مخالفت با پادشاه را ندارند، بلکه اصولاً حقی در این زمینه برای آنان متصور نیست؛ چرا که پادشاه هم سایه‌ی خدا بر زمین است و هم پدر ملت.

۲. لاک نظریه محافظه‌کارانه رابرت فیلمر را با اتکا به نگرشی فلسفی و نوین به چالش می‌کشد و آن را باطل می‌کند. از نظر او، و بر پایه فلسفه حقوق طبیعی، همه انسان‌ها دارای حقوق ذاتی و غیرقابل سلب هستند؛ حقوقی که برخاسته از طبیعت انسان‌اند، نه اعطا شده از سوی دولت یا پادشاه. به باور لاک، انسان‌ها بطور طبیعی آزاد و برابر آفریده شده‌اند و هیچکس به صرف تولد یا مقام، حق فرمانروایی بر دیگری ندارد. حقوق افراد به هیچ وجه وابسته به قوانین یا معاهدات بین‌المللی یا حتی قراردادهای اجتماعی نیست، بلکه پیشین و مقدم بر همه‌ی آنهاست. در این چارچوب، برتری سیاسی یا اقتدار بر دیگری، تنها در صورتی قابل قبول و توجیه است که از دل رضایت خود فرد و در قالب قرارداد اجتماعی برخاسته باشد. بنابراین، مشروعیت حکومت نیز تنها زمانی قابل‌پذیرش است که بر اساس رضایت مردم شکل گرفته باشد؛ یعنی حکومتی مشروط به خواست و اراده‌ی شهروندان.

۳. حکومت از نگاه جان لاک، با هدف حفظ جان، آزادی و مالکیت افراد شکل می‌گیرد. به عبارت روشن‌تر، حکومت

قربانیان کشتار هفتم اکتبر حماس در کیبوتص «نیر عوز» چه کسانی بودند؟



● اکثر اسرائیلی‌هایی که در ۷ اکتبر هدف حمله قرار گرفتند، همانهایی بودند که برای همزیستی با فلسطینیان تلاش می‌کردند. این واقعیت پرسشی جدی پیش روی افکار عمومی غربی می‌گذارد: آیا حمایت کور چپ‌گرایان غرب از یک جریان اسلام‌گرای افراطی، بدون شناخت واقعیت‌های میدانی، کمکی به صلح و آتش‌بس می‌کند؟

● برخلاف تصویری که گاه از صهیونیسم به عنوان یک جریان راست‌گرا در رسانه‌ها دیده می‌شود، کیبوتص‌های اسرائیل بر پایه آرمان‌شهرگرایی و «مدینه فاضله»ی سوسیالیسم تأسیس شده‌اند. اتفاقاً شاید بتوان گفت کیبوتص‌ها از معدود نمونه‌های موفق تحقق سوسیالیسم البته در ابعاد کوچک‌اند؛ موفقیتی که شاید ناشی از داوطلبانه بودن عضویت و زندگی در آنهاست و نه اجبار دولتی و از بالا.

● ساکنان بسیاری از کیبوتص‌ها مانند همین نیر عوز، ارزش‌هایی را زندگی می‌کنند که تبلیغ می‌کنند: همزیستی، برابری و صلح. اما در بخشی از چپ غربی نوعی دوگانگی دیده می‌شود؛ کسانی که در گفتار از عدالت اجتماعی و حقوق بشر سخن می‌گویند و آنگونه که شعار می‌دهند نیز زندگی نمی‌کنند و در عمل چشمان خود را بر رنج همفکران و هم‌کیشان خود می‌بندند.

پتکین آذر مهر - هفته‌ی گذشته همراه گروهی از روزنامه‌نگاران اروپایی، در چارچوب برنامه‌ای که

فکری ایران سازگارتر دانست:

- در سنت اندیشه ایرانی و فرهنگ پیش‌برنده آن، عقلانیت همواره با اخلاق انسانی پیوندی ناگسستنی داشته است؛ به گونه‌ای که عقل نه فقط ابزار شناخت، بلکه مبنایی برای اخلاق سیاسی نیز به شمار می‌آید.

- اصل دادگری در فرهنگ ایرانی، مفهومی محوری و هویتی است که از مفاهیم صرفاً حقوقی یا دینی فراتر می‌رود و به عنوان معیار تمایز میان نیک و بد در حکمرانی شناخته می‌شود. در شاهنامه‌ی فردوسی، این تمایز به روشنی دیده می‌شود: پادشاه دادگر مظهر عقل و اخلاق است، در حالی که پادشاه ستمگر، نماد بی‌خردی و بی‌عدالتی.

- از همین رو، مفاهیمی چون کرامت انسانی و برابری ذاتی انسان‌ها، که در فلسفه کانت جایگاهی مرکزی دارند، با آموزه‌های فرهنگی ما همخوانی دارند؛ چنانکه در ادبیات فارسی نیز تجلی یافته‌اند؛ برای نمونه در این بیت مشهور سعدی می‌خوانیم: «بنی آدم اعضای یک پیکرند...»

بر اساس سه محور هویتی و فرهنگی عقلانیت، عدالت، و کرامت انسانی، می‌توان گفت که مشروطه‌گرایی بر مبنای فلسفه کانت، نه تنها با سنت عقل‌گرای ایرانی بیگانه نیست، بلکه می‌تواند به بازخوانی مدرن و اخلاق‌محور آن یاری رساند.

۲. مواضع شاهزاده پهلوی به این نگرش نزدیک‌تر است. چند نشانه را می‌توان به اختصار نام بود:

- در اسفند ۱۳۹۹، شاهزاده پهلوی برای نخستین بار به روشنی توضیح داد که «جمهوری» را ترجیح می‌دهد اگر پادشاهی بر مبنای انتخابی و دموکراتیک نباشد. در این سخنان تأکید بر این است که «مبنای انتخابی مسئولیت‌ها» باید وجود داشته باشد، و اینکه مشروطیت حکومت باید با رأی مردم باشد. گویا این منظور را می‌خواسته است برجسته سازد که «جمهوریت» در کانون مرکزی «مشروطیت» قرار می‌گیرد. بنابراین، جمهوریت هم می‌تواند روح ناظر بر پادشاهی مشروطه را تعریف کند، و هم می‌تواند در شکل حکومتی جمهوری ساری و جاری شود. بدون «جمهوریت»، هم پادشاهی و هم نظام سیاسی جمهوری، غیرمشروع و غیرقابل قبول هستند.

- همچنین تأکید شده است که حتی اگر شکل حکومت خواه پادشاهی باشد خواه جمهوری، آنچه اهمیت دارد مشروطیت، مقبولیت ملی و دموکراتیک بودن فرآیند شکل‌گیری آن است.

به عنوان نتیجه‌گیری، بحث‌ها و سر و صداهایی که فقط بر قانون اساسی مشروطه متمرکز هستند، نمی‌توانند افکار عمومی را به نتیجه روشنی هدایت کنند، زیرا توجه خود را به امری حقوقی و آنهم در قالب قانون اساسی مشروطه محدود می‌سازند. این تقلیل دادن، نه تنها گمراهی‌هایی را برای مردم عادی با خود به همراه می‌آورد، بلکه تشنگی و تفرقه را نیز باعث می‌شود که در این شرایط خطیر که در پیش روی میهن و مردم قرار دارد، به صلاح نیست و باید از آن اجتناب شود. در عین حال، تقلیل دادن مفهوم مشروطه‌بودن اقتدار سیاسی به امری حقوقی از بنیادهای علمی برخوردار نیست. آنان که بر این موضوع تأکید می‌ورزند، بهتر است بجای طرح دیدگاه‌های شخصی که قاطعیت علمی ندارد، سرنوشت میهن را به عنوان راهنمای عمل خود قرار دهند.

*دکتر محمود مسائل استاد بازنشسته روابط و حقوق بین‌الملل، دانشگاه‌های آتاوا و کارلتون و دبیرکل اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل با مقام مشورتی دائم نزد ملل متحد

➔ نوآوری مهمی که کانت در فلسفه سیاسی خود مطرح کرده است. برای اینکه روح مشروطیت به درستی عملی شود، جمهوریت نه تنها یک شکل حکومت، بلکه پیش‌شرط بنیادی و اجتناب‌ناپذیر تحقق واقعی مشروطه‌گرایی است. جمهوریت به معنای به رسمیت شناختن اصل عقلانیت در مشروعت سیاسی است؛ به این معنا که اقتدار حکومت باید بر مبنای اراده و مشارکت آگاهانه‌ی مردم باشد، نه بر اساس قدرت مطلق یا ارثی. بنابراین، جمهوریت تضمینی است برای اینکه قانون‌گذاری و حقوق شهروندی در چارچوبی عقلانی و اخلاقی به اجرا درآید و مشروطیت از شکل ظاهری به واقعییتی عینی و پایدار بدل شود.

۳. اصول بنیادین نظام مشروطه‌گرا شامل چند محور اساسی است.

نخست، آزادی شهروندان که به معنای استقلال عقلایی همراه با کرامت و حفظ حرمت انسانی است و زندگی شایسته‌ای را ممکن می‌سازد؛ آزادی نه تنها رهایی از سلطه، بلکه توانایی انتخاب آگاهانه برای «بودن» و «عمل کردن» است و شامل آزادی‌های اساسی و هویتی مرتبط با حق تعیین سرنوشت می‌شود؛ همچنین آزادی واقعی هنگامی معنی پیدا می‌کند که در خدمت حمایت از آزادی‌های بنیادین دیگران باشد.

دوم، برابری در برابر قانون یا برابری حقوقی است که بر اساس آن همه افراد، فارغ از جایگاه یا موقعیت اجتماعی، باید بدون هیچ‌گونه تبعیضی برابر باشند؛ زیرا تبعیض مغایر با ارزش ذاتی انسان است؛ این برابری حقوقی باید با تلاش مستمر برای تحقق برابری اجتماعی همراه باشد که مطابق نظریه عدالت به مثابه انصاف جان راولز است.

سوم، حاکمیت قانون که اصل تغییرناپذیر نظام مشروطه است و به این معناست که هیچ فرد، گروه یا نهادی فراتر از قانون نیست؛ قانون به عنوان الزام مطلق و جهانشمول، نه ابزاری برای سلطه، بلکه تجلی اراده عمومی و قرارداد عقلانی شهروندان برای تنظیم قدرت است. تنها در چارچوب حاکمیت قانون است که می‌توان آزادی، برابری و عدالت را تضمین و پایدار کرد.

در یک جمع‌بندی ساده، می‌توان گفت مشروطه‌گرایی در اندیشه امانوئل کانت بر اصول اخلاقی جهانشمول، کرامت ذاتی انسان و خودقانونگذاری عقلانی استوار است. این نگرش، برخلاف سنت لیبرالی جان لاک که بیشتر بر فردگرایی تأکید دارد، مفهوم فردیت را در پیوند با مسئولیت اخلاقی و عقلانیت مشترک انسانی تعریف می‌کند. درواقع، کانت تلاشی جدی برای طراحی یک نظام سیاسی بر پایه‌ی اخلاق و عقلانی جهانی ارائه می‌دهد؛ نظامی که مشروعت آن نه از منافع فردی یا توافق صرف، بلکه از الزام اخلاقی و عقلانی ناشی می‌شود.

در این چارچوب، جمهوریت و مشروطه‌گرایی دو وجه مکمل از یک اندیشه‌اند که در پیوندی درونی با یکدیگر قرار دارند. هر دو حامل بار اخلاقی‌اند و صرفاً در سطح حقوقی یا نهادی باقی نمی‌مانند؛ بلکه برای تحقق فعالانه‌ی آزادی‌ها و حقوق بنیادین، مشارکت آگاهانه‌ی شهروندان را ضروری می‌دانند. در این نگاه، نه فقط ادعایی حقوقی، بلکه فرآیندی عملی است که باید در پرتو عقلانیت و مسئولیت تحقق یابد. از این منظر، حکومت مشروط نه تنها برای محافظت از آزادی‌ها، بلکه برای زیستن بر اساس عقلانیت جهانشمول برآمده از «الزام مطلق» کانت توجیه‌پذیر است.

اهمیت نظریه کانت برای ایران

۱. به دلیل تأکید بنیادین الگوی کانت بر عقلانیت، عدالت و کرامت انسانی، می‌توان آن را با فرهنگ، هویت و تاریخ

روزنامه‌نگار سرشناس ۸۰ ساله و فعال صلح که در این حمله ربوده و کشته شد، کسانی بودند که همواره از حقوق فلسطینیان دفاع می‌کردند.

کودکان خانواده «بیاس» و مادرشان که در جریان حمله هفتم اکتبر توسط تروریست‌های حماس ربوده و کشته شدند نیز از همین کیبوتص بودند

تناقض در واکنش‌ها

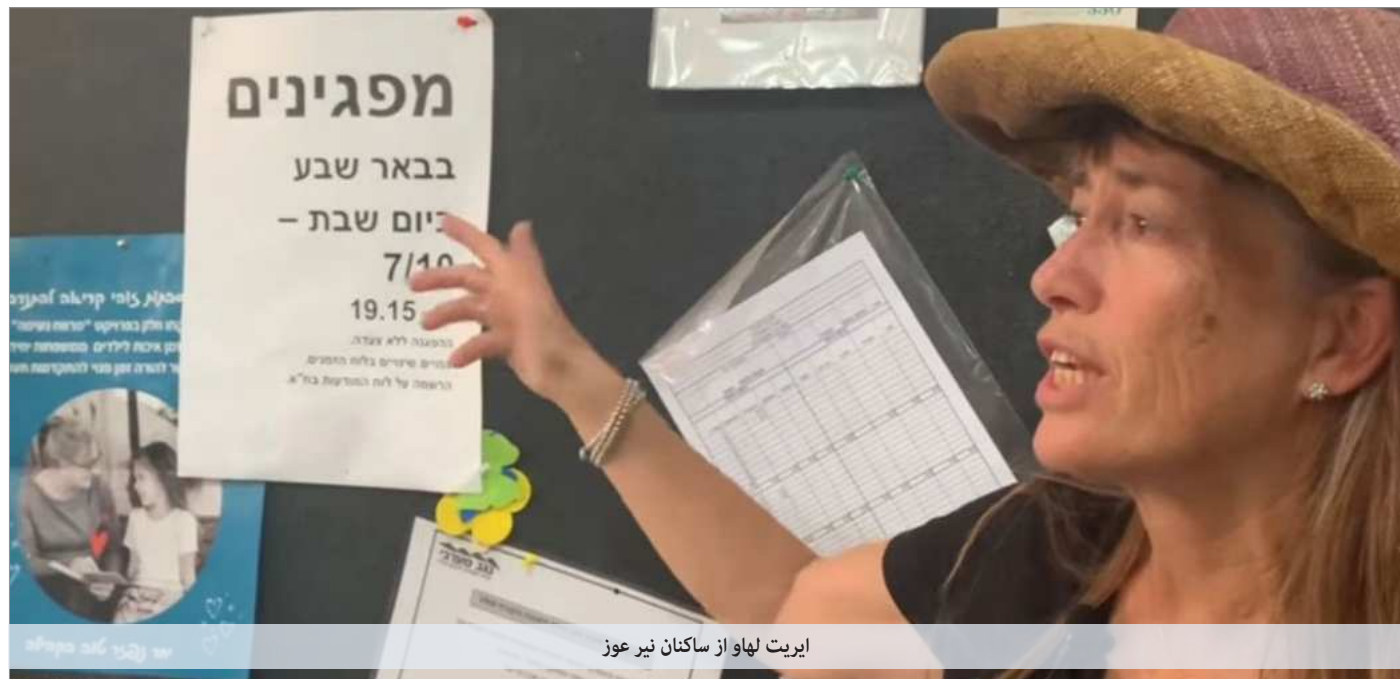
مرزبندی‌های سیاسی و اخلاقی در این مناقشه اغلب بر اساس روایت‌های ساده‌شده توسط رسانه‌های اصلی و تبلیغات فعالان چپ‌گرا در غرب ترسیم شده است، به ویژه وقتی می‌بینم اکثر اسرائیلی‌هایی که در ۷ اکتبر هدف

تبلیغات رسمی حکومت ملاها یا رسانه‌های اصلی غربی می‌بینند، واقعیت زندگی و عقاید اعضای کیبوتص‌ها شاید غیرمنتظره باشد. ایریت لهاو و دوستانش نه راستگرا و استعمارگر، بلکه از نظر اجتماعی و سیاسی چپ‌گرا و لیبرال تعریف می‌شوند. او در اسرائیل به دنیا آمده و والدینش از بنیانگذاران این کیبوتص بوده‌اند. ایریت نه برای تصرف زمین فلسطینیان، بلکه برای زندگی در نزدیکی آنها و همکاری و همزیستی با آنان، زندگی در این کیبوتص را انتخاب کرده بود. خودش می‌گفت بارها بیماران فلسطینی را از غزه به بیمارستان‌های اسرائیل برده و فرصت‌های شغلی برایشان فراهم کرده است. با اینکه خودش یهودی‌زاده است، به آئین بودایی باور دارد و با دلایلی لاما رهبر بوداییان جهان دیدار

➔ «انجمن خبرنگاران اروپا- اسرائیل» برگزار کرده بود، به کیبوتص «نیر عوز» در جنوب اسرائیل و در مرز غزه سفر کردم که نخستین مقصد بازدید در برنامه فشرده این سفر بود.

کیبوتص چیست؟

کیبوتص نوعی اجتماع تعاونی و اشتراکی است که در اوایل قرن بیستم، ابتدا در سرزمین‌های تحت قیمومیت عثمانی و سپس بریتانیا توسط مهاجران یهودی شکل گرفت. در این جوامع زمین و ابزار تولید به صورت اشتراکی اداره می‌شود، درآمدها جمعی است و تصمیم‌گیری‌ها در مجمع عمومی صورت می‌گیرد. بسیاری از کیبوتص‌نشینان از همان



ایریت لهاو از ساکنان نیر عوز

حمله قرار گرفتند، همانهایی بودند که برای همزیستی با فلسطینیان تلاش می‌کردند. این واقعیت پرسشی جدی پیش روی افکار عمومی غربی می‌گذارد: آیا حمایت کور چپ‌گرایان غرب از یک جریان اسلام‌گرای افراطی، بدون شناخت واقعیت‌های میدانی، کمکی به صلح و آتش‌بس می‌کند؟

ساکنان بسیاری از کیبوتص‌ها مانند همین نیر عوز، ارزش‌هایی را زندگی می‌کنند که تبلیغ می‌کنند: همزیستی، برابری و صلح. اما در بخشی از چپ غربی نوعی دوگانگی دیده می‌شود؛ کسانی که در گفتار از عدالت اجتماعی و حقوق بشر سخن می‌گویند و آنگونه که شعار می‌دهند نیز زندگی نمی‌کنند و در عمل چشمان خود را بر رنج همفکران و هم‌کیشان خود می‌بندند. همانگونه که در قبال سرکوب و کشتار زندانیان سیاسی دهه شصت خورشیدی از جمله در سال ۱۳۶۷ در ایران سکوت کردند، امروز نیز بجای دفاع از قربانیان یک حمله تروریستی، با جریان‌های اسلام‌گرای افراطی هم‌صدا می‌شوند؛ جریان‌هایی که اگر قدرت داشته باشند، پیش از همه همین چپ‌های «لاکچری‌خواه» غربی را سرکوب و کشتار خواهند کرد.

تاریخ بارها نشان داده است که چنین انتخاب‌های کور و ائتلاف‌های ناپایدار، چپ غربی را در سمت نادرست تاریخ قرار داده است؛ جایی که بجای حمایت از ارزش‌های انسانی جهانشمول، و در ستیزه‌جویی بیمارگونه با غرب، عملاً در خدمت نیروهای واپس‌گرا قرار می‌گیرند. دقیقاً همان اتحاد شومی که در ایران در سال ۵۷ شاهدش بودیم.

داشته؛ تصویری کاملاً متفاوت از چهره «صهیونیست خشن» که گاه در رسانه‌های ایران و حتی غرب بازتابی می‌شود. با وجود از دست دادن دوستان و همسایگانش در فاجعه‌ی هفتم اکتبر، ایریت می‌گوید هنوز نفرتی از مهاجمان در دل ندارد و نمی‌خواهد کسی از آنها کشته شود؛ فقط نمی‌تواند درک کند چگونه کسانی که او به آنها کمک می‌کرد و حامی آنها بود، به چنین خشونت فجیعی دست زدند و چرا بخشی از چپ‌ها و لیبرال‌های غرب از کسانی حمایت می‌کنند که دست به چنین کشتاری زده‌اند؟ او با حسرت می‌پرسد: «حمله به کیبوتص ما و کشتار دوستان و همسایگانم، از کودک چندماهه تا افراد سالخورده، در ۷ اکتبر اتفاق افتاد، و تظاهرات در اروپا در حمایت از این کشتار، از ۸ اکتبر شروع شد، در حالی‌که حمله اسرائیل به غزه سه هفته بعد از حمله حماس آغاز شد. چگونه کسانی که خود را «مترقی» و «پیشرو» می‌خوانند این کشتار بی‌رحمانه را محکوم نکردند؟ مگر ما انسان نیستیم؟ مگر ما صلح و همزیستی نمی‌خواستیم؟ گناه کودکان ما چه بود؟»

وقتی ایریت سالن غذاخوری سوخته را به ما نشان می‌داد، متوجه پوستری روی تابلو اعلانات عمومی شدم که اگرچه به زبان عبری بود اما تاریخ ۷ اکتبر ۲۰۲۳ روی آن را می‌توانستم بفهمم. پوستر فراخوانی بود برای تجمع اعتراضی علیه دولت نتانياهو در همان روز ۷ اکتبر ۲۰۲۳ که هنوز روی تابلو اعلانات باقی مانده است.

بسیاری از قربانیان نیر عوز مانند «اودد لیفشیتز»،

آغاز گرایش‌های سوسیالیستی، محیط زیستی و صلح‌طلبانه داشتند و برخلاف تصویری که گاه از صهیونیسم به عنوان یک جریان راستگرا در رسانه‌ها دیده می‌شود، این اجتماعات بر پایه آرمان‌شهرگرایی و «مدینه‌ی فاضله»ی سوسیالیسم تأسیس شده‌اند. اتفاقاً شاید بتوان گفت کیبوتص‌ها از معدود نمونه‌های موفق تحقق سوسیالیسم البته در ابعاد کوچک‌اند؛ موفقیتی که شاید ناشی از داوطلبانه بودن عضویت و زندگی در آنهاست و نه اجبار دولتی و از بالا.

نیر عوز و فاجعه هفتم اکتبر

نیر عوز یکی از کیبوتص‌های کوچک نزدیک نوار غزه است. در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ این کیبوتص و چند اجتماع دیگر هدف حمله ناگهانی تروریست‌های مسلح حماس قرار گرفتند. یک چهارم از اعضای کیبوتص نیر عوز یا کشته یا ربوده شدند و خانه‌ها و مزارع بسیاری از آنان به آتش کشیده شد. بخش بزرگی از ساکنان این کیبوتص هنوز به آنجا بازنگشته‌اند.

در این سفر، «ایریت لهاو» از ما استقبال کرد؛ یکی از معدود بازماندگانی که پس از حمله حماس به کیبوتص بازگشته و همراه چند تن دیگر به تدریج در حال بازسازی آن هستند.

شکستن کلیشه‌ها

برای بسیاری که تصویر صهیونیسم را صرفاً از دریچه

«نیویورک پست»: ترامپ باید با قطع شریان اقتصادی جمهوری اسلامی تأمین مالی نیروهای نظامی و امنیتی حکومت را قطع کند



تظاهرات ضدحکومتی در تهران؛ منبع: AFP

انجام می‌شود. دوربین‌های تشخیص چهره، اپلیکیشن‌های نظارتی و گروه‌های خودسر محلی، پوشش زنان ایرانی را رصد می‌کنند. در همین حال، دهه‌ها فساد، تحریم و سوء مدیریت اقتصاد را نابود کرده است؛ خاموشی‌های گسترده، زمین‌های کشاورزی خشک و کمبود آب رنج مردم را دوچندان کرده است. رژیم از خیزش ۲۰۲۲-۲۳ و حتی جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل جان سالم به در برد، اما بیش از پیش به یک حکومت ورشکسته شبیه است.

آمار اعدام‌ها که از قبل هم بالا بود افزایش یافته: نزدیک به هزار ایرانی فقط در سال گذشته، بسیاری به خاطر اتهامات سیاسی و یا «تخلفات اخلاقی» اعدام شدند. جمهوری اسلامی مجازات اعدام را به سلاحی برای کنترل جامعه بدل کرده است.

سپر هسته‌ای شکسته

برای سال‌ها جمهوری اسلامی بر تهدید «افزایش سطح هسته‌ای» به عنوان سپر در برابر فشار خارجی تکیه داشت. اکنون، پس از حملات «چکش نیمه‌شب» دونالد ترامپ در خردادماه به تأسیسات هسته‌ای در ایران، آن کارت سوخته است.

قدرت‌های اروپایی به سمت فعال‌سازی مجدد تحریم‌های سازمان ملل [مکانیسم ماشه] رفته‌اند، اقدامی که می‌تواند برای همیشه درهای بازگشت به توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ (برجام) را ببندد.

پیام به بازارهای جهانی نیز روشن است: اقتصاد ایران تحت این رژیم عادی نخواهد شد. اگر ترامپ با اجرای حداکثری قطع صادرات نفت ایران به چین و عقب راندن سلطه‌اش بر بخش انرژی و مالی عراق ادامه دهد، شریان حیاتی اقتصادی رژیم می‌تواند فروپاشد و توانایی‌اش برای پرداخت به نیروهای امنیتی و ایجاد خفقان داخلی

به‌نام بن طالبو و ریچارد گلدبرگ طی مقاله‌ای در روزنامه «نیویورک پست» که ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۵ (۲۴ شهریور) در «نیویورک پست» به مناسبت سومین سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی در مقر «گشت ارشاد اسلامی» منتشر شد، پیش‌بینی کرده‌اند اگر دونالد ترامپ صادرات نفت جمهوری اسلامی به چین و سلطه‌ی حکومت بر بخش انرژی و مالی عراق را قطع کند، شریان حیاتی اقتصادی رژیم فرو می‌پاشد و توانایی‌اش برای تأمین حقوق نیروهای امنیتی و استمرار خفقان داخلی تضعیف شده و فرصت برای شکل‌گیری اعتراضات ضدحکومتی فراهم می‌شود.

در مقدمه این مقاله آمده، مهسا (ژینا) امینی نمی‌خواست کشته شود؛ او یک دختر ۲۲ ساله‌ی عادی ایرانی گرد بود که به خاطر عدم رعایت حجاب اجباری، توسط گشت ارشاد بازداشت شد، چند روز بعد، در ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۲، او در بازداشت جان باخت. قتل او بزرگترین موج اعتراضات در تاریخ چهار دهه‌ای جمهوری اسلامی را شعله‌ور کرد. مردم در سراسر کشور به خیابان‌ها آمدند، زیر پرچم شعار «زن، زندگی، آزادی»- نه فقط علیه یک قانون، بلکه علیه یک رژیم خفقان‌آور که انتخاب، کرامت و امید را از آنان ربوده بود.

در مقابل رژیم با سرکوب وحشیانه به اعتراضات پاسخ داد؛ بیش از ۵۰۰ معترض را کشت و بیش از ۲۲ هزار نفر را بازداشت کرد. پیام آشکار بود: هرگونه مخالفت با خونریزی پاسخ داده خواهد شد.

سه سال بعد

نویسندگان در ادامه عنوان کرده‌اند که از آن زمان، شرایط در ایران فقط بدتر شده است. تحمیل حجاب اکنون نه تنها با نیروهای سرکوبگر حکومتی، بلکه با هوش مصنوعی

● به‌نام بن طالبو و ریچارد گلدبرگ طی مقاله‌ای در روزنامه «نیویورک پست» که ۲۴ شهریور در «نیویورک پست» به مناسبت سومین سالگرد قتل مهسا امینی در مقر «گشت ارشاد اسلامی» منتشر شد، پیش‌بینی کرده‌اند اگر دونالد ترامپ صادرات نفت جمهوری اسلامی به چین و سلطه‌ی حکومت بر بخش انرژی و مالی عراق را قطع کند، شریان حیاتی اقتصادی رژیم فرو می‌پاشد و توانایی‌اش برای تأمین حقوق نیروهای امنیتی و استمرار خفقان داخلی تضعیف شده و فرصت برای شکل‌گیری اعتراضات ضدحکومتی فراهم می‌شود.

● نویسندگان این مقاله تشریح کرده‌اند که «تصویر امیدوارکننده این است که جمهوری اسلامی هرگز تا این حد ضعیف نبوده؛ بازدارندگی هسته‌ای‌اش در هم شکسته، اقتصادش فاجعه‌بار و مشروعیت آن در حال فروپاشی است. زنان هر روز بی‌حجاب در خیابان‌ها راه می‌روند؛ جوانان علیه رهبر نظام شعار می‌دهند؛ اقلیت‌ها سکوت نمی‌کنند. اراده مردم برای آزادی قوی‌تر از ادعای رژیم بر قدرت است».

● «تصویر تاریک این است که آیت‌الله‌ها هنوز دستگاه امنیتی عظیمی در اختیار دارند و نشان داده‌اند که بدون تردید از آن استفاده می‌کنند. قطع اینترنت، شکنجه در زندان، جوخه‌های اعدام؛ اینها ابزار حال حاضرند، نه گذشته. محتمل‌ترین نتیجه، ترکیبی از هر دو است، چرخه‌هایی از اعتراض و سرکوب، امید و سپس وحشت. اما هر چرخه، رژیم را سست‌تر می‌کند، مشروعیت آن را می‌فرساید و مردم را جسورتر می‌سازد».

● «جهان باید واقع‌بین باشد: ایران یا در آستانه آزادی است یا در خطر غلتیدن به موجی دیگر از اعدام‌ها. تفاوت می‌تواند در این باشد که آیا دنیای آزاد تصمیم می‌گیرد در کنار مردم ایران بایستد یا زمان بیشتری به آیت‌الله‌ها بدهد».

دوران محمدرضا شاهی؛ ایران خانه شماست

(صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



ویدئو

شرکت‌های عضو کنسرسیوم نفت گفت: «باید میزان تولید نفت تا آنجا که مقدور است افزایش یابد، چون این کار هم به صلاح و صرفه شرکت‌های عضو کنسرسیوم نفت است و هم به نفع ایران، از سوی دیگر از این راه کمک موثری به پیشرفت صنایع جهان و در نتیجه رفاه عموم خواهد شد.»

محمدرضا شاه همزمان با آنکه سیاست استقلال نفت را پیش می‌برد تا سهم فروش نفت تمام و کمال نصیب ایران شود، حضور شرکت‌های بزرگ نفت جهان در کنسرسیوم نفت ایران را نیز تبدیل به فرصتی کرده بود تا به سازندگی کشور شتاب دهد. اسفند ۱۳۳۶ او در ملاقات با نمایندگان

آتش خاموش نشده است
نویسندگان در بخش دیگری از این مقاله تأکید کرده‌اند، با وجود سرکوب، ایرانیان سکوت نکرده‌اند. «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» بیش از ۲۵۰۰ اعتراض را در سال گذشته رصد کرده؛ ۱۸۶ مورد در ماه اوت و ۴۳ مورد فقط در دو هفته اخیر. این اعتراض‌ها از تجمع‌های کوچک تا راهپیمایی‌های بزرگ، در استان‌های مختلف و با حضور همه‌ی اقشار جامعه برگزار می‌شوند؛ از دانشجویان و کسبه و سکولارها و مذهبی‌ها تا ثروتمندان و فقرا؛ پایداری آنها مهم است.

حاکمان ایران به این توهم تکیه دارند که ترس، اعتراض را خاموش کرده است. اما ریتم مداوم اعتراض خلاف آن را ثابت می‌کند: آتشی که مهسا امینی روشن کرد، خاموش نشده است.

آینده نامعلوم

بهنام بن طالب‌لو و ریچارد گلدبرگ در ادامه پرسیده‌اند: «اکنون پرسش کلیدی این است: آیا ایران در آستانه تغییر واقعی است یا وارد چرخه‌ای دیگر از اعدام‌های دستجمعی و بازداشت‌های گسترده خواهد شد؟»

آنها تشریح کرده‌اند که «تصویر امیدوارکننده این است که جمهوری اسلامی هرگز تا این حد ضعیف نبوده است: بازدارندگی هسته‌ای‌اش در هم شکسته، اقتصادش فاجعه‌بار و مشروعیت آن در حال فروپاشی است. زنان هر روز بی‌حجاب در خیابان‌ها راه می‌روند؛ جوانان علیه رهبر نظام شعار می‌دهند؛ اقلیت‌ها سکوت نمی‌کنند. اراده مردم برای آزادی قوی‌تر از ادعای رژیم بر قدرت است.

اما تصویر تاریک این است که آیت‌الله‌ها هنوز دستگاه امنیتی عظیمی در اختیار دارند و نشان داده‌اند که بدون تردید از آن استفاده می‌کنند. قطع اینترنت، شکنجه در زندان، جوخه‌های اعدام؛ اینها ابزار حال حاضرند، نه گذشته. محتمل‌ترین نتیجه، ترکیبی از هر دو است: چرخه‌هایی از اعتراض و سرکوب، امید و سپس وحشت. اما هر چرخه، رژیم را سست‌تر می‌کند، مشروعیت آن را می‌فرساید و مردم را جسورتر می‌سازد.»

مسئولیت جهان

در بخش پایانی این مقاله آمده است: «آمریکا و متحدانش نمی‌توانند آینده ایران را دیکته کنند، اما می‌توانند توازن را تغییر دهند. فشار مداوم بر تهران از طریق تحریم‌ها، پاسخگویی برای نقض حقوق بشر و حمایت از جامعه مدنی می‌تواند صدای ایرانیانی را که خواستار تغییرند تقویت کند. در مقابل چشم‌پوشی از آنها، فقط تضمین‌کننده سرکوب بیشتر است.

مرگ مهسا امینی، بی‌رحمی رژیم‌ی ساخته‌شده بر پایه ترس را آشکار کرد. در سومین سالگرد مرگ وی، نام او همچنان در اعتراضات زمزمه می‌شود، در محافل مخفیانه فریاد زده می‌شود و بر دیوارها نوشته می‌شود. او فراموش نشده است. جهان باید واقع‌بین باشد: ایران یا در آستانه آزادی است یا در خطر غلتیدن به موجی دیگر از اعدام‌ها. تفاوت می‌تواند در این باشد که آیا دنیای آزاد تصمیم می‌گیرد در کنار مردم ایران بایستد یا زمان بیشتری به آیت‌الله‌ها بدهد. مهسا امینی مرگ را انتخاب نکرد. اما با مرگ خود، به بزرگترین تهدید برای رژیم بدل شد: نماد جاودان آنچه آزادی می‌تواند باشد، زمانی که شهروندان عادی آن را می‌خواهند.»

به مناسبت سالگرد خیزش ملی مهسا و به یاد تمام جانبازگان ۴۷ سال؛ هیچوقت پاک نمیشه!



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

ویژگی‌های کلیدی رهبری ملی



خطر انحراف رهبری کاربزماتیک همواره جدیست. کاریزما اگر بدون مهار نهادی باشد، می‌تواند به فردی شدن قدرت، دوقطبی ساختن جامعه و سیاست دستوری بدون برنامه‌ی اجرا منجر شود. در ادبیات علوم استراتژیک از این پدیده به عنوان «رهبری سمی» یاد می‌شود که با فریب، ارعاب یا تمرکز قدرت، سازمان را از درون تهی می‌کند. پیشگیری از چنین انحرافی نیازمند نظام بازخورد ۳۶۰ درجه‌ای، شفافیت تضاد منافع، مشاوره‌ی مداوم رهبران ارشد و چرخش نقش‌هاست تا قدرت در یک نقطه متراکم نشود.

در کنار رهبر، نقش حامیان و تیم‌های مشترک نیز حیاتی است. دانش رهبری استراتژیک بر مفهوم «حامیان مسئول» تأکید دارد که در آن حامیان و هواداران نه منفعل بلکه شریک مسئولیت‌اند، حق دارند پرسش‌های اخلاقی مطرح کنند و در چارچوب مأموریت تصمیم بگیرند. همین منطق در سطح ملی نیز کاربرد دارد: جامعه باید توانمند شود تا مشارکت‌کننده باشد و بتواند خواست‌ها و حقوق شهروندان را مطرح کند. نهادها نیز باید پاسخگو مانند رهبری از مسیر توسعه‌ی پایدار خارج نشود.

بنابراین رهبری ملی امروز، ترکیبی از مقصد و هدف شفاف، توانمندسازی تیم‌ها، نهادینه کردن ارزش‌ها و ظرفیت‌سازی ساختاری است. چنین رهبری‌ای قدرت می‌آفریند، اما آن را میان نهادهای مختلف توزیع می‌کند تا خیزش‌های تغییرطلب از خطر فرو غلتیدن به شخص‌پرستی و سیاست‌زدگی مطلق در امان بمانند. تنها در اینصورت است که رهبر نه تنها وجدان جمعی جامعه را بازتاب می‌دهد بلکه آینده‌ای قابل اعتماد می‌سازد؛ آینده‌ای که در آن قدرت در خدمت توسعه، امنیت و عدالت قرار می‌گیرد.

*علی ر شهبازی پژوهشگر استراتژی‌های کشورداری و امنیت

جذابیت فردی و کاریزمای شخص خلاصه نمی‌شود، بلکه بر پایه‌ی توانایی تعیین مسیر روشن برای آینده‌ی کشور، ایجاد ظرفیت‌های نهادی و نهادینه کردن ارزش‌های پایدار بنا می‌شود. تجربیات معتبرترین مراکز مطالعات استراتژیک جهان نشان می‌دهد که رهبری مؤثر زمانی معنا می‌یابد که مقصد را به وضوح تعیین کند، محدودیت‌ها و منابع را مشخص سازد و اختیار عمل را برای یافتن بهترین راه حل‌ها به دست تیم‌های مسئول بسپارد. این همان فلسفه‌ی فرمان مأموریتی است که در محیط‌های پیچیده‌ی نظامی و سیاسی موفق عمل کرده است: رهبر مسیر را روشن می‌کند اما اجازه می‌دهد خلاقیت و ابتکار در لایه‌های پایین‌تر شکوفا شود. رهبری ملی اگر بخواهد قدرت‌آفرین باشد باید همزمان با تعیین استراتژی کلان، ساز و کارهای پاسخگویی و شفافیت را مستقر کند تا قدرت شخصی تبدیل به قدرت نهادی شود و در خدمت منافع جمعی قرار گیرد.

پیشگامان دکترین رهبری بر سه ویژگی کلیدی تأکید می‌کنند: شایستگی‌های فردی مانند خود رهبری، قضاوت و تاب‌آوری؛ شایستگی‌های فردی مانند توان ارتباط، پرورش دیگران و اخلاق رفتاری؛ و شایستگی‌های سازمانی مانند دید کلان، تصمیم‌گیری به موقع و تحویل نتایج قابل‌سنجش. رهبر ملی باید این شایستگی‌ها را نه تنها در خود، بلکه در تیم اجرایی و ساختار دولت پرورش دهد تا از فرسودگی نهادی و وابستگی بیش از حد به شخص جلوگیری شود. افزون بر این، ارزش‌ها و استانداردهای بنیادی مانند شجاعت، انضباط، درستکاری و ازخودگذشتگی که باید به رهبران جوان منتقل شود، در رهبری سیاسی نیز حیاتی‌اند؛ زیرا بدون آنها مشروعیت/حقانیت از دست می‌رود و جامعه به سمت بی‌اعتمادی حرکت می‌کند.

● پیشگامان دکترین رهبری بر سه ویژگی کلیدی تأکید می‌کنند: شایستگی‌های فردی مانند خود رهبری، قضاوت و تاب‌آوری؛ شایستگی‌های فردی مانند توان ارتباط، پرورش دیگران و اخلاق رفتاری؛ و شایستگی‌های سازمانی مانند دید کلان، تصمیم‌گیری به موقع و تحویل نتایج قابل‌سنجش. رهبر ملی باید این شایستگی‌ها را نه تنها در خود، بلکه در تیم اجرایی و ساختار دولت پرورش دهد تا از فرسودگی نهادی و وابستگی بیش از حد به شخص جلوگیری شود.

● در کنار رهبر، نقش حامیان و تیم‌های مشترک نیز حیاتی است. دانش رهبری استراتژیک بر مفهوم «حامیان مسئول» تأکید دارد که در آن حامیان و هواداران نه منفعل بلکه شریک مسئولیت‌اند، حق دارند پرسش‌های اخلاقی مطرح کنند و در چارچوب مأموریت تصمیم بگیرند. همین منطق در سطح ملی نیز کاربرد دارد: جامعه باید توانمند شود تا مشارکت‌کننده باشد و بتواند خواست‌ها و حقوق شهروندان را مطرح کند. نهادها نیز باید پاسخگو مانند رهبری از مسیر توسعه‌ی پایدار خارج نشود.

● چنین رهبری‌ای قدرت می‌آفریند، اما آن را میان نهادهای مختلف توزیع می‌کند تا خیزش‌های تغییرطلب از خطر فرو غلتیدن به شخص‌پرستی و سیاست‌زدگی مطلق در امان بمانند... رهبر مسیر را روشن می‌کند اما اجازه می‌دهد خلاقیت و ابتکار در لایه‌های پایین‌تر شکوفا شود. رهبری ملی اگر بخواهد قدرت‌آفرین باشد باید همزمان با تعیین استراتژی کلان، ساز و کارهای پاسخگویی و شفافیت را مستقر کند تا قدرت شخصی تبدیل به قدرت نهادی شود و در خدمت منافع جمعی قرار گیرد.

علی ر شهبازی - رهبری ملی در عصر امروز تنها به

تحلیلگر «تایم»: شرایط جمهوری اسلامی وخیم تر می شود



گفتگوی علی خامنه‌ای با مسئولان نظام، اسفند ۱۴۰۳

مقامات جمهوری اسلامی به دولت ترامپ اعلام کرده‌اند که آماده مذاکره‌اند، اما کاخ سفید قصد دارد قبل از آنکه مذاکره جدیدی آغاز شود، تهران را بیشتر تحت فشار قرار دهد. موضع رسمی آمریکا این است که رژیم ایران ابتدا باید امتیازات قابل توجهی در زمینه غنی‌سازی اورانیوم بدهد و چنین عقب‌نشینی‌ای بعید به نظر می‌رسد. در همین حال، واشنگتن می‌تواند با تهدید تحریم‌های بازگشت سازمان ملل، رهبران جمهوری اسلامی را بیشتر در تنگنا قرار دهد.

در بخش دیگری از مقاله آمده است: «جمهوری اسلامی طرفدارانی دارد و نفت ایران هنوز مشتری دارد. هرچند آمریکا تحریم‌هایی علیه کسانی که نفت ایران را جابجا می‌کنند اعمال کرده، اما چین همچنان مخفیانه نفت خام ایران را خریداری می‌کند. شرکت‌ها و بانک‌های بزرگ انرژی این کشور از تجارت نفت ایران عملاً جدا شده‌اند و خطر جریمه برای آنها محدود است. اما چشم‌انداز درآمد نفت ایران تاریک‌تر می‌شود زیرا خریداران بالقوه دیگر عقب می‌کشند. ذخیره‌سازی نفت روی آب توسط تانکرهای نفتکش که بی‌مقصد مانده‌اند از ۵ میلیون بشکه به ۳۰ میلیون در نیمه اول ۲۰۲۵ افزایش یافته است. حداقل این بدان معناست که جمهوری اسلامی ایران برای جذب خریداران بیشتر مجبور به ارائه تخفیف‌های بیشتر و پذیرش درآمد کمتر خواهد شد.»

در بخش پایانی مقاله «تایم» آمده است: «جمهوری اسلامی از زمان انقلاب ۱۹۷۹ توفان‌های بسیاری را پشت سر گذاشته و ممکن است چند توفان دیگر را نیز تحمل کند. پس از جنگ اخیر با اسرائیل، تهران سخت تلاش کرده است که بقای نظام را به عنوان پیروزی بفروشد، اما مشکل‌اش این است که بحران‌ها افزایش می‌یابند.»

در بخشی از مقاله آمده است: «جمهوری اسلامی ایران توانایی تحمل جنگ را ندارد. آنها در صورت حمله مجدد اسرائیل واکنش نشان خواهند داد، اما پاسخ با دقت تنظیم می‌شود تا از افزایش خطرناک درگیری‌ها جلوگیری شود. جمهوری اسلامی ایران امروز در موقعیت ژئوپلیتیک بسیار ضعیف‌تری نسبت به قبل از هفت اکتبر ۲۰۲۳ قرار دارد و بخش زیادی از شبکه متحدان خود را از دست داده است؛ از حماس و حزب‌الله در لبنان تا بشار اسد در سوریه که تهران سال‌ها برای بازدارندگی اسرائیل و نمایش قدرت منطقه‌ای به آنها متکی بود.»

به اعتقاد نویسنده، «فعالاً رژیم ایران پایدار به نظر می‌رسد» و «کمبود آب و انرژی کشور اگرچه موجب چند تظاهرات شده، اما سرکوب نیروهای امنیتی پس از جنگ مانع از بازگشت اعتراضاتی شبیه اعتراضات زن، زندگی، آزادی شده که کشور را در سال ۲۰۲۲ تکان داد. بازگشت به جنگ شدید می‌تواند کنترل رژیم را به خطر بیندازد.»

او با اشاره به فعال شدن «مکانیسم ماشه» تأکید کرد: «حتی اگر جمهوری اسلامی ایران بتواند از جنگ دیگری اجتناب کند، ولی فشار بر اقتصاد و در نتیجه بر رژیم افزایش خواهد یافت. در غیاب یک پیشرفت دیپلماتیک غیرمنتظره، این تحریم‌ها در ۱۸ اکتبر باز اعمال خواهند شد. واشنگتن قبلاً بخش‌های نفت و معدن ایران را هدف قرار داده و استفاده از دلار آمریکا در معاملات تجاری را ممنوع کرده است. اتحادیه اروپا نیز به دلیل سرکوب خشونت‌آمیز اعتراضات گذشته و حمایت نظامی ایران از جنگ روسیه در اوکراین جریمه‌هایی اعمال کرده است. اما تحریم‌های سازمان ملل بسیار گسترده‌تر خواهد بود و احتمالاً موجب کاهش قابل توجه درآمد نفت ایران و افزایش فشار بر اقتصاد این کشور می‌شود.»

● این برمر تحلیلگر روابط بین‌الملل در مقاله‌ای که ۱۴ سپتامبر (۲۳ شهریور) در مجله «تایم» منتشر شد، به بحران‌های جمهوری اسلامی و احتمال وقوع جنگ مجدد یا اعتراضات اجتماعی اشاره کرده و نوشته است که حکومت برای بقا در حال دست و پا زدن است.

● به اعتقاد نویسنده، «فعالاً رژیم ایران پایدار به نظر می‌رسد» و «کمبود آب و انرژی کشور اگرچه موجب چند تظاهرات شده، اما سرکوب نیروهای امنیتی پس از جنگ مانع از بازگشت اعتراضاتی شبیه اعتراضات زن، زندگی، آزادی شده که کشور را در سال ۲۰۲۲ تکان داد. بازگشت به جنگ شدید می‌تواند کنترل رژیم را به خطر بیندازد.»

● او با اشاره به فعال شدن «مکانیسم ماشه» تأکید کرد: «حتی اگر جمهوری اسلامی ایران بتواند از جنگ دیگر اجتناب کند، فشار بر اقتصاد و در نتیجه بر رژیم افزایش خواهد یافت.»

● مقامات جمهوری اسلامی به دولت ترامپ اعلام کرده‌اند که آماده مذاکره‌اند، اما کاخ سفید قصد دارد قبل از آنکه مذاکره جدیدی آغاز شود، تهران را بیشتر تحت فشار قرار دهد. موضع رسمی آمریکا این است که رژیم ایران ابتدا باید امتیازات قابل توجهی در زمینه غنی‌سازی اورانیوم بدهد و چنین عقب‌نشینی‌ای بعید به نظر می‌رسد.

● در بخش پایانی مقاله تایم آمده است: «جمهوری اسلامی از زمان انقلاب ۱۹۷۹ توفان‌های بسیاری را پشت سر گذاشته و ممکن است چند توفان دیگر را نیز تحمل کند. پس از جنگ اخیر با اسرائیل، تهران سخت تلاش کرده است که بقای نظام را به عنوان پیروزی بفروشد، اما مشکل‌اش اینجاست که بحران‌ها افزایش می‌یابند.»

این برمر تحلیلگر روابط بین‌الملل در مقاله‌ای که ۱۴ سپتامبر (۲۳ شهریور) در مجله «تایم» منتشر شد، به بحران‌های جمهوری اسلامی و احتمال وقوع جنگ مجدد یا اعتراضات اجتماعی اشاره کرده و نوشته است که حکومت برای بقا در حال دست و پا زدن است.

در مقدمه این نوشتار آمده است: «سه ماه پیش، اسرائیل و جمهوری اسلامی ایران وارد جنگی ۱۲ روزه شدند که خاورمیانه را تکان داد. موشک‌ها و پهپادها در هر دو جهت پرواز کردند، اما با کمک قابل توجه ایالات متحده، اسرائیل بر آسمان ایران مسلط شد، اهداف هسته‌ای و نظامی جمهوری اسلامی ایران را بارها هدف قرار داد و ۳۰ فرمانده امنیتی و ۱۹ متخصص هسته‌ای حکومت را از میان برداشت. با این حال، واکنش جمهوری اسلامی تأثیر چندانی نداشت که بتواند اسرائیل را در آینده باز دارد.»

این برمر عنوان می‌کند بازگشت به جنگ بعید است، هرچند جمهوری اسلامی احتمالاً ذخایر اورانیوم غنی‌شده و امکانات بازسازی توان غنی‌سازی را حفظ کرده است. کمپین بمباران اسرائیل و آمریکا نشان داده که حکومت هنوز چند سال با تولید سلاح هسته‌ای فاصله دارد.

اسرائیل همچنین حملات مستقیم داخل مرزهای ایران را عادی کرده و توانایی وارد آوردن آسیب قابل توجه به رژیم را نشان داده است. اگر رژیم ایران پیشرفت ناگهانی در برنامه هسته‌ای خود داشته باشد، اسرائیل می‌تواند عملیات محدود موسوم به «چمن‌زنی» را انجام دهد تا پایگاه‌های موشکی و سیستم‌های دفاع هوایی بیشتری را هدف قرار داده و دفاع جمهوری اسلامی را کاهش دهد.

ادعای عباس عراقچی درباره «توافق قاهره»: بازديد از تأسیسات اتمی به شرطی انجام می‌شود که «مکانیسم ماشه» فعال نشود!



حضور عباس عراقچی در کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی / شهریور ۱۴۰۴

● عباس عراقچی در جلسه کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی مدعی شد «آژانس شرایط جدید ما را قبول کرده» و «ملاحظات امنیتی ایران را مد نظر قرار می‌دهد» و بازديد از تأسیسات اتمی به شرطی انجام می‌شود که «مکانیسم ماشه» فعال نشود. او همچنین گفت: «متن تفاهم قاهره را برای سران کشور فرستادیم».

● سردار پاسدار ابراهیم عزیزی رئیس کمیسیون «امنیت ملی» مجلس اسلامی نیز همزمان گفت که «قرار شده اگر اروپا و آژانس به تعهدات خود عمل کنند، با همین توافقنامه [میان ایران و آژانس] موضوع اسنپ بک منتفی شود».

● نادر انتصار استاد بازنشسته دانشگاه آلابامای جنوبی به «ایرنا» می‌گوید، «با اسنپ بک یا بدون آن آمریکا به دنبال رسیدن به یک نتیجه برد- باخت با [جمهوری اسلامی] ایران است که در این بازی آمریکا برنده کامل و ایران بازنده دائمی باشد... در این خیمه‌شب بازی بازیکن اصلی یعنی آمریکا پشت پرده است و نخ‌های عروسک‌های اروپایی را از پشت پرده کنترل می‌کند».

دو هفته مانده به پایان مهلت جمهوری اسلامی برای فعال شدن عملی «مکانیسم ماشه» و بازگشت تحریم‌ها، عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی روز یکشنبه ۲۳ شهریورماه برای حضور در جلسه اضطراری وزرای خارجه کشورهای اسلامی- عربی جهت بررسی حمله اسرائیل به مقر حماس در دوحه به قطر رفت، آنهم در شرایطی که حدود سه ماه پیش خود جمهوری اسلامی به قطر موشک پرتاب کرد و پایگاه آمریکایی «العدید» را در آن

عراقچی از تبادل دو گروگان فرانسوی محبوس در ایران با مهدیه اسفندیاری تبعه ایرانی حامی تروریسم خبر داد

این گزارش افزوده بود که دادستانی پاریس اعلام کرد این محتواها «تحریک به تروریسم» و «توهین به جامعه یهودی» تلقی شده‌اند.

پس از بازداشت مهدیه اسفندیاری، رسانه‌های جمهوری اسلامی مانور خبری گسترده‌ای درباره این بازداشت انجام دادند. روزنامه «کيهان» چاپ تهران مدعی شده بود که مهدیه اسفندیاری «به جرم حمایت از مردم غزه و محکوم کردن جنایات اسرائیل در نسل‌کشی و قتل عام مردم غزه زندانی است».

خواهر مهدیه اسفندیاری خردادماه امسال در گفتگو با روزنامه «فرهیختگان» گفته بود که خواهرش به «ترویج و ترغیب تروریسم» متهم شده اما پس از تفهیم اتهام دادگاهی برای او تشکیل نشده است.

سسیل کوهر و ژاک پاریس دو شهروند فرانسوی که بیش از سه سال است با اتهامات امنیتی در زندان اوین محبوس هستند، در کنار اتهامات پیشین به تازگی به «جاسوسی



برای موساد» نیز متهم شده‌اند. این اتهام در کنار دو اتهام «توطئه برای براندازی نظام» و «فساد فی‌الارض» که علیه این شهروندان ادعا شده، خطر صدور حکم اعدام علیه این شهروندان فرانسوی را افزایش داد. آنها در پی پرونده‌سازی سازمان اطلاعات سپاه (ساس) در اردیبهشت ۱۴۰۱ هنگام خروج از ایران پس از یک سفر توریستی ۱۰ روزه در فرودگاه «امام» بازداشت و به زندان اوین منتقل شدند.

سسیل کوهر در زمان بازداشت ۴۰ ساله بود. او آموزگار و عضو فدراسیون آموزش و فرهنگ سندیکای نیروی کار فرانسه است که به همراه شریک زندگی خود ژاک پاریس معلم بازنشسته ریاضیات که در زمان بازداشت ۷۲ ساله بود با اتهامات سنگین امنیتی روبرو شدند.

این دو آموزگار به همراه شماری از فعالان صنفی آموزگاران و کارگری بازداشت شدند و اتهام آنها «توطئه برای براندازی نظام» و «فساد فی‌الارض» اعلام شد. با اینهمه پس از جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و جمهوری اسلامی، آنها با اتهام «جاسوسی برای موساد» روبرو شدند.

پس از متهم شدن سسیل کوهر و ژاک پاریس به «جاسوسی برای موساد»، ژان نوئل بارو وزیر امور خارجه فرانسه درباره این اتهام گفت: «اگر این اتهامات تأیید شود، ما آن را کاملاً ناعادلانه و بی‌اساس خواهیم دانست».

اتهام «جاسوسی برای موساد» اگرچه خطر صدور حکم اعدام علیه این شهروندان فرانسوی را افزایش داده بود اما به نظر می‌رسد این اتهام برای زیر فشار قرار دادن دولت فرانسه برای موافقت با تبادل این دو تن با مهدیه اسفندیاری صورت گرفته است.

گروگانگیری شهروندان دوتابعیتی یا شهروندان غیرایرانی که به ایران سفر می‌کنند، سال‌هاست به سیاست جمهوری اسلامی برای تحت فشار قرار دادن و باجگیری از دیگر کشورها تبدیل شده است.

● عباس عراقچی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی شامگاه پنجشنبه ۲۰ شهریورماه ۱۴۰۴ اعلام کرد که دو آموزگار فرانسوی زندانی در ایران قرار است با یک تبعه ایرانی بازداشتی در فرانسه مبادله شوند.

● مهدیه اسفندیاری شهروند ایرانی ۳۹ ساله ساکن شهر لیون ۱۰ اسفند ۱۴۰۳ به اتهام «تجید از تروریسم» بازداشت و به زندان منتقل شد. او در زندان فرسن در حومه پاریس محبوس است.

● سسیل کوهر و ژاک پاریس دو شهروند فرانسوی که بیش از سه سال است با اتهامات امنیتی در زندان اوین محبوس هستند به «توطئه برای براندازی نظام»، «فساد فی‌الارض» و «جاسوسی برای موساد» متهم شده‌اند.

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی از تبادل دو آموزگار فرانسوی زندانی در ایران با مهدیه اسفندیاری که به اتهام «حمایت از تروریسم» در فرانسه بازداشت شده خبر داد.

عباس عراقچی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی شامگاه پنجشنبه ۲۰ شهریورماه ۱۴۰۴ در یک گفتگو در صدا و سیما جمهوری اسلامی اعلام کرد که دو آموزگار فرانسوی زندانی در ایران قرار است با یک تبعه ایرانی بازداشتی در فرانسه مبادله شوند.

عباس عراقچی گفته که «تبادل مهدیه اسفندیاری با زندانیان فرانسوی داخل ایران به مراحل نهایی نزدیک شده و امیدواریم در روزهای آینده انجام شود».

مهدیه اسفندیاری شهروند ایرانی ۳۹ ساله ساکن شهر لیون ۱۰ اسفند ۱۴۰۳ به اتهام «تجید از تروریسم» بازداشت و به زندان منتقل شد. او در زندان فرسن در حومه پاریس محبوس است. نشریه «لوپوئن» گزارش داده بود که این تبعه ایرانی متهم شده که در کانالی در تلگرام، پیام‌هایی در حمایت از حمله تروریستی «هفت اکتبر» حماس منتشر کرده است.

احضار عباس عراقچی به مجلس شورای اسلامی برای حضور در یک «جلسه اضطراری»



تجمع عوامل میدانی حکومت در مقابل دفتر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی

عراقچی را تهدید به استیضاح کرده‌اند. کامران غضنفری، نماینده تهران، در «ایکس» وزیر خارجه جمهوری اسلامی را تهدید کرد که «با تمام اظهارات گروسی را علنی تکذیب می‌کنید و متن توافقنامه را در اختیار نمایندگان مجلس قرار می‌دهید، یا خودتان را برای استیضاح آماده کنید، والسلام.» او همچنین در پست دیگری نوشت: «چنانچه متن توافق را فوراً در اختیار نمایندگان مجلس قرار ندهید، به حول و قوه الهی استیضاح آقای عراقچی را به جریان خواهیم انداخت. ما بر سر منافع ملی با هیچ احدالناسی شوخی نداریم.»

عباس مقتدایی نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی نیز به خبرگزاری «تسنیم» (وابسته به سپاه پاسداران) گفت، «در روزها و هفته‌های گذشته بارها از سوی اعضای کمیسیون امنیت ملی به وزیر خارجه گوشزد شده است که توقع مجلس، رعایت کامل مفاد قانون مصوب مجلس درباره نحوه ارتباط با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است.» در اعتراض به توافق جمهوری اسلامی و آژانس، پنجشنبه ۲۰ شهریورماه گروهی از عوامل میدانی حکومت و بسیجیان زیر عنوان دانشجو در مقابل ساختمان شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی تجمع کردند. آنها علاوه بر سردادن شعار علیه آژانس، نسبت به تهدید امنیت ملی از طریق اجازه دسترسی بازرسان هشدار دادند.

اصلاح‌طلبان که طرفدار مذاکره جمهوری اسلامی با آژانس و غربی‌ها هستند، مدعی شدند این تجمع غیرقانونی و خلاف مصالح ملی است.

پس از امضاء توافق در قاهره، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در جلسه شورای حکام گفت توافق با جمهوری اسلامی شامل بازرسی از «همه تأسیسات و مراکز اتمی از جمله آنهایی که مورد حمله قرار گرفته‌اند» می‌شود اما در مقابل وزیر خارجه جمهوری اسلامی با انکار حرف‌های گروسی می‌گوید: «هیچ قراردادی برای بازرسی گذاشته نشده است.»

● هدف از این جلسه که قرار است ساعت ۱۷:۰۰ روز شنبه ۲۲ شهریورماه برگزار شود، بررسی محتوای توافقی است که رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با عراقچی در قاهره امضاء کردند.

● شماری از نمایندگان مجلس از مخالفان مذاکره با آژانس، عراقچی را تهدید به استیضاح کرده‌اند. کامران غضنفری، نماینده تهران، در «ایکس» وزیر خارجه جمهوری اسلامی را تهدید کرد که «با تمام اظهارات گروسی را علنی تکذیب می‌کنید و متن توافقنامه را در اختیار نمایندگان مجلس قرار می‌دهید، یا خودتان را برای استیضاح آماده کنید، والسلام.»

● عباس مقتدایی نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی نیز به خبرگزاری «تسنیم» (وابسته به سپاه پاسداران) گفت، «در روزها و هفته‌های گذشته بارها از سوی اعضای کمیسیون امنیت ملی به وزیر خارجه گوشزد شده است که توقع مجلس، رعایت کامل مفاد قانون مصوب مجلس درباره نحوه ارتباط با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است.»

سخنگوی هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی از برگزاری «جلسه اضطراری» کمیسیون ملی امنیت با عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی خبر داد.

هدف از این جلسه که قرار است ساعت ۱۷:۰۰ روز شنبه ۲۲ شهریورماه برگزار شود، بررسی محتوای توافقی است که رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با عراقچی در قاهره امضاء کردند.

عباس گودرزی سخنگوی هیئت رئیسه مجلس توضیح داده است که براساس قانون مصوب مجلس، هرگونه همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باید با مصوبه شورای عالی امنیت ملی باشد. شماری از نمایندگان مجلس از مخالفان مذاکره با آژانس،

کشور هدف قرار داد.

این سفر در شرایطی برگزار می‌شود که عراقچی به تازگی از توافق با رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که قطعا با مجوز علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی انجام شده از قاهره برگشته است.

عراقچی شنبه ۲۲ شهریورماه در جلسه اضطراری کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی شرکت کرد تا به پرسش نمایندگان درباره محتوای توافق مبهم قاهره توضیح بدهد. نتایج و جزئیات این جلسه مشخص نیست؛ اما حمید رسایی نماینده عضو «جبهه پایداری» در پیامی کوتاه در «ایکس» نوشت: «جلسه سه ساعته تمام شد، مراحل شبیه برجام در حال تکرار است. والسلام.»

عراقچی در جلسه کمیسیون «امنیت ملی» مجلس اسلامی مدعی شد «آژانس شرایط جدید ما را قبول کرده» و «ملاحظات امنیتی ایران را مد نظر قرار می‌دهد». وی همچنین گفت که بازدید از تأسیسات اتمی به شرطی انجام می‌شود که «مکانیسم ماشه» فعال نشود. او همچنین گفت «متن تفاهم قاهره را برای سران کشور فرستادیم.»

سردار پاسدار ابراهیم عزیزی رئیس کمیسیون «امنیت ملی» نیز همزمان گفت که «قرار شده اگر اروپا و آژانس به تعهدات خود عمل کنند، با همین توافقنامه [میان ایران و آژانس] موضوع اسنپ بک منتفی شود.» اما به نظر می‌رسد در این مورد اطمینان وجود ندارد زیرا عزیزی تأکید کرد که «یکی از گزینه‌های ما در صورت فعال‌شدن مکانیسم ماشه، خروج از NPT است، اما همه راه‌های ما همین یک مورد نیست.»

عراقچی ساعاتی قبل از سفر به قطر، با انتشار پیامی در «ایکس» نوشت، مسئله تنها این نیست که سه کشور اروپایی هیچ حق قانونی، سیاسی یا اخلاقی برای فعال‌کردن ساز و کار اسنپ‌بک ندارند، حتی اگر این حق را هم داشتند حکایت «استفاده نکنی از دستت رفته» اینجا کارایی ندارد. وزیر خارجه جمهوری اسلامی در حالی که خود نظام در تنگنای بی‌سابقه‌ی حمله نظامی مجدد و فعال شدن مکانیسم ماشه و احتمال اعتراضات اجتماعی گیر کرده، ادامه داده است که «تعبیر دقیق‌تر برای دوراهی سخت پیش روی سه کشور اروپایی آن است که «استفاده کنی از دستت رفته!» و شاید بهتر باشد بگوییم: «استفاده کنی همه چیز از دست رفته!»

برخی منابع می‌گویند بعد از توافق آژانس با جمهوری اسلامی برای بازدید بازرسان از تأسیسات اتمی تخریب شده در جریان جنگ ۱۲ روزه، انگیزه اروپایی‌ها برای فعال کردن مکانیسم ماشه کمتر شده است.

عبدالرضا فرجی‌راد استاد ژئوپلیتیک دانشگاه و سفیر پیشین جمهوری اسلامی در نروژ و مجارستان در مصاحبه با خبرگزاری دولتی «ایرنا» هشدار داده که در صورت فعال‌شدن مکانیسم ماشه علاوه بر بازگشت تحریم‌ها احتمال اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی نیز تقویت می‌شود. او توضیح داد حداقل دستاوردی که توافق قاهره دارد تأخیر شش ماهه در بازگشت تحریم‌هاست.

او در بخش دیگری از این مصاحبه گفته حتا اگر در مورد مسائل اتمی هم توافق صورت بگیرد، اروپایی‌ها مسئله روابط نظامی ایران و روسیه در جنگ اوکراین را مطرح می‌کنند.

نادر انتصار استاد بازنشسته دانشگاه آلابامای جنوبی نیز به «ایرنا» می‌گوید، «با اسنپ بک یا بدون آن آمریکا به دنبال رسیدن به یک نتیجه برد- باخت [با جمهوری اسلامی] ایران است که در این بازی آمریکا برنده کامل و [رژیم] ایران بازنده دائمی باشد... در این خیمه‌شب‌بازی بازیکن اصلی یعنی آمریکا پشت پرده است و نخ‌های عروسک‌های اروپایی را از پشت پرده کنترل می‌کند.»

لزوم واقع‌گرایی در اپوزیسیون خارج از ایران و ارتباط آن با داخل کشور



دکتر رضا سعیدی فیروزآبادی - اپوزیسیون ایرانی در خارج کشور پس از موج‌های مهاجرت سیاسی در چهار دهه اخیر به یکی از مهم‌ترین مراکز تولید گفتمان و سازماندهی فعالیت‌های اعتراضی علیه ساختار حاکم در ایران بدل شده است. با این حال، کارنامه این اپوزیسیون نشان می‌دهد که ضعف در واقع‌گرایی سیاسی و گسست از شرایط واقعی جامعه ایران، مانع بزرگی بر سر راه اثربخشی آن بوده است. بررسی ضرورت واقع‌گرایی در این نیرو و نحوه پیوند آن با داخل ایران، برای درک بهتر موقعیت کنونی و یافتن مسیرهای عملی تغییر اهمیت ویژه‌ای دارد.

۱. واقع‌گرایی به عنوان ضرورت سیاسی

واقع‌گرایی به معنای پذیرش شرایط عینی جامعه، درک محدودیت‌ها و ظرفیت‌ها، و پرهیز از آرمانگرایی صرف است. اپوزیسیون خارج از ایران اغلب دچار سه آسیب عمده بوده است:

توهم قدرت: برخی جریان‌ها بر این تصور بوده‌اند که صرفاً با حمایت خارجی می‌توانند تغییرات بنیادین در ایران رقم بزنند، بدون توجه به بستر اجتماعی و فرهنگی داخل کشور.

انشقاق و پراکندگی: اختلاف‌های ایدئولوژیک و شخصی باعث شده اپوزیسیون بجای ایجاد جبهه‌ای واحد، بیشتر به نزاع‌های درونی مشغول شود.

بی‌ارتباطی با نیازهای روز مردم: بسیاری از شعارها و طرح‌های اپوزیسیون خارج کشور کمتر با دغدغه‌های ملموس مردم داخل ایران مانند بحران اقتصادی، فساد، یا تبعیض‌های اجتماعی همخوانی دارد.

۲. پیوند با داخل ایران؛ شرط موفقیت

هیچ نیروی سیاسی در تبعید نمی‌تواند بدون پیوند مستمر

والاستریت ژورنال: خامنه‌ای بعد از جنگ ۱۲ روزه افسرده، گوشه‌گیر و منزوی شده



علی خامنه‌ای

● روزنامه «والاستریت ژورنال» در مقاله‌ای به قلم ری تکیه و روئل مارک گشت که ۲۰ شهریورماه ۱۴۰۴ منتشر شد می‌نویسد: «ترکیب غیرقابل‌پیش‌بینی بودن ترامپ و ستیزه‌جویی نتانیاهو، ملاها را به شکلی بی‌سابقه متزلزل کرده است.» عنوان این مقاله یک پرسش است: «مگر قرار نبود اگر آمریکا به ایران حمله کند، جهنم بپا شود؟»

● نویسندگان تأکید کرده‌اند، دولت‌های گذشته آمریکا همواره هنگام تصمیم‌گیری برای حمله جمهوری اسلامی با این پیش‌فرض که جهنم بپا می‌شود از حمله خودداری می‌کردند، تصور آنها این بود که حمایت جامعه از حکومت افزایش پیدا می‌کند، اما جنگ ۱۲ روزه اسرائیل این فرضیات را از بین برد.

● نویسندگان این مقاله در ادامه اشاره کرده‌اند که برخلاف موارد گذشته به خاطر مرگ سرداران یا مقامات حکومتی پس از جنگ اخیر هیچ گردهمایی عظیم سازمانیافته‌ای برگزار نشد.

روزنامه «والاستریت ژورنال» در مقاله‌ای به قلم ری تکیه و روئل مارک گشت که ۲۰ شهریورماه ۱۴۰۴ منتشر شد می‌نویسد: «ترکیب غیرقابل‌پیش‌بینی بودن ترامپ و ستیزه‌جویی نتانیاهو، ملاها را به شکلی بی‌سابقه متزلزل کرده است.» عنوان این مقاله یک پرسش است: «مگر قرار نبود اگر آمریکا به ایران حمله کند، جهنم بپا شود؟»

نویسندگان در مقدمه با اشاره به تهدیدات توخالی جمهوری اسلامی نوشته‌اند: جنگ‌ها همیشه فرضیات را بر هم می‌زنند. در سال ۱۹۸۳ جمهوری اسلامی ایران طبق گفته مقامات نظامی آمریکا به تروریست‌های حزب‌الله دستور داد اقدامی چشمگیر علیه تفنگداران دریایی ایالات متحده انجام دهند. حزب‌الله چند هفته بعد با بمب‌گذاری در سفارت آمریکا و مقر تفنگداران در بیروت این ←

با جامعه داخل کشور نقشی تعیین‌کننده ایفا کند. این پیوند می‌تواند از طریق مسیرهای زیر تقویت شود:

شنیدن صدای داخل: استفاده از شبکه‌های اجتماعی، ارتباط با فعالان مدنی، دانشجویان، زنان و کارگران در ایران برای شناخت اولویت‌ها.

بازنمایی واقعیات داخلی: انتقال صدای اعتراضات و خواسته‌های مردم به افکار عمومی و نهادهای بین‌المللی، نه صرفاً بازتاب دیدگاه‌های گروه‌های برون‌مرزی.

پرهیز از نسخه‌های تحمیلی: هرگونه طرح سیاسی برای آینده ایران باید از درون جامعه برخیزد و مورد پذیرش اکثریت قرار گیرد؛ اپوزیسیون خارج تنها می‌تواند نقش تقویتی و تسهیل‌کننده ایفا کند.

۳. مسائل روز ایران و مسئولیت اپوزیسیون

امروز جامعه ایران با بحران‌های گوناگونی دست‌به‌گریبان است: اقتصاد فروپاشیده، تورم و بیکاری گسترده بحران محیط زیست، از جمله کم‌آبی و آلودگی هوا فساد ساختاری و ناکارآمدی مدیریتی سرکوب آزادی‌های مدنی و سیاسی

اپوزیسیون خارج کشور اگر می‌خواهد نقش واقعی ایفا کند، باید برنامه‌ها و گفتمان خود را بر اساس این مسائل اولویت‌بندی کند، نه صرفاً بر اساس جدال‌های ایدئولوژیک یا رقابت‌های شخصی.

واقع‌گرایی شرط بقای اپوزیسیون و جلب اعتماد جامعه ایران است. بدون درک شرایط واقعی و بدون ارتباط ارگانیک با داخل، اپوزیسیون خارج کشور به مرور دچار انزوا خواهد شد. در مقابل، اگر این نیرو بتواند با فروتنی سیاسی به تقویت جنبش‌های مدنی داخل ایران بپردازد و خود را در خدمت خواسته‌ها و تمایلات واقعی مردم قرار دهد، آنگاه می‌تواند در آینده سیاسی ایران نقشی مؤثر ایفا کند.

دوران محمد رضا شاهی؛ آموزش عالی همگام با غرب

(صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



ویدیو

فرهنگی، ورزشی و بهداشتی بود. او روز دوم نوروز را به همراه نخست وزیر و تنی چند از سران کشور به دیدار پسران و دختران در یتیم‌خانه رفت تا از چگونگی مراقبت و زندگی و آموزش و پرورش آنها بازدید کند و ۲۷ فروردین کارخانه داروسازی «تولید دارو» در جاده کرج را گشود...

اول فروردین ۱۳۳۷ شاه در پیام نوروزی از دو واقعه زمین‌لرزه شمال و غرب کشور در سال گذشته اظهار تأسف کرد و اضافه نمود مملکت در سالی که گذشت شاهد پیشرفت‌های بزرگی چون گشایش راه‌آهن مشهد، رسیدن راه‌آهن به تبریز و آماده شدن کارخانه‌های متعدد و پیشرفت‌های شایان در امور

رهبر جمهوری اسلامی:

حالت نه جنگ، نه صلح خوب نیست!



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

→ کار را کرد. از آن زمان، مقامات آمریکایی و مفسران سیاسی هر دو حزب [جمهوریخواهان و دموکرات‌ها] تأکید کرده‌اند که حمله آمریکا به ایران موجب آغاز جنگی بی‌پایان در خاورمیانه خواهد شد.

حتی وقتی محبوبیت حکومت دینی در میان مردم ایران در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ سقوط کرده بود، مقامات آمریکایی هرگونه دخالت خارجی را هدیه‌ای برای رژیم [ایران] می‌دیدند که قطعاً موقعیت داخلی آن را احیا می‌کند. آنها فکر می‌کردند مردم ایران، وقتی تحت تهدید قرار گیرند، شکایت‌ها و نارضایتی‌های خود را کنار گذاشته و حاکمان اسلام‌گرای خود را تحمل یا حتی حمایت خواهند کرد.

نویسندگان سپس تأکید کرده‌اند که «دولت‌های گذشته آمریکا همواره هنگام تصمیم‌گیری برای حمله جمهوری اسلامی با این پیش‌فرض از آن خودداری می‌کردند که حمایت جامعه از حکومت افزایش پیدا می‌کند، اما جنگ ۱۲ روزه اسرائیل این فرضیات را از بین برد.»

در این حمله، آمریکا از یک فریب تاکتیکی استفاده کرد؛ بطوری که گروهی از بمب‌افکن‌های B-2 به سمت غرب پرواز کردند تا توجه ایران را جلب کنند، در حالی که گروه دیگری به سمت شرق حرکت کرده و تأسیسات هسته‌ای ایران را هدف قرار دادند. این عملیات با استفاده از بمب‌های GBU-57 و موشک‌های کروز تاماهاک از زیردریایی‌ها انجام شد.

رئیس جمهور ترامپ این حمله را از باشگاه خصوصی خود در نیوجرسی تأیید کرد و آن را یک موفقیت نظامی بزرگ اعلام کرد. در مقابل، مقامات جمهوری اسلامی ایران اعلام کردند که تنها آسیب‌های جزئی به تونل‌های ورودی وارد شده و برنامه هسته‌ای خود را ادامه خواهند داد.

مقاله در ادامه اشاره کرده برخلاف موارد گذشته به خاطر مرگ سرداران یا مقامات حکومتی پس از جنگ اخیر هیچ گردهمایی عظیم سازمان‌یافته‌ای برگزار نشد.

نویسندگان این مقاله در وال‌استریت ژورنال می‌افزایند: «علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی جنگ را در پناهگاه‌های مختلف گذراند و گفته می‌شود سرگرم طراحی جانشینی‌اش بود. حضور متناوب او و سخترانی‌هایش به هیچ وجه خطابه‌های الهام‌بخش و پرشوری که مریدان انتظار داشتند نبود. او افسرده، گوشه‌گیر و منزوی شده است.»

در ادامه این مطلب آمده است: «مسعود پزشکیان رئیس جمهور نیز در مورد زنده ماندنش در حمله اسرائیل پز می‌دهد.»

حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در همان ساعات اولیه جنگ ۱۲ روزه کشته شد، اواسط اردیبهشت ۱۴۰۴ اسرائیل و آمریکا را تهدید کرده بود که «اگر دست از پا خطا کند، ما درهای جهنم را به رویش خواهیم گشود.»

بن رودز معاون مشاور امنیت ملی اوپاها به وال‌استریت ژورنال می‌گوید، حمله به [رژیم] ایران به عنوان اقدامی پرخطر و با پیامدهای شدید در نظر گرفته می‌شد. اما اکنون، با وجود حمله آمریکا، جهان همچنان در حال چرخش است و «هیچ جهنمی پیا نشده است.»

نویسندگان این مطلب با استفاده از عنوان «رسوایی ملی» نوشته‌اند که حکومت کارزار سرکوب وحشیانه راه انداخته تا با نام پاکسازی از جاسوس جامعه‌ای را بترساند که «دور پرچم آن گرد نیامده است.»

در پایان اشاره شده: «ترکیب غیرقابل‌پیش‌بینی بودن ترامپ و ستیزه‌جویی نتانیاهو، ملاها را به شکلی بی‌سابقه متزلزل کرده است.»

مدیرکل وزارت دفاع اسرائیل: نبردهای دیگری با جمهوری اسلامی خواهیم داشت



بارام افزود که این وزارتخانه در میانه روند ایجاد یک «شورای عالی تسلیحات» است، نهادی که به گفته او به اسرائیل امکان خواهد داد تا «بطور قابل توجهی سرعت آمادگی خود را برای جنگ با [رژیم] ایران و دیگر دشمنان دوردست افزایش دهد».

او در بخشی از سخنانش به کلیاتی درباره بودجهی مورد نیاز برای تقویت تسلیحاتی اسرائیل اشاره کرد و گفت: «ما باید هم‌اکنون سرمایه‌گذاری کنیم تا درباره شگفتی‌های بعدی و عملیات‌های بعدی پیچر فکر کنیم، اینها هزینه‌های امنیت است، هر یک از این شگفتی‌ها در میدان رزمی دستاوردهای گسترده‌ای دارد، مخارجی هم دارد: حملات ما به یمن بطور متوسط حدود ۵۰ میلیون شکل جدید (۱۵ میلیون دلار) هزینه دارد، اما تأثیر گسترده‌ای بر بازدارندگی و جایگاه جهانی ما دارد. رهگیری یک موشک با آرو ۳ بین ۱۵ تا ۳۰ میلیون شکل جدید (۴.۵ تا ۹ میلیون دلار) هزینه دارد، اما خسارت ناشی از خطا تقریباً به ۳۰۰ میلیون شکل جدید (۹۰ میلیون دلار) می‌رسد».

مدیرکل وزارت دفاع اسرائیل ادامه داد: «ما باید تغییر بنیادی در فرآیند تولید و خرید سامانه‌های حیاتی دفاعی و رزمی ایجاد کنیم».

بارام در پایان گفت که این وزارتخانه هفته گذشته قراردادهای صادرات تسلیحاتی به ارزش ۲/۵ میلیارد دلار امضا کرده است. این در شرایطی است که تعدادی از کشورها قراردادهای دفاعی خود را با اسرائیل لغو کرده‌اند. او گفت: «همی‌توانم نام کشورها را ذکر کنم اما آنها معنای سرمایه‌گذاری بلندمدت در دفاع در جهانی بی‌ثبات را درک می‌کنند».

مقامات ارشد نظامی و سیاسی جمهوری اسلامی نیز احتمال حمله مجدد از سوی اسرائیل را جدی می‌دانند. در همین ارتباط امیر حاجی فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی برای چندمین بار گفته است: «تهدید دشمن را تمام شده تلقی نمی‌کنیم».

● به گزارش روزنامه «تایمز اسرائیل»، امیر بارام مدیرکل وزارت دفاع اسرائیل دوشنبه ۲۴ شهریورماه با اشاره به «جنگ ۱۲ روزه» با جمهوری اسلامی گفت: «آن جنگ با پیروزی آشکار اسرائیل پایان یافت اما دوره‌های دیگری علیه جمهوری اسلامی وجود خواهد داشت».

● او تأکید کرد: «مقامات جمهوری اسلامی ناپدید نشده‌اند، آنها احساس حقارت می‌کنند و بنابراین مبالغ هنگفتی را در حوزه دفاع و فرایندهای شتاب‌زده ساخت قدرت، سرمایه‌گذاری می‌کنند».

● این مقام نظامی توضیح داد که «برای حفظ برتری نظامی، وزارت دفاع بر اساس سه افق زمانی عمل می‌کند: در کوتاه‌مدت تدارکات و خرید، در میان‌مدت بهبود آمادگی برای دهه آینده و در بلندمدت، توسعه سامانه‌های تسلیحاتی تغییردهنده بازی برای عرصه‌های آینده».

امیر بارام مدیرکل وزارت دفاع اسرائیل هشدار داد که این کشور در آینده دوره‌های بیشتری از جنگ با جمهوری اسلامی خواهد داشت.

به گزارش روزنامه «تایمز اسرائیل»، این مقام ارشد وزارت دفاع اسرائیل دوشنبه ۲۴ شهریورماه درباره «جنگ ۱۲ روزه» با جمهوری اسلامی گفت: «آن جنگ با پیروزی آشکار اسرائیل پایان یافت اما دوره‌های دیگری از نبرد علیه جمهوری اسلامی وجود خواهد داشت».

او تأکید کرد: «مقامات جمهوری اسلامی ناپدید نشده‌اند، آنها احساس حقارت می‌کنند و بنابراین مبالغ هنگفتی را در حوزه دفاع و فرایندهای شتاب‌زده ساخت قدرت، سرمایه‌گذاری می‌کنند».

این مقام نظامی توضیح داد که «برای حفظ برتری نظامی، وزارت دفاع بر اساس سه افق زمانی عمل می‌کند: در کوتاه‌مدت تدارکات و خرید، در میان‌مدت بهبود آمادگی برای دهه آینده و در بلندمدت، توسعه سامانه‌های تسلیحاتی تغییردهنده بازی برای عرصه‌های آینده».

اسرائیل ۱۸۷
کیف پول رمزارز
مرتبط با سپاه
پاسداران با ۱/۵
میلیارد دلار تراکنش
را شناسایی کرد



نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مراسم تشییع جنازه سرداران کشته شده سپاه

● دفتر ملی مبارزه با تأمین مالی تروریسم اسرائیل فهرست ۱۸۷ آدرس کیف پول رمزارز مرتبط با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را منتشر کرد. طبق این گزارش، آدرس‌های اعلام شده در مجموع ۱/۵ میلیارد دلار تر دریافت کرده‌اند.

● دفتر ملی مقابله با تأمین مالی تروریسم (NBCTF) اسرائیل اعلام کرده که «اطمینان دارد کیف پول‌های رمزارز» متعلق به سپاه پاسداران هستند و «برای ارتکاب جرائم تروریستی شدید مورد استفاده قرار می‌گیرند».

● به گفته شرکت نظارت بر بلاک چین Ellip-tic، کیف پول‌های مورد اشاره ۱/۵ میلیارد دلار از استیبل کوین تتر (USDT) دریافت کرده‌اند. تام رایبنسون از بنیانگذاران و متخصصان ارشد Elliptic گفته است که این شرکت نمی‌تواند تأیید کند که آیا این کیف پول‌ها واقعاً متعلق به سپاه پاسداران هستند یا نه.

● امیر رشیدی مدیر بخش حقوق دیجیتال و امنیت در سازمان غیرانتفاعی متمرکز بر ایران «Miaan Group» گفته است که ممکن است اسرائیل با نفوذ به

روبیو دوشنبه ۱۵ سپتامبر (۲۴ شهریورماه) در نشست خبری مشترک با بنیامین نتانیاهو در اورشلیم گفت: «تهدید رژیم ایران فراتر از اسرائیل، به خلیج فارس و حتی اروپا گسترش می‌یابد» و «بعضی از موشک‌هایی که جمهوری اسلامی اکنون در پی ساخت آنهاست، قادر به هدف قرار دادن کشورهای اروپایی هستند».

او هشدار داد، تا وقتی جمهوری اسلامی «تغییر مسیر» ندهد، دولت دونالد ترامپ به اعمال «فشار حداکثری» علیه آن ادامه خواهد داد.

وزیر خارجه آمریکا در ادامه افزود: «ایران هسته‌ای تحت حاکمیت ملاهای تندرو شیعه، با سلاح‌های هسته‌ای و موشک‌های دوربرد، خطری غیرقابل قبول است، نه تنها برای اسرائیل و آمریکا، بلکه برای کل جهان».

روبیو برجام را یک «توافق معیوب» خواند و با حمایت از اقدام فرانسه، بریتانیا و آلمان برای فعال ساختن «مکانیسم

روبیو در کنفرانس مشترک با نتانیاهو: ایران هسته‌ای تحت حکومت ملاهای تندرو شیعه برای اسرائیل و کل جهان یک تهدید به شمار می‌رود



کنفرانس مطبوعاتی نتانیاهو و روبیو در اورشلیم / شهریور ۱۴۰۴

ماشه» گفت: «ما از اقدام شکاری اروپایی در بازگرداندن تحریم‌ها استقبال می‌کنیم؛ چرا که [رژیم] ایران آشکارا از همان توافق معیوب نیز تخطی کرده است. این همان مسیری است که باید ادامه یابد و ما ۱۰۰ درصد از آن حمایت می‌کنیم».

روبیو در ادامه سخنان خود به تحولات جنگ غزه پرداخت و گفت حماس نه تنها شهروندان اسرائیلی بلکه مردم غزه را نیز به گروگان گرفته است.

او تأکید کرد: «حماس نباید به عنوان گروهی مسلح که امنیت اسرائیل و جهان را تهدید می‌کند، وجود داشته باشد. تمام گروگان‌ها باید بازگردند و مردم غزه زندگی بهتری داشته باشند که این با وجود حماس امکان‌پذیر نیست».

روبیو همچنین با انتقاد از تصمیم برخی کشورها در به رسمیت شناختن کشور مستقل فلسطین افزود: «این کشورها عمدتاً چنین کاری را برای سیاست داخلی خود انجام می‌دهند و هیچ تأثیری هم ندارد. این اقدام تنها جایزه دادن به حماس است و جلوی توافق و آتش‌بس را می‌گیرد، چون به تقویت حماس می‌انجامد».

به گفته روبیو، واشنگتن به این کشورها هشدار داده است که شناسایی فلسطین به عنوان یک کشور «با واکنش اسرائیل روبرو خواهد شد».

او از پاسخ به پرسشی درباره اینکه آیا آمریکا از اسرائیل خواسته حملات به قطر را متوقف کند، خودداری کرد.

● مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا که به اسرائیل سفر کرده، در یک نشست خبری مشترک با نخست وزیر این کشور تأکید کرد نه تنها برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی، بلکه برخورداری تهران از سلاح‌های میان‌برد و دوربرد نیز تهدیدی برای امنیت اسرائیل و جهان به شمار می‌رود.

● مارکو روبیو دوشنبه ۲۴ شهریورماه در نشست خبری مشترک با بنیامین نتانیاهو در اورشلیم گفت: «تهدید رژیم ایران فراتر از اسرائیل، به خلیج فارس و حتی اروپا گسترش می‌یابد» و «بعضی از موشک‌هایی که جمهوری اسلامی اکنون در پی ساخت آنهاست، قادر به هدف قرار دادن کشورهای اروپایی هستند».

● وزیر خارجه آمریکا در ادامه افزود: «ایران هسته‌ای تحت حاکمیت روحانیون تندرو شیعه، با سلاح‌های هسته‌ای و موشک‌های دوربرد، خطری غیرقابل قبول است، نه تنها برای اسرائیل و آمریکا، بلکه برای کل جهان».

مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا که به اسرائیل سفر کرده، در یک نشست خبری مشترک با نخست وزیر این کشور تأکید کرد نه تنها برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی، بلکه برخورداری تهران از سلاح‌های میان‌برد و دوربرد نیز تهدیدی برای امنیت اسرائیل و جهان به شمار می‌رود.

➔ زیرساخت‌های حکومت ایران، اطلاعات مربوط به این کیف پول‌ها را یافته باشد. رشیدی افزود: «همیشه شایعاتی وجود داشت که سپاه از رمزارز برای دور زدن تحریم‌ها استفاده می‌کند».

دفتر ملی مبارزه با تأمین مالی تروریسم اسرائیل فهرست ۱۸۷ آدرس کیف پول رمزارز مرتبط با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را منتشر کرد. طبق این گزارش، آدرس‌های اعلام شده در مجموع ۱/۵ میلیارد دلار تتر دریافت کرده‌اند.

در همین ارتباط وزارت دفاع اسرائیل روز دوشنبه ۱۵ سپتامبر (۲۴ شهریورماه) اعلام کرد که دستور توقیف این آدرس‌ها را صادر کرده است.

دفتر ملی مقابله با تأمین مالی تروریسم «NBCTF» اسرائیل اعلام کرده که «اطمینان دارد کیف پول‌های رمزارز» متعلق به سپاه هستند و «برای ارتکاب جرائم تروریستی شدید مورد استفاده قرار می‌گیرند».

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از سوی ایالات متحده، اتحادیه اروپا و اسرائیل، و نیز برخی کشورهای دیگر به عنوان سازمان تروریستی طبقه‌بندی و تحریم شده است.

به گفته شرکت نظارت بر بلاک چین Elliptic، کیف پول‌های مورد اشاره ۱/۵ میلیارد دلار از استیبل کوین تتر (USDT) دریافت کرده‌اند. تام رابینسون از بنیانگذاران و متخصصان ارشد Elliptic گفته است که این شرکت نمی‌تواند تأیید کند که آیا این کیف پول‌ها واقعاً متعلق به سپاه پاسداران هستند یا نه.

رابینسون همچنین گفت که این کیف پول‌ها در حال حاضر تنها ۱/۵ میلیون دلار دارایی دارند، که بخشی کوچک از کل مبالغی است که تا کنون از طریق آنها جابجا شده است.

شرکت Elliptic گفته است که «برخی از این آدرس‌ها ممکن است توسط خدمات رمزارزی کنترل شوند و بخشی از زیرساخت کیف پول باشند که برای تسهیل تراکنش‌های بسیاری از مشتریان استفاده می‌شوند».

امیر رشیدی مدیر بخش حقوق دیجیتال و امنیت در سازمان غیرانتفاعی متمرکز بر ایران «Miaan Group» گفته است که ممکن است اسرائیل با نفوذ به زیرساخت‌های حکومت ایران، اطلاعات مربوط به این کیف پول‌ها را یافته باشد. رشیدی افزود: «همیشه شایعاتی وجود داشت که سپاه از رمزارز برای دور زدن تحریم‌ها استفاده می‌کند».

او گفت: «بسیاری از این موارد ممکن است به عنوان مثال شامل صرافی‌هایی باشد که مستقیماً بخشی از سپاه نیستند اما با آن مرتبط‌اند، مشابه بسیاری از بانک‌ها، مؤسسات مالی و اعتباری یا حتی شرکت‌هایی که به ظاهر خصوصی هستند».

این اولین بار نیست که اسرائیل، با دست‌کم گروه‌های مرتبط با اسرائیل، به ذخایر رمزارزی حکومت ایران حمله کرده‌اند.

با آغاز جنگ ۱۲ روزه گروه هکری به نام Predatory Sparrow که گفته می‌شود با دولت اسرائیل مرتبط است، بزرگترین صرافی رمزارزی ایران، Nobitex، را هک کرد. هکرها حدود ۹۰ میلیون دلار رمزارز سرقت کردند و سپس با ارسال آن به کیف پول‌های غیرقابل دسترس، آن را «سوزاندند»، یعنی عملاً وجوه دیجیتال را از بین بردند.

شرکت‌های اطلاعاتی رمزارز مانند Elliptic و TRM Labs قبلاً گفته بودند که Nobitex توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی استفاده می‌شده است.

گزارش ارتش اسرائیل درباره بازداشت دو عضو «یگان ۸۴۰ سپاه قدس» در اوایل سال ۱۴۰۴



نیروهای ارتش اسرائیل در یک عملیات ویژه در خاک سوریه

ارتش اسرائیل می‌نویسد: «در بازجویی‌های تروریست‌های دستگیر شده مشخص شد که برخی از آنها اصلاً نمی‌دانستند برای چه کسی فعالیت می‌کنند و جذب آنها به واحد ۸۴۰ اغلب بدون افشای اهداف واقعی این واحد و با استفاده از رشوه مالی انجام شده بود.»

واحد ۸۴۰ مسئول هدایت و پشتیبانی از راه دور اقدامات تروریستی علیه اسرائیلی‌ها و یهودیان در داخل و خارج از اسرائیل است.

عملیات‌هایی که اکنون فاش شده‌اند، به مجموعه اقدامات مهمی که در طول جنگ علیه این واحد انجام شده‌اند، اضافه می‌شوند از خنثی‌سازی تلاش‌ها برای قاچاق تسلیحات پیشرفته ایرانی به مناطق یهودا و سامره، تا حمله به پایگاه‌های ارتش سوریه در شرق این کشور که توسط این واحد انجام می‌شدند.

در پایان این گزارش آمده در ارتباط با فعالیت‌های خارجی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آمده است، «نیروی قدس از وضعیت مردم لبنان و سوریه سوء استفاده می‌کند تا آنها را با فریب، رشوه و دروغ برای فعالیت‌های تروریستی که جانشان را به خطر می‌اندازد، جذب کند... ارتش اسرائیل و شاپاک به اقدامات خود علیه واحد ۸۴۰ و تمام شاخه‌های محور [جمهوری اسلامی] ایرانی ادامه خواهند داد.»

اسلامی هدایت می‌شدند، دستگیر کرده‌اند. در گزارشی که اکانت فارسی ارتش اسرائیل در «ایکس» روز جمعه ۱۲ سپتامبر (۲۱ شهریورماه) منتشر کرده، آمده در مجموعه‌ای از عملیات‌های ویژه در خاک سوریه اعضای چند گروه تروریستی که توسط «واحد ۸۴۰»، واحد عملیات ویژه نیروی قدس هدایت می‌شدند، دستگیر و برای بازجویی منتقل شدند.

این گروه‌ها با هدف انجام اقدامات تروریستی علیه کشور اسرائیل هدایت شده بودند. مشخص نیست مراحل بازجویی در کجا انجام شده اما به نظر می‌رسد این افراد به اسرائیل منتقل شده‌اند.

بر اساس این گزارش، در ماه‌های مارس و آوریل سال ۲۰۲۵، دو عضو میدانی سپاه پاسداران به نام «زیدان الطویل» و «محمد القریان» در خاک سوریه دستگیر شدند.

در ادامه این گزارش آمده است، در هفته‌های اخیر، چند گروه تروریستی که توسط تروریست‌های لبنانی وابسته به این واحد، قاسم صلاح الحسینی و محمد شعیب، هدایت می‌شدند، دستگیر شدند. قاسم صلاح الحسینی و محمد شعیب در ماه گذشته در لبنان کشته شدند. الحسینی و شعیب نقش مهمی در مسیر قاچاق تسلیحات توسط جمهوری اسلامی از ایران به یهودا و سامره و جبهه شمالی داشتند.

● در گزارشی که اکانت فارسی ارتش اسرائیل در «ایکس» روز جمعه ۱۲ سپتامبر (۲۱ شهریورماه) منتشر کرده، آمده در مجموعه‌ای از عملیات‌های ویژه در خاک سوریه اعضای چند گروه تروریستی که توسط «واحد ۸۴۰»، واحد عملیات ویژه نیروی قدس هدایت می‌شدند، دستگیر و برای بازجویی منتقل شدند.

● این گروه‌ها با هدف انجام اقدامات تروریستی علیه کشور اسرائیل هدایت شده بودند. مشخص نیست مراحل بازجویی در کجا انجام شده اما به نظر می‌رسد این افراد به اسرائیل منتقل شده‌اند.

● بر اساس این گزارش، در ماه‌های مارس و آوریل سال ۲۰۲۵، دو عضو میدانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به نام «زیدان الطویل» و «محمد القریان» در خاک سوریه دستگیر شدند.

● ارتش اسرائیل می‌گوید: «در بازجویی‌های تروریست‌های دستگیر شده مشخص شد که برخی از آنها اصلاً نمی‌دانستند برای چه کسی فعالیت می‌کنند و جذب آنها به واحد ۸۴۰ اغلب بدون افشای اهداف واقعی این واحد و با استفاده از رشوه مالی انجام شده بود.»

منابع وابسته به ارتش اسرائیل گزارش دادند، در ماه‌های اخیر در خاک سوریه، گروه‌های تروریستی را که توسط واحد عملیات ویژه «نیروی قدس» سپاه پاسداران انقلاب

تجمع ایرانیان لندن در سومین سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی و هشدار به مردم بریتانیا



به همین منظور یک ون دارای مونیتورهای دیجیتال نیز چندین ساعت در مرکز شهر لندن در حرکت بود تا با نوشته‌ها و گرافیک‌های مختلف این پیام را به شهروندان بریتانیایی و اروپایی برساند.

سومین سالگرد قتل او و قربانیان دیگر جنبش ملی زن، زندگی، آزادی، مجدداً ضرورت قرار دادن سپاه پاسداران در لیست سازمان‌های تروریستی را مورد تأکید قرار دهند.

روز سه‌شنبه ۱۶ سپتامبر جمعی از ایرانیان در برنامه‌ای به ابتکار انجمن حقوق بشر ایرانیان و متحدانش با همکاری ۵۶ سازمان جهانی دیگر در میدان پارلمان لندن گرد آمدند تا ضمن گرامیداشت یاد مهسا امینی در

دومین جشنواره سینمایی «زن- زندگی- آزادی»



احمد رأفت با بابک پیامی کارگردان ایرانی- کانادایی که جایز بین‌المللی بسیاری از جمله شیر نقره‌ای جشنواره ونیز را در کارنامه خود دارد، گفتگو کرده است.

بابک پیامی کارگردان و تهیه‌کننده ایرانی- کانادایی، کنایون رباحی، بازیگر ممنوع از کار ایران و رویا سادات نویسنده و کارگردان افغانستانی ساکن آمریکا حضور دارند.

از قلب جنبشی که در سال ۱۴۰۱ ایران را دگرگون ساخت، در آنسوی مرزها «کانون هنرمندان ایرانی فیلم و تئاتر برون‌مرز» به ابتکار گروهی از هنرمندان سینما و تئاتر چون نیلوفر بیضایی، شبنم فرشادجو، عاطفه خادم الرضا، یعقوب کشاورز، کاوه عباسیان و مازیار رزاقی آغاز به کار کرد. هدف این کانون حمایت از هنرمندان داخل ایران و پشتیبانی از جنبش زن- زندگی- آزادی است. دو سال بعد از تأسیس این کانون جشنواره فیلم «زن- زندگی- آزادی» نیز با هدف «گسترش آزادی بیان و حمایت از برابری جنسیتی، با تأکید بر اهمیت آزادی» فعالیت خود را آغاز کرد.

در جشنواره امسال که دومین دوره آن است، از میان چند صد فیلم رسیده، ۲۰ فیلم به مرحله نهائی راه یافتند که از آن میان پنج فیلم به عنوان برنده توسط هیئت داوران اعلام خواهند شد. این جشنواره ۱۵ شهریور، روز کشته شدن مهسا (ژینا) امینی کار خود را شروع می‌کند و ۲۰ شهریور در زادروز تولد این «دختر ایران» به پایان خواهد رسید. فیلم‌های برنده از روز ۲۶ تا ۳۰ شهریور در شهرهای تورنتو، بریزبین، استکهلم، شیکاگو، نیویورک، لندن، مونترال، اتاوا، آکلند و اوپسالا به صورت حضوری به نمایش در خواهند آمد. البته می‌توان به صورت مجازی نیز این فیلم‌ها را از هر نقطه جهان تماشا کرد. در هیأت داوران امسال که ریاست آن با گادفری چشایر فیلمساز و منتقد سینمایی آمریکایی است، هایدی صفی‌یاری تدوینگر ایرانی- سوئدی، جان‌گری‌سون کارگردان و فیلمنامه‌نویس کانادایی، آن‌دی‌گرو منتقد سینمایی از استرالیا،

روزنامه لوموند: تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی در جنگ ۱۲ روزه کاملاً نابود نشد



تأسیسات فردو بعد از بمباران هوایی

پیشنهاد امنیتی اسرائیل به دولت الجولانی: ایجاد کریدور هوایی برای حملات آتی به جمهوری اسلامی



دو فروند اف۳۵- نیروی هوایی اسرائیل

● پایگاه خبری «آکسیوس» چهارشنبه ۱۷ سپتامبر (۲۶ شهریورماه) به نقل از دو منبع آگاه نوشت که اسرائیل برای توافق امنیتی جدید، به سوره طرحی ارائه داده است که در آن، کل منطقه جنوب غربی دمشق تا مرز اسرائیل به عنوان منطقه پرواز ممنوع برای هواپیماهای سوری تعیین می‌شود.

● یک منبع آگاه گفته یکی از محورهای اصلی پیشنهاد اسرائیل «حفظ کریدور هوایی به سمت ایران از طریق سوریه» است، که امکان حملات احتمالی آینده اسرائیل به جمهوری اسلامی را فراهم می‌کند.

● یک مقام اسرائیلی گفته نتانیاو علاقمند است در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل که در اواخر سپتامبر برگزار می‌شود با احمد الشرع دیدار کند. هشتادمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل که ریاست آن بر عهده آنالنا بروک وزیر خارجه سابق آلمان گذاشته شده، از ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۵ در نیویورک آغاز می‌شود.

پایگاه خبری «آکسیوس» چهارشنبه ۱۷ سپتامبر (۲۶ شهریورماه) به نقل از دو منبع آگاه نوشت که اسرائیل برای توافق امنیتی جدید، به سوره طرحی ارائه داده است که در آن، کل منطقه جنوب غربی دمشق تا مرز اسرائیل به عنوان منطقه پرواز ممنوع برای هواپیماهای سوری تعیین شود.

طبق همین گزارش بر اساس این پیشنهاد، در ازای این محدودیت‌ها برای سوریه در خاک خودش، اسرائیل پیشنهاد خروج تدریجی از تمام سرزمین‌هایی را که طی چند ماه گذشته در سوریه اشغال کرده بجز یک پایگاه را ارائه داده است. این منبع خاطرنشان کرد که اصل محوری پیشنهاد اسرائیل، حفظ یک کریدور هوایی به سمت ایران از طریق سوریه است که امکان حملات احتمالی اسرائیل در آینده به جمهوری اسلامی را فراهم می‌کند.

روابط اسرائیل با دولت جدید سوریه پرتنش بوده و ←

● روزنامه لوموند روز یکشنبه ۱۳ سپتامبر (۲۲ شهریور) به نقل از یک منبع دیپلماتیک نزدیک به کاخ الیزه گزارش داد اسرائیل در یک ارزیابی که به فرانسه ارائه داده است، تأیید می‌کند که تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی در جنگ ۱۲ روزه بطور کامل نابود نشد و با گذر زمان قابل بازسازی است.

● به گفته این منبع، اسرائیل تأیید کرده است که هرچند مراکز کلیدی مانند فردو و نطنز و بخش بزرگی از تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم نابود شده‌اند، اما تهران همچنان بخشی از تجهیزات حساس را در اختیار دارد.

● لوموند اضافه کرده است که این ارزیابی اسرائیلی‌ها با موضع آمریکا در تضاد است. به ویژه پس از آنکه سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا همکاری‌های خود درباره برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی را با شرکای اروپایی متوقف کردند، این اطلاعات برای فرانسه ارزش بیشتری پیدا کرده است.

روزنامه لوموند روز یکشنبه ۱۳ سپتامبر (۲۲ شهریور) به نقل از یک منبع دیپلماتیک نزدیک به کاخ الیزه گزارش داد اسرائیل در یک ارزیابی که به فرانسه ارائه داده است، تأیید می‌کند که تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی در جنگ ۱۲ روزه بطور کامل نابود نشد و با گذر زمان قابل بازسازی است.

به گفته این منبع، اسرائیل تأیید کرده است که هرچند مراکز کلیدی مانند فردو و نطنز و بخش بزرگی از تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم نابود شده‌اند، اما تهران همچنان بخشی از تجهیزات حساس را در اختیار دارد.

در این گزارش آمده است که اسرائیل به صورت محرمانه به فرانسه گفته است بعد از حملات، جمهوری اسلامی برای راه‌اندازی دوباره برنامه هسته‌ای خود در کوتاه‌مدت تجهیزات کافی ندارد، اما چنین اقدامی با گذر زمان ممکن

است. لوموند اضافه کرده است که این ارزیابی اسرائیلی‌ها با موضع آمریکا در تضاد است. به ویژه پس از آنکه سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا همکاری‌های خود درباره برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی را با شرکای اروپایی متوقف کردند، این اطلاعات برای فرانسه ارزش بیشتری پیدا کرده است. حدود سه ماه پس از اعلام «آتش‌بس» میان جمهوری اسلامی و اسرائیل هنوز وضعیت سه سایت اتمی کلیدی که در جریان جنگ بمباران شد مشخص نیست. همچنین سرنوشت بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی نیز مبهم است.

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده، ۲۹ تیرماه در پیامی در شبکه اجتماعی «تروث سوشیال» مدعی شد که حمله نظامی آمریکا به تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی منجر به «نابودی کامل» هر سه سایت شده است. او نوشت: «تمامی سه سایت هسته‌ای ایران کاملاً نابود و منهدم شده‌اند. بازگرداندن آن‌ها به حالت عملیاتی سال‌ها زمان خواهد برد، و اگر ایران بخواهد این فعالیت‌ها را از سر بگیرد، بهتر است که این کار را در سه نقطه جدید انجام دهد.»

او در بعداً در واکنش به رسانه‌هایی که گزارش می‌دادند در این حملات ظرفیت اتمی جمهوری اسلامی کاملاً نابود نشده است گفت: «که اگر لازم باشد، دوباره این کار را خواهیم کرد.»

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی پیشتر در مصاحبه با صدا و سیما جمهوری اسلامی گفت که ذخیره اورانیوم غنی‌شده ایران «زیر آوار تأسیسات هسته‌ای بمباران شده است.» او همچنین افزود: «اینکه این مواد قابل دسترسی هستند یا خیر، یا وضعیت بخشی از آن‌ها چگونه است، در حال حاضر از سوی سازمان انرژی اتمی در دست ارزیابی است.»

خیانت پوتین به اسد؛ احمد الجولانی: در نبرد سرنگونی بشار اسد، با روسیه به توافق رسیده بودیم



احمد الشرع

کنونی ارائه کردند و این قدرت هم تعهداتی داد و هر دو طرف تا کنون به آن پایبند بوده‌اند.»

شماری از روزنامه‌نگاران سوری یادآور شدند که اسعد شیبانی وزیر خارجه کنونی همزمان با نبردهای میدانی علیه رژیم اسد، در مذاکرات با طرف روسی نقش کلیدی داشته است. روسیه از حامیان اصلی رژیم بشار اسد بود اما در سال‌های اخیر و پیش از سقوط اسد، از سیاست‌های دمشق خرسند نبود.

مسکو از دهه‌ها پیش با دمشق روابطی دیرینه داشته و حتی پس از سقوط اسد، همچنان پایگاه‌های نظامی خود را در حمیمیم لاذقیه و طرطوس نگه داشته است.

احمد الشرع در این مصاحبه تأکید کرد کشورش قابل تقسیم نیست و هیچگونه تمایلی به استقلال یا مشابه آن را نمی‌پذیرد. او افزود: «اگر کسی در شمال شرق سوریه به دنبال نوعی تقسیم باشد، این امر به زیان عراق و ترکیه خواهد بود.» الشرع همچنین تأکید کرد استان سویدا بخشی اصیل از کشور سوریه است.

وی در سخنان خود اشاره کرد که «قسد» نماینده کل گردهای این کشور نیست و تصریح کرد منافع شمال شرق سوریه و سویدا در پیوند با دمشق تأمین می‌شود.

او همچنین در این مصاحبه اشاره کرد مذاکرات میان سوریه و اسرائیل برای رسیدن به یک «توافق امنیتی» ادامه دارد. الجولانی همچنین مدعی شد که اسرائیل «قبلاً برنامه تقسیم سوریه را داشت و می‌خواست آن را به میدان نبرد با [حکومت] ایران تبدیل کند» ولی «از سقوط نظام بشار اسد غافلگیر شد».

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در واکنش به اینکه چرا به بشار اسد کمک نشد در یک سخنرانی گفته بود: «ما آماده بودیم و همه امکانات که لازم است آماده کردیم، [اما] آسمان‌ها بسته بود، زمین بسته بود، اسرائیل و آمریکا آسمان سوریه را بستند، امکان کمک نداشت.»

● الشرع رئیس جمهوری سوریه، شامگاه جمعه ۲۱ شهریورماه ۱۴۰۴ در مصاحبه با شبکه «الإخباریه السوریه» برای اولین بار اعلام کرد پیش از سقوط اسد در ۱۸ آذرماه ۱۴۰۳، میان نیروهای انقلابی و روس‌ها توافق شد.

● او توضیح داد: «وقتی به آزادی حمه رسیدیم، مذاکراتی میان ما و روسیه آغاز شد... هنگامی که به حمص رسیدیم، روس‌ها در آن زمان از میدان نبرد فاصله گرفته و کاملاً از صحنه نظامی کنار رفتند. اینهم در چارچوب توافقی بود که میان ما و آنها شکل گرفت.»

● او همچنین در این مصاحبه اشاره کرد مذاکرات میان سوریه و اسرائیل برای رسیدن به یک «توافق امنیتی» ادامه دارد. الجولانی همچنین مدعی شد که اسرائیل «قبلاً برنامه تقسیم سوریه را داشت و می‌خواست آن را به میدان نبرد با [حکومت] ایران تبدیل کند» ولی «از سقوط نظام بشار اسد غافلگیر شد».

احمد الشرع (الجولانی) رئیس‌جمهوری سوریه می‌گوید در عملیات سرنگونی بشار اسد با روسیه هماهنگ بودیم. این به معنای خیانت روسیه به بشار اسد است در حالی که طی بیش از یک دهه جنگ داخلی، روس‌ها و جمهوری اسلامی پشتیبان رژیم بعثی سوریه بودند.

الشرع شامگاه جمعه ۲۱ شهریورماه ۱۴۰۴ در مصاحبه با شبکه «الإخباریه السوریه» برای اولین بار اعلام کرد پیش از سقوط اسد در هشتم دسامبر ۲۰۲۴ (۱۸ آذرماه ۱۴۰۳)، میان نیروهای انقلابی و روس‌ها توافق شد.

او توضیح داد: «وقتی به آزادی حمه رسیدیم، مذاکراتی میان ما و روسیه آغاز شد... هنگامی که به حمص رسیدیم، روس‌ها در آن زمان از میدان نبرد فاصله گرفته و کاملاً از صحنه نظامی کنار رفتند. اینهم در چارچوب توافقی بود که میان ما و آنها شکل گرفت.»

او خاطرنشان کرد که «روس‌ها تعهداتی مشخص به قدرت

طی ماه‌های اخیر در چند نوبت دمشق و بخش‌هایی از سوریه را بمباران کرد اگرچه اسرائیل در سرنگونی بشار اسد و روی کار آمدن الشرع نقش داشته است. از سوی دیگر، دولت دونالد ترامپ رویکرد دوستانه‌تر نسبت به احمد الشرع رئیس‌جمهور جدید سوریه اتخاذ کرده و در خفا دیپلماسی اسرائیل-سوریه را تسهیل نیز کرده است. سوریه هنوز پاسخی به پیشنهاد اسرائیل که چند هفته پیش ارائه شد نداده و در هفته‌های اخیر مشغول آماده ساختن پیشنهادات دیگری بوده است.

رون درمر وزیر امور استراتژیک اسرائیل و اسعد الشیبانی وزیر خارجه سوریه قرار است چهارشنبه در لندن این پیشنهاد را با حضور تام باراک فرستاده آمریکا در خاورمیانه برای میانجیگری، بررسی کنند. این نشست سومین جلسه سه‌جانبه آنها خواهد بود. منابع آگاه به این مذاکرات گفته‌اند که پیشرفت‌هایی حاصل شده، اما رسیدن به توافق در آینده نزدیک بعید به نظر می‌رسد.

توافق امنیتی مورد مذاکره قرار است جایگزین توافق جداسازی نیروها در سال ۱۹۷۴ شود. پس از سقوط رژیم اسد و اشغال منطقه حائل در مرز سوریه توسط اسرائیل، آن توافق عملاً نسخ و بی‌اثر شد.

پیشنهاد اسرائیل بر اساس الگوی توافق صلح ۱۹۷۹ با مصر است. در آن توافق، شبه‌جزیره سینا به سه منطقه (A، B و C) تقسیم و سطح متفاوتی از ترتیبات امنیتی و غیرنظامی‌سازی، بسته به فاصله از مرز اسرائیل، تعریف شد. به نوشته‌ی آکسیوس، خواسته‌های اسرائیل حداکثری است. از سوریه خواسته شده یک منطقه وسیع غیرنظامی و منطقه پرواز ممنوع در قلمرو خود را بپذیرد، در حالی که در سمت مرز با اسرائیل قرار نیست هیچ تغییری ایجاد شود. طبق این پیشنهاد، منطقه جنوب‌غرب دمشق به سه بخش تقسیم خواهد شد و سوریه می‌تواند در هر بخش سطوح متفاوتی از نیرو و تسلیحات داشته باشد.

منطقه حائل، ۲ کیلومتر به سمت سوریه گسترش می‌یابد. در نواری که به منطقه حائل و مرز با اسرائیل نزدیک‌تر است، حضور نیروهای نظامی و سلاح‌های سنگین ممنوع خواهد بود، اما سوریه می‌تواند پلیس و نیروهای امنیتی داخلی خود را حفظ کند.

کل منطقه از جنوب‌غرب دمشق تا مرز اسرائیل برای هواییماهای سوری منطقه پرواز ممنوع خواهد شد.

در مقابل این محدودیت‌ها، اسرائیل پیشنهاد داده به تدریج از همه مناطقی که طی ماه‌های اخیر در سوریه اشغال کرده عقب‌نشینی کند، بجز یک پایگاه در بلندی‌های استراتژیک کوه حرمون.

یک مقام ارشد اسرائیلی گفته هر توافق احتمالی آینده شامل استقرار اسرائیل در آن نقطه خواهد بود.

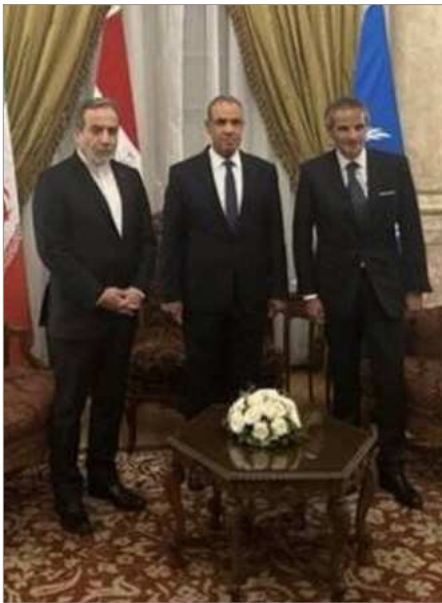
یک منبع آگاه نیز گفته یکی از محورهای اصلی پیشنهاد اسرائیل «حفظ کریدور هوایی به سمت ایران از طریق سوریه» است، که امکان حملات احتمالی آینده اسرائیل به جمهوری اسلامی را فراهم می‌کند.

یک مقام اسرائیلی گفته نتانیاهو علاقمند است در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل که در اواخر سپتامبر برگزار می‌شود با احمد الشرع دیدار کند، اما در این مرحله احتمال وقوع این دیدار پایین است.

نتانیاهو در کنفرانس خبری روز سه‌شنبه ۱۶ سپتامبر گفت که ترامپ او را برای ۲۹ سپتامبر به کاخ سفید دعوت کرده است.

هشتادمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل که ریاست آن بر عهده آلتانو بروک وزیر خارجه سابق آلمان گذاشته شده، از ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۵ در نیویورک آغاز می‌شود.

برخلاف ادعای عراقچی در «توافق قاهره» با آژانس، هیچ تضمینی برای «عدم حمله نظامی» داده نشده است



توافق عراقچی و گروسی در قاهره / شهریورماه ۱۴۰۴

● عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی بعد از امضاء توافق با رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی موسوم به «توافق قاهره»، مدعی شد «ادامه حیات توافق جدید منوط به عدم اجرای مکانیسم ماشه و اقدام خصمانه [حمله] علیه ایران است» اما با پیگیری شماری از نمایندگان نزدیک به «جبهه پایداری» مشخص شده که این ادعا دروغ است.

● مالک شریعتی و حمید رسایی دو تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی که ظاهراً مخالف مذاکره با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هستند، بطور جداگانه در شبکه «ایکس» نوشته‌اند برخلاف ادعای عباس عراقچی، در توافق با آژانس [توافق قاهره] هیچ بندی درباره «شرط عدم اقدام خصمانه» و «عدم حمله نظامی» وجود ندارد.

● حسن بهشتی‌پور کارشناس ارشد سیاست خارجی و تحلیلگر مسائل بین‌الملل در گفتگو با «فرارو» توضیح داد: «هیچ تضمینی در این زمینه وجود ندارد چرا که حتی اگر آمریکایی‌ها هم چنین وعده‌ای بدهند، باز هم ممکن است اسرائیلی‌ها، در عمل، رفتار دیگری نشان دهند... گروسی در جایگاهی نیست که چنین تضمینی دهد.»

← عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی بعد

عباس عراقچی در گفتگوی تلفنی ژان نوئل بارو وزیر خارجه فرانسه را تهدید کرد که «فعال‌سازی اسنپ‌بک اقدامی برای افزایش تنش است.» او همچنین فعال‌سازی مکانیسم ماشه از سوی اروپایی‌ها را بدون هرگونه وجهت سیاسی و حقوقی خواند.

سه قدرت اروپایی و مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در بیانیه‌ای مشترک که ۲۸ شهریورماه صادر شد با اشاره به توافق جمهوری اسلامی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در قاهره معروف به «توافق قاهره» خواستار از سر گرفته شدن سریع بازرسی‌های فنی از تأسیسات هسته‌ای ایران از جمله سایت‌های تخریب شده در بمباران هوایی جنگ ۱۲ روزه شدند.

انگلیس، آلمان و فرانسه بطور مستقیم و همچنین آمریکا از طریق دولت‌های منطقه، جمهوری اسلامی را برای پذیرش شروط اروپایی‌ها زیر فشار قرار داده‌اند. با اینهمه همچنان به نظر می‌رسد اروپایی‌ها امیدوارند با عقب‌نشینی جمهوری



وزرای خارجه آمریکا، بریتانیا، آلمان و فرانسه

اسلامی بتوانند فعال شدن مکانیسم ماشه را به تأخیر اندازند آتیم در حالی که آنچه آمریکا بدون قید و شرط از جمهوری اسلامی خواسته «برچیدن تمام ظرفیت‌های غنی‌سازی» است. مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا که اخیراً به اسرائیل سفر کرده بود در کنفرانس خبری با بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل با تأکید بر ضرورت برچیدن تمام سایت‌ها و مراکز غنی‌سازی در ایران، خواستار پایان دادن به برنامه موشکی جمهوری اسلامی نیز شد.

وزیر خارجه آمریکا گفت: «چند هفته پیش در مورد تمایل [رژیم] ایران به دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای و موشک‌های کوتاه و میان‌برد صحبت کردم که قادر به تهدید حضور ما در این نیمکره و امنیت اسرائیل هستند. اما این تهدید فراتر از آن می‌رود و به پادشاهی‌های خلیج فارس و حتی اروپا نیز گسترش می‌یابد. برخی از موشک‌هایی که [جمهوری اسلامی] ایران در حال توسعه است، قادر به هدف قرار دادن کشورهای اروپایی خواهند بود!»

برخی منابع حکومتی هشدار داده‌اند که حرف‌های مارکو روبیو «تلاش برای ریل‌گذاری و اجماع‌سازی علیه برنامه موشکی ایران به ویژه در اروپا و کشورهای حاشیه خلیج فارس جهت هموار کردن حمله اسرائیل به صنایع موشکی ایران است.»

آخرین هشدارهای اروپا به عباس عراقچی: جمهوری اسلامی هنوز اقدام قابل قبول انجام نداده است

● در آستانه بازگشت تحریم‌های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی با پایان روند فعال شدن «مکانیسم ماشه»، وزرای خارجه سه کشور اروپایی و مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در تماس تلفنی با وزیر خارجه جمهوری اسلامی، هشدار دادند تهران هنوز اقدامات قابل قبول و جامع و لازم برای تهدید قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت درباره لغو تحریم‌ها انجام نداده است.

● عباس عراقچی در گفتگوی تلفنی ژان نوئل بارو وزیر خارجه فرانسه را تهدید کرد که «فعال‌سازی اسنپ‌بک اقدامی برای افزایش تنش است.»

در آستانه بازگشت تحریم‌های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی با پایان روند فعال شدن «مکانیسم ماشه»، وزرای خارجه سه کشور اروپایی و مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در تماس تلفنی با وزیر خارجه جمهوری اسلامی، هشدار دادند تهران هنوز اقدامات قابل قبول و جامع و لازم برای تهدید قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت درباره لغو تحریم‌ها انجام نداده است.

وزارت خارجه آلمان اعلام کرد که وزرای خارجه سه کشور اروپایی به همراه مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در تماس تلفنی با عراقچی بر ادامه تلاش‌های دیپلماتیک تأکید کردند.

درباره شرایط جدید (بعد از حملات نظامی اسرائیل و آمریکا علیه تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران) است. شورای عالی «امنیت ملی» در این بیانیه تأکید کرده است که «کمیته هسته‌ای» که متشکل از مسئولان ارشد نهادهای مختلف ذربط است «در همه ادوار از جانب شورای عالی امنیت ملی مأذون به تصمیم‌گیری بوده و در این زمان نیز مطابق روال معمول عمل کرده است.»

این دبیرخانه به دو نکته اشاره کرده است: اولاً؛ پس از ایجاد شرایط لازم امنیتی و ایمنی، ایران صرفاً گزارش خود را پس از کسب نظر شورای عالی امنیت ملی به آژانس ارائه می‌کند. ثانیاً؛ در مرحله بعد، روش‌های اجرایی همکاری بین ایران و آژانس درخصوص گزارش ارسالی به آژانس، باید میان طرفین توافق شده و از جمله طبق رویه‌ی داخلی اجرای هر گونه اقدامی باید به تأیید شورای عالی امنیت ملی برسد.

در بخش پایانی این بیانیه آمده است: «در صورت اتخاذ

واکنش نظام به مخالفان داخلی «توافق قاهره»:

این توافق توسط «کمیته هسته‌ای شورای عالی امنیت ملی» به تصویب رسیده است



شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی

هرگونه اقدام خصمانه علیه جمهوری اسلامی ایران و تأسیسات هسته‌ای، از جمله بازگرداندن قطعه‌نامه‌های مختومه شده شورای امنیت، اجرای این ترتیبات متوقف می‌شود.» پیشتر عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی گفته بود طبق «توافق قاهره» بازدید از تأسیسات تخریب شده اتمی جمهوری اسلامی فقط زمانی مجوز خواهد گرفت که «مکانیسم ماشه» فعال نشود.

تصمیم مذاکره و توافق مشروط با آژانس در قاهره پس از آن اتخاذ شد، که پرونده اتمی جمهوری اسلامی را که سال‌ها توسط علی شمخانی هدایت می‌شد از او گرفتند و به علی لاریجانی تحویل دادند.

علی لاریجانی در ۱۴ مرداد جانشین پاسدار علی‌اکبر احمدیان در شورای عالی «امنیت ملی» شد.

محمود نبویان از اعضای کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی و از مخالفان مذاکره با آژانس هشدار داده است که «بانیان توافق برجام خسارت‌بار که [در سال] ۹۴ حق هسته‌ای را از ملت ایران سلب کرده و زمینه‌ساز جنگ اخیر بوده و با افتخار فرایند مکانیسم ماشه را در آن قرار داده بودند اکنون نیز برای حل غلط آن، نظام را مجبور به عقب‌نشینی و دادن امتیازات مختلف به دشمن کرده‌اند و باز هم به آن افتخار می‌کنند!»

● در واکنش به اعتراض نمایندگان مخالف توافق با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که به «توافق قاهره» معروف شده، دبیرخانه شورای عالی «امنیت ملی» جمهوری اسلامی طی بیانیه‌ای اعلام کرد: «متن توافق در کمیته هسته‌ای شورای عالی امنیت ملی مورد بررسی قرار گرفته و آنچه به امضاء رسیده مصوب این کمیته بوده است.»

● در بیانیه شورای عالی «امنیت ملی» آمده است: «در صورت اتخاذ هرگونه اقدام خصمانه علیه جمهوری اسلامی ایران و تأسیسات هسته‌ای، از جمله بازگرداندن قطعه‌نامه‌های مختومه شده شورای امنیت، اجرای این ترتیبات متوقف می‌شود.»

در واکنش به اعتراض نمایندگان مخالف توافق با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که به «توافق قاهره» معروف شده، دبیرخانه شورای عالی «امنیت ملی» جمهوری اسلامی طی بیانیه‌ای اعلام کرد: «متن توافق در کمیته هسته‌ای شورای عالی امنیت ملی مورد بررسی قرار گرفته و آنچه به امضاء رسیده مصوب این کمیته بوده است.»

در این بیانیه که یکشنبه ۲۳ شهریورماه ۱۴۰۴ اعلام شد تأکید شده است که آنچه عباس عراقچی با رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در قاهره امضاء کرد

→ از امضاء توافق با رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی موسوم به «توافق قاهره»، مدعی شد «ادامه حیات توافق جدید منوط به عدم اجرای مکانیسم ماشه و اقدام خصمانه [حمله] علیه ایران است» اما با پیگیری شماری از نمایندگان نزدیک به «جبهه پایداری» مشخص شده که این ادعا دروغ است.

مالک شریعتی و حمید رسایی دو تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی که ظاهراً مخالف مذاکره با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هستند، بطور جداگانه در شبکه «ایکس» نوشته‌اند برخلاف ادعای عباس عراقچی، در توافق با آژانس [توافق قاهره] هیچ بندی درباره «شرط عدم اقدام خصمانه» و «عدم حمله نظامی» وجود ندارد.

این در حالیست که جمهوری اسلامی در تمام مذاکرات گذشته خواستار «تضمین امنیتی» و به ویژه اکنون از کشورهای غربی تضمین عدم حمله می‌خواهد اما از قرار معلوم در «توافق قاهره» که متن آن منتشر نشده اما در اختیار زمامداران رژیم قرار گرفته، چنین تضمینی داده نشده است.

حمید رسایی در «ایکس» نوشت: «متن توافق با آژانس را خواندم. در متن نیامده که اجرای این توافق مشروط به عدم اقدام خصمانه علیه ایران به شمول اسنپ‌بک است در حالی که در مصاحبه عراقچی هست و تلقی نمایندگان بود که این شرط مهم در متن هست! پس توافق جلوی اجرای مکانیسم ماشه را نمی‌گیرد. در برجام هم متن با ادعا تطبیق نداشت.» مالک شریعتی نیز در متنی مشابه نوشت در متن توافق با آژانس تضمین بیان شده عراقچی یعنی «عدم اقدام خصمانه علیه ایران» وجود ندارد.

پیشتر میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در سازمان‌های بین‌المللی در وین گفته بود، خواسته جمهوری اسلامی ایران برای دریافت تضمین مبنی بر عدم تکرار حمله به تأسیسات هسته‌ای‌اش از سوی آمریکا و اسرائیل «کاملاً موجه» است. پیشتر رافائل گروسی در مصاحبه با «فاکس نیوز» به جمهوری اسلامی هشدار داده بود: «اگر بخواهید از تکرار آنچه در ژوئن [جنگ ۱۲ روزه] دیدیم جلوگیری کنید، باید فعالیت‌های آژانس از سر گرفته شوند.» او به حکومت اخطار داد که «بدون نظارت آژانس در ایران هیچ مذاکره جدی شکل نمی‌گیرد.»

هیچ تضمینی وجود ندارد

حسن بهشتی‌پور کارشناس ارشد سیاست خارجی و تحلیلگر مسائل بین‌الملل نیز در گفتگو با «فرارو» با اشاره به اینکه گروسی در جایگاهی نیست که عدم حمله نظامی را تضمین کند، توضیح داد: «هیچ تضمینی در این زمینه وجود ندارد چرا که حتی اگر آمریکایی‌ها هم چنین وعده‌ای بدهند، باز هم ممکن است اسرائیلی‌ها، در عمل، رفتار دیگری نشان دهند... گروسی در جایگاهی نیست که چنین تضمینی دهد.»

آنچه منتقدان و مخالفان مذاکره با آژانس گویا بطور مصلحتی نادیده می‌گیرند، این واقعیت آشکار است که عباس عراقچی به عنوان وزیر خارجه جمهوری اسلامی صرفاً مجری فرامین حکومت و رهبری آن است و تصمیمات اصلی در موضوعات کلیدی با شورای عالی «امنیت ملی» و شخص علی خامنه‌ای است. در همین ارتباط نیز پس از بالا گرفتن انتقادات علیه این توافق، شورای عالی «امنیت ملی» جمهوری اسلامی در بیانیه‌ای اعلام کرد که توافق قاهره توسط «کمیته هسته‌ای شورای عالی امنیت ملی» که مقامات ارشد نظام عضو آن هستند به تصویب رسیده است.

محاکمه یک درجه‌دار ارتش آلمان به اتهام «قاچاق ایرانی‌ها»



عکس متهم / بیلد

● طبق گزارش رسانه‌های آلمانی، محاکمه یک سرگروهبان ۵۹ ساله ارتش این کشور به اتهام «قاچاق شهروندان ایرانی» در دادگاه هامبورگ آغاز شده است. همسر او و سه متهم دیگر نیز به دلیل تشکیل «باند تجاری قاچاق اتباع خارجی و جعل اسناد» تحت پیگرد قضایی قرار گرفته‌اند.

● به گزارش «بیلد»، این سرگروهبان که عضو آکادمی فرماندهی ارتش آلمان بوده، متهم است طی چند سال همراه با همسرش زمینه ورود غیرقانونی ایرانی‌ها به آلمان را فراهم کرده است. دادستانی آلمان اعلام کرده او با سوء استفاده از موقعیت شغلی خود، اسناد جعلی تهیه کرده و نهادهای دولتی را فریب داده است.

● در فاصله سپتامبر ۲۰۱۳ تا نوامبر ۲۰۱۶، اتباع ایرانی مورد نظر بطور سیستماتیک ویزاهای کوتاه‌مدت توریستی ظاهراً برای دیدار با خانواده یا دوستان دریافت می‌کردند، اما در عمل پس از ورود به آلمان درخواست پناهندگی می‌دادند. گفته شده برای هر نفر بین ۳ تا ۴۵ هزار یورو دریافت و میان اعضای شبکه تقسیم می‌شده است.

طبق گزارش رسانه‌های آلمانی، محاکمه یک سرگروهبان ۵۹ ساله ارتش این کشور به اتهام «قاچاق شهروندان ایرانی» در دادگاه هامبورگ آغاز شده است. همسر او و سه متهم دیگر نیز به دلیل تشکیل «باند تجاری قاچاق اتباع خارجی و جعل اسناد» تحت پیگرد قضایی قرار گرفته‌اند.

به گزارش «بیلد»، این سرگروهبان که عضو آکادمی فرماندهی ارتش آلمان بوده، متهم است طی چند سال همراه با همسرش زمینه ورود غیرقانونی ایرانی‌ها به آلمان را فراهم کرده است. طبق گزارش دادستانی آلمان او با سوء استفاده از موقعیت شغلی خود، اسناد جعلی تهیه کرده و نهادهای دولتی را فریب داده است.

علاوه بر او و همسر ۴۴ ساله‌اش، سه مرد ۵۹، ۶۳ و ۶۳ ساله نیز در این پرونده محاکمه می‌شوند. بر اساس

وزارت خارجه آلمان از شهروندان این کشور خواست فوری ایران را ترک کنند



فعال شدن «مکانیسم ماشه» است که پس از نقض مکرر توافق هسته‌ای توسط حکومت ایران، تمام تحریم‌های قبلی سازمان ملل را بطور خودکار برمی‌گرداند. بر همین اساس، خطر دستگیری‌های خودسرانه و گروگانگیری توسط رژیم ایران، لغو پروازها و محدودیت آلمان در کمک‌رسانی به تبعه‌ی خود در محل، هرگز به این اندازه بالا نبوده است.

پیشتر نیز گزارش‌هایی در مورد تعطیلی برخی سفارتخانه‌ها یا محدود شدن فعالیت آنها در تهران منتشر شده بود اما وزارت خارجه جمهوری اسلامی با رد این گزارش‌ها آن را به «جنگ روانی اتاق عملیات» اسرائیل نسبت داد.

طی یک ماه گذشته و پس از نامه‌ی سه قدرت اروپایی به شورای امنیت برای فعال شدن مکانیسم ماشه، این دومین هشدار وزارت خارجه آلمان به شهروندان این کشور برای ترک ایران است. پیش از این نیز این وزارتخانه در هفتم شهریورماه هشدار داده بود، با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران در گذشته بارها تهدید به تلافی‌جویی کرده است، احتمال دارد که منافع و شهروندان آلمانی تحت تأثیر اقدامات متقابل در ایران قرار گیرد.

وزارت خارجه آلمان همچنین اعلام کرده بود که سفارت آلمان در تهران در حال حاضر فقط قادر به ارائه کمک‌های کنسولی آنهم بطور محدود است.

پیشتر مارکوس پوتسل سفیر آلمان در ایران نیز ۳۱ امردادماه با انتشار ویدئویی به زبان فارسی خداحافظی کرد. وی که مدت کوتاهی در این مقام بود، علت رفتن را «شخصی» خواند و همزمان توضیح داد که این سفارتخانه «باز» می‌ماند ولی کارمندان کمتر شده و به این ترتیب صدور ویزا نیز محدودتر و کمتر خواهد شد. سفیر آلمان با بیان اینکه یکسال گذشته «پر از حادثه» بود و او «تحولات» و «اتفاقات» را دیده، به تفاوت وضعیت ایران نسبت به یکسال پیش اشاره کرد و با آرزوی «صلح» و «ثبات» برای ایرانیان، گفت که آرزو دارد برگردد و وقتی که بر می‌گردد ایرانیان به موفقیت رسیده باشند.

● وزارت خارجه آلمان در یک «هشدار ویژه» از شهروندان خود خواسته است تا فوری ایران را ترک کنند. این شدیدترین هشدار دولت و وزارت خارجه آلمان در این ارتباط طی سال‌های اخیر به شمار می‌رود.

● وزارت خارجه آلمان از شهروندان این کشور خواسته خروج خود را سریعاً سازماندهی کنند زیرا احتمال لغو پروازها در ارتباط با ایران وجود دارد.

● برخی منابع آلمانی گزارش دادند علت صدور این هشدار، فعال شدن «مکانیسم ماشه» است که پس از نقض مکرر توافق هسته‌ای توسط حکومت ایران، تمام تحریم‌های قبلی سازمان ملل را بطور خودکار برمی‌گرداند. به همین دلیل خطر دستگیری‌های خودسرانه و گروگانگیری توسط رژیم ایران و لغو پروازها و محدودیت آلمان برای کمک‌رسانی به تبعه‌ی خود در محل، هرگز به این اندازه بالا نبوده است.

● پیشتر مارکوس پوتسل سفیر آلمان در ایران نیز ۳۱ امردادماه با انتشار ویدئویی به زبان فارسی خداحافظی کرد. او با بیان اینکه یکسال گذشته «پر از حادثه» بود و او «تحولات» و «اتفاقات» را دیده، به تفاوت وضعیت ایران نسبت به یکسال پیش اشاره کرد و با آرزوی «صلح» و «ثبات» برای ایرانیان، گفت که آرزو دارد برگردد و وقتی که بر می‌گردد ایرانیان به موفقیت رسیده باشند.

وزارت خارجه آلمان در یک «هشدار ویژه» از شهروندان خود خواسته است تا فوری ایران را ترک کنند. این شدیدترین هشدار دولت و وزارت خارجه آلمان در این ارتباط طی سال‌های اخیر به شمار می‌رود.

ساختمان وزارت خارجه آلمان در برلین
وزارت خارجه آلمان از شهروندان خود خواسته خروج خود را سریعاً سازماندهی کنند زیرا احتمال لغو پروازها در ارتباط با ایران وجود دارد.
برخی منابع آلمانی گزارش دادند علت صدور این هشدار

«دشمن مردم»



کیفرخواست، این گروه با همکاری افراد ناشناس دیگر، ورود شهروندان ایرانی به آلمان را در برابر دریافت مبالغ هنگفت سازماندهی می‌کرده‌اند.

در فاصله سپتامبر ۲۰۱۳ تا نوامبر ۲۰۱۶، اتباع ایرانی مورد نظر بطور سیستماتیک ویزاهای کوتاه‌مدت توریستی ظاهراً برای دیدار با خانواده یا دوستان دریافت می‌کردند، اما در عمل پس از ورود به آلمان درخواست پناهندگی می‌دادند. گفته شده برای هر نفر بین ۳ تا ۴۵ هزار یورو دریافت و میان اعضای شبکه تقسیم می‌شده است.

این باند برای متقاعد کردن مقامات آلمانی، دعوتنامه‌ها و تعهدنامه‌های مالی جعلی تهیه می‌کرد. در این مدارک ادعا می‌شد دعوت‌کنندگان هزینه‌های زندگی میهمانان را تقبل می‌کنند. سفارت آلمان در تهران نیز بر اساس همین اسناد، ویزای کوتاه‌مدت صادر می‌کرده است.

به گفته دادستانی، سرگروهیان متهم از موقعیت خود در آکادمی فرماندهی سوء استفاده کرده و چندین بار از اطلاعات شخصی افسران خارجی شرکت‌کننده در دوره‌ها برای صدور دعوتنامه‌های جعلی استفاده کرده است. او دست‌کم در پنج مورد امضای این افسران را جعل کرده و با مهر رسمی آکادمی مدارک را تأیید کرده است. این اسناد سپس برای متقاضیان در ایران ارسال می‌شده است.

در مارس ۲۰۱۶ او حتی یک حکم مأموریت جعلی صادر کرده بود که به دروغ او را به عنوان «مسئول کمک آموزشی نظامی» معرفی می‌کرد. این سند با نام رئیس آکادمی امضا شده بود و به او امکان می‌داد در برابر نهادهای دولتی آلمان وانمود کند که اختیار ویژه دارد و می‌تواند تعهدنامه‌ها را بدون حضور افسران دعوت‌کننده امضا کند.

کارشناسان حقوقی می‌گویند در صورت اثبات اتهامات، متهمان این پرونده با چندین سال حبس روبرو خواهند بود.

رضا آذرکیش از فرماندهان بسیج ایران‌شهر در یک حمله مسلحانه کشته شد



- یکی از عوامل ارشد بسیج در شهرستان ایران‌شهر به نام رضا آذرکیش (شهری بُر) شامگاه چهارشنبه ۲۶ شهریورماه ۱۴۰۴ در یک حمله مسلحانه کشته شد.
- بر اساس گزارش منابع محلی، او در ساعات شب سوار ماشین بود که توسط افراد مسلح به رگبار بسته شد.
- کمپین فعالین بلوچ گزارش داد که او فرمانده پایگاه بسیج «دامن» بود.

یکی از عوامل ارشد بسیج در شهرستان ایران‌شهر به نام رضا آذرکیش (شهری بُر) شامگاه چهارشنبه ۲۶ شهریورماه ۱۴۰۴ در یک حمله مسلحانه کشته شد.

بر اساس گزارش منابع محلی، او در ساعات شب سوار ماشین بود که توسط افراد مسلح به رگبار بسته شد. خبرنگاری «مهر» وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی ادعا کرد او از معتمدین روستای «چاه جمال» ایران‌شهر بود.

آذرکیش پیش از این نیز در تاریخ ۲۴ بهمن ماه ۱۴۰۱ نیز در خیابان «خاتم» ایران‌شهر هدف تیراندازی افراد مسلح قرار گرفته بود. در جریان این تیراندازی او و یکی از همراهانش مجروح شده بودند.

یافته‌های نظرسنجی «ایسپا»: ۴۷/۳ درصد کاربران در ایران برای کسب اخبار و اطلاعات از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند

اسم این ابزارها را شنیده‌اند. اما، ۲۷/۲ درصد اظهار داشتند می‌توانند تا حدودی با ابزارهای هوش مصنوعی کار کنند و ۵/۱ درصد بیان داشتند به صورت تخصصی و حرفه‌ای از ابزارهای هوش مصنوعی استفاده می‌کنند. بنابراین ۳۲/۳ درصد از افراد بالای ۱۵ سال کشور از ابزارهای هوش مصنوعی (حرفه‌ای یا غیرحرفه‌ای) استفاده می‌کنند.

همچنین در میان افرادی که با هوش مصنوعی آشنایی دارند، ۳۴/۸ درصد مردان و ۲۹/۶ درصد زنان (به صورت تخصصی یا غیرحرفه‌ای) با ابزارهای هوش مصنوعی کار می‌کنند. ۵۴/۲ درصد از افراد ۱۵ تا ۲۹ سال، ۳۱/۲ درصد از افراد ۳۰ تا ۴۹ سال و ۱۶/۱ درصد از افراد ۵۰ سال و بالا بیان کردند با ابزارهای هوش مصنوعی کار می‌کنند. ۵۷/۹ درصد از افراد با تحصیلات دانشگاهی بیان کردند از ابزارهای هوش مصنوعی استفاده می‌کنند و این عدد برای افراد با تحصیلات دیپلم ۲۶/۸ درصد و افراد با تحصیلات کمتر از دیپلم ۱۱/۳ درصد است. افراد ساکن در مراکز استان‌های کشور (۴۳/۷ درصد) بیشتر از افراد ساکن در شهرهای غیرمرکز استان (۳۱/۸ درصد) و روستاها (۱۲/۴ درصد) از ابزارهای هوش مصنوعی استفاده می‌کنند.

یافته‌های نظرسنجی «ایسپا» نشان می‌دهد ۵۴/۴ درصد کاربران ابزارهای هوش مصنوعی برای کسب اطلاعات عمومی، ۲۶/۸ درصد برای آموزش و مهارت آموزی و ۲۶/۷



۲ ساعت و ۳۸ دقیقه در شبانه‌روز از شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. این میزان برای افراد با تحصیلات دیپلم ۲ ساعت و ۱۷ دقیقه و برای افراد با تحصیلات کمتر از دیپلم یک ساعت و ۲۴ دقیقه است. شهروندان ساکن شهرها زمان بیشتری نسبت به ساکنان

● ۴۴/۳ درصد پاسخ‌دهندگان در شبانه روز یک تا دو ساعت از شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. بطور متوسط افراد بالای ۱۵ سال کشور در یک شبانه روز، ۲ ساعت و ۸ دقیقه از شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند.

● سطح سواد کاربران با میزان استفاده آنها از شبکه‌های اجتماعی ارتباط مستقیم دارد. افراد با تحصیلات دانشگاهی ۲ ساعت و ۳۸ دقیقه در شبانه‌روز از شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند.

● ۵۴/۲ درصد از افراد ۱۵ تا ۲۹ سال، ۳۱/۲ درصد از افراد ۳۰ تا ۴۹ سال و ۱۶/۱ درصد از افراد ۵۰ سال و بالاتر بیان کردند با ابزارهای هوش مصنوعی کار می‌کنند.

مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) با انتشار نتایج یک نظرسنجی اعلام کرده ۵۴/۴ درصد کاربران از ابزارهای هوش مصنوعی برای کسب اطلاعات عمومی استفاده می‌کنند. همچنین ۴۷/۳ درصد کاربران برای کسب اخبار و اطلاعات به شبکه‌های اجتماعی روی می‌آورند.

مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) در یک طرح نظرسنجی به بررسی «مصرف شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی مردم ایران» پرداخته است.

نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهد ۴۴/۳ درصد



درصد برای پژوهش و کارهای علمی از ابزارهای هوش مصنوعی استفاده می‌کنند.

این نظرسنجی در شهریورماه ۱۴۰۴ با اندازه نمونه ۱۵۰۲ نفر و جامعه آماری ایرانیان بالای ۱۵ سال ساکن در مناطق شهری و روستایی به شیوه مصاحبه تلفنی انجام شده است. همچنین ۵۰/۸ درصد از افراد نمونه را مردان و ۴۹/۲ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. ۲۴/۶ درصد از افراد نمونه ۱۵ تا ۲۹ سال، ۴۴/۹ درصد ۳۰ تا ۴۹ سال و ۳۰/۵ درصد نیز بالای ۵۰ سال، سن دارند.

همچنین ۳۲/۲ درصد از افراد نمونه، تحصیلات زیردیپلم، ۳۲/۶ درصد مدرک دیپلم و ۷۰/۳۳ درصد تحصیلات دانشگاهی دارند. ۷۸ درصد از افراد نمونه ساکن شهرها و ۲۲ درصد ساکن روستا هستند.



روستاها از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. بخش دیگری از این نظرسنجی به کاربرد شبکه‌های اجتماعی برای شهروندان مختلف پرداخته که نشان می‌دهد ۴۷/۳ درصد کاربران برای کسب اخبار و اطلاعات، ۴۷/۲ درصد برای سرگرمی‌هایی مانند موسیقی، تماشای فیلم و کلیپ طنز و ... و همچنین ۳۰/۹ درصد برای ارتباط با دیگران، دوستان، خانواده و همکاران، از شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها استفاده می‌کنند.

شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی به پرسش «شما تا چه اندازه با ابزارهای هوش مصنوعی مثل چت جی‌پیتی و جمینای ... آشنا هستید؟» نیز پاسخ داده‌اند. پاسخ‌ها نشان می‌دهد ۳۵/۶ درصد پاسخ‌دهندگان اصلا با ابزارهای هوش مصنوعی آشنا نیستند و ۳۲/۱ درصد نیز بیان کردند که فقط



پاسخ‌دهندگان، در شبانه روز یک تا دو ساعت از شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. بطور متوسط افراد بالای ۱۵ سال کشور در یک شبانه‌روز، ۲ ساعت و ۸ دقیقه از شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند.

همچنین ۱۳/۷ درصد افراد بالای ۱۵ سال کشور اصلا از شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی استفاده نمی‌کنند.

از سوی دیگر افراد در گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ سال بطور میانگین ۳ ساعت و ۸ دقیقه در شبانه‌روز از شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. این زمان برای افراد ۳۰ تا ۴۹ سال ۲ ساعت و ۱۶ دقیقه و برای افراد بالای ۵۰ سال یک ساعت است. یافته‌های این نظرسنجی نشان می‌دهد سطح سواد کاربران با میزان استفاده آنها از شبکه‌های اجتماعی ارتباط مستقیم دارد. افراد با تحصیلات دانشگاهی

۶۲۰ هزار میلیارد تومان بدهی دو شرکت بزرگ اتومبیل سازی ایران؛ «سایپا» با ۱۱ هزار میلیارد تومان چک برگشتی روبروست



از صنایع برتر کشور و پیشرو در منطقه بود اکنون درگیر ساختار رانته و مافیایی جمهوری اسلامی شده و بجای تولید به مونتاژ در بازاری انحصاری می‌پردازد.

یکی از مهمترین مشکلاتی که از سوی اتومبیل‌سازان به عنوان مانعی در مسیر رشد و توسعه آنها مطرح می‌شود قیمت‌گذاری دستوری و دخالت مستقیم دولت در فعالیت این صنعت است. اختلاف بر سر قیمت‌گذاری دستوری دولت در این صنعت سبب شد مدتی پیش شرکت اتومبیل‌سازی «ایران خودرو» اقدام به افزایش قیمت محصولات خود کند. سازمان تعزیرات حکومتی نیز «ایران خودرو» را به اتهام گرانفروشی به ۱۶۲۴ میلیارد تومان محکوم کرد.

همچنین بر اساس رأی صادر شده از سوی سازمان تعزیرات حکومتی، عادل پیرمحمدی مدیر عامل «ایران خودرو» به دو ماه برکناری از سمت خود و اعضای هیأت‌مدیره شامل جمشید ایمانی، یوسف‌اللهی شکیب، عبدالله سلطانی ثانی و مرتضی شفیع، هر یک به یک ماه برکناری محکوم شدند. سازمان تعزیرات حکومتی در هفته‌های گذشته و پس از آنکه شرکت اتومبیل‌سازی «ایران خودرو» اقدام به افزایش قیمت محصولات خود کرد برای این شرکت پرونده تشکیل داد و این افزایش قیمت را غیرقانونی و مصداق گرانفروشی اعلام کرد. در آنسو اما مقامات شرکت «ایران خودرو» معتقدند تشکیل پرونده و رأی صادر شده علیه این شرکت به علت سیاست‌های مخرب قیمت‌گذاری دستوری از سوی دولت است و تأکید کردند از مسیر قانونی علیه این رأی اقدام خواهند کرد. در سوی دیگر ماجرا اما جمهوری اسلامی با ممنوع کردن واردات اتومبیل خارجی در عمل بازاری انحصاری برای تولیدکنندگان اتومبیل در داخل کشور ایجاد کرده است. در عمل این شرکت‌ها با از دست دادن خلاقیت و بدون هیچ تلاشی برای به‌روزرسانی و پیشرفته کردن محصولات به مونتاژ اتومبیل‌هایی بی‌کیفیت مشغول هستند.

این موضوع سبب شده در نبود فضای رقابتی نه تنها کیفیت محصولات تولید داخل به شدت کاهش و خدمات پس از فروش نیز به کمترین میزان کاهش پیدا کند، بلکه قیمت‌ها نیز به صورت نجومی و نامتناسب با کیفیت پایین اتومبیل‌ها افزایش پیدا کند.

تهران، شرکت اتومبیل‌سازی «سایپا» به عنوان یکی از دو اتومبیل‌ساز بزرگ ایران در حال حاضر با ۱۱ هزار میلیارد تومان چک برگشتی روبرو است.

انجمن قطعه‌سازان صنایع همگن استان تهران تأکید کرده است مشکلات صنعت خودرو صرفاً ناشی از کمبود سرمایه یا ضعف مدیریتی نیست، «بلکه نفوذ ذی‌نفعان و سیاست‌های دستوری از جمله قیمت‌گذاری و دخالت نهادهایی مانند شورای رقابت و تعزیرات، مسیر توسعه را مختل کرده است.»

در این گزارش همچنین به مشکل انباشت کالاها در گمرک اشاره شده و راه‌حل عبور از بحران «آزادسازی قیمت‌ها و امکان فعالیت با ارز آزاد» عنوان شده است.

انجمن قطعه‌سازان صنایع همگن استان تهران همچنین معتقد است در صورت ایجاد شرایط رقابتی و واقعی، تولیدات قطعه‌سازان داخلی توان رقابت با خودروهای خارجی را خواهند داشت.

آرش محبی نژاد دبیر انجمن تخصصی صنایع همگن و قطعه‌سازان خودرو هم هفته جاری اعلام کرد «زیان انباشته دو خودرو ساز بزرگ تا امروز به ۳۱۰ همت رسیده و بدهی دو خودروساز به ۶۲۰ هزار میلیارد تومان رسیده است.»

دبیر انجمن تخصصی صنایع همگن و قطعه‌سازان خودرو افزود زیان انباشته دو شرکت «ایران خودرو» و «سایپا» نیز به ۲۵۸ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است.

آرش محبی‌نژاد تأکید کرد که «برخی از زیان‌ها زیر فرش می‌شوند. در مورد بحث ارز و مسائل مالی، اگر آنها را هم اضافه کنیم، حساب‌برس به این موارد اشاره می‌کند و این بندهای حساب‌برسی مهم هستند.»

این فعال صنعت قطعه‌سازی با ارائه آمار دیگری گفت «مطالبات تعیین تکلیف نشده زنجیره تأمین از خودروسازان داخلی به ۱۶۰ همت رسیده است.»

او توضیح داد که شرکت‌های اتومبیل‌سازی «آینده‌فروشی» می‌کنند و افزود «خودروسازان پولی برای پرداخت ندارند و اعتبار نیز در نظام بانکی ندارند. بدهی آنها بالای ۱۰۰ هزار میلیارد تومان به تسهیلات بانکی است.»

صنعت اتومبیل‌سازی ایران که پیش از انقلاب ۵۷ یکی

● رقم بدهی دو شرکت اتومبیل‌سازی «سایپا» و «ایران خودرو» به ۶۲۰ هزار میلیارد تومان رسیده، و انجمن قطعه‌سازی اعلام کرده شرکت «سایپا» هم‌اکنون با ۱۱ هزار میلیارد تومان چک برگشتی روبروست.

● یکی از مهمترین مشکلاتی که از سوی اتومبیل‌سازان به عنوان مانعی در مسیر رشد و توسعه آنها مطرح می‌شود قیمت‌گذاری دستوری و دخالت مستقیم دولت در فعالیت این صنعت است.

● جمهوری اسلامی با ممنوع کردن واردات اتومبیل خارجی در عمل بازاری انحصاری برای تولیدکنندگان اتومبیل در داخل کشور ایجاد کرده است. در عمل این شرکت‌ها با از دست دادن خلاقیت و بدون هیچ تلاشی برای به‌روزرسانی و پیشرفته کردن محصولات به مونتاژ اتومبیل‌هایی بی‌کیفیت مشغول هستند.

● صنعت اتومبیل‌سازی ایران که پیش از انقلاب ۵۷ یکی از صنایع برتر کشور و پیشرو در منطقه بود اکنون درگیر ساختار رانته و مافیایی جمهوری اسلامی است.

انجمن قطعه‌سازان صنایع همگن استان تهران در گزارشی از بحران مالی شدید در صنعت اتومبیل‌سازی و قطعه‌سازی خبر داده است. رقم بدهی دو شرکت اتومبیل‌سازی «سایپا» و «ایران خودرو» به ۶۲۰ هزار میلیارد تومان رسیده، و انجمن قطعه‌سازی اعلام کرده شرکت «سایپا» هم‌اکنون با ۱۱ هزار میلیارد تومان چک برگشتی روبروست.

انجمن قطعه‌سازان صنایع همگن استان تهران در تازه‌ترین گزارش خود از بحران مالی شدید در صنعت خودرو و قطعه‌سازی خبر داده و اعلام کرده یکی از مشکلات شرکت‌های اتومبیل‌سازی و قطعه‌سازی چک‌های برگشتی است.

در این گزارش آمده چک‌های برگشتی به معنای بدهی‌های معوق بابت خرید دین سال گذشته است که به دلیل نبود منابع کافی و فراتر رفتن از حد اعتباری پرداخت نشده‌اند. این شرایط، قطعه‌سازان را در وضعیت بحرانی قرار داده و باعث شده بسیاری از آنها با مشکلات بانکی و توقف فعالیت روبه‌رو شوند.

بر اساس گزارش انجمن قطعه‌سازان صنایع همگن استان

انفجار شبانه در شهری؛ «تابناک»: جنگ روانی اکانت‌های سلطنت طلب بود! «تسنیم»: نارنجک بود!



خیابان‌های تاریک شهری در ساعاتی که برق نیست

● شامگاه سه‌شنبه شب ۲۵ شهریورماه ۱۴۰۴ صدای انفجار مهیب مردم را در مناطقی از شهری (در جنوب تهران) وحشت‌زده کرد. آنها نیمه‌شب هراسان به خیابان ریختند و می‌خواستند بدانند صدای انفجار از کجا و به چه علت بوده است.

● خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با تأیید انفجار مدعی شد که در جنوب شرق شهری منطقه فیروزآباد نارنجک (دستی) منفجر شده است. در این گزارش تأکید شد که این صدا موجب نگرانی شهروندان و حضور برخی از آنان بر پشت‌بام‌ها شد.

● این در حالیست که وبسایت‌های «تابناک»، «نوندیش»، روزنامه «اعتماد» و چندین رسانه دیگر صبح چهارشنبه در خبری با عنوان «راستی‌آزمایی انفجار بزرگ شهری» ادعا کردند که «مردم و اهالی شهری هیچ صدایی نشنیدند، خبر نادرست است و بخشی از یک عملیات روانی هماهنگ‌شده توسط اکانت‌های سلطنت‌طلب برای ایجاد نگرانی و ناامنی روانی بود.»

شامگاه سه‌شنبه شب ۲۵ شهریورماه ۱۴۰۴ صدای یک انفجار مهیب مردم را در مناطقی از شهری (در جنوب تهران) وحشت‌زده کرد. آنها نیمه‌شب هراسان به خیابان ریختند و می‌خواستند بدانند صدای انفجار از کجا و به چه علت بوده است.

خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب

اسلامی با تأیید وقوع انفجار مدعی شد که در جنوب شرق شهری منطقه فیروزآباد نارنجک (دستی) منفجر شده است. در این گزارش تأکید شد که این صدا موجب نگرانی شهروندان و حضور برخی از آنان بر پشت‌بام‌ها شد.

«تسنیم» مدعی شد که «بررسی‌ها حاکی است این صدا ناشی از پرتاب یک نارنجک دستی به دیوار یکی از منازل بوده است. پیش از آن نیز چند منور در محل شلیک شده بود!»

این در حالیست که وبسایت‌های «تابناک»، «نوندیش»، روزنامه «اعتماد» و چندین رسانه دیگر صبح چهارشنبه در خبری با عنوان «راستی‌آزمایی انفجار بزرگ شهری» ادعا کردند که «مردم و اهالی شهری هیچ صدایی نشنیدند، خبر نادرست است و بخشی از یک عملیات روانی هماهنگ‌شده توسط اکانت‌های سلطنت‌طلب برای ایجاد نگرانی و ناامنی روانی بود.»

پس از اعلام «آتش‌بس» در جنگ ۱۲ روزه توسط دونالد ترامپ، زنجیره‌ای از انفجارها و آتش‌سوزی‌ها در شهرهای مختلف ایران به راه افتاد که حکومت علت اغلب آنها را نشت گاز، ترکیدگی لوله گاز، اتصالی برق و آتش زدن علف‌های خشک اعلام کرد. اکنون مدتی است که صدای انفجارهای شبانه در حومه شهرها، صدای تیراندازی و شلیک پدافند نیز زیاد شده که گاهی برخی از اکانت‌های نزدیک به سپاه پاسداران به آن واکنش نشان می‌دهند و مدعی‌اند «تست» و «رزمایش» است.

مدیرکل سابق اداره «ارشاد اسلامی» گیلان به اتهام «لواط تفخیزی» به ۱۰۰ ضربه شلاق و تبعید محکوم شد

● پایگاه خبری «انصاف نیوز» ۲۵ شهریور ۱۴۰۴ گزارش داد رضا ثقتی مدیرکل سابق اداره «ارشاد اسلامی» گیلان که تیرماه ۱۴۰۲ رابطه جنسی او با پسری جوان لو رفته بود، به اتهام «لواط تفخیزی» به شلاق و تبعید محکوم شده است. در این گزارش آمده دادگاه اعلام کرد اقدام ثقتی در حد لواط تفخیزی بوده و هر دو فرد [فاعل و مفعول] به صد ضربه شلاق و یکی به مدت دو سال و دیگری به مدت یک سال حکم تبعید گرفته‌اند.

● طبق گزارش «انصاف‌نیوز» در این پرونده پای نهادهای «امنیتی و نظامی» هم در میان است. درواقع لو رفتن ویدیو رابطه جنسی مدیرکل اداره «ارشاد اسلامی» استان گیلان بخشی از یک اقدام سازماندهی شده برای کنار زدن رقبا در پست‌های استان بوده است. گویا با توجه به «سطح نفوذ برخی متهمان» فشارها به دستگاه قضایی برای پیگیری پرونده زیاد بوده است.

● بر اساس این حکم برای دادگاه محرز شده است که فرزند یکی از مسئولان سابق استان تشکیل و سردستگی یک گروه مجرمانه را به قصد حذف مخالفین پدرش با تهیه فیلم‌های غیراخلاقی از آنها بر عهده داشته که دادگاه او را مستحق حداکثر مجازات قانونی دانسته و به ۱۰ سال حبس و دو سال تبعید محکوم می‌کند.

● چنین اقداماتی از زمان روی کار آمدن جمهوری اسلامی در میان مقامات رژیم رایج بوده و بسیاری از آنها با تشکیل گروه‌های مافیایی اقدام به ساخت پرونده‌های مشابه جنسی و اخلاقی علیه یکدیگر کردند تا در رقابت‌های سیاسی و اقتصادی علیه یکدیگر استفاده کنند.

پایگاه خبری «انصاف نیوز» ۲۵ شهریور ۱۴۰۴ گزارش داد رضا ثقتی مدیرکل سابق اداره «ارشاد اسلامی» گیلان که تیرماه ۱۴۰۲ رابطه جنسی او با پسری جوان لو رفته بود، به اتهام «لواط تفخیزی» به شلاق و تبعید محکوم شده است. در این گزارش آمده، دادگاه اعلام کرد اقدام ثقتی در حد لواط تفخیزی بوده و هر دو فرد [فاعل و مفعول] به صد ضربه شلاق و یکی به مدت دو سال و دیگری به مدت یک سال حکم تبعید گرفته‌اند.

در این میان، ابعاد جدیدی از این پرونده آشکار شده است که طبق گزارش انصاف‌نیوز پای نهادهای «امنیتی و نظامی» را هم وسط کشیده است. درواقع لو رفتن ویدیو رابطه جنسی مدیرکل اداره «ارشاد اسلامی» استان گیلان بخشی از یک اقدام سازماندهی شده برای کنار زدن رقبا در پست‌های استان بوده است. گویا با توجه به «سطح»

تحریم یک شبکه بزرگ مالی فروش نفت ایران؛ دو دلال ایرانی و ۱۲ شرکت با رمزارز به جمهوری اسلامی پول می‌رسانند



وزارت خزانه‌داری آمریکا

رژیم ایران و فعالیت‌های مخرب آن در خاورمیانه و فراتر از آن را تأمین مالی می‌کند، تحریم می‌کنیم.»

بر اساس این بیانیه، علیرضا درخشان و آرش استکی علوند بین سال‌های ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۵، در تسهیل خرید بیش از ۱۰۰ میلیون دلار ارز دیجیتال از محل فروش نفت برای دولت ایران همکاری کردند. این دو نفر از شبکه‌ای از شرکت‌های صوری در حوزه‌های قضایی خارجی برای انتقال وجوه حاصل از ارز دیجیتال استفاده کردند.

علوند به عنوان دلال مالی و نفتی برای شرکت صوری «القطرچی» فعالیت کرده است؛ شرکتی که شریک اصلی نیروی قدس سپاه در فروش نفت ایران بوده است. در سال ۲۰۲۳، علوند یک پرداخت از سوی شرکت صوری «Mina to Commercial Brokers» - که در حال حاضر توسط علیرضا درخشان استفاده می‌شود - به حساب شرکت القطرچی هماهنگ کرد. علوند همچنین در تراکنش‌هایی به ارزش میلیون‌ها دلار با «توفیق محمد سعید»، صراف مرتبط با حزب‌الله، ارتباط داشت؛ فردی که امکان دسترسی حزب‌الله به کیف پول‌های دیجیتال برای دریافت وجوه مربوط به فروش کالاهای نیروی قدس سپاه را فراهم کرد و انتقال‌های ارز دیجیتال را به نمایندگی از شرکت القطرچی انجام داد.

این اقدام در ادامه تحریم شبکه دلای «برادران زرین‌قلم» صورت می‌گیرد که میلیارد‌ها دلار را از طریق صرافی‌ها و شرکت‌های صوری به نفع نیروی قدس سپاه و دیگر نهادهای ایرانی تحریم‌شده پولشویی کرده بودند.

یک روز پیش از اعلام این تحریم‌ها دفتر ملی مبارزه با تأمین مالی تروریسم اسرائیل فهرست ۱۸۷ آدرس کیف پول رمزارز مرتبط با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را منتشر کرد. طبق این گزارش، آدرس‌های اعلام‌شده در مجموع ۱/۵ میلیارد دلار تتر دریافت کرده‌اند.

دفتر ملی مقابله با تأمین مالی تروریسم (NBCTF) اسرائیل اعلام کرده که «اطمینان دارد کیف پول‌های رمزارز متعلق به سپاه پاسداران هستند و «برای ارتکاب جرائم تروریستی شدید مورد استفاده قرار می‌گیرند.»

● دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده (OFAC) دو دلال ایرانی و بیش از ۱۲ فرد و نهاد مستقر در هنگ‌کنگ و امارات متحده عربی را به دلیل همکاری با جمهوری اسلامی در دور زدن تحریم‌های آمریکا و انتقال پول حاصل از فروش نفت ایران با تأمین مالی نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وزارت دفاع جمهوری اسلامی تحریم کرد.

● در بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا که ۱۶ سپتامبر (۲۵ شهریورماه) صادر شد، آمده شبکه‌های «بانکداری سایه» جمهوری اسلامی از که توسط دلال‌های مالی غیرقانونی اداره می‌شوند از نظام مالی بین‌المللی سوء استفاده کرده و با استفاده از شرکت‌های صوری خارجی و ارزهای دیجیتال، تحریم‌ها را دور می‌زنند و نیروی قدس سپاه و نهادهای نظامی حکومت از این عواید برای حمایت از گروه‌های نیابتی تروریستی در منطقه و توسعه سامانه‌های تسلیحاتی پیشرفته، از جمله موشک‌های بالستیک و پهپادها، استفاده می‌کنند؛ سامانه‌هایی که امنیت نیروهای آمریکایی و متحدان ما را تهدید می‌کند.

● بر اساس این بیانیه علیرضا درخشان و آرش استکی علوند بین سال‌های ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۵، در تسهیل خرید بیش از ۱۰۰ میلیون دلار ارز دیجیتال از محل فروش نفت برای دولت ایران همکاری کردند. این دو نفر از شبکه‌ای از شرکت‌های صوری در حوزه‌های قضایی خارجی برای انتقال وجوه حاصل از ارز دیجیتال استفاده کردند.

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده (OFAC) دو دلال ایرانی و بیش از ۱۲ فرد و نهاد مستقر در هنگ‌کنگ و امارات متحده عربی را به دلیل همکاری با جمهوری اسلامی در دور زدن تحریم‌های آمریکا و انتقال پول حاصل از فروش نفت ایران برای تأمین مالی نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وزارت دفاع جمهوری اسلامی تحریم کرد.

در بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا که ۱۶ سپتامبر (۲۵ شهریورماه) صادر شد، آمده شبکه‌های «بانکداری سایه» جمهوری اسلامی از که توسط دلال‌های مالی غیرقانونی اداره می‌شوند از نظام مالی بین‌المللی سوء استفاده کرده و با استفاده از شرکت‌های صوری خارجی و ارزهای دیجیتال، تحریم‌ها را دور می‌زنند و نیروی قدس سپاه و نهادهای نظامی حکومت از این عواید برای حمایت از گروه‌های نیابتی تروریستی در منطقه و توسعه سامانه‌های تسلیحاتی پیشرفته، از جمله موشک‌های بالستیک و پهپادها، استفاده می‌کنند؛ سامانه‌هایی که امنیت نیروهای آمریکایی و متحدان ما را تهدید می‌کند.

جان کی. هرلی معاون وزیر خزانه‌داری در امور تروریسم و اطلاعات مالی در ارتباط با این تحریم‌ها گفت: «نهادهای مرتبط با حکومت ایران برای دور زدن تحریم‌ها و جابجایی میلیون‌ها دلار در نظام مالی بین‌المللی به شبکه‌های بانکداری سایه متکی هستند... تحت رهبری رئیس‌جمهور ترامپ، ما این جریان‌های مالی کلیدی را که برنامه‌های تسلیحاتی

➔ نفوذ برخی متهمان» فشارها به دستگاه قضایی برای پیگیری پرونده زیاد بوده است.

در بخشی از این گزارش آمده در این پرونده فرزند یکی از مسئولان سابق استان گیلان نقش اساسی داشته است. این خبرنگار به تازگی روایت خود را از این پرونده منتشر کرده است.

بر اساس این حکم برای دادگاه محرز شده است که فرزند این مسئول سابق تشکیل و سردستگی یک گروه مجرمانه را به قصد حذف مخالفین پدرش با تهیه فیلم‌های غیراخلاقی از آنها بر عهده داشته است.

بر اساس اعترافات، فرد دیگر حاضر در فیلم مدیرکل سابق اداره «ارشاد اسلامی» گیلان، یکی از افراد مرتبط با فرزند مسئول سابق استان با او درباری انحراف اخلاقی مدیرکل وقت ارشاد گیلان و هم‌منطور چنین افراد مد نظر او و حذف طیف حزب‌اللهی صحبت می‌کند و می‌خواهد که به این فرد نزدیک شده و این فیلم را تهیه کند.

یکی از افراد مرتبط با فرزند یکی از مسئولان سابق استان گیلان نیز در اعترافات خود می‌گوید: با توجه به جایگاه این فرد در استان فکر می‌شد که این اقدام دستور سازمانی برای مقابله و برخورد با مدیران فاسد است.

یکی دیگر از متهمان که با فرزند مسئول سابق استان گیلان ارتباط شخصی داشته نیز در اعترافاتش گفته که این فرد خواسته تا زنی را به او معرفی کند تا به برخی مسئولان عالی‌رتبه استان نزدیک شده و با آنها ارتباط برقرار کند تا با تولید فیلم از آنها زمینه‌ی برکناری‌شان مهیا شود.

در نهایت دادگاه فرزند یکی از مسئولان سابق استان گیلان



رضا تاقتی

را مستحق حداکثر مجازات قانونی دانسته و او را به ۱۰ سال حبس و دو سال تبعید محکوم می‌کند.

چنین اقداماتی از زمان روی کار آمدن جمهوری اسلامی در میان مقامات رژیم رایج بوده و بسیاری از آنها با تشکیل گروه‌های مافیایی اقدام به ساختن پرونده‌های مشابه جنسی و اخلاقی علیه یکدیگر کردند تا در رقابت‌های سیاسی و اقتصادی علیه یکدیگر استفاده کنند.

اردشیر فرح هنرمند موسیقی:

دوست دارم در مملکت خودم یک کنسرت اجرا کنم



اردشیر فرح و اعضای گروه کلپ آلمان‌ها سال ۱۹۷۱ میلادی

دوستانم فرستادند که او دو سال قبل‌تر به لندن مهاجرت کرده بود. با آنها زندگی کردم تا تحصیلاتم را در دبیرستان ادامه دهم، به این ترتیب، برنامه کنسرت و موسیقی به مدت ۲ سال از زندگی من بیرون رفت. در مقطع O-level دبیرستان در لندن را به پایان رساندم وقتی به مقطع A-level رسید تصمیم گرفتم به آمریکا بروم. البته در لندن هم علاقه به گیتار، مرا ترک نکرد. یک گیتار خیلی خوب خریدم و شروع کردم به تمرین. در آنجا با یک گروه انگلیسی به نام «Sniff 'n' the Tears» همکاری کردم. این گروه چند سال بعد از رفتنم به آمریکا در سال ۱۹۸۰ مشهور شد. من در ۱۹۷۴ از لندن به آمریکا مهاجرت کردم و به خانواده عمه ناتنی‌ام در بوستون ماساچوست ملحق شدم. آنجا تحصیل در رشته معماری و مهندسی راه و ساختمان را شروع کردم.

● در سال‌هایی که ایران بودید بجز هنرمندان غربی، آثار هنرمندان گیتاریست ایرانی مثل ویگن را دنبال می‌کردید؟

-بله؛ کارهای ویگن را دنبال می‌کردم. اصلاً برای اولین بار گیتار را در دست ویگن دیدم. البته آن زمان سن من خیلی کم بود. خواننده‌های محبوب من در زمان بچگی ویگن و عارف بودند؛ موزیک غربی هم که مورد علاقه پدر و مادرم بود، به‌خصوص موزیک آمریکای لاتین که آن زمان در ایران خیلی مد بود.

● لطفاً از زمانی بگویید که در آبادان و شهرهای دیگر اجرای گیتار داشتید. علاقه مردم به موسیقی و هنر را در آن دوران چطور توصیف می‌کنید؟

-من و چند نفر از دوستان هنرمندم وقتی ۱۸-۱۹ ساله بودیم، در سال ۱۳۵۲ به دعوت «شرکت ملی نفت ایران» کنسرتی در آبادان اجرا کردیم. آنزمان مردم علاقه زیادی به گیتار داشتند. در گروه ما گیتار الکترونیک، گیتار بیس و کیبورد سینت سایزر و ارگ داشتیم. سینت سایزر و ارگ را کامران خاشع می‌زد؛ او یکی از موزیسین‌هایی بود که

گیتار، ساز اصلی این گروه بود. در آن زمان، گیتار در ایران بسیار باب شد، البته من موزیک را در دوران دبستان با آکاردئون شروع کردم، سازی که در تمام گروه‌های موسیقی آن زمان در ایران ساز اول بود، یادم هست آکاردئون ۱۶ باس بود که اندازه کوچکی داشت، تا کلاس چهارم دبستان، معلم کلاس موسیقی ما آقای سالکی بود که آکاردئون‌بست بسیار ماهری بود. یادم هست در دبستان خصوصی «سزاوار»، کلاس چهارم، سه ساعت کلاس موسیقی داشتیم. کلاس پنجم و ششم هم به دبستان «فردوسی» می‌رفتم. در سال ۱۹۶۹ با گیتار تمرین می‌کردم، چون آن سال‌ها خیلی مد بود؛ در دوران بچگی باند موزیک درست می‌کردیم، موزیک‌های راک مثل بیتلز، استونز و گروه‌هایی که گیتار ساز اصلی‌شان بود مثل جیمی هندریکس را دنبال می‌کردیم.

● از اولین گروه هنری خودتان بگویید، «بتمن» که در ۱۳ سالگی با دوستانتان تشکیل دادید.

-در ۱۳ سالگی اولین گروه موسیقی خودم را به نام «بتمن» یا خفاش‌ها تشکیل دادم و این گروه زود مورد توجه قرار گرفت، با اینکه دانش‌آموز دبیرستانی بودم ولی برنامه عروسی و کنسرت هم می‌گرفتم تا اینکه گروه «ریلز» به سرپرستی شهرام شب پره که یک گروه موسیقی شناخته شده در تلویزیون آن زمان بود کار من و گروه «بتمن» را در جایی دیدند و شهرام شب پره خیلی خوشش آمد. یکروز از دبیرستان به خانه برگشتم دیدم تمام اعضای گروه «ریلز» در مهمانخانه ما نشسته‌اند و در حال صحبت کردن با مادرم هستند و از مادرم می‌خواستند که در آن سن ۱۳ سالگی به عنوان گیتاریست با گروه «ریلز» همکاری کنم. خانواده دیدند من بیش از حد مورد توجه قرار گرفته‌ام، کمی نگران شدند و تصمیم گرفتند برای ادامه تحصیلات دبیرستان، مرا به لندن بفرستند، چون دلشان نمی‌خواست از آن سن به موزیک حرفه‌ای وارد شوم. مرا به لندن نزد خانواده یکی از

● «قبل از انقلاب ۵۷ برنامه من این بود که بعد از پایان تحصیلاتم در رشته راه و ساختمان و معماری به ایران برگردم و در این رشته با خانواده کار کنم... ولی در سال ۱۹۷۹ که انقلاب شد تمام این برنامه‌ها بهم ریخت.»

● «برای اولین بار گیتار را در دست ویگن دیدم. البته آن زمان سن من خیلی کم بود. خواننده‌های محبوب من در زمان بچگی ویگن و عارف بودند؛ موزیک غربی هم که مورد علاقه پدر و مادرم بود، به‌خصوص موزیک آمریکای لاتین که آن زمان در ایران خیلی مد بود.»

● «سبک کاری من و استرانز، نواختن گیتار سیم نایلون یا گیتار آکوستیک با استفاده از فرهنگ و موزیک لاتین و مقداری از فرهنگ و موزیک ایرانی و خاورمیانه با استفاده از آکورد موزیک فلامینکو و موزیک جاز و ریتم‌های لاتین است که در سال ۱۹۸۰ درست کردیم.»

● «دوست دارم برگردم؛ من کشورم را هرگز فراموش نکرده‌ام. دوست دارم چند ماه در سال در ایران باشم و با اینهمه گیتاریست‌هایی که سبک ما را اجرا می‌کنند رابطه داشته باشم و کلاس برگزار کنم، البته از راه دور هم این کلاس‌ها را برگزار می‌کنم، اما دوست دارم در مملکت خودم یک کنسرت اجرا کنم.»

فیروزه نوردستروم- اردشیر فرح گیتاریست و نوازنده ساکن آمریکا یکی از هنرمندان ایرانی است که با وجود گذشت بیش از ۴۰ سال زندگی دور از ایران همچنان دلتنگ سرزمین مادری است و از همین رو ملودی‌ها و ریتم‌های ایرانی را در بسیاری از آثار خود جای داده است. او ۴۴ سال پیش با خورخه استرانز نوازنده گیتار متولد کاستاریکا آشنا شد و این آشنایی منجر به ظهور سبکی نو در اجرای گیتار آکوستیک، تلفیق موسیقی آمریکای لاتین و موسیقی خاورمیانه به ویژه ایران شد.

کیهان لندن برای بررسی بیشتر زندگی هنری و آثار این نوازنده گیتار که یکم سپتامبر، سه قطعه جدید با گیتار الکترونیک به بازار موسیقی ارائه کرده گفتگویی انجام داده است.

● آقای فرح، لطفاً در مورد زندگی و سابقه هنری در خانواده‌تان بگویید؛ آیا آنها در رشد هنری شما نقش داشتند؟

-من متولد ۱۳۳۳ در بیمارستان بانک ملی تهران در بین خانواده‌ای رشد کردم که نه اهل موسیقی بلکه همگی فارغ‌التحصیل رشته مهندسی راه و ساختمان و معمار بودند؛ عمو و دایی همگی در حوزه راه و ساختمان فعالیت داشتند. دایی من در وزارت راه کار می‌کرد. پدر و مادرم وقتی ۵ ساله بودم طلاق گرفتند، مادرم در سال ۱۹۶۴ با یک مرد آمریکایی ازدواج کرد که برای جاده‌سازی به ایران آمده بود، مادرم هم در رشته دکوراسیون ساختمان فعالیت می‌کرد.

● چطور شد که گیتار را در بین سازهای موسیقی انتخاب کردید؟

-گیتار با آمدن گروه «رولینگ استونز» و «بیتلز» در دنیا یکدفعه در ایران هم مد شد؛ بیتل‌ها که در اوایل دهه شصت میلادی به شهرت رسیدند، تأثیر بسیار قوی نه تنها در ایران بلکه در تمام دنیا گذاشتند. یادم هست بچه‌های کلاس پنجم، آهنگ‌های گروه «بیتلز» را می‌خواندند. بعد کم‌کم گروه‌های موسیقی مثل «ریلز» شهرام شب پره و گروه «بلک کتز» به سرپرستی شهباز شب پره، گروه «موج بهار» و «تک‌خال‌ها» همگی تحت تأثیر موزیک گروه «بیتلز» تشکیل شدند و

در سال‌های دهه شصت میلادی با خانم گوگوش همکاری داشت، بعد به ایتالیا رفت. کامران خاشع مدرک دکترای موزیک دارد و هنوز هم در ایتالیا مشغول تدریس و آموزش پیانو و موسیقی کلاسیک است.

● چطور شد در آمریکا ماندگار شدید و دیگر به ایران برنگشتید؟

-قبل از انقلاب، برنامه من این بود که بعد از پایان تحصیلاتم در رشته راه و ساختمان و معماری به ایران برگردم و در این رشته با خانواده دایی و عمویم همکاری کنم، پدر ناتنی من شرکت خصوصی داشت، جاده‌های تهران، بروجرد و چند شهر دیگر را آسفالت می‌کرد. ولی در سال ۱۹۷۹ که انقلاب شد تمام این برنامه‌ها بهم ریخت. همه خانواده مجبور به رفتن به آمریکا شدند و طی سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۱ به لس‌آنجلس آمدند. دایی من که در وزارت راه کار می‌کرد و در آستانه بازنشستگی قرار داشت مجبور شد به لس‌آنجلس برود؛ دایی دیگر هم که همسر آلمانی داشت به آلمان رفت. مادرم، دایی و پدر ناتنی من و خاله‌ام همگی به لس‌آنجلس آمدند. ولی پدرم که کارمند بانک ملی بود تا آخر عمر در ایران ماند.

● در بدو ورودتان به آمریکا برای کسب درآمد به چه مشاغلی روی آوردید؟

-همان سالی که انقلاب شد، فارغ‌التحصیل شدم و گرین کارت گرفتم و اجازه کار داشتم. در آن دوران، آلدوش آلیانیا یکی از دوستانم از لندن برای دیدنم به لس‌آنجلس آمد تا به عنوان خواننده برای او کاری پیدا کنیم. نزد احمد مسعود صاحب کاباره تهران در لس‌آنجلس رفتیم. او با محبت به ما گفت فردا شب بیایید دو تا آهنگ اجرا کنید. وقتی آهنگ‌ها را اجرا کردیم، شهرام شب پره که آن شب آنجا بود به من گفت ما الان در حال تغییر ارکستر کاباره تهران به رهبری منوچهر چشم‌آذر هستیم، تو هم بیا و با این ارکستر همکاری کن، من هم تفریحی قبول کردم و با منوچهر چشم‌آذر، ارکستر را تشکیل دادیم و تمرین کردیم، بعد از دو سه ماه دیدم درآمد در کاباره تهران، دو برابر، بیشتر از همکلاسی‌هایم در دانشگاه است، چشم بهم زدم دیدم ۸ سال در کاباره تهران مانده‌ام. البته همان زمان در سال ۱۹۷۹ با همکارم، خورخه استرانز آشنا شدم و روزها به تمرین و آهنگسازی پرداختیم.

● در مورد سبک کارتان با خورخه استرانز بیشتر توضیح دهید.

-این سبک را من و همکارم استرانز که همزمان با کارم در کاباره تهران با او آشنا شدم، ابداع کردیم و از ۴۵ سال پیش تا الان که همکاریم ۲۲ آلبوم به بازار فرستادیم. من و استرانز هر دو گیتار الکترونیک راک می‌زدیم، بعد توجه ما به گیتار آکوستیک جلب شد، دوست من که به سمت این گیتار رفت، گیتار الکترونیک را کنار گذاشت و از آن زمان، سبک خودش را اجرا می‌کند ولی من به تازگی در اول سپتامبر، سه قطعه جدید از گیتار الکترونیک منتشر کردم.

ولی برگردم به سؤال شما؛ سبک کار من و استرانز، نواختن گیتار سیم نایلون یا گیتار آکوستیک با استفاده از فرهنگ و موزیک لاتین و مقداری از فرهنگ و موزیک ایرانی و خاورمیانه با استفاده از آکورد موزیک فلامینکو و موزیک جاز و ریتم‌های لاتین است، ما سبک اصلی موزیک خودمان را در سال ۱۹۸۰ درست کردیم که بعد از ۱۰ سال زحمت، آلبوم پنجم ما به رادیوهای آمریکایی راه پیدا کرد و در همه جای آمریکا پخش شد. آنزمان فرد دیگری این کار را نمی‌کرد. بعد از آلبوم پنجم که به رادیوهای آمریکایی راه پیدا کرد و سر و صدا کرد متأسفانه تعدادی از نوازندگان، شروع به کپی کردن از سبک ما کردند.

● یکی از آوازهای هاید به همراهی گیتار شما ضبط

شده. لطفا در مورد آن اجرا توضیح دهید.

-آن کار، آلبوم سوم کار آمریکایی من بود. در قسمتی از آلبوم فکر کردم ساز ایرانی به شکل بداهه بگذاریم؛ بعد فکر کردم چرا بجای ساز، یک آواز نگذاریم؟ بعد با خانم‌ها حمیرا و هاید صحبت کردم. هاید نازنین خیلی راحت قبول کرد گفت بله بریم ضبط کنیم. همکارم استرانز هم عاشق آواز ایرانی است. هاید بسیار خاکی و افتاده پیکرز با چند نفر از دوستان، فامیل و دخترش به استودیو آمد و بدون دریافت دستمزد، آن آواز را اجرا کرد. آنشب را هرگز فراموش نمی‌کنم که آن آواز را در استودیو ضبط کردیم؛ یک آواز را حدود ده دوازده مرتبه ضبط کردیم تا در نهایت یکی از آنها را انتخاب کردیم که در انتهای آهنگ آلبوم به اسم «میراژ» گذاشتیم.

● در آثارتان همیشه رد پای از ایرانی بودن شما به چشم می‌خورد؛ در مورد تلفیق ملودی ایرانی با موسیقی آمریکای لاتین توضیح دهید.

-وقتی شما در آمریکا مشغول به کار می‌شوید و یک ایرانی به نام «اردشیر فرح» هستید کماکان از شما انتظار دارند یک مقدار از فرهنگ شما در کارتان باشد. یک گیتاریست ایرانی وقتی از فرهنگ ایرانی استفاده کند کار بخصوصی است که هرگز یک آمریکایی نمی‌تواند انجام دهد. هنرمندان ایرانی وقتی موزیک آمریکایی اجرا می‌کنند با لهجه می‌زنند، یعنی وقتی یک ایرانی با لهجه انگلیسی صحبت می‌کند موزیکی هم که اجرا می‌کند لهجه دارد، بنابراین اگر اینجا بزرگ نشده باشی خیلی سخت است که خودت را یک آمریکایی جا بزنی. البته من این کار را کرده‌ام چون از بچگی موزیک آمریکایی اجرا کردم و در گروه‌های آمریکایی وقتی گیتار می‌زدم احتیاجی نبود که از ایرانی بودنم مایه بگذارم.

● آیا در مجموع از همه آلبوم‌هایی که تا کنون منتشر کرده‌اید راضی بوده‌اید؟

-از همه آنها نه، آلبوم بیرون دادن کاریست که باید انجام دهیم. الان بعد از اینهمه سال به خاطر موقعیت و وضعیت اقتصادی در موزیک و شرایط سنی ما، این، باید و ضرورت، مقداری کم‌رنگ‌تر شده، ولی در ۴۰ سال اول همکاریم با خورخه استرانز و پس از تشکیل گروه «استرانز و فرح» می‌بایست آلبوم بیرون می‌دادیم و وقتی این جنبه الزام مطرح می‌شود دیگر نمی‌توان منتظر ماند تا بهترین آهنگ ساخته شود. حالا اگر ۸ آلبوم به بازار ارائه کردیم چه باید بکنیم تا مخاطبی که ۸ آلبوم ما را دارد بخواهد آلبوم نهم را هم داشته باشد؟ این کار سختی است، چون باید کاری کنیم که سبک را تغییر ندهیم ولی در عین حال، باید تغییراتی جدید در آلبوم ایجاد کنیم که مخاطب، مایل به داشتن آن باشد، اگر آلبوم جدید مثل آلبوم قبلی باشد در بازار موزیک به سرعت مورد انتقاد قرار می‌گیرد، برای مثال گروه «جیسی کینگ» پنج شش آلبوم بیشتر بیرون نداد چون تمام آلبوم‌ها شبیه یکدیگر بودند. بنابراین این یک مشکل بسیار مهم است که بعد از ۱۵ آلبوم، آلبوم بعدی را با چه شکلی به بازار ارائه کنیم. در مورد آلبوم‌های گروه «استرانز و فرح» سعی کردیم این آلبوم‌ها را در همان زمان خودشان به بهترین شکل ارائه دهیم.

● شما صدای گرمی هم دارید؛ شاید پیش از این کسی از شما نپرسیده باشد چرا هیچوقت در کنار گیتار، آواز نیز اجرا نکردید؟

-سؤال بسیار خوبی پرسیدید. راستش را بخواهید دیر متوجه شدم که خواندن، چقدر مهم است. ببینید وقتی یک گیتاریست شروع به خواندن می‌کند باید وقت تمرین خود را نصف کند و نصف زمان خود را برای خواندن بگذارد، تمام هنرجویان من هم به این نکته اشاره می‌کنند که خواندن خیلی مهم است و با خواندن خیلی راحت‌تر با مردم رابطه

برقرار می‌کنیم تا با نواختن گیتار.

● آیا جوانان داخل ایران با شما در تماس هستند؟

-بله، من با مردم ایران در اینستاگرام ارتباط دارم. اغلب آنها از شرایط زندگی در ایران بسیار ناراضی هستند و تقریباً همگی آنها مایل به خروج از کشور هستند.

● آیا برنامه آموزش گیتار هم جزو برنامه‌های کاری شماست؟

-در حال حاضر بیشتر با آمریکایی‌ها ارتباط داریم و مشغول آموزش گیتاریست‌های برخی از خوانندگان معروفی هستم که مایل به یادگیری سبک کاری من و استرانز هستند. از سال ۲۰۱۶ که من به اینستاگرام رفتم با تعداد زیادی از جوانان ایرانی آشنا شدم که برخی از آنها گیتاریست‌های بسیار عالی هستند و یکی دو تا از آنها در اینستاگرام مورد توجه گروه‌های آمریکایی قرار گرفته‌اند.

● وضعیت نوازندگی و آموزش گیتار در ایران را چگونه می‌بینید؟

-ایرانی‌ها خیلی راحت با گیتار ارتباط برقرار می‌کنند، به راحتی درکش می‌کنند و سبک‌ها را بلدند، شاید به خاطر وجود تار و عود است که همگی از ایران می‌آیند، گیتاریست‌های فلامینکو در اسپانیا هم براین باورند که موزیک فلامینکو از ایران آمده؛ پاکو دلوسیا یکی از بهترین و اولین گیتاریست‌های فلامینکو در دنیا در یکی از مصاحبه‌های خود گفته بود که فلامینکو از ایران می‌آید و من می‌بینم که در ایران جوانان، خیلی راحت گیتار را یاد می‌گیرند، سبک را بلدند، ما پریا یزدانی، دختر ۱۵ ساله اهل ارسنجان را داریم که گیتاریست بسیار فوق‌العاده‌ای است، مهارت او در نواختن گیتار باور نکردنی است. آقای محسن مرشد ساکن شیراز معلم گیتار است و محمد شکاری یکی از شاگردان او یکی از گیتاریست‌های درجه یک است که به جرأت می‌توانم بگویم شبیه او در لس‌آنجلس نیست. امیرحسین نفریه در تهران متخصص گیتار الکترونیک و آکوستیک هم کارهایش باورنکردنی است، به حدی که گیتاریست‌های آمریکایی شروع کردند به فالو کردن و رابطه برقرار کردن با آنها در اینستاگرام.

● چه توصیه‌ای به دوستداران و علاقمندان موسیقی و به‌خصوص گیتار دارید؟

-موزیک را جدی بگیرند و تا حد امکان تمرین کنند، موزیک در زندگی بسیار حیاتی است اما از نظر اقتصادی خیلی روی موزیک حساب باز نکنند، به‌خصوص در مورد گیتار آهنگسازی کنید اما تقلید نکنید و از ایرانی بودن خودتان مایه بگذارید، سبکی ایجاد کنید که دستمایه ایرانی هم داشته باشد و البته (با لبخند) خوانندگی را فراموش نکنید.

● نگاه و فلسفه شما به مقوله عشق چیست؟

-موزیک و گیتار برای من خود عشق است، البته عاشق مردم هستم، وقتی می‌بینم جوانان ایرانی با چه اشتیاقی سبک ما را دنبال و از من سؤال می‌کنند، شب و روز با این عشق زندگی می‌کنم.

● اگر روزی به ایران برگردید دوست دارید چه کنید؟

-البته که دوست دارم برگردم، من کشورم را هرگز فراموش نکرده‌ام، دوست دارم چند ماه در سال ایران باشم، با این همه گیتاریست‌هایی که سبک ما را اجرا می‌کنند رابطه داشته باشم و کلاس برگزار کنم، البته از راه دور هم این کلاس‌ها را برگزار می‌کنم، اما دوست دارم در مملکت خودم یک کنسرت اجرا کنم. بالاخره من پادم نرفته، در زمان بچگی من خیلی خیلی ایران را دوست داشتم و خاطره‌های بسیار زیبایی از ایران دارم، گیتار را در ایران شروع کردم، در دهه ۷۰ ما در «جرمن کلاب» تهران، کنسرت راک برگزار می‌کردیم، دوست دارم چند ماه در سال این کنسرت‌ها را در ایران برگزار کنم.

ادامه رکود در بخش صنعت؛ دیگر مزیتی به نام «انرژی ارزان» در صنعت ایران وجود ندارد

در ایران مربوط به بخش صنعت است که در آن توقف تولید، کاهش بهره‌وری، افزایش ضایعات مواد اولیه، کاهش درآمد و کاهش صادرات را به دنبال دارد و خسارات قابل توجهی به کل اقتصاد وارد می‌کند.

بر اساس برآوردهای مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، خسارت روزانه قطع برق به صنعت کشور بیش از ۹ هزار میلیارد تومان است.

غلامحسین هاشمیه، مدیر عامل شهرک صنعتی «سالاریه» نیز اعلام کرده در نیمه نخست امسال ۸۲ درصد واحدهای صنعتی توان خرید دیزل ژنراتور نداشتند و ۶۵ درصد آن‌ها با آسیب دیدگی تجهیزات روبرو شدند.

این فعال اقتصادی تأکید کرده که جیره‌بندی و قطع برق سه روز در هفته برای شهرک‌های صنعتی، ۴۰ درصد مواد اولیه واحدهای تولیدی و صنعتی را از بین برده است.

واحدهای صنعتی نه تنها با جیره‌بندی برق و قطع ۱۰ الی ۱۲ روزه برق در هر ماه روبرو بوده‌اند که در آئسو افزایش تعرفه گاز و برق نشان می‌دهد دیگر «انرژی ارزان» به عنوان یک «مزیت» برای بخش صنعت در ایران به شمار نمی‌رود.

سعید شجاعی معاون وزیر صمت به تازگی اعلام کرده که تعرفه برق برای صنایع طی مدت کوتاهی بیش از ۳۲۰ درصد افزایش یافته و نرخ گاز نیز طی چهار سال اخیر حدود ۲۶۳ درصد افزایش یافته است.

سعید شجانی با اعلام این آمار گفته «این افزایش‌ها تنها بر مبنای مصوبات رسمی نبوده، بلکه بر اساس محاسبات عملی، صنایع در عمل مبالغ بیشتری از آنچه در بخشنامه‌ها پیش‌بینی می‌شود پرداخت کرده‌اند. در مواردی، هزینه واقعی پرداختی تا ۱۰۴ برابر تعرفه‌های اعلامی بوده است.»

به گفته معاون وزیر صمت، هزینه برق صنعت نسبت به خانگی در ایران برخلاف بسیاری از کشورهای منطقه و جهان بالاتر است و این مساله بار مالی را بر دوش بخش صنعت گذاشته است. صنایع کشور در بخش برق نزدیک به ۸۰ درصد آنچه در ایالات متحده پرداخت می‌شود را پرداخت می‌کنند.

افزایش تعرفه برق و گاز در کنار جیره‌بندی انرژی سبب کاهش تولید، افزایش هزینه فرصت و کاهش رشد صنعتی کشور شده است. به گفته سعید شجاعی معاون وزیر صمت پیش‌بینی رشد بخش صنعت و معدن برای سال گذشته ۴/۵ درصد بود، در نهایت تنها ۱/۶ درصد تحقق یافت.

وبسایت «تجارت نیوز» با اشاره به افزایش تعرفه انرژی در کنار جیره‌بندی برق و گاز در بخش صنعت نوشته «محدودیت‌های انرژی برای صنایع و افزایش تعرفه‌ها در حالی که زیرساخت‌های مناسب برای کاهش هزینه و افزایش فناوری وجود ندارد، به نفع صنایع تمام نمی‌شود و آنها نمی‌توانند با حذف سیاست انرژی ارزان به فکر افزایش بهره‌وری باشند. دلیل این امر مشکلات ساختاری مانند نبود فناوری‌های نوین و مشکلات ناشی از تحریم‌ها می‌تواند باشد.»

این گزارش افزوده «آنچه در این میان مسلم است، نبود سیاست‌گذاری مناسب برای توسعه صنعتی در کشور است. در ابتدا صنعت قربانی اقتصاد نفتی شد و زیرساخت مناسب رشد و تولید فراهم نشد و حالا با حذف مزیت‌های رقابتی و نبود زیرساخت‌های مناسب برای افزایش بهره‌وری و کارایی، آینده توسعه صنعتی در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.»



افزایش یافته باشد، مشکل از کمبود تقاضاست. در مقابل، کاهش تولید همراه با کاهش موجودی انبار معمولاً ناشی از محدودیت‌های عرضه مانند قطع انرژی است. بررسی هم‌زمان این دو شاخص می‌تواند مسیر دقیق‌تری برای سیاست‌گذاری در صنعت ترسیم کند.»

همانطور که در گزارش «جهان صنعت» اشاره شده، بخش صنعت مانند دیگر بخش‌های اقتصاد از مشکلات ساختاری و کمبود منابع زیان دیده اما طی دو سال گذشته، و به ویژه از ابتدای سال ۱۴۰۴، جیره‌بندی انرژی نیز به عامل بحران‌زا در صنعت تبدیل شده است.

برای نمونه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی اعلام کرده بیش از نیمی از واحدهای صنعتی تعطیل شده در شهرک‌های صنعتی طی سالهای گذشته به دلیل بحران در تأمین منابع مالی تعطیل شده‌اند.

در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی آمده که بیش از ۵۲ هزار واحد صنعتی در شهرک‌ها و نواحی صنعتی کشور به بهره‌برداری رسیده است که از این تعداد حدود ۴۵ هزار و ۴۹۸ واحد صنعتی فعال و حدود ۶۵۸۹ واحد صنعتی غیرفعال هستند.

این گزارش افزوده در نیمه دوم دهه ۹۰ شمسی به شمار واحدهای صنعتی غیرفعال، بطور قابل توجهی افزوده شده است. چنانکه از ۶۵۸۹ واحد صنعتی غیرفعال، حدود ۳۶۹۶ واحد صنعتی یعنی حدود ۵۶ درصد از واحدهای صنعتی غیرفعال، در فاصله سال‌های ۱۳۹۶ تا کنون تعطیل شده‌اند. این روند با افزایش رکود تورمی در اقتصاد ایران، افزایش پرسرعت نرخ ارز و همچنین تشدید ساختار مافیایی در نظام تخصیص ارز برای واردات کالا و مواد اولیه مرتبط بوده است. با اینهمه از سال گذشته بحران کمبود انرژی نیز به شدت بخش صنعت را متأثر و رکود در این بخش را تشدید کرده است. گزارش‌ها نشان می‌دهد زیان اصلی جیره‌بندی و قطع برق

آمارهای حکومتی مدعی رشد ۱/۹ درصدی تولید صنعتی در امرداد ۱۴۰۴ است. گزارش‌های میدانی از صنایع اما حکایت از رکود عمیق در بخش‌های مختلف صنعت دارند.

امرداد امسال تنها برخی صنایع مانند فلزات اساسی و اتومبیل‌سازی رشد اندکی داشته‌اند اما در آئسو انباشت موجودی انبار و افت در بخش‌هایی چون شیمیایی و ماشین‌آلات زنگ خطر آینده صنعت در کشور را به صدا درآورده‌اند.

بخش صنعت مانند دیگر بخش‌های اقتصاد از مشکلات ساختاری و کمبود منابع زیان دیده اما طی دو سال گذشته، و به ویژه از ابتدای سال ۱۴۰۴، جیره‌بندی انرژی نیز به عامل بحران‌زا در صنعت تبدیل شده است.

معاون وزیر صمت به تازگی اعلام کرده که تعرفه برق برای صنایع طی مدت کوتاهی بیش از ۳۲۰ درصد افزایش یافته و نرخ گاز نیز طی چهار سال اخیر حدود ۲۶۳ درصد افزایش یافته است.

افزایش تعرفه برق و گاز در کنار جیره‌بندی انرژی سبب کاهش تولید، افزایش هزینه فرصت و کاهش رشد صنعتی کشور شده است.

در شرایطی که آمارهای حکومتی مدعی رشد بخش صنعت در امرداد امسال است اما گزارش‌ها از انباشت موجودی انبار و کاهش شدید سفارش و فروش برای صنایع مختلف حکایت دارد. بحران کمبود و جیره‌بندی انرژی در کنار افزایش تعرفه برق و گاز بخش صنعت نیز مزیت انرژی ارزان در صنعت ایران را از بین برده و به رکود و فرار سرمایه در این بخش دامن زده است.

آمارهای حکومتی مدعی رشد ۱/۹ درصدی تولید صنعتی در امرداد ۱۴۰۴ است. گزارش‌های میدانی از صنایع اما حاکی از رکود عمیق در بخش‌های مختلفی از صنعت است. روزنامه «جهان صنعت» گزارش داده در امرداد امسال تنها برخی صنایع مانند فلزات اساسی و اتومبیل‌سازی رشد اندکی داشته‌اند اما در آئسو انباشت موجودی انبار و افت در بخش‌هایی چون شیمیایی و ماشین‌آلات زنگ خطر آینده صنعت در کشور را به صدا درآورده‌اند.

روزنامه «جهان صنعت» تأکید کرده که شاخص سه ماهه منتهی به آخر امرداد امسال همچنان کاهش ۳/۸ درصدی را ثبت کرده و نشان می‌دهد رکود صنعت برطرف نشده و ادامه دارد. این گزارش افزوده حتی در صنایع فلزی که آمارها ادعای رشد ۶/۱ درصدی در این بخش طی امرداد امسال را دارد نیز اگر چه با افزایش تولید روبرو بوده‌اند اما انبارها با انباشت کالا روبروست و نشان می‌دهد حتی افزایش تولید در این بخش طی امرداد، نتوانسته به فروش بیشتر و سودآوری برای این بخش از صنعت منتهی شود.

همچنین در بخش محصولات شیمیایی رشد منفی ۲ درصدی ثبت شده که در زیرگروه‌های این بخش متانول با رشد منفی ۹ درصد روبرو بوده است.

در بخش ماشین‌آلات، فرآورده‌های نفتی و کانی‌های غیرفلزی نیز رشد منفی مانند ماه‌های گذشته ادامه داشته است.

«جهان صنعت» تأکید کرده «انباشت کالا در انبارها یکی از نشانه‌های رکود بازار مصرف است. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد اگر تولید بالا رفته اما موجودی انبار نیز

آیا مسعود پزشکیان اراده و جسارت اصلاح ساختار بودجه را دارد؟



شوند. در هردو مورد هم درست گفته‌اید، یعنی هم این دستگاه‌ها بی‌خاصیت هستند و هم بودجه‌ای که می‌گیرند و مصرف می‌کنند خاصیتی برای کشور ندارند. علاوه بر این، اتصال این دستگاه‌ها به بیت‌المال باعث دور شدن آنها از مردم می‌شود و به استقلالشان ضربه وارد می‌کند. این دستگاه‌ها یا باید با کمک‌های اهدائی مردم اداره شوند و یا خودشان درآمدزائی داشته باشند و از درآمد خودشان تغذیه کنند تا هم فعالیت مفید داشته باشند و هم به هیچ جا و هیچکس وابسته نباشند.»

روزنامه «جمهوری اسلامی» به پزشکیان کنایه زده که «آقای رئیس جمهور در جایگاهی قرار دارید که می‌توانید به این وضعیت نابسامان و غیرمنطقی پایان بدهید. این اقدام، عمل به وعده‌ای است که در تبلیغات انتخاباتی دادید و مهم‌تر اینکه اصولاً جلوگیری از به هدر رفتن بودجه کشور از اصلی‌ترین وظایف شماست.»

در مطلب روزنامه «جمهوری اسلامی» همچنین آمده «دستگاه‌هایی که شما به آنها اشاره داشتید جمعاً بیش از ۶۴ همت (شصت و چهار هزار میلیارد تومان) بودجه را می‌بلعند در حالی که هیچ سودی برای کشور ندارند بطوری که حتی در مواردی نبودن آنها به نفع کشور است. برای نمونه، یکی از این دستگاه‌ها امسال بیش از ۳۰ هزار میلیارد تومان بودجه از دولت می‌گیرد در حالی که به بیشترین انتقادات و اعتراضات مواجه است. دستگاه دیگری امسال نزدیک ۷ هزار میلیارد تومان از دولت گرفته ولی وقتی عملکرد آن بررسی می‌شود کاملاً مشخص است که چنین دستگاهی اگر نباشد بهتر است. بسیاری از این دستگاه‌ها با اضافه کردن کارمندان پشت‌میزنشین ولی بی‌کار، هر روز متورم‌تر می‌شوند و با توسل به انواع و اقسام توجیهات برای افزایش بودجه خود تلاش بی‌وقفه هم می‌کنند!»

میلیارد تومانی تا پایان سال خبر داده و کارشناسان رقم واقعی کسری بودجه را بیش از این مبلغ اعلام می‌کنند، مسعود پزشکیان در اجرای وعده اصلاح بودجه نیز ناموفق بوده است. کسری بودجه دولت به علت راهکارهایی که برای جبران کسری بودجه انجام می‌شود از عوامل مهم افزایش تورم در اقتصاد ایران است.

مسعود پزشکیان روز گذشته در نشست شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان اردبیل دولت متورم و ناکارآمد را عامل اصلی تورم افسارگسیخته کشور دانست و گفت: «دولت زیادی بزرگ شده، پول و درآمد هم ندارد و وقتی کسری بودجه ایجاد می‌کنیم، پول چاپ می‌کنیم که تورم افزایش می‌یابد.»

وی در حالی گفته «ما خودمان مقصر اصلی ایجاد تورم هستیم» که دولت را عامل افزایش تورم به علت اتخاذ راهکارهایی برای جبران کسری بودجه معرفی کرده که در آنسو به نظر می‌رسد اصلاح ساختار بودجه و قطع پولپاشی‌های ایدئولوژیک و رانتی به نهادهای حکومتی نه تنها در سال نخست دولت او نه تنها اجرا نشده بلکه پولپاشی‌ها افزایش یافته است.

در همین رابطه روزنامه «جمهوری اسلامی» در شماره امروز دوشنبه ۲۴ شهریورماه ۱۴۰۴ نوشته «رئیس جمهوری که با صراحت می‌گوید دستگاه‌هایی وجود دارند که از دولت بودجه می‌گیرند ولی هیچ خاصیتی ندارند، حتماً می‌تواند این دستگاه‌های بی‌خاصیت را از بودجه دولتی محروم کند.»

در این مطلب آمده «اعتراض به ارتزاق دستگاه‌های بی‌خاصیت از پستان دولت را شما آقای پزشکیان هم در تبلیغات انتخاباتی‌تان به زبان آوردید و هم در دوران ریاست جمهوری و تازه‌ترین مورد اینست که گفته‌اید: بودجه دستگاه‌هایی که مشکلی را از کشور حل نکنند باید حذف

● مسعود پزشکیان دولت متورم و ناکارآمد را عامل اصلی تورم افسارگسیخته کشور دانسته و گفته «دولت زیادی بزرگ شده، پول و درآمد هم ندارد و وقتی کسری بودجه ایجاد می‌کنیم، پول چاپ می‌کنیم که تورم افزایش می‌یابد.»

● روزنامه «جمهوری اسلامی» به پزشکیان کنایه زده که «آقای رئیس جمهور در جایگاهی قرار دارید که می‌توانید به این وضعیت نابسامان و غیرمنطقی پایان بدهید. این اقدام، عمل به وعده‌ای است که در تبلیغات انتخاباتی دادید و مهم‌تر اینکه اصولاً جلوگیری از به هدر رفتن بودجه کشور از اصلی‌ترین وظایف شماست.»

● پولپاشی‌ها به نهادهای دولتی بی‌خاصیت و همچنین نهادهای تبلیغاتی و ایدئولوژیک در سال ۱۴۰۴ و در نخستین بودجه تدوین شده در دولت مسعود پزشکیان نه تنها ادامه داشته بلکه روند افزایشی سال‌های پیشین را نیز ادامه داده است.

● مسعود پزشکیان که از سه دهه پیش تا کنون در ساختار دولت و مجلس شورای اسلامی صاحب مقام بوده با علم به فاسد و مافیایی بودن ساختار جمهوری اسلامی نامزد انتخابات شد و وعده‌هایی چون اصلاح ساختار بودجه را داد!

● در کنار نهادهای ایدئولوژیک و تبلیغاتی که سالانه بخش عمده‌ای از بودجه کشور را می‌بلعند، مرتضی افقه اقتصاددان گفته «با انبوهی از مراکز پژوهشی به ظاهر علمی مواجهیم که هیچ بازدهی ملموسی نداشته‌اند. تعداد زیادی دانشگاه تحت فشار نمایندگان مجلس و افراد صاحب‌نفوذ در مناطق مختلف تأسیس شده که کمکی به تولید ملی نمی‌کنند.»

در حالی که وزیر اقتصاد از کسری بودجه ۸۰۰ هزار

آغاز کمپین «ایران آزاد ما» در سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی

● همزمان با سومین سالگرد کشته شدن مهسا امینی و آغاز خیزش ملی، به ابتکار هانا نویمان نماینده پارلمان اروپا، از تاریخ ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۵ (۲۵ شهریورماه)، کمپینی با عنوان «ایران آزاد ما» راه اندازی شد.

● کمپین «ایران آزاد ما» یک پلتفرم دیجیتال است که هدف آن گردآوری و نمایش آثار مقاومت جنبش اعتراضی مردم ایران و رساندن صدای معترضان به خارج از مرزهای کشور است. قرار است در این پلتفرم امیدها و رؤیاهای آزادی در قالب شعر، نقاشی، موسیقی و دیگر ابتکارهای هنری منتشر شود؛ آثاری که مستقیماً از داخل ایران گردآوری خواهند شد.

● هانا نویمان در ویدیوی معرفی این کمپین نوشت: «امروز سه سال از قتل ژینا (مهسا) امینی و آغاز جنبش زن، زندگی، آزادی می‌گذرد. این جنبش قدرت رؤیا، امید و مقاومت را به نمایش گذاشته است. با این حال، رژیم ایران همچنان پابرجاست و بیش از هر زمان دیگری ضروری است که روح این جنبش زنده نگه داشته شود».

همزمان با سومین سالگرد کشته شدن مهسا امینی و آغاز



هانا نویمان

خیزش ملی، به ابتکار هانا نویمان نماینده پارلمان اروپا، از تاریخ ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۵ (۲۵ شهریورماه)، کمپینی با عنوان «ایران آزاد ما» راه اندازی شد. کمپین «ایران آزاد ما» یک پلتفرم دیجیتال است که هدف آن گردآوری و نمایش آثار مقاومت جنبش اعتراضی مردم ایران و رساندن صدای معترضان به خارج از مرزهای کشور است. قرار است در این پلتفرم امیدها و رؤیاهای آزادی در قالب شعر، نقاشی، موسیقی و دیگر ابتکارهای هنری منتشر شود؛ آثاری که مستقیماً از داخل ایران گردآوری خواهند شد. هانا نویمان در ویدیوی معرفی این کمپین نوشت: «امروز سه سال از قتل ژینا (مهسا) امینی و آغاز جنبش زن، زندگی، آزادی می‌گذرد. این جنبش قدرت رؤیا، امید و مقاومت را به نمایش گذاشته است. با این حال، رژیم ایران همچنان پابرجاست و بیش از هر زمان دیگری ضروری است که روح این جنبش زنده نگه داشته شود».

به همین دلیل ما پلتفرم دیجیتالی را راه اندازی کرده‌ایم که امیدها و رؤیاهای همه‌ی ما را برای «ایران آزاد ما» گرد هم می‌آورد؛ برای تقویت صدای کسانی که برای یک ایران آزاد مبارزه می‌کنند، چه در داخل و چه در خارج از کشور. برای اتحاد در قالب هنر، شعر، موسیقی، رقص و کلمه و برای پاسداشت همه‌ی صداها، انقلابی که در سال‌ها و دهه‌های گذشته همراه ما بوده‌اند. ما بسیاریم و هرگز دست نخواهیم کشید... نویمان از مخاطبان خواست برای اطلاعات بیشتر به وبسایت این کمپین مراجعه کنند.

اکنون در حالی با توجه به کاهش شدید درآمدها به علت بحران‌های بین‌المللی جمهوری اسلامی کارشناسان بر لزوم تغییر ساختار بودجه به عنوان راه‌حلی ضروری و بدون جایگزین برای بهبود نظام بودجه‌ریزی کشور تأکید می‌کنند.

حمید پورمحمدی رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور نیز با تأکید بر اینکه دولت به دنبال حذف یا کاهش ردیف‌های بودجه با اولویت کمتر است، گفته «دولت مدیون هیچ ردیفی نیست که آن را تا ابد ادامه دهد، بلکه با دقت بررسی می‌کند که هر سازمانی چه وظایفی دارد و چگونه می‌تواند مشکلات مردم را حل کند».

برخی کارشناسان معتقدند در ساختار مافیایی جمهوری اسلامی، گروه‌های ذی‌نفوذ مانع حذف ردیف‌های زائد بودجه می‌شوند.

این در حالیست که مسعود پزشکیان که از سه دهه پیش تا کنون در ساختار دولت و مجلس شورای اسلامی صاحب مقام بوده با علم به فاسد و مافیایی بودن ساختار جمهوری اسلامی نامزد انتخابات شد و وعده‌هایی چون اصلاح ساختار بودجه را داد!

مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی‌شاپور گفته «سال‌هاست که بر این موضوع تأکید دارم که مشکلات اصلی بودجه، بیش از آنکه ناشی از کاهش درآمد باشد، به ردیف‌های هزینه‌ای زائد بازمی‌گردد. از نظر من، هر ردیف هزینه‌ای که به تولید ملی، رفاه عمومی یا ارتقای کمی و کیفی خدمات دولتی کمکی نکند، ردیفی زائد محسوب می‌شود. در بودجه کشور، انبوهی از این ردیف‌ها وجود دارد که سال‌ها بدون کارکرد موثر تداوم یافته‌اند».

این اقتصاددان گفته معیار اصلی برای حذف ردیف‌های بودجه «سودمندی مستقیم برای تولید ملی، رفاه عمومی و کیفیت خدمات دولت» است.

او معتقد است «در حال حاضر تمرکز بیشتر بر ردیف‌های مرتبط با موضوعات فرهنگی و مذهبی است که البته این موضوع درست است؛ همچنین ما با انبوهی از مراکز پژوهشی به ظاهر علمی مواجهیم که هیچ بازدهی ملموسی نداشته‌اند».

به گفته مرتضی افقه «تعداد زیادی دانشگاه تحت فشار نمایندگان مجلس و افراد صاحب‌نفوذ در مناطق مختلف تأسیس شده که کمکی به تولید ملی نمی‌کنند. اگر اصلاحی قرار است صورت گیرد، باید به‌صورت گسترده و اصولی باشد؛ هر چند به دلیل هزینه‌های اجتماعی و بازتاب‌های سیاسی، اجرای آن نیازمند زمان است».

یکی از نهادهای مورد تأکید مرتضی افقه که باید با کاهش بودجه روبرو شود صدا و سیما است. او گفته «صداوسیما، چه در تهران و چه در شهرستان‌ها، آنقدر عریض و طویل شده که توجیه اقتصادی ندارد. صداوسیما ساختمان‌ها و نیروی انسانی مازاد با بهره‌وری پایین نیز دارد که فقط استخدام شده‌اند تا عده‌ای از خودی‌ها بیکار نباشند».

اینهمه در حالیست که عملکرد مسعود پزشکیان در پیش از یک سالی که ریاست دولت جمهوری اسلامی را بر عهده دارد نشان می‌دهد او از اراده و جسارت کافی برای ایجاد اصلاح و تغییرات و عمل کردن به وعده‌های انتخاباتی خود برخوردار نیست. به نظر می‌رسد همانطور که وعده رفع فیلترینگ از سوی او اجرا نشد و محدودیت‌های فیلترینگ در دولت او تشدید شد، دیگر وعده‌ها از جمله اصلاح ساختار بودجه نیز به وعده‌ای بی‌عمل در کارنامه دولت چهاردهم تبدیل خواهد شد.

وبسایت «نور نیوز» نیز در مطلبی با اشاره به سخنان مسعود پزشکیان در اردیبهشت گفته «اصلاح نظام اداری بدون توجه به بخش خصوصی واقعی، ناقص خواهد بود. اگر دولت از یک سو سازمان‌های زائد را حذف کند، اما از سوی دیگر اقتصاد را همچنان در انحصار شرکت‌های شبه‌دولتی و خصولتی نگاه دارد، فضای رقابتی شکل نمی‌گیرد و بهره‌وری افزایش نخواهد یافت. بخش خصوصی واقعی، همان بخشی است که بر پایه سرمایه‌گذاری مولد و رقابت آزاد فعالیت می‌کند؛ نه آنکه از رانت‌های دولتی و انحصارهای قدرت ارتزاق کند».

در ادامه آمده هشدار داده شده که «بزرگ‌ترین خطر پیش روی دولت چهاردهم، گرفتار شدن در دام اصلاحات نیمه‌کاره است. اگر قرار باشد تنها با ادغام ادارات و محدود کردن ساعت کاری، بوروکراسی اصلاح شود، نتیجه‌ای جز نارضایتی اجتماعی و افزایش بیکاری پنهان به دست نخواهد آمد. کوچک‌سازی واقعی باید با ایجاد اشتغال مولد در بخش خصوصی همراه باشد. حذف بودجه نهادهای غیرمولد باید با تقویت نهادهای مردمی و مدنی جبران شود. و واگذاری اختیارات باید با ایجاد نظام نظارتی شفاف همراه باشد تا فساد در مقیاس محلی بازتولید نشود».

روزنامه «هم‌میهن» هفته گذشته در گزارشی نشان داده بودجه تعدادی از نهادهای تبلیغاتی و ایدئولوژیک حکومت طی ۶ سال از ۳۵۹ تا ۹۶۱۶ درصد افزایش داشته است. در این گزارش آمده، بودجه دانشگاه تهران نزدیک ۶۵۰۰ میلیارد تومان و بودجه سازمان محیط زیست حدود ۸۰۰۰ میلیارد تومان است. یعنی مجموع بودجه این دو نهاد حدود ۱۴ هزار میلیارد تومان است، در حالی که بودجه ۸۴ هزار میلیارد تومانی برای تعدادی از نهادهای مذهبی صرف می‌شود.

در سال ۱۴۰۴ سازمان تبلیغات اسلامی نزدیک به ۶۲۵۸ میلیارد تومان، ستاد امر به معروف و نهی از منکر ۲۵۹ میلیارد تومان، نهادی به اسم قرب بقیه‌الله ۱۹۵۴ میلیارد تومان، آستان خمینی ۳۱۰ میلیارد تومان، دبیرخانه شورای عالی انقلاب ۱۰۴۳ میلیارد تومان، ستاد اقامه نماز ۱۳۸ میلیارد تومان بودجه دریافت کردند.

بودجه مجمع جهانی اهل بیت ۲۹۱ میلیارد تومان، مجمع تقریب مذاهب ۱۴۱ میلیارد تومان، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ۹۱۴ میلیارد تومان، شورای عالی حوزه‌های علمیه ۸۸۶۱ میلیارد تومان، مرکز خدمات حوزه‌های علمیه ۱۴۰۹۷ میلیارد تومان، موسسه امام خمینی (مربوط به آیت‌الله مصباح) نزدیک ۵۰۰ میلیارد تومان؛ جامعه‌المصطفی ۱۷۵۵ میلیارد تومان بوده است.

همچنین پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی ۱۳۵ میلیارد تومان، شورای سیاستگذاری ائمه جمعه ۲۷۱ میلیارد تومان و مرکز رسیدگی به امور مساجد ۱۵۱ میلیارد تومان بودجه می‌گیرند که جمع کل آن‌ها تقریباً ۸۴ هزار و ۱۵۰ میلیارد تومان می‌شود. این تنها بخشی از بودجه تبلیغاتی است که در اینجا آورده شده است.

این ارقام هنگفت تنها بخشی از بودجه‌پاشی دولت به نهادهای حکومتی است. بر اساس گزارش «هم‌میهن» طی شش سال گذشته بودجه صداوسیما ۱۴۴۷ درصد افزایش پیدا کرده است.

این ارقام تأیید می‌کند که پولپاشی‌ها به نهادهای دولتی بی‌خاصیت و همچنین نهادهای تبلیغاتی و ایدئولوژیک در سال ۱۴۰۴ و در نخستین بودجه تدوین شده در دولت مسعود پزشکیان نه تنها ادامه داشته بلکه روند افزایشی سالهای پیشین را نیز ادامه داده است.

تشکیل پرونده جدید برای عباس واحیدیان شاهرودی

عباس واحیدیان شاهرودی فعال سیاسی محبوس در زندان وکیل آباد مشهد و از امضاکنندگان «بیانیه ۱۴ نفر» روز دوشنبه ۲۴ شهریور ۱۴۰۴ بطور ناگهانی و بدون اطلاع قبلی، ساعت ۶ صبح از بند ۶/۱ زندان به دادگاه انقلاب برده شد. این جلسه بازپرسی و تفهیم اتهام در حالی برگزار شد که نه او و نه وکیلش هیچگونه ابلاغ رسمی برای حضور در دادگاه دریافت نکرده بودند. در جریان این بازپرسی، قاضی پرونده با طرح پرسشی درباره نامه‌ی اخیر واحیدیان شاهرودی از او خواست تا نوشتن این نامه را تأیید کند. او نیز با شجاعت اعلام کرد نویسنده نامه است. قاضی سپس وثیقه‌ای سنگین به مبلغ یک میلیارد تومان برای درج در پرونده تعیین کرد؛ اقدامی که با واکنش تند واحیدیان شاهرودی روبرو شد. او خطاب به قاضی گفت: «من که زندانی هستم و با دستبند و پابند به دادگاه آورده شده‌ام، وثیقه برای چه؟ به زودی جای ما عوض خواهد شد و شما باید پاسخگو باشید.»

در نهایت، قاضی پس از مشاجره، از وثیقه صرف نظر کرد. وضعیت پرونده و شرایط زندان

عباس واحیدیان شاهرودی در حال گذراندن حکم سنگین ۲۱ سال زندان است و چهارمین سال حبس خود را در یکی از مخوف‌ترین بندهای سیاسی زندان وکیل آباد می‌گذراند. او



واحیدیان شاهرودی

در تمام این مدت حتی یک روز مرخصی نداشته و با وجود تأیید پزشکی قانونی مبنی بر عدم توانایی تحمل حبس، مقامات قضایی از اعطای مرخصی درمانی به او خودداری کرده‌اند. واحیدیان شاهرودی با بیماری‌های متعددی دست و پنجه نرم می‌کند که بخشی از آنها به دلیل شرایط سخت و غیرانسانی زندان ایجاد شده است.

مضمون نامه‌ی اخیر

نامه‌ی عباس واحیدیان شاهرودی که به باز شدن این پرونده جدید منجر شده، با محور «اتحاد و همبستگی ملی برای نجات ایران» از زندان وکیل آباد منتشر شده است. او در این متن با نقد اصلاح‌طلبان حکومتی، نسبت به تلاش آنها برای فریب افکار عمومی هشدار می‌دهد و صریحاً خطاب به میرحسین موسوی و جریان اصلاح‌طلب می‌نویسد که «بیانیه‌های فرمایشی شما بی‌فایده است.»

واحیدیان شاهرودی تأکید می‌کند که راه برون‌رفت از بحران کنونی، تنها از مسیر همگرایی همه جریان‌های سیاسی، فارغ از اختلافات ایدئولوژیک، می‌گذرد. او از اپوزیسیون می‌خواهد که دعوای حزبی و جناحی را کنار گذاشته و بر محور «نه به جمهوری اسلامی» و ایجاد آلت‌ناتیو ملی متحد شوند. او همچنین خطاب به مردم و فعالان سیاسی می‌نویسد: «بیایید همه با هم، برای نجات وطن، همکاری ملی را شکل دهیم و اجازه ندهیم خون جانباختگان راه آزادی و رنج زندانیان سیاسی بی‌ثمر باشد»

درگذشت بیژن بهزادی، پیشگام رونق خوراک ایرانی در قلب لندن



بیژن بهزادی

● بیژن بهزادی رستوراندار سرشناس ایرانی در لندن که باور داشت باید به خوراک ایرانی نیز همچون خوراک فرانسوی و ایتالیایی با جدیت نگریسته شود، در همین شهر چشم از جهان فرو بست.

● بهزادی در گفتگویی در سال ۲۰۱۳ به خبرگزاری رویترز گفته بود: «لندن در بیست سال اخیر به کلی دگرگون شده. امروز این شهر بهترین جای جهان برای غذاست. اما اغلب رستوران‌های ایرانی تغییری نکرده‌اند. ما عادت داریم بسیار بخوریم و کم بپزداییم.»

● او می‌گفت: «اگر اهل میلان باشید، خوراک توسکانی یا کالابریایی را می‌شناسید. اما اگر اهل تهران باشید، شاید از خوراک‌های دیگر نقاط ایران آگاهی اندکی داشته باشید.»

بیژن بهزادی رستوراندار سرشناس ایرانی در لندن که باور داشت باید به خوراک ایرانی نیز همچون خوراک فرانسوی و ایتالیایی با جدیت نگریسته شود، در همین شهر چشم از جهان فرو بست.

او پیشگامی بود که با پشتکار و مهمان‌نوازی ظریفانه، نگاه پایتخت بریتانیا به فرهنگ آشپزی ایران را دگرگون کرد. یادگار او، رستوران «کنه» در «میدا ویل» در سال ۲۰۱۱ به همراه مادرش، نرگس پورخامی، بنیان گذاشته شد. این رستوران کوچک و آرام، پنهان در کوچه‌ای خلوت از «واریک پلیس» به سرعت به یکی از پدیده‌های آشپزی لندن بدل شد. «کنه» نخستین رستوران ایرانی بود که جایزه Bib Gourmand راهنمای میشلن را به دست آورد و سپس در فهرست ده رستوران برتر لندن به انتخاب OpenTable جای گرفت. «کنه» با تنها چهل صندلی، فضایی دلنشین و صمیمی با ترکیبی از وقار و مهمان‌نوازی بود و برای منتقدان و مشتریان، تجربه‌ای آشکار و بی‌مانند به شمار می‌رفت.

منوی «کنه» از یکسو برخورد از احترام به سنت‌های خانوادگی بود و از سوی دیگر افق‌هایی تازه در برابر خوراک ایرانی گشود. به گفته بهزادی، نرگس پورخامی، مادر و همکار همیشگی‌اش، نیروی خلاق آشپزخانه بود و هر جزی از کار، از دکوراسیون ساده و مینیمال تا فهرست دقیق شرب‌ها، نشان از تلاشی داشت که بر آن بود شأن خوراک ایرانی را در تراز جهانی بنشانند.

بهزادی در گفتگویی در سال ۲۰۱۳ به خبرگزاری رویترز گفته بود: «لندن در بیست سال اخیر به کلی دگرگون شده. امروز این شهر بهترین جای جهان برای غذاست. اما اغلب رستوران‌های ایرانی تغییری نکرده‌اند. ما عادت داریم بسیار بخوریم و کم بپزداییم.»

رستوران «کنه» پاسخ زیبا و ظریف او به این ذهنیت بود؛ دلیلی زنده که آشپزی ایرانی می‌تواند همپای سنت‌های سطح بالای اروپا بدرخشد.

بیژن بهزادی زاده ایران بود و در دهه ۱۹۸۰ میلادی به لندن مهاجرت کرد. او در همان سال‌ها به دنیای رستوران‌داری پیوست و نخست مدیریت رستوران‌های ایتالیایی را بر عهده گرفت. سپس به واسطه سرآشپز نامدار، مارکو پیر وایت، با سرآشپز ستاره‌دار میشلن، جورجیو لوکاتلی، آشنا شد. ثمره این آشنایی تأسیس رستوران Red Pepper (فلفل قرمز) در سال ۱۹۹۴ بود که از نخستین رستوران‌های لندن با تنوع چوب‌سوز به شمار می‌رفت. اما آوازه حقیقی او، دو دهه بعد،

با گشایش «کنه» شنیده شد.

بخشی از رسالت بهزادی بُعدی آموزشی داشت. او باور داشت همانگونه که فرانسه و ایتالیا خوراک‌های نواحی گوناگون خود را می‌شناسند و می‌ستایند، ایران نیز با جغرافیای پهناورش، از کوهستان‌های پوشیده از برف در غرب نزدیک ترکیه تا کویرهای شرق در مرز پاکستان، شایسته بازشناسی آشپزی متنوع خویش است.

او می‌گفت: «اگر اهل میلان باشید، خوراک توسکانی یا کالابریایی را می‌شناسید. اما اگر اهل تهران باشید، شاید از خوراک‌های دیگر نقاط ایران آگاهی اندکی داشته باشید.»

برای پر کردن این خلأ، او به منابعی کمتر شناخته‌شده روی آورد. یکی از الهام‌بخش‌ترین آنها کتابی بود از اوایل سده بیست که به دست دیپلمات‌های اروپایی و همسرانشان نوشته شده بود. اثری به زبان انگلیسی که دستورهای فراموش شده را بازگو می‌کرد. مانند سالاد دزفولی از جنوب‌غرب ایران با خیار و پیاز و چاشنی انار بجای گوجه. این کشف‌ها برای بهزادی راهی بود برای بازخوانی تاریخ خوراک ایرانی و شناساندن آن به نسل و مخاطبان تازه.

منتقدان، او را به سبب توانایی در آراست خوراک ایرانی در قالبی مدرن، بی‌انکه اصالت خود را از دست بدهد، تحسین می‌کردند. مهمانان، صمیمیت و گرمای خوشامدگویی او و همراهانش را می‌ستودند و جامعه ایرانی لندن، در «کنه» نماینده‌ای ارجمند یافت: سفیری فرهنگی که با ظرافت و افتخار، چهره‌ای آراسته از ایران عرضه می‌کرد.

میراث بیژن بهزادی فراتر از خوراک‌هایی است که دوباره زنده ساخت یا جوایزی که به دست آورد. او باور داشت که خوراک میهن‌اش شایسته توجه، دقت و احترام است. گواه این باور، میزبانی صادقانه و با شکوه شب‌های متوالی در تالار کوچک «میدا ویل» بود که اثری فراموش‌نشده بر دل مهمانانش می‌گذاشت.

جامعه ایرانی در لندن و فراتر از آن، نه تنها رستوران‌داری آینده‌نگر، بلکه ستاره‌ای درخشان و دوستی راستین را از دست داد. یاد و نامش جاویدان و روانش در آرامش باد.



آمار تکانهنده درباره هدر رفتن انرژی در ایران؛ معادل روزانه دو میلیون بشکه نفت خام و ۸۰ میلیارد دلار در سال!

زمستان گفته «ناترازی سنگین برق به زودی تمام نمی‌شود.» او با اشاره به اینکه «امسال شرایط سوخت نسبت به سال گذشته بهتر است، اما این به معنای غفلت از مأموریت‌های مستمر مدیریت مصرف نیست» گفته «ترازی برق در کشور مسئله‌ای جدی است که به سادگی برطرف نخواهد شد.» مدیرعامل شرکت توانیر همچنین گفته برای نخستین بار طرحی با عنوان «بهترین زمستان» اجرا خواهد شد تا مصرف بهینه برق در ماه‌های سرد نیز تداوم یابد.

مصطفی رجبی مشهدی از ادامه جیره‌بندی برق در زمستان خبر داده و گفته «در زمستان نیز باید با توجه به الگوهای گرمایشی و ظرفیت‌های موجود ادامه پیدا کند.» کمبود برق به کمبود گاز گره خورده است؛ مهمترین بخش تولید برق در کشور نیروگاه‌های حرارتی هستند که به علت فرسودگی و کمبود سوخت با ظرفیت محدودی فعال هستند و در نتیجه تولید برق را با چالش روبرو کرده‌اند. از سوی دیگر کاهش بارندگی و خالی ماندن مخزن سدها سبب شده تولید برق در نیروگاه‌های آبی هم متوقف شود.

همچنین جمهوری اسلامی سالهاست سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر بادی و خورشیدی را رها کرده و این موضوع نیز در کمبود برق موثر بوده است.

در همین رابطه منصوره رام مدیر سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار شرکت گاز گفته «ایران با ۳۲ تریلیون ذخیره گازی، دارای دومین ذخایر گازی دنیا و در جایگاه سومین تولیدکننده و چهارمین مصرف‌کننده طبیعی دنیا قرار دارد.» منصوره رام گفته «برای استفاده از بخش خصوصی در تأمین مالی سرمایه‌گذاری در صنعت گاز باید بتوانیم تقاضای این بخش را پوشش دهیم. اولین نگرانی سرمایه‌گذاران بازگشت اصل و سود سرمایه است. بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری تضمین می‌خواهد باید طرح‌های با بازده قابل‌توجه به بخش خصوصی معرفی شود. همچنین، برای رفع ناترازی انرژی باید بروکراسی‌های اداری حذف شود. در حال حاضر بخش خصوصی فقط خریدار گاز مشعل است که میزان اندکی است. بخش خصوصی باید بتواند در بخش تولید سرمایه‌گذاری کند و در افزایش ظرفیت گاز کشور سهیم باشد.»

بر اساس توضیحات مدیر سرمایه‌گذاری و کسب و کار شرکت گاز «طرح‌های قابل سرمایه‌گذاری در صنعت گاز بیش از صد طرح‌های بزرگ بالای صد میلیون دلاری است که باید توسط شرکت‌های بزرگ انجام شود. همچنین، با روش تأمین مالی جمعی می‌توان هزینه سرمایه‌گذاری را تا حد زیادی کاهش داد.»

وجود دارد که ۳۳ درصد آنها در استان‌های شمالی مانند مازندران، گیلان و گلستان واقع شده‌اند؛ این استان‌ها در انتهای خطوط انتقال گاز قرار دارند. میزان مصرف گاز این مرغداری‌ها سالانه ۲/۴ میلیارد مترمکعب است. دمای آسایش برای پرورش مرغ ۴۲ درجه است، اما به دلیل افزایش سطح آمونیاک در سالن‌ها، ناچار به باز کردن درها هستند. این موضوع منجر به هدررفت گاز و افزایش مصرف «دان مرغ» می‌شود. استفاده از سنسورهای اکسیژن و دماهای تعویض هوا می‌تواند در کاهش مصرف گاز و دان مرغ تأثیر چشمگیری داشته باشد.»

او همچنین گفته «قیمت هر مترمکعب گاز در بورس انرژی ۱۷ هزار و ۵۰۰ تومان است، درحالی‌که گاز مصرفی خانگی ۲۰۰ تومان، صنایع حدود ۸ تا ۹ هزار تومان و گاز تحویلی به پتروشیمی‌ها تنها ۵۰۰ تومان قیمت‌گذاری می‌شود. این اختلاف قیمت نشان‌دهنده یارانه پنهان عظیمی است که باید مدیریت شود.»

او همچنین به هدر رفت گاز به شکل «گاز مجازی» یا «گاز پنهان» اشاره کرده که سالهاست از سوی سیاستگذاران و برنامه‌ریزان جمهوری اسلامی با بی‌اعتنایی روبرو شده است: «همه می‌دانیم که صادرات هر هندوانه به معنای خروج مقادیر زیادی آب مجازی از کشور است. امروز نیز در تولید محصولات گلخانه‌ای نظیر فلفل، مقادیر زیادی گاز مصرف می‌شود. به نوعی گاز مجازی از کشور خارج می‌شود. کشت گلخانه‌ای به دلیل کاهش مصرف آب در سیاست‌های کشاورزی کشور مورد توجه قرار گرفت، اما این توسعه بدون لحاظ مقدار گاز مورد نیاز انجام شد. در حالیکه می‌شود با استفاده از ادوات ساده‌ای این مصرف را کاهش داد. اما توجهی به آن نمی‌شود.»

این آمارهای تکانهنده درباره هدر رفت انرژی در ایران در حالیست که از چند سال پیش بحران کمبود و تأمین انرژی گاز شده و امسال به اوج رسیده است. از دست‌کم سه سال پیش بخش‌های مختلف صنعت و تولید با جیره‌بندی گاز در پاییز و زمستان روبرو هستند؛ در آنسو کمبود برق نیز سبب جیره‌بندی برق در شش ماه نخست سال شده است. امسال در حالی واحدهای صنعتی و تولیدی حداقل ۱۰ روز در هر ماه با قطع برق روبرو بوده‌اند که پیش‌بینی شده کمبود برق در پاییز و زمستان هم ادامه خواهد داشت. مصطفی رجبی مشهدی مدیرعامل شرکت توانیر روز گذشته با اشاره به تداوم بحران کمبود برق در فصل پاییز و

● جمهوری اسلامی نه تنها نتوانسته استخراج منابع گازی را توسعه دهد بلکه به علت سوء مدیریت روزانه روزانه معادل دو میلیون بشکه نفت خام انرژی به هدر می‌رود!

● علی‌اصغر رجبی مدیر انرژی و کربن شرکت ملی گاز با اعلام آماری تکانهنده گفته در کشور سالانه معادل ۸۰ میلیارد دلار انواع حامل‌های انرژی هدر داده می‌شود.

● به گفته علی‌اصغر رجبی تولید و مصرف انرژی در کشور روزانه معادل ۹ میلیون بشکه نفت خام در قالب انواع حامل‌های انرژی مانند برق، گاز، گازوئیل و بنزین است که معادل دو میلیون بشکه آن هدر می‌رود.

در حالی که ایران پس از روسیه دومین کشور دارنده منابع گاز طبیعی جهان است اما سال‌هاست کمبود گاز در بخش صنعتی و خانگی بحران آفریده است. جمهوری اسلامی نه تنها نتوانسته استخراج منابع گازی را توسعه دهد بلکه به علت سوء مدیریت روزانه معادل دو میلیون بشکه نفت خام انرژی در ایران به هدر می‌رود!

علی‌اصغر رجبی مدیر انرژی و کربن شرکت ملی گاز در «همایش بین‌المللی فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تأمین مالی در صنعت، نفت، گاز و پتروشیمی» با اعلام آماری تکانهنده گفته در کشور سالانه معادل ۸۰ میلیارد دلار انواع حامل‌های انرژی هدر می‌رود.

وی گفت: «تولید و مصرف انرژی در کشور روزانه معادل ۹ میلیون بشکه نفت خام در قالب انواع حامل‌های انرژی مانند برق، گاز، گازوئیل و بنزین است. از این میزان، معادل پنج میلیون بشکه مصرف داخلی دارد، دو میلیون بشکه صادر می‌شود و معادل دو میلیون بشکه نیز هدر می‌رود.» به گفته او، اگر این میزان هدررفت انرژی را در عدد ۳۶۵ روز و قیمت میانگین نفت ضرب کنیم، سالانه معادل ۸۰ میلیارد دلار انرژی از بین می‌رود. علی‌اصغر رجبی گفته «بر اساس ماده ۴۶ جدول ۱۰ قانون برنامه هفتم توسعه، دولت مکلف است تا پایان اجرای این برنامه، میزان یک میلیون و ۲۸۵ هزار بشکه معادل نفت خام را به چرخه مصرف بازگرداند.»

بااینهمه او می‌گوید «اگر میزان هدررفت انرژی را به گاز طبیعی تبدیل کنیم، معادل روزانه ۲۰۰ میلیون مترمکعب گاز خواهد بود. این رقم معادل تولید ۸ فاز از میدان گازی پارس جنوبی است که باید تا پایان برنامه هفتم به چرخه مصرف بازگردد.» مدیر انرژی و کربن شرکت ملی گاز توضیح داده که «در کشور حدود ۵۸ هزار سالن مرغداری با ۲۱ هزار مشترک گاز



پیامدهای شکاف میان هزینه و درآمد: از گسترش فقر و تغییر الگوی مصرف تا مهاجرت نیروی کار

به ویژه در اقلام خوراکی نسبت به درآمد خانوار، وضعیت معیشتی خانوارهای ایرانی بحرانی است و این شکاف نیازمند بازنگری فوری در سیاست‌های اقتصادی، حمایت هدفمند از خانوارهای کم‌درآمد و مدیریت تورم است در غیر این صورت نه تنها سفره مردم کوچک‌تر خواهد شد بلکه اثرات بلندمدت بر ثبات اجتماعی و اقتصادی کشور نیز عمیق‌تر خواهد شد.

این اقتصاددان با اشاره به اینکه تنها راه کاهش فشار بر خانوارها ترکیبی از سیاست‌های مالی و پولی کنترل‌شده تقویت تولید داخلی و تنظیم بازار کالاهای اساسی است، گفته «در غیر این صورت شکاف میان درآمد و هزینه‌ها همچنان افزایش خواهد یافت و تهدیدی جدی برای معیشت و سلامت اقتصادی جامعه باقی خواهد ماند.»

بی‌تفاوتی دولت برای پر کردن شکاف میان درآمد و هزینه‌های خانوارها سبب ایجاد موجی از مهاجرت کارگران به کشورهای همسایه شده است. در همین رابطه سمیه گل‌پور رئیس کانون انجمن‌های صنفی کارگری گفته ریشه این کوچ گسترده «کاملاً اقتصادی» است و دستمزدهای نصف خط فقر کارگران را راهی کشورهای همسایه کرده است. سمیه گل‌پور در گفتگو با «اقتصاد نیوز» تأکید کرده «در سال‌های اخیر درصد مهاجرت نیروی کار ما چند برابر شده است. اشتغال برای تأمین معاش و رفاه نسبی است، سطح درآمد کارگران ایرانی، از کارگر و کارمند گرفته تا کشاورز، دامدار، پرستار، پزشک، مهندس، خلبان و دریانورد و... با نیاز معیشتی‌شان تناسب ندارد.» این فعال کارگری افزوده «حداقل دستمزد طبق ماده ۴۱ قانون کار باید متناسب با سبد معیشت و نرخ تورم تعیین شود، اما این اتفاق نمی‌افتد. حتی با مزایایی مثل حق مسکن و عائله‌مندی، دستمزدها در بسیاری موارد نصف خط فقر هم نیست. کارگران می‌بینند که برای همان تخصص در کشورهای همسایه سه تا چهار برابر حقوق می‌گیرند و طبیعی است که مهاجرت کنند. مسئولین هم متأسفانه خواب هستند.»

سمیه گل‌پور همچنین گفته «کارگران ساختمانی که به کشورهای مثل عراق می‌روند و سه‌چهار برابر ایران درآمد دارند. یک کارگر حرفه ای ساختمان در عراق می‌تواند ماهانه دویست تا سیصد میلیون تومان کار می‌کند، در حالی که اینجا حتی با بالاترین مهارت‌ها هم به چنین رقمی نمی‌رسد. در واقع شروع این سیاستگذاری اشتباه از شورای عالی کار است که اعداد اشتباهی را عمداً یا سهواً مصوب [تصویب] می‌کند.»

افزایش مشکلات سلامت عمومی منجر شود. روزنامه «اطلاعات» نیز به تازگی گزارش داده که بر اساس آمارمنتشرشده مرکز آمار در خردادماه ۱۴۰۴ نسبت به مدت مشابه سال قبل از ۵۲ اقلام مواد غذایی، قیمت ۵۱ قلم غذایی افزایش داشته و بیش از ۱۰ درصد افزایش داشتند بطوری که برای نمونه لوبیا چیتی ۲۱۲ درصد، نخود ۱۰۰ درصد، کره پاستوریزه ۸۹ درصد، برنج ایرانی ۸۵ درصد، سیب‌زمینی و عدس ۸۳ درصد افزایش قیمت داشتند.

این گزارش افزوده که اگر افزایش قیمت خرداد سال ۱۴۰۴ نسبت به فروردین همین سال در نظر گرفته شود تورم مواد غذایی فاجعه‌آور است؛ بطوری که قیمت اقلام غذایی منتشر شده توسط مرکز آمار برای ۴۲ اقلام بین ۳ تا ۸۵ درصد افزایش قیمت داشته است (به عنوان نمونه لوبیا چیتی حدود ۳۲ درصد، برنج ایرانی ۲۱ درصد، تخم مرغ ۱۳ درصد افزایش قیمت).

روزنامه «اطلاعات افزوده بود که «زمانی که تورم در یک اقتصاد رشد می‌کند، قیمت‌ها افزایش پیدا کرده و این افزایش قیمت‌ها در ابعاد مختلف زندگی افراد تأثیرگذار خواهد بود. افراد قدرت خرید خود را از دست می‌دهند (به دلیل عدم افزایش درآمدها حداقل به اندازه تورم) و فقیرتر می‌شوند.» بر اساس این گزارش فقر ناشی از شکاف میان درآمد و هزینه‌ها می‌تواند هم در ذهن افراد شکل بگیرد و هم توانایی خرید نیازهای ضروری زندگی را تضعیف نماید و پس‌انداز را غیرممکن سازد و برای تأمین نیازهای زندگی پس‌انداز منفی (بدهی) شکل بگیرد. از طرف دیگر افزایش تورم تولیدی به معنای افزایش قیمت تمام شده و از دست دادن مزیت رقابتی در مقابل تولیدات جهانی و کاهش تقاضا و فروش است که پایداری تولید را با تهدید مواجه می‌سازد و کاهش تولید خود به باز تولید تورم کمک می‌نماید. این چرخه کاهش تولید، درآمد و تورم ادامه خواهد داشت و فقر و گرسنگی و ناامنی غذایی را به همراه خواهد داشت. کارمان ندی، کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی نیز در گفتگو با وبسایت «اقتصاد ۲۴» گفته «نرخ تورم موجود در اقتصاد کشور نه تنها افزایش‌های چشمگیر را نشان می‌دهند بلکه بیانگر تغییر ساختار هزینه‌ای خانوارهاست بطوری که خانواده‌ها ناچارند بخش عمده درآمد خود را صرف خرید کالاهای اساسی کنند و سهم پس‌انداز و رفاه کاهش می‌یابد.» به گفته این کارشناس، با توجه به رشد دو برابری قیمت

● بررسی داده‌های رسمی نشان می‌دهد که حیوانات در سال‌های گذشته رکورددار گرانی بوده‌اند بطوری که قیمت لوبیاچیتی طی یک بازه زمانی چند ساله ۳۴/۴ برابر، لوبیا قرمز ۲۶ برابر و لپه ۲۵/۶ برابر شده است.

● از سوی دیگر بی‌تفاوتی دولت برای پر کردن شکاف میان درآمد و هزینه‌های خانوارها سبب ایجاد موجی از مهاجرت کارگران به کشورهای همسایه شده است.

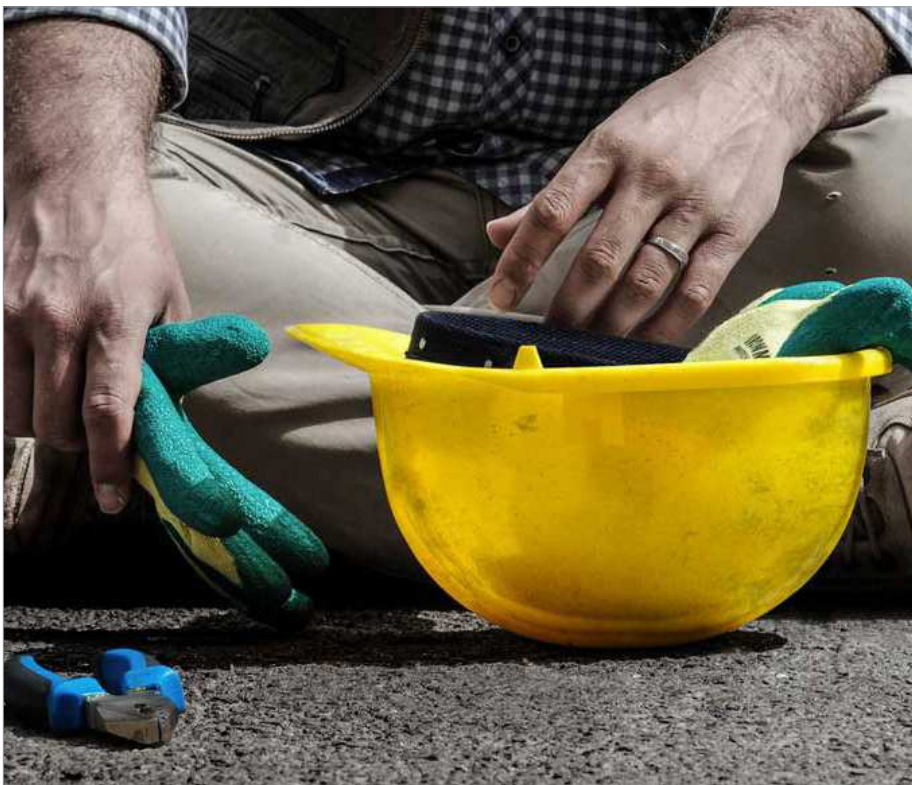
در مدت کوتاهی قیمت اغلب مواد غذایی با فراز تندی افزایش یافته و کالاهای پرمصرف و ضروری مانند حبوبات، چای و ماهی در صدر جدول افزایش قیمت‌ها قرار گرفته و تا چند برابر گرانت‌ر شده‌اند. در آنسو عدم افزایش دستمزدها متناسب با نرخ تورم سبب کاهش قدرت خرید خانوارها و بروز پیامدهایی تغییر الگوی مصرف مواد غذایی به سوی مواد پرکالری اما بی‌خاصیت و همچنین کوچک‌تر شدن سفره مردم شده است.

بررسی داده‌های رسمی نشان می‌دهد که حیوانات در سال‌های گذشته رکورددار گرانی بوده‌اند بطوری که قیمت لوبیاچیتی طی یک بازه زمانی چند ساله ۳۴/۴ برابر، لوبیا قرمز ۲۶ برابر و لپه ۲۵/۶ برابر شده است. از سوی دیگر قیمت چای خارجی با افزایش ۲۵ برابری، قیمت نخود با ۲۳/۴ برابر و قیمت ماهی قزل‌آلا با وجود تولید گسترده در داخل کشور با ۲۲/۶ برابر افزایش قیمت روبرو شده‌اند و سایر اقلام ضروری مانند برنج ایرانی، عدس، قند و کره پاستوریزه نیز هر یک حدود ۲۲ برابر گران شده‌اند.

کارشناسان معتقدند افزایش شکاف میان درآمد و هزینه از یکسو قدرت خرید خانوار را متأثر کرده و الگوی مصرف خانوارها را به زیان رفاه تغییر می‌دهد و از سوی دیگر سبب گسترش فقر و تشدید نابرابری اجتماعی و در نهایت تضعیف اعتماد عمومی به حکومت و افزایش احتمال اعتراضات سراسری خواهد شد.

وبسایت «اقتصاد ۲۴» در گزارشی با اشاره به افزایش چند برابری قیمت مواد خوراکی طی یک بازه زمانی کوتاه نوشته شکاف میان رشد درآمد و تورم خوراکی‌ها، پیامدهای عمیقی برای اقتصاد و جامعه ایران دارد. زمانی که قیمت کالاهای اساسی به شکل بی‌رویه افزایش یابد و درآمد خانوارها نتواند هم‌پای آن رشد کند مردم مجبور می‌شوند از کالاهای با کیفیت پایین‌تر استفاده کنند یا مصرف برخی اقلام ضروری را کاهش دهند. به عنوان مثال کاهش مصرف حبوبات، لبنیات یا گوشت می‌تواند به بحران تغذیه‌ای و

هشدار یک اقتصاددان درباره سهرقمی شدن تورم در اقتصاد ایران



● به عقیده وحید شقاقی شهری اقتصاددان، ناترازی‌های اقتصاد کلان اثرات خود را به تدریج بر اقتصاد ایران خواهد گذاشت و مجموعه این عوامل اگر مهار نشود، تورم را حتی می‌تواند برای سال بعد به میزان سه رقمی هم برساند.

● وحید شقاقی شهری توضیح داده که «در نیمه دوم سال رکود سنگینی را خواهیم داشت. از طرف دیگر، کسری‌های بودجه در حال تشدید است و ناطمینانی‌ها شدت می‌گیرد.»

● افزایش کسری بودجه دولت و دیگر مشکلات ساختاری در حالی سبب افزایش بیش از پیش تورم می‌شوند که برخی از کارشناسان افزایش تورم و تشدید فشارهای معیشتی به شهروندان را عاملی برای از سر گرفتن اعتراضات و تهدیدی برای حیات جمهوری اسلامی ارزیابی می‌کنند.

یک اقتصاددان نسبت به تورم سه رقمی در اقتصاد ایران هشدار داده و گفته مسیر ناترازی‌های اقتصاد کلان، ناترازی آب، صندوق‌های بازنشستگی، ناترازی بودجه‌ای، ناترازی بانکی، ناترازی انرژی و در کل مجموعه ناترازی‌ها می‌تواند برای سال ۱۴۰۵ و ۱۴۰۶ تورم را سه رقمی و ۱۰۰ درصد کند. وحید شقاقی شهری اقتصاددان درباره چشم‌انداز تورم در اقتصاد کشور گفته «من یک گزارشی تحت عنوان تورم سه رقمی آماده کرده بودم. تورمی که در حالت خوشبینانه برای امسال اعلام می‌شود، ۴۵ درصد است، ولی نیمه دوم سال برای کشور سخت خواهد بود، زیرا آمارها حکایت از یک رکود بسیار سنگین در اقتصاد ایران دارد؛ هم در بخش مسکن رکود بی‌سابقه‌ای داریم و هم بسیاری از کسب‌وکارها در حالت معطل و تعلیق قرار گرفتند، یعنی نمی‌توانند تصمیم بگیرند.»

این اقتصاددان توضیح داده که «در نیمه دوم سال رکود سنگینی را خواهیم داشت. از طرف دیگر، کسری‌های بودجه در حال تشدید است و ناطمینانی‌ها شدت می‌گیرد. قیمت دلار بازار غیررسمی نیز در همین مدت اخیر بیش از ۱۲، ۱۳ هزار تومان افزایش پیدا کرده است.»

به عقیده وحید شقاقی شهری ناترازی‌های اقتصاد کلان نیز اثرات خود را به تدریج بر اقتصاد ایران خواهد گذاشت و مجموعه این عوامل اگر مهار نشود، تورم را حتی می‌تواند برای سال بعد به حد سه رقمی هم برساند.

او درباره میزان تورم در نیمه دوم امسال گفته «فکر کنم تورم خوشبینانه ۴۵ درصد خواهد بود و تورم بدبینانه ۵۵ تا ۶۰ درصد است» اما هشدار داده که «مسیر ناترازی‌های اقتصاد کلان، ناترازی آب، صندوق‌های بازنشستگی، ناترازی بودجه‌ای، ناترازی بانکی، ناترازی انرژی و در کل مجموعه ناترازی‌ها می‌تواند برای سال ۱۴۰۵ و ۱۴۰۶ تورم را سه رقمی و ۱۰۰ درصد کند.»

وحید شقاقی شهری با اشاره به اثر منفی کمبود شدید انرژی و آب بر اقتصاد کشور گفته «هر روز این ناترازی‌ها شدت می‌گیرد. امسال روزی دو ساعت خاموشی را داشتیم و اگر دیر بچنین، سال بعد به دلیل فرسودگی زیرساخت‌های اقتصاد ایران، خاموشی‌ها ۴ ساعت می‌شود. امسال با هر زحمتی بود، بحران آب را در تابستان پشت سر گذاشتیم، ولی در ذهن شما باشد که برای سال بعد شرایط بحران آب و فرونشست زمین، سخت‌تر و جدی‌تر خواهد شد.»

جدا از مشکلات موجود، دولت نیز با کسری بودجه روبروست. راهکارهای جبران کسری بودجه برای دولت،

از جمله استقراض از نظام بانکی و فروش اوراق قرضه، راهکارهایی هستند که سبب تحریک تورم می‌شود.

علی مدنی‌زاده وزیر اقتصاد به تازگی رقم کسری بودجه برای نیمه دوم سال را ۸۰۰ هزار میلیارد تومان عنوان کرده است. این رقم به معنی اینست که دولت ۸۰۰ هزار میلیارد تومان در بخش درآمدهای لایحه بودجه دچار کسری است و این رقم از درآمدهای گنجانده شده در لایحه محقق نشده است.

وحید شقاقی شهری درباره رقم کسری بودجه دولت معتقد است «عددی که آقای مدنی‌زاده اعلام کردند، سناریوی خوشبینانه یا کف کسری بودجه سال ۱۴۰۴ است. یعنی در سناریو بدبینانه عدد کسری بودجه بالای یک هزار و ۵۰۰ هزار میلیارد تومان است.»

این اقتصاددان تأکید کرده «از قبل هم قابل پیش‌بینی بود، زیرا دولت و مجلس طرف درآمد را خوشبینانه تنظیم می‌کنند، یعنی درآمدها غیرواقعی و بیش برآوردی در نظر گرفته می‌شود، ولی در طرف هزینه‌ها عملاً هم کم‌برآوردی صورت می‌گیرد و هم هزینه‌ها در طول سال بنا به دلایل مختلف افزایش پیدا می‌کند.»

او همچنین گفته «اتفاقات مختلفی در طول سال می‌افتد که دولت ناچار می‌شود به نحوی هزینه‌های غیرمترقبه خود را هم پوشش دهد. حتی اگر فرض کنیم که دولت بر هزینه‌های خود نیز اضافه نکند، در آن زمان هزینه‌ها عملاً واقعی بسته می‌شود، ولی درآمدها خوشبینانه و غیرواقعی تنظیم می‌شود. این عدم توازن و تعادل موجب می‌شود که ما همیشه کسری داشته باشیم؛ به خصوص در زمانی که شرایط اقتصاد به هم می‌خورد؛ مثل سال ۱۴۰۴. یعنی در سال ۱۴۰۴ هزینه‌های غیرمترقبه زیادی اتفاق افتاد؛ مثل هزینه‌های مرتبط با دوره ۱۲ روزه جنگ.»

وحید شقاقی شهری گفته «همیشه در اقتصاد ایران، طرف هزینه‌ها واقع‌بینانه بسته شده، اما بنا به اتفاقات مختلفی مثل کاهش درآمدهای نفتی و تشدید ناترازی‌های اقتصادی، بر هزینه‌ها افزوده می‌شود. در مقابل برعکس در طرف درآمد، درآمد را بیش‌برآورد می‌کنیم و درآمدها غیرواقعی دیده می‌شود و با کاهش درآمدهای نفتی و نیز درآمدهای مالیاتی و یا واگذاری‌ها روبه‌رو می‌شویم.»

افزایش کسری بودجه دولت و دیگر مشکلات ساختاری در حالی سبب افزایش بیش از پیش تورم می‌شوند که برخی از کارشناسان افزایش تورم و تشدید فشارهای معیشتی به شهروندان را عاملی برای از سر گرفتن اعتراضات و تهدیدی برای حیات جمهوری اسلامی ارزیابی می‌کنند.

در همین رابطه حسین راغفر اقتصاددان در گفتگو با «رویداد۲۴» هشدار داده که «احتمال اجرای اسنپ‌بک و بازگشت تحریم‌های شورای امنیت، اقتصاد ایران را در آستانه بحرانی تازه قرار داده است.»

حسین راغفر معتقد است «در صورت عدم مدیریت صحیح این بحران، هزینه‌های تجارت خارجی افزایش یافته، قیمت کالاهای اساسی رشد چشمگیری پیدا خواهد کرد و حتی خطر شورش‌های اجتماعی ناشی از فشار معیشتی نیز دور از انتظار نیست.»

حسین راغفر افزوده «با نزدیک شدن احتمال اجرای مکانیزم ماشه یا همان «اسنپ‌بک»، نگرانی‌ها درباره پیامدهای سنگین آن بر اقتصاد ایران شدت گرفته است.» براساس گزارش تحلیلی اتاق بازرگانی، در صورت فعال شدن مکانیزم ماشه و بازگشت تحریم‌های شورای امنیت، نرخ دلار در سناریوی خوشبینانه می‌تواند به ۱۱۵ هزار تومان برسد و در سناریوی بدبینانه حتی از مرز ۱۶۵ هزار تومان عبور خواهد کرد.

واگذاری ۸۰ هکتار از اراضی ملی دماوند به «خودی»ها



توجه اینکه همچنان «کیهان» حاضر به پس دادن زمین‌ها نشده است!

وبسایت «ایران اینترنشنال» به پرنده دیگری از زمین‌خواری‌ها در دولت اصلاح‌طلب حسن روحانی اشاره کرده و نوشته سال ۱۳۹۸، در زمان ریاست جمهوری حسن روحانی، در یک مزایده ۳۱۳ هزار متر از اراضی دماوند به ارزش متری ۲۶۵ هزار تومان به شرکت «لوتوس» متعلق به رضا دژآگاه واگذار شد.

محمدرضا سعیدی، نماینده سابق مجلس شورای اسلامی که پس از آغاز ریاست‌جمهوری مسعود پزشکیان در آذر ۱۴۰۳، به عنوان مدیر عامل شرکت سرمایه‌گذاری سازمان تامین اجتماعی (شستا) معرفی شد، در شرکت «مدیریت سرمایه شایگان نیک کردار» عضو هیئت مدیره و در شرکت «توسعه و کارآفرینی مان» در کنار دژآگاه، شریک او به حساب می‌آید.

محمدعلی دهقان دهنوی، رئیس کل سازمان توسعه تجارت ایران و مجید هاتف وحید، معاون مالی و اقتصادی شرکت ملی صنایع مس ایران (فملی) نیز عضو شرکت‌های دژآگاه هستند.

این گزارش افزوده اراضی مورد اشاره، زمین‌های مصادره شده‌ای بودند که در زمان محمد اسلامی، وزیر وقت راه و شهرسازی و رییس کنونی سازمان انرژی اتمی، به شرکت «دهکده سلامت لوتوس دماوند» واگذار شد. قیمت این اراضی برای هر متر هفت میلیون تومان ارزیابی شده بود اما متری ۲۵۶ هزار تومان به دژآگاه واگذار شدند.

سال ۱۴۰۱، قوه قضاییه رای به فسخ قرارداد واگذاری زمین داد اما همین قوه، سال ۱۴۰۲، مجدداً اراضی را به رضا دژآگاه برگرداند!

منابع طبیعی صادر شده بود اما اخیراً در راستای اهمیت این پرونده‌ها و اجرای دستورات صادره از ناحیه رئیس قوه قضاییه، این ۱۷۳ پرونده به صورت ویژه و مورد به مورد، در کارگروهی ذیل شورای حفظ حقوق بیت‌المال مورد بررسی قرار گرفتند.

رئیس دادگستری تهران گفته در دو مورد، بر اشتباه بودن احکام صادره پیشین نظر داده شده است. او گفته «یکی از این موارد که رای قطعی آن در سال ۱۳۹۳ صادر شده بود و تجویز اعاده دادرسی آن اخیراً از سوی رئیس قوه قضاییه صادر شده، مربوط به ۸۰ هکتار از بهترین اراضی شهرستان دماوند است.»

رئیس کل دادگستری استان تهران افزوده «یکی دیگر از این پرونده‌ها مربوط به ۱۵ هکتار از اراضی شهرستان شمیرانات است که در قالب یک شرکت به فردی چهره و مشهور داده شده بود؛ این پرونده نیز هم‌اکنون با صدور تجویز اعاده دادرسی از سوی رئیس دستگاه قضا، در حال رسیدگی در دیوان عالی کشور است.»

در سالهای گذشته چند بار پرونده‌هایی درباره واگذاری زمین‌های مرغوب از اراضی ملی به «خودی»ها افشا و رسانه‌ای شد.

برای نمونه سال ۱۳۷۵ و سه سال بعد از انتصاب حسین شریعتمداری به عنوان نماینده علی خامنه‌ای در موسسه کیهان، ۲۰۰ هکتار زمین در دماوند با عنوان کلی «درختکاری و دامپروری» به این موسسه واگذار شده و به پرونده طولانی میان بخش دولتی و موسسه «کیهان» تبدیل شده است.

حسین شریعتمداری مدیرمسئول «کیهان» این اتهامات را رد کرد و افشای آن را به نیت سیاسی و به «اسرائیل و پادوهای مفسدان اقتصادی و جاسوسان» نسبت داد. قابل

● دادگستری تهران برای واگذاری غیرقانونی ۸۰ هکتار از اراضی ملی شهرستان دماوند در دهه‌های گذشته به «اشخاص خاص» تشکیل پرونده داده است.

● علی القاضی مهر رئیس دادگستری تهران گفته در یکی از پرونده‌ها موضوع واگذاری ۱۵ هکتار از اراضی ملی شهرستان شمیرانات به یک شرکت مورد بررسی قرار گرفته است.

● رئیس دادگستری استان تهران از بررسی حدود ۱۷۳ پرونده در دادگستری استان تهران در رابطه با واگذاری اراضی ملی به اشخاص خبر داده است.

دادگستری تهران برای واگذاری غیرقانونی ۸۰ هکتار از اراضی ملی شهرستان دماوند در دهه‌های گذشته به «اشخاص خاص» تشکیل پرونده داده است. رئیس دادگستری تهران گفته در یکی از پرونده‌ها موضوع واگذاری ۱۵ هکتار از اراضی ملی شهرستان شمیرانات به یک شرکت مورد بررسی قرار گرفته است.

خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضاییه جمهوری اسلامی با اعلام بررسی پرونده‌های مربوط به واگذاری اراضی ملی در استان تهران به «اشخاص خاص» نوشته در این پرونده‌ها که پای مسئولان وقت دولتی نیز در میان است، اراضی ملی در قالب طرح‌های زیتون‌کاری و باغداری، بدون رعایت تشریفات قانونی با تسهیلات ویژه یا در ازای دریافت مبلغی ناچیز به صورت اقساط به اشخاص خاص شناخته شده واگذار شده‌اند.

علی القاضی مهر رئیس دادگستری استان تهران نیز اعلام کرده حدود ۱۷۳ پرونده در دادگستری استان تهران برای همین اراضی و اشخاص تشکیل شده بود که تقریباً همه این پرونده‌ها رسیدگی شده و آرای آنها نیز در محکومیت اداره

اورژانس ایران با کمبود ۱۵ هزار نیرو و هزاران آمبولانس روبروست



● بر اساس آمارهای رسمی در ایران حدود ۵ هزار و ۵۰۰ دستگاه آمبولانس فعال وجود دارد که از این تعداد ۳ هزار دستگاه فرسوده‌اند.

● در تهران کمبود آمبولانس به حدود ۵۰۰ دستگاه و کمبود نیروی انسانی به یک هزار و ۸۰۰ نفر می‌رسد.

ساختار اورژانس در ایران با فرسودگی، کمبود آمبولانس و نیروی انسانی روبروست بطوری که تنها در شهر تهران ۵۰۰ دستگاه آمبولانس و ۱۸۰۰ نیروی انسانی نیاز است تا حداقل استانداردها حفظ شود.

ساختار اورژانس که به عنوان یکی از حلقه‌های حیاتی نظام سلامت شناخته می‌شود مانند بسیاری دیگر از بخش‌های خدماتی در ایران با کمبود شدید امکانات، تجهیزات و نیروی انسانی روبروست.

کمبود تجهیزات و امکانات و یا نیروی انسانی سبب افزایش مرگ و میر، عوارض بلندمدت برای بیماران و کاهش اعتماد عمومی شود. این موضوع به ویژه در بروز حوادثی چون زلزله، سیل و آتش‌سوزی‌های بزرگ در سال‌های گذشته نمایان شده است.

از سوی دیگر وضعیت نامناسب معیشتی پرسنل اورژانس که مانند دیگر حقوق‌بگیران با درآمدهای ناکافی و فشار سنگین کاری روبرو هستند نیز بر کیفیت خدمات اورژانس اثر منفی می‌گذارد. بر اساس آمارهای رسمی در ایران حدود ۵ هزار و ۵۰۰ دستگاه آمبولانس فعال وجود دارد که از این تعداد ۳ هزار دستگاه فرسوده شده‌اند.

طبق استانداردهای بین‌المللی، سن مفید یک آمبولانس معمولاً حدود ۱۰ سال است، اما در ایران بسیاری از آمبولانس‌ها بیش از ۱۵ سال استهلاک دارند. در تهران کمبود آمبولانس به حدود ۵۰۰ دستگاه و کمبود نیروی انسانی به یک هزار و ۸۰۰ نفر می‌رسد.

جعفر میعادفر رئیس سازمان اورژانس کشور نیز خردادماه امسال از کمبود ۱۵ هزار نیروی اورژانس خبر داده بود. او وعده داده بود شماری از این کمبود نیرو با استخدام حدود ۳۵۰۰ نیرو جبران شود.

رئیس سازمان اورژانس کشور همچنین با اشاره به فرسودگی ناوگان زمینی اورژانس گفته بود که «در حال حاضر اولین مناقصه برای خرید ۶۰۰ آمبولانس انجام شده؛ اما مشکل ارز پیدا کردیم و برای اختصاص ۳۵ میلیون دلار با دولت مکاتبه کردیم که لازم است مجلس و دولت اعتبار مناسب در این حوزه را اختصاص دهند.»

با وجود کمبود ۱۵ هزار نیروی اورژانس در کشور، سالانه تعداد انگشت‌شماری استخدام می‌شوند و در نتیجه چرخه کمبود نیرو پابرجا می‌ماند.

همچنین فشار کاری بالا، کشیک‌های زیاد، مواجهه مکرر با حالات بحرانی و در عین حال حقوق و مزایایی که پاسخگوی این دشواری‌ها نیست، به ویژه در شهرهای بزرگ سبب نارضایتی پرسنل اورژانس شده است.

همین موضوع سبب شده نیروهای اورژانس نیز مانند دیگر اصناف در اعتراض به دستمزدهای ناچیز و مشکلات معیشتی تجمعاتی را در شهرهای مختلف برگزار کنند.

از جمله جمعی از کارکنان اورژانس استان گیلان در اردیبهشت ۱۴۰۴ در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی، حقوق‌های پایین و تأخیر در پرداخت مطالبات خود، مقابل ساختمان دانشگاه علوم پزشکی گیلان تجمع کردند.

معترضان با در دست داشتن پلاکاردهایی، خواستار توجه مسئولان به مشکلات معیشتی، پرداخت معوقات و بهبود شرایط کاری خود شده بودند. آنها اعلام کرده بودند که با وجود وعده‌های مکرر مسئولان، هیچ‌کدام از خواست‌هایشان تا کنون تحقق نیافته است.

وبسایت «تجارت‌نیوز» گزارش داده یکی از اثرات فرسودگی آمبولانس‌ها، کمبود آنها و کمبود نیرو، افزایش زمان واکنش به حادثه است.

این گزارش افزوده اگرچه آمار دقیق کشور منتشر نشده یا در بعضی استان‌ها متغیر است، اما مسئولان اذعان کرده‌اند که رسیدن آمبولانس به محل حادثه در بسیاری از مناطق بیش از زمان ایده‌آل است. تأخیرها مخصوصاً در مناطق روستایی یا جاده‌ها زیاد است که ترکیبی است از عمر آمبولانس‌ها، وضعیت راه‌ها، تراکم ترافیکی، وضعیت

جغرافیایی.

حامد برزگر کارشناس اورژانس پیش‌بیمارستانی درباره مشکلات بخش اورژانس به «تجارت‌نیوز» گفته «متأسفانه با وجود سختی کار و خطراتی که پرسنل اورژانس متحمل می‌شوند حقوق دریافتی آنها هیچ سنخیتی با میزان تورم و هزینه‌ها در کشور ندارد.»

او افزوده که «این بی‌توجهی به معیشت کادر درمان و از جمله پرسنل اورژانس پیش‌بیمارستانی ضمن ایجاد دلسردی در بین این افراد سلامت بیماران را هم به خطر می‌اندازد. ضمن اینکه افزایش شیفت‌های کاری به دلیل کمبود نیرو هم بر توانایی و تمرکز آنها تأثیر گذاشته و در برخی موارد کیفیت خدمات ارائه شده به مریض را پایین می‌آورد.»

حامد برزگر همچنین درباره میانگین دستمزد پرسنل اورژانس پیش‌بیمارستانی توضیح داده که «پایه حقوق دریافتی ما از ۱۲ میلیون تومان شروع می‌شود و با اضافه کاری و ساعت‌های شیفت به سختی تا ۲۵ میلیون تومان می‌رسد مبلغی که اگر بخواهیم با شرایط تورمی و اقتصادی امروز آن را در نظر بگیریم قطعاً جوابگوی نیازهای معیشتی‌مان نیست.»

به گفته این کارشناس، «اورژانس پیش‌بیمارستانی بزرگ‌ترین چالشی که با آن مواجه‌اند فرسودگی تجهیزات و ناوگان است. وقتی آمبولانس‌ها سالم و مجهز نباشند، حتی اگر نیروی انسانی خوب داشته باشیم، کیفیت خدمات پایین می‌آید. قطع برق، نقص فنی سیستم‌های برقی داخل آمبولانس، نبود دستگاه ونتیلاتور یا شوک مناسب، مشکلات تهویه هوای داخل اتاق بیماران و... از مواردی است که مرتباً با آنها روبرو هستیم.»

این کارشناس اورژانس افزوده «در شهرهای بزرگ اگر همه چیز مساعد باشد، ممکن است در ۸ تا ۱۲ دقیقه به محل برسیم؛ اما در شب، ساعات اوج ترافیک، یا در مناطق صعب‌العبور، روستا، کوهستان، این زمان ممکن است به ۲۰، ۳۰ دقیقه یا بیشتر بکشد. مطمئناً تأخیر برای بیمارانی که دچار حمله قلبی، سکته، خونریزی شدید یا ضربه هستند، فاجعه‌آمیز است.»

اقتصاد کوپنی هم نمی‌تواند کاهش قدرت خرید شهروندان را جبران کند!



● با توجه به سرعت افزایش قیمت‌ها در بخش خوراکی و مواد غذایی، و درآمدهای ناچیز و ناکافی اکثر مردم در ایران، ارائه کالابرگ الکترونیک نمی‌تواند از سفره خانوارها حمایت قابل توجهی داشته باشد.

دولت اعلام کرده چهارمین مرحله از کالابرگ الکترونیک قرار است تا آخر شهریورماه ارائه شود. افزایش سریع قیمت کالاها به ویژه در بخش مواد غذایی، در کنار درآمدهای ناچیز ابهاماتی را درباره کارایی کالابرگ الکترونیک در حمایت از معیشت خانوار به همراه داشته است.

بر اساس اعلام دولت اجرای مرحله چهارم کالابرگ الکترونیک قرار است تا پایان شهریورماه انجام شود. این در حالیست که قرار بود این کالابرگ از ابتدای امسال به صورت منظم و ماهانه انجام شود اما در شش ماه نخست سال دولت نتوانسته به این وعده عمل کند.

از سوی دیگر قیمت مواد غذایی همچنان در صدر جدول افزایش قیمت‌ها قرار دارد و با توجه به سرعت افزایش قیمت‌ها در این بخش، و درآمدهای ناچیز و ناکافی اکثر مردم در ایران، ارائه کالابرگ الکترونیک نمی‌تواند از سفره خانوارها حمایت قابل توجهی داشته باشد اما در آنسو به عقیده برخی کارشناسان تکیه بر اقتصاد کوپنی و جیره‌بندی می‌تواند رکود را در بخش‌های مختلف اقتصاد تشدید کند.

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران در امرداد امسال مواد خوراکی با موجی از افزایش قیمت روبرو بوده است. قیمت کره ۹۳ درصد و ماست ۶۴/۵ درصد نسبت به امرداد سال گذشته افزایش یافته است. لوبیا چیتی نیز ۲۴۸ درصد، برنج ایرانی ۱۴۲/۸ درصد و روغن مایع ۴۳/۷ درصد نسبت به سال گذشته گران شده است.

همچنین سبزیجات و میوه‌ها پیش‌تاز رشد قیمت ماهانه بوده‌اند. در فاصله اول تا پایان امرداد امسال خیار با ۲۸ درصد، قارچ با ۱۸/۶ درصد، پرتقال با ۱۷/۱ درصد، موز با ۸/۶ درصد، بادمجان با ۷/۹ درصد و هلو با ۶/۲ درصد افزایش قیمت روبرو بوده‌اند. همچنین تورم گروه نان و غلات نیز طی یک ماه ۷/۸ درصد افزایش یافته است. چشم‌انداز تولید مواد غذایی نیز به علت بی‌اعتنایی دولت به موضوع امنیت غذایی و وجود مشکلاتی چون کمبود انرژی و تورم فزاینده، مثبت نیست.

برای نمونه طی هفته‌های گذشته تولیدکنندگان پروتئین حیوانی هشدار می‌دهند که دولت نتوانسته بازار نهاده‌های دامی را مدیریت کند بطوری که کمبود و گرانی نهاده‌های دامی سبب بحران در دامداری‌ها، مرغداری‌ها و مراکز پرورش ماهی شده است.

احمد شاد، دبیر انجمن صنفی کارفرمایی تأمین‌کنندگان و توزیع‌کنندگان گوشت خام در یادداشتی به بحران تأمین نهاده‌های دامی اشاره کرده و نوشته «در آستانه فصل جدید عرضه نهاده جو و ذرت روسیه و قزاقستان، تجار متأسفانه با انباشت ۹ ماهه مطالبات ارزی از دولت و محدودیت شدید منابع مالی برای خرید مواجه هستند که می‌تواند به فصلی ناموفق در تأمین نهاده از مسیر امن شمال منجر شده و کشور را در ریسک تأمین صرف نهاده از جنوب مجبور کند.»

در بخش دیگری از این یادداشت با یادآوری اینکه با توجه به گرانی گوشت، سرانه مصرف این کالا به زیر یک کیلوگرم کاهش یافته، آمده است سیاست‌گذاری امسال وزارت جهاد کشاورزی سبب شده تا بازار نهاده‌های دامی با کمبود مواجه

باشد و به تبع آن با وجود افزایش عرضه دام برای کشتار و ثبات نرخ در دام زنده، گوشت قرمز روند افزایشی داشته باشد. همچنین قیمت لبنیات نیز به دلیل مشکلاتی که در حوزه تولید شیرخام و همچنین در کارخانه‌های تولید لبنیات وجود دارد برای چندمین بار در سال جاری افزایش یافته است. دیگر مواد خوراکی از سبزیجات تا حبوبات و حتی نان با افزایش قیمت روبرو هستند و بسیاری از خانوارها برای تأمین حداقل خوراک با بحران روبرو هستند.

در این میان احمد میدری وزیر کار دولت پزشک‌یان طی یک ماه گذشته دست‌کم در دو اظهارنظر رسمی گفته دولت امسال هیچ برنامه‌ای برای بازنگری در رقم حداقل دستمزد و افزایش آن ندارد. این اظهار نظر به معنای رانده شدن بیش از پیش خانوارهای حقوق‌بگیر و بازنشسته به زیر خط فقر و کوچکتر شدن سفره آنها است.

در همین رابطه خسرو رنجبر فعال صنفی بازنشستگان تأمین اجتماعی گفته «امروزه بسیاری از مواد غذایی اولیه از سفره خانوارها حذف شده‌اند؛ غذاهای سنتی مانند کله‌پاچه با قیمت‌هایی سرسام‌آور (حدود یک و نیم میلیون تومان) به کالایی لوکس تبدیل شده‌اند. افزایش قیمت مواد اولیه‌ای مانند لوبیا چیتی (کیلویی پانصد هزار تومان) پختن غذاهای ساده‌ای مانند آش رشته را برای بسیاری از مردم دشوار کرده است. در همین راستا چند سالی است که مردم گرسنه و فقیر به دلیل همین گرانی‌ها، از نذری‌ها هم محروم شده‌اند.»

این فعال صنفی افزوده «با گرانی بی‌رویه قیمت نان، حتی بخشی از مردم فقیر ایران، قدرت خرید نان به اندازه کافی را هم ندارند و در صف نانویی هم دست و دلشان می‌لرزند.» کارمان ندی، کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی نیز در گفتگو با وبسایت «اقتصاد ۲۴» گفته «نرخ تورم موجود در اقتصاد کشور نه تنها افزایش‌های چشمگیر را نشان می‌دهند بلکه بیانگر تغییر ساختار هزینه‌ای خانوارهاست بطوری که خانواده‌ها ناچارند بخش عمده درآمد خود را صرف خرید کالاهای اساسی کنند و سهم پس‌انداز و رفاه کاهش می‌یابد.»

به گفته این کارشناس، با توجه به رشد دو برابری قیمت به ویژه در اقلام خوراکی نسبت به درآمد خانوار، وضعیت معیشتی خانوارهای ایرانی بحرانی است و این شکاف نیازمند بازنگری فوری در سیاست‌های اقتصادی، حمایت هدفمند از خانوارهای کم‌درآمد و مدیریت تورم است در غیر این صورت نه تنها سفره مردم کوچک‌تر خواهد شد بلکه اثرات بلندمدت بر ثبات اجتماعی و اقتصادی کشور نیز عمیق‌تر خواهد شد.

در شرایطی که دولت برنامه‌ای برای افزایش دستمزدها ندارد و در آنسو نمی‌تواند تورم را نیز کنترل کند، در نتیجه شکاف میان درآمدها و هزینه‌های خانوارها همچنان روندی افزایشی را طی خواهد کرد. در چنین شرایطی ارائه کالابرگ الکترونیک تنها برای بخشی از دهک‌های درآمندی نمی‌تواند فاصله عمیق میان درآمد و هزینه خانوارها را پُر کند و از سفره خانواده‌ها حمایت کند.

اقتصاد ایران در حالی به دلیل مشکلات ساختاری بعد از چهار دهه بار دیگر با جیره‌بندی و کوپن پیوند خورده که به عقیده برخی کارشناسان شرایط موجود سبب تشدید رکود اقتصادی و گرانی بیشتر خواهد شد.

مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز «اقتصاد کوپنی» را دارای پیامدهای منفی برای اقتصاد ارزیابی کرده و معتقد است «در بلندمدت باید به سمت افزایش تولید برویم. برای افزایش تولید باید شرایط سرمایه‌گذاری در داخل فراهم و روابط تجاری ما با خارج برقرار شود. به خصوص برای کشوری مثل ایران که انقدر به تجارت خارجه وابسته است.»

این اقتصاددان افزوده «الان تولید داخل ما به واردات وابسته است و ۸۰ درصد واردات ما کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای هستند که در تولیدات، صنایع و کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ بنابراین هرگونه اختلالی که در روابط سیاسی و اقتصادی ما با کشورهای دنیا، به خصوص کشورهای پیشرفته که بخش قابل توجهی از تکنولوژی‌های مورد نیاز ما را تأمین می‌کنند، ایجاد شود، تولید هم دچار مشکل می‌شود. از سوی دیگر ناکارآمدی‌های اجرایی، مدیریتی و سیاستی به تولید ضربه می‌زند.»

چشم‌انداز منفی اشتغال در ایران با بحران انرژی و رکود تورمی



● کاهش نرخ مشارکت اقتصادی به معنای خروج بخشی از افراد در سن اشتغال از بازار کار ایران است. این خروج می‌تواند ناشی از مهاجرت نیروی کار از کشور باشد یا خانه‌نشینی شدن شهروندان در سن اشتغال به علت ناامیدی از یافتن شغلی با شرایط و درآمد مناسب.

● در حالی که مرکز آمار ایران مدعی کاهش نرخ بیکاری در کشور است اما در فاصله بهار ۹۷ تا بهار سال ۱۴۰۴ نرخ مشارکت اقتصادی نیز از ۴۵/۲ درصد در بهار ۹۷ به ۴۱/۲ درصد در بهار ۱۴۰۴ کاهش یافته است.

● چشم‌انداز اشتغال در کشور منفی است؛ نه تنها توسعه بخش‌های مختلف صنعت، تولید و کشاورزی با توجه به رکود شدید، و در نتیجه افزایش استخدام و اشتغالزایی امکان ندارد؛ بلکه بخشی از نیروهای شاغل نیز به علت کاهش سطح فعالیت واحدهای تولیدی و صنعتی به علت بحران انرژی، به جمع بیکاران افزوده خواهند شد.

جزئیات داده‌های مرکز آمار ایران درباره نرخ بیکاری در بهار ۱۴۰۴ نشان می‌دهد استان خوزستان رکورددار بیکاری در کشور است. مرکز آمار ایران در شرایطی مدعی کاهش نرخ بیکاری در بهار امسال شده که کارشناسان با زیر سوال بردن این آمار معتقدند نرخ بیکاری کاهش نیافته بلکه بخشی از نیروی کار به علت ناامیدی از یافتن شغل، بازار کار را ترک کرده است.

مرکز آمار ایران مدعی است نرخ بیکاری جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر کشور در بهار ۱۴۰۴ به ۷/۳ درصد رسیده است. این شاخص نسبت به فصل مشابه در سال ۱۴۰۳ با کاهش جزیی ۰/۴ درصدی روبرو شده است.

جزئیات این آمار نشان می‌دهد استان خوزستان با ۱۳/۲ درصد بیشترین نرخ بیکاری در کشور را دارد. پس از آن استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، ایلام و البرز به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

در آنسو استان‌های خراسان جنوبی، قزوین و خراسان رضوی کمترین نرخ بیکاری را در میان استان‌های کشور به خود اختصاص داده‌اند. خراسان جنوبی با ۳/۹ درصد کمترین نرخ بیکاری را در میان استان‌های کشور ثبت کرده است. مرکز آمار ایران همچنین مدعی است که حدود ۵۷ درصد اشتغال کشور در بخش خدمات، حدود ۳۳ درصد در بخش صنعت و نزدیک به ۱۵ درصد در بخش کشاورزی متمرکز است.

آمارهای ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران درباره کاهش نرخ بیکاری با تردید روبروست. در حالیکه اقتصاد ایران با رکود تورمی عمیق روبروست و کارآفرینی و راه‌اندازی کسب‌وکار و استخدام نیروی کار روندی منفی دارد، کارشناسان معتقدند ادعای کاهش نرخ بیکاری از سوی مرکز آمار ایران به معنای کاهش نرخ مشارکت اقتصادی و خروج بخشی از نیروی کار از بازار کار کشور است.

قابل توجه اینکه آمارهای ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران از بهار سال ۹۷ تا بهار سال ۱۴۰۴ همچنان روند کلی نرخ بیکاری را کاهش می‌کنند.

نکته قابل توجه در همین آمار اما نشان می‌دهد در فاصله بهار ۹۷ تا بهار سال ۱۴۰۴ نرخ مشارکت اقتصادی نیز از ۴۵/۲ درصد در بهار ۹۷ به ۴۱/۲ درصد در بهار ۱۴۰۴ کاهش

یافته است.

کاهش نرخ مشارکت اقتصادی به معنای خروج بخشی از افراد در سن اشتغال از بازار کار ایران است. این خروج می‌تواند ناشی از مهاجرت نیروی کار از کشور باشد یا خانه‌نشینی شدن شهروندان در سن اشتغال به علت ناامیدی از یافتن شغلی با شرایط و درآمد مناسب.

برای نمونه محمد شریفی مقدم دبیرکل خانه پرستار سال گذشته اعلام کرد که با وجود کمبود پرستار در ساختار درمانی کشور اما ۵۰ هزار پرستار شغل پرستاری را رها و خانه‌نشینی شده‌اند. پرستاران به دلالی چون شیفت‌های طولانی و اجباری، فشار سنگین کار، درآمدهای ناچیز و عقب‌افتادن پرداخت دستمزد و مزایای شغلی تمایلی به اشتغال در ساختار درمانی ایران ندارند.

همچنین سمیه گلپور رئیس کانون انجمن‌های صنفی کارگری نیز از مهاجرت گسترده کارگران ایرانی خبر داده و گفته ریشه این کوچ گسترده «کاملاً اقتصادی» است و دستمزدهای نصف خط فقر کارگران را راهی کشورهای همسایه کرده است.

سمیه گل‌پور در گفتگو با «اقتصاد نیوز» تأکید کرده «در سال‌های اخیر درصد مهاجرت نیروی کار ما چند برابر شده است. اشتغال برای تأمین معاش و رفاه نسبی است، سطح درآمد کارگران ایرانی، از کارگر و کارمند گرفته تا کشاورز، دامدار، پرستار، پزشک، مهندس، خلبان و دریانورد و... با نیاز معیشتی‌شان تناسب ندارد.»

این فعال کارگری افزوده «حداقل دستمزد طبق ماده ۴۱ قانون کار باید متناسب با سبد معیشت و نرخ تورم تعیین شود، اما این اتفاق نمی‌افتد. حتی با مزایایی مثل حق مسکن و عائله‌مندی، دستمزدها در بسیاری موارد نصف خط فقر هم نیست. کارگران می‌پندند که برای همان تخصص در کشورهای همسایه سه تا چهار برابر حقوق می‌گیرند و طبیعی است که مهاجرت کنند. مسئولین هم متأسفانه خواب هستند.»

از سوی دیگر چشم‌انداز اشتغال در ایران نیز به دلیل رکود عمیق در بخش‌های مختلف تولیدی، صنعتی و خدمات

منفی است.

فعالان اقتصادی در گذشته با مشکلاتی چون افزایش هزینه تولید، بحران تأمین منابع، نوسان شدیدی نرخ ارز، قوانین دست‌وپاگیر و ساختار مافیایی و رانتی اقتصادی روبرو بودند. در سالهای گذشته اما بحران کمبود انرژی و جیره‌بندی برق و گاز به مانعی برای فعالیت بنگاه‌های تولیدی، صنعتی و خدماتی تبدیل شده است.

جیره‌بندی برق از ابتدای امسال تشدید شده و بطور متوسط شهرک‌های صنعتی یک سوم ماه را برق نداشتند و ناچار به کاهش سطح تولید شدند. یکی از پیامدهای مستقیم جیره‌بندی برق در واحدهای تولیدی و صنعتی کاهش نرخ اشتغال در این واحدها به علت اخراج نیروی کار بوده است.

در همین رابطه مهدی بستانچی، رئیس شورای هماهنگی شهرک‌های صنعتی کشور، امرداد امسال وضعیت واحدهای صنعتی را نگران‌کننده توصیف کرده و هشدار داده بود ادامه این روند می‌تواند ضربه‌های جدی به اشتغال، تولید و درآمد کشور وارد کند.

مهدی بستانچی به اخراج گسترده نیروی کار از ابتدای تابستان، و همچنین در معرض خطر بودن اشتغال ۲۰۰ هزار کارگر خبر داده و گفته بود «در بسیاری از مناطق، واحدهای صنعتی هفته‌ای دست‌کم یک‌سوم روزهای کاری خود را به دلیل قطع برق از دست داده‌اند. در برخی نقاط این رقم حتی به نصف هفته هم می‌رسد. کاهش این میزان از ظرفیت تولید، باعث شده حدود ۲۰۰ هزار فرصت شغلی در شهرک‌های صنعتی در معرض خطر قرار بگیرد. این رقم جدای از آن بخشی است که طی یک ماه گذشته، در عمل تعدیل نیرو را تجربه کرده‌اند.»

این شرایط نشان می‌دهد نه تنها توسعه بخش‌های مختلف صنعت، تولید و کشاورزی با توجه به رکود شدید، و در نتیجه افزایش استخدام و اشتغالزایی امکان ندارد؛ بلکه بخشی از نیروهای شاغل نیز به علت کاهش سطح فعالیت واحدهای تولیدی و صنعتی به علت بحران انرژی، به جمع بیکاران افزوده خواهند شد.

چرا رزیدنت‌ها و پزشکان جوان خودکشی می‌کنند؟



● بر اساس گزارش‌های منتشر شده، در سه هفته گذشته پنج پزشک و دانشجوی پزشکی در شهرهای مختلف ایران با اقدام به خودکشی جان خود را از دست دادند.

● معاون فرهنگی و دانشجویی وزارت بهداشت: فقط در سال ۱۴۰۳ دست‌کم هفت دانشجو بر اثر خودکشی جان خود را از دست داده‌اند و ۸۴ نفر دیگر نیز اقدام به خودکشی کرده‌اند که نجات یافتند. بیش از هزار نفر از دانشجویان و دستیاران در همین سال افکار خودکشی داشته‌اند.

● نازیلا شاه‌منصوری روانپزشک در شهریور ۱۴۰۳ گفته بود که فشار روانی بر پزشکان زن به مراتب بیشتر است. به گفته او، در میان ۱۳ مورد خودکشی ثبت‌شده در سال گذشته، ۱۱ نفر زن بوده‌اند. این در حالیست که بطور عمومی خودکشی منجر به مرگ در مردان از زنان بیشتر است.

در سه هفته گذشته سه پزشک جوان با اقدام به خودکشی به زندگی خود پایان دادند. معاون مسعود پزشکیان گفته نمی‌دانیم رزیدنت‌ها چرا خودکشی می‌کنند اما طی سالهای گذشته بارها گزارش‌هایی درباره مشکلات این قشر منتشر شده و بر اساس آمارهای رسمی حدود ۴۰ هزار دانشجوی علوم پزشکی نیازمند مداخلات روان‌درمانی هستند.

بر اساس گزارش‌های منتشر شده در سه هفته گذشته پنج پزشک و دانشجوی پزشکی در شهرهای مختلف ایران با اقدام به خودکشی جان خود را از دست دادند.

زهرآ بهروزآذر، معاون مسعود پزشکیان در امور زنان و خانواده، هفته گذشته درباره خودکشی رزیدنت‌ها گفت: «هنوز پژوهشی در رابطه با بررسی علل و چرایی وقوع این پدیده در میان رزیدنت‌ها به ما نرسیده که چرا این اتفاق می‌افتد؛ آیا از فشار درس، نداشتن حقوق، ازدواج و سایر موارد بوده است. هنوز نمی‌دانیم دلایل آن چیست و لازم است تا در پیدا کردن پاسخ این سوالات دانشگاه‌ها کمک کنند.»

این در حالیست که نرخ خودکشی پزشکان جوان یا دانشجویان پزشکی نسبت به نرخ عمومی خودکشی در ایران بالاتر است.

در همین رابطه مسعود حبیبی معاون فرهنگی و دانشجویی وزارت بهداشت، خردادماه امسال اعلام کرده بود که «فقط در سال ۱۴۰۳ دست‌کم هفت دانشجو بر اثر خودکشی جان خود را از دست داده‌اند و ۸۴ نفر دیگر نیز اقدام به خودکشی کرده‌اند که نجات یافتند. بیش از هزار نفر از دانشجویان و دستیاران در همین سال افکار خودکشی را تجربه کرده‌اند.»

مسعود حبیبی افزوده بود که بر اساس آمار غربالگری، حدود ۴۰ هزار دانشجوی علوم پزشکی نیازمند مداخلات روان‌درمانی هستند؛ عددی که نشان می‌دهد سلامت روان در این گروه به بحرانی جدی تبدیل شده و فقط با برنامه‌های سطحی قابل حل نیست.

براساس گزارش‌های رسمی و اظهارات کارشناسان، وضعیت سلامت روان در میان دستیاران تخصصی و پزشکان زن در ایران بحرانی‌تر است.

وحید شریعت، رئیس انجمن علمی روانپزشکان ایران اواخر سال ۱۴۰۲ اعلام کرد در یک سال گذشته دست‌کم ۱۶ دستیار تخصصی خودکشی کرده‌اند. او یادآور شد که وزارت بهداشت آمار دقیق‌تر و بیشتری از این موارد در اختیار دارد،

اما این اطلاعات محرمانه نگه داشته می‌شوند و به طور عمومی منتشر نمی‌شوند.

نازیلا شاه‌منصوری روانپزشک در شهریور ۱۴۰۳ گفته بود که فشار روانی بر پزشکان زن به مراتب بیشتر است. به گفته او، در میان ۱۳ مورد خودکشی ثبت‌شده در سال گذشته، ۱۱ نفر زن بوده‌اند. این در حالیست که بطور عمومی، خودکشی منجر به مرگ در مردان از زنان بیشتر است.

نازیلا شاه‌منصوری گفته است که پزشکان زن حدود ۱۲۰ درصد بیشتر از جمعیت عمومی زنان افکار خودکشی را تجربه می‌کنند، در حالیکه این درصد برای پزشکان مرد ۴۰ درصد است. این آمار نشان می‌دهد زنان پزشک به دلیل فشارهای کاری، مسئولیت‌های چندگانه و چالش‌های اجتماعی و حرفه‌ای، در معرض آسیب‌های روانی شدیدتری هستند و ضرورت اقدامات پیشگیرانه و حمایت‌های مؤثر در سطح وزارت بهداشت و دانشگاه‌های علوم پزشکی پیش از پیش احساس می‌شود.

روزنامه «شرق» در گزارشی با اعلام ثبت پنج خودکشی پزشکیان در آستانه ۱۰ سپتامبر، برابر با ۱۹ شهریورماه، به عنوان «روز جهانی پیشگیری از خودکشی» نوشته سال ۱۴۰۴، پزشکی در ایران با یک بحران خاموش آغاز شد: موج خودکشی پزشکان و رزیدنت‌ها که در بسیاری موارد رسانه‌ای نشد، اما فشارهای سنگین کاری، رقابت‌های ناسالم و کمبود حمایت‌های روانی، زندگی جوان‌ترین اعضای جامعه پزشکی را تهدید می‌کند.

هادی یزدانی، پزشک و تحلیلگر نظام سلامت، در گفتگو با «شرق» توضیح داده که بیش از دو سال است روی موضوع خودکشی پزشکان متمرکز شده و به طور میدانی داده‌هایی را جمع‌آوری کرده و افزوده «در دو، سه مورد اخیر، ما با پرونده‌هایی مواجه شدیم که به نظر می‌رسید علت اصلی خودکشی مسائل شخصی و فردی بوده است، نه الزاما مشکلات صنفی یا شغلی. برای نمونه، یکی از این قربانیان، دانشجوی پزشکی ورودی ۹۵ دانشگاه تهران بود و سال گذشته هم مورد مشابیهی اتفاق افتاده بود.»

این تحلیلگر نظام سلامت تأکید کرده «پزشکان نیز مانند

سایر اقشار جامعه ممکن است با اعتیاد، بیماری‌های جسمی، مشکلات اخلاقی یا بحران‌های خانوادگی مواجه شوند و خودکشی فقط به مسائل شغلی محدود نمی‌شود. با این حال، از سال ۱۳۹۸ واژه «خودکشی پزشکان» به عنوان یک مفهوم مستقل وارد ادبیات عمومی و رسانه‌ای شد.»

هادی یزدانی گفته پدیده خودکشی پزشکان میان سه گروه رخ می‌دهد: «اول، خودکشی رزیدنت‌ها که بیشتر با فشارهای آموزشی و کاری گره خورده است. دوم، خودکشی پزشکان شاغل که به مسائل صنفی، درآمدی یا مشکلات محیط کار مرتبط است. سوم، خودکشی دانشجویان پزشکی که در سال‌های اخیر نیز مواردی از آن گزارش شده و بخشی از آن ناشی از نگرانی‌های آینده شغلی است.» به باور او، این دسته‌بندی کمک می‌کند ریشه‌های بحران بهتر دیده شود و بتوان برای هر سطح، راهکارهای مشخصی در نظر گرفت. یزدانی به افزایش ظرفیت‌های غیرمنطقی دانشگاه‌ها نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: «دانشجویان تصور می‌کنند وارد بهشتی از پزشکی می‌شوند، اما با ورود به واقعیت با خلأهای آموزشی و مسئولیت‌های سنگین مواجه می‌شوند. هر خطای کوچک یا تصمیم حرفه‌ای می‌تواند هزینه‌های سنگینی برایشان همراه داشته باشد، چه از نظر مالی و چه از نظر روانی.»

«ساعات کاری غیرانسانی، سیستم پادگانی آموزش پزشکی و سلسله‌مراتب سخت‌گیرانه» از مواردی هستند که به گفته هادی یزدانی در خودکشی پزشکان نقش داد.

او توضیح داده که «سال اول رزیدنتی، برخی افراد بیش از ۱۵ شیفت پشت سر هم دارند؛ یعنی شش صبح امروز تا شش عصر فردا بدون توقف. حتی با کاهش سقف شیفت‌ها به ۱۲، فشارها و سلسله‌مراتب تحقیرآمیز پابرجاست. دانشجویان سال پایین تحت فشار رزیدنت‌های بالاتر قرار می‌گیرند و این چرخه ادامه پیدا می‌کند. برخی رزیدنت‌ها مجبور می‌شوند برای اشتباهات کوچک، مجازات‌های غیرانسانی مثل ۴۸ ساعت محرومیت از خواب و محدودیت در حرکات داشته باشند. مثلاً اینکه اجازه ندارند ۴۸ ساعت از یک محوطه یک متر در دو متر خارج شوند.»

زنان در صدر فهرست اخراج و در انتهای پذیرش در آگهی‌های استخدام



در محل کار، قرار داد تهدید نمی‌شود. این در حالی است که زنان می‌توانند از مرخصی ۶ ماه تا نه ماه بعد از زایمان بهره‌مند شوند.»

یکی دیگر از تبعیض‌های رایج علیه زنان در محیط کار دادن مزایای و حقوق بالاتر به مردان شاغل است. همچنان در تفکر کارفرمایان مردان نان‌آور به شمار می‌روند و زنان ناچارند برای داشتن درآمد به شرایط ناعادلانه شغلی و دستمزد تن بدهند.

این در حالیست که در قوانین جمهوری اسلامی حقوق برابر برای نیروی کار زن و مرد مورد تأکید قرار گرفته اما این قانون نیز مانند صدها قانونی که اجرا نمی‌شود، تنها روی کاغذ ثبت شده است.

در ماده ۳۸ قانون کار که در سال ۱۳۶۹ تصویب شد، بر منع تبعیض در حقوق به عنوان یکی از پایه‌های اساسی رابطه کارگر و کارفرما تأکید شده و آمده که «هرگونه تبعیض در تعیین شرایط کار براساس سن، جنس، نژاد، قومیت و اعتقادات سیاسی و مذهبی ممنوع است.»

در ماده ۱۰۷ قانون کار هم بر «اجرای سیستم یکسان دستمزد برای کار مساوی در کارهای با ارزش مساوی» تأکید شده است.

سمیه گلپور معتقد است عدم نظارت بر اجرای قوانین سبب بروز تبعیض گسترده علیه زنان در محیط کار شده است. او گفته «هم به لحاظ بازرسی از کارگاه‌های شغلی هم به لحاظ نظارت بر اجرای قوانین در حوزه کار ضعف وجود دارد. واقعیت این است که در کل کشور ۸۰۰ ناظر اداره کار توانایی پوشش همه کارگاه‌های رسمی را ندارند چه به برسد به کارگاه‌های غیررسمی. از طرفی نهادهایی مانند مجلس هم متأسفانه هیچ نظارتی بر اجرای قوانین مصوب در حوزه کار ندارند. نبود این نظارت‌ها مسبب بی‌عدالتی‌ها در حق کارگران به‌خصوص کارگران زن است.»

در زمینه استخدام هم شکاف جنسیتی نمایان است ←

گزارش‌های میدانی نشان می‌دهد در واحدهای تولیدی و صنعتی و خدماتی زنان امنیت شغلی بسیار کمتری نسبت به مردان داشته و بیش از آنان با خطر اخراج روبرو هستند. این در حالیست که زنان در غالب موارد دستمزد و مزایای شغلی کمتری نیز نسبت به مردان دارند.

در همین رابطه روزنامه «همشهری» نوشته برابری حقوق و دستمزد زنان و مردان یک قانون است و هیچ کارفرمایی حق ندارد براساس این قانون حقی از کارگر خود به بهانه تفاوت جنسیتی کم کند اما در عمل زنان همچنان دچار تبعیض جنسیتی در محیط کار هستند.

روزنامه «همشهری» به نقل از کارشناسان نوشته بخش زیادی از زنان شاغل در کارگاه‌های غیررسمی مشغول به کارند. به خاطر همین چون لیست بیمه‌ای برای این زنان رد نمی‌شود، آمارشان در میان زنان شاغل به حساب نمی‌آید. این مسئله باعث شده تا نه تنها امنیت شغلی مناسبی نداشته باشند بلکه کارفرمایان به خاطر عدم نظارت بازرسان تأمین اجتماعی براساس میل و اراده خود حقوق و دستمزد این قشر از کارگران را تعیین کنند.

یکی از بهانه‌های کارفرمایان برای اخراج زنان موضوع زایمان است. در ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی آمده مدت زمان مرخصی زایمان ۹ ماه (۲۷۶ روز) است و از آنجا که این مرخصی جزو سوابق بیمه‌ای فرد محسوب می‌شود، نه تنها حقوق مرخصی زایمان طبق مقررات قانون تأمین اجتماعی به افراد مشمول پرداخت می‌شود بلکه حتی در این مدت پاداش و عیدی نیز به مادرهای تحت پوشش بیمه تعلق می‌گیرد.

این قوانین اما تنها روی کاغذ هستند و کارفرمایان بطور سلیقه‌ای با قوانین برخورد می‌کنند. در همین رابطه زهرا ۳۸ ساله به «همشهری» گفته «سه‌ماه گذشته نخستین فرزندم به دنیا آمد یک‌ماه بعد از تولد فرزندم رسماً قرارداد کاری من با مجموعه‌ای که در آن کار می‌کردم تمام شد و در مرخصی زایمان به من اعلام کردند به دلیل عدم حضور

● در واحدهای تولیدی و صنعتی و خدماتی زنان امنیت شغلی کمتری نسبت به مردان داشته و در شرایطی که غالباً دستمزدهای کمتر از مردان دریافت می‌کنند، بیش از آنان نیز با خطر اخراج روبرو هستند.

● از مجموع ۲۵۷ فرصت شغلی معرفی شده از سوی یک بانک در ایران، ۲۳۸ سهمیه به مردان و تنها ۱۹ سهمیه به زنان اختصاص دارد. همچنین در ۱۸ استان از ۳۰ استان کشور، فقط درخواست جذب نیروی مرد ثبت شده است.

● در ماده ۳۸ قانون کار که در سال ۱۳۶۹ تصویب شد، بر منع تبعیض در حقوق به عنوان یکی از پایه‌های اساسی رابطه کارگر و کارفرما تأکید شده و آمده که «هرگونه تبعیض در تعیین شرایط کار براساس سن، جنس، نژاد، قومیت و اعتقادات سیاسی و مذهبی ممنوع است.»

● بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران در بهار امسال نرخ مشارکت زنان نیز در مقایسه با سال گذشته کاهش یافته و از ۱۴/۳ درصد به ۱۴ درصد رسیده است. در مقابل، در دوره مشابه، نرخ مشارکت مردان از ۶۸/۳ به ۶۸/۴ درصد افزایش یافته است.

● بر اساس گزارش مجمع جهانی اقتصاد برای سال ۲۰۲۴، ایران در شاخص جهانی شکاف جنسیتی رتبه ۱۴۴ از ۱۴۶ کشور را کسب کرده است. این در حالیست که در گزارش سال ۲۰۲۲، رتبه ایران ۱۴۳ بود.

گزارش‌ها نشان می‌دهد که زنان همچنان در صف نخست اخراج قرار داشته و در آگهی‌های استخدام نیز در انتهای اولویت پذیرش برای کارفرمایان قرار دارند.

با تشدید بحران در واحدهای تولیدی و صنعتی و خدماتی به علت مشکلات اقتصادی ناشی از سیاست‌ها و ناکارآمدی مژمن جمهوری اسلامی که پس از جنگ دوازده روزه با اسرائیل تشدید شده و همچنین پیامدهای جیره‌بندی برق موج اخراج نیروی کار سرعت گرفته است.

هشدارها درباره وقوع زلزله «آخرالزمانی» در تهران



استان بوشهر را لرزاند.

در ابتدا زمین لرزه‌ای به بزرگی ۴/۱ ریشتر در عمق ۲۷ کیلومتری زمین ساعت ۳۳ دقیقه بامداد سه‌شنبه در عسلویه به وقوع پیوست. هفت دقیقه بعد زلزله‌ای به بزرگی ۳/۷ ریشتر همین منطقه را لرزاند و زمین لرزه ۲/۹ ریشتری نیز ساعت یک و ۴۳ دقیقه بامداد ثبت شد.

ماه گذشته و در هفته دوم امرداد نیز حدود ۴۰ زمین لرزه طی چهار روز در عسلویه ثبت شد. بزرگترین زلزله در ششم امرداد به بزرگی ۴/۹ ریشتر رخ داد.

اگر چه زلزله‌های امرداد نیز با قدرت ریشتری کمی رخ داد و خسارت جانی و مالی بر جای نگذاشت اما به علت وجود تأسیسات بزرگ نفت و گاز پارس جنوبی در عسلویه بروز زلزله‌ای با ریشتر بالا می‌تواند خسارت‌های هنگفت و حتی خطرات زیادی برای شهروندان ساکن این منطقه ایجاد کند.

در ۳۱ امرداد ۱۴۰۴ نیز زمین‌لرزه‌ای به بزرگی ۳/۴ ریشتر فشم در استان تهران را لرزاند. بر اساس گزارش مرکز لرزه‌نگاری مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران، این زلزله در عمق ۵ کیلومتری و به فاصله ۸ کیلومتری شمشک، ۹ کیلومتری فشم و ۲۱ کیلومتری شمال لواسان رخ داد.

این زلزله که در مناطقی از تهران هم احساس شد خسارت جانی در پی نداشت اما بار دیگر خطری را که سال‌هاست کارشناسان نسبت به آن هشدار می‌دهند برجسته کرد: احتمال وقوع زلزله‌ای ویرانگر در پایتخت ایران!

علی بیت‌اللهی رئیس بخش زلزله مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی پس از زلزله آخر امرداد در فشم اعلام کرد «با در نظر گرفتن خطاهای طبیعی موجود در مکان‌یابی زلزله‌ها و با توجه به ساز و کار گسل‌های شناخته شده محدوده شمالی تهران، احتمالاً شاخه شرقی گسل طالقان می‌تواند به عنوان گسل مسبب زمین‌لرزه فشم معرفی شود.»

● مهدی زارع استاد پژوهشگاه زلزله‌شناسی با اشاره به «سکون لرزه‌ای» در گسل‌های اطراف تهران، از جمله گسل شمال تهران، مشا، ری و کهریزک، گفته که کاهش غیرعادی زلزله‌های کوچک در این مناطق می‌تواند نشانه‌ای از انباشت تنش برای یک زلزله بزرگ با بزرگی بیش از ۷ ریشتر باشد.

● فریروز ناطقی الهی عضو هیئت علمی پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی، وقوع زلزله در تهران را معادل روی دادن «شرایط آخرالزمانی» دانسته و گفته در سناریویی وقوع زلزله در شب با فرض جمعیت ۱۰ میلیون نفر، یک و نیم میلیون نفر کشته و چهار میلیون و سیصد هزار نفر زخمی خواهیم داشت؛ یعنی ۶۰ درصد جمعیت.

● فریروز ناطق‌الهی معتقد است از ۳۰ سال پیش احتمال بروز زلزله در تهران وجود داشته و عقب افتادن وقوع آن به معنای افزایش انرژی و تخریب بیشتر زلزله آینده و بروز بدترین سناریوها است.

● مجتبی موسوی استادیار پژوهشگاه ژئوتکنیک پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله، گفته بسیاری از کلانشهرهای ایران روی یا مجاور گسل‌های فعال ساخته شده‌اند و جابجایی تفاضلی دو سوی گسل در زمین می‌تواند حتی سازه‌های مهندسی‌شده را تحت تأثیر قرار دهد.

یک پژوهشگر زلزله هشدار داده که بسیاری از کلانشهرهای ایران روی یا مجاور گسل‌های فعال ساخته شده‌اند و جابجایی تفاضلی دو سوی گسل در زمین می‌تواند حتی سازه‌های مهندسی‌شده را تحت تأثیر قرار دهد.

در هفته‌های گذشته بیش از ۵۰ زلزله در عسلویه رخ داده است؛ شهری در جنوب کشور که یکی از قطب‌های مهم صنعت نفت و گاز ایران به شمار می‌رود.

به گزارش مرکز لرزه‌نگاری ایران بامداد امروز سه‌شنبه ۲۵ شهریورماه ۱۴۰۴ نیز سه زلزله پی در پی عسلویه در جنوب

→ زنان از فرصت‌هایی کمتر از مردان برای ورود به بازار کار برخوردار هستند.

روزنامه «شرق» به تازگی گزارش داده که از مجموع ۲۵۷ فرصت شغلی معرفی شده از سوی یک بانک در ایران، ۲۳۸ سهمیه به مردان و تنها ۱۹ سهمیه به زنان اختصاص دارد. همچنین در ۱۸ استان از ۳۰ استان کشور، فقط درخواست جذب نیروی مرد ثبت شده است.

این گزارش تأکید کرده پیشتر هم در آگهی‌های استخدام چنین تبعیضی وجود داشته است. سال ۱۳۹۵ بود که انتشار دفترچه راهنمای آزمون استخدامی دولت، موجی از اعتراض‌ها را همراه داشت. براساس دفترچه راهنمای آزمون استخدامی دولت در آن سال، از مجموع سه هزار سهمیه استخدامی دولت در آزمون، بیش از ۹۶۰ مورد فقط برای مردان بود و تنها ۱۵ مورد از آن به اشتغال زنان اختصاص پیدا می‌کرد. همچنین باقی سهمیه‌ها نیز بطور مشترک میان زنان و مردان بوده است. اما آن چیزی که بیش از همه این تبعیض‌ها را به چشم می‌آورد، شغل‌هایی بود که هیچ دلیلی برای تفکیک آن وجود نداشت.

پرتو برهان‌پور وکیل پایه یک دادگستری به «شرق» گفته «طبق اصل ۲۸ قانون اساسی، هر انسانی اعم از زن و مرد دارای حق اشتغال است و دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد کند. اگرچه قوانین منسجمی درباره برابری زنان و مردان در استخدام در قوانین ایران وجود ندارد، اما از آنجایی که قانون اساسی، قانون مادر است، همه قوانین دیگر باید با در نظر گرفتن اصول و محتوای آن، تصویب و اجرا شوند.»

قابل توجه اینکه همچنان با وجود قوانین مختلف، استخدام نکردن زنان از سوی مدیران توجیه می‌شود. برای نمونه یکی از مدیران این بانک درباره دادن تنها ۱۹ فرصتی استخدامی به زنان گفته «استخدام زنان ددرسهای زیادی دارد؛ مهم‌ترینش ازدواج و بارداری است که باعث درخواست مرخصی می‌شود، به همین دلیل ترجیح می‌دهند سراغ زن نروند.»

تبعیض جنسیتی در آمارهای رسمی هم نشان داده می‌شود. بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران در بهار امسال نرخ مشارکت زنان نیز در مقایسه با سال گذشته کاهش یافته و از ۱۴/۳ درصد به ۱۴ درصد رسیده است. در مقابل، در دوره مشابه، نرخ مشارکت مردان از ۶۸/۳ به ۶۸/۴ درصد افزایش یافته است.

کاهش نرخ مشارکت اقتصادی به این معناست که زنانی که در سن کار هستند به دلیل ناامیدی از یافتن شغل مناسب از بازار کار خارج شده و دیگر جویای کار نیستند.

بر اساس آمارهای که وضعیت اشتغال از سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۴۰۲ را بررسی کرده، جمعیت مردان شاغل دارای تحصیلات عالی از یک میلیون و ۹۷۴ هزار و ۵۱۶ نفر در سال ۱۳۸۴ به ۵ میلیون و ۳۳۳ هزار و ۵۳۵ نفر در سال ۱۴۰۲ افزایش یافته که ۲/۷ برابر رشد داشته است.

در مقابل، جمعیت زنان شاغل دارای تحصیلات عالی از ۸۶۷ هزار و ۹۳۰ نفر به ۱ میلیون و ۹۶۱ هزار و ۵۲۷ نفر رسیده که ۲/۲۶ برابر شده است.

بر اساس گزارش مجمع جهانی اقتصاد برای سال ۲۰۲۴، ایران در شاخص جهانی شکاف جنسیتی رتبه ۱۴۴ از ۱۴۶ کشور را کسب کرده است. این در حالی است که در گزارش سال ۲۰۲۲، رتبه ایران ۱۴۳ بود. این ارقام به معنای بدتر شدن وضعیت زنان در ایران طی دو سال است.

۳۰۰ مدرسه در خطر فرونشت اصفهان و احتمال تخلیه اجباری سه میلیون نفر

● استاندار اصفهان وضعیت فرونشست در این شهر را بحرانی توصیف کرد و گفت «۹ ایستگاه اصلی مترو اصفهان، ۲۷۴ فلکه اصلی آتش‌نشانی، ۳۲۸ مسجد، ۳۷ کتابخانه، سه بیمارستان اصلی، یک هتل و ۲۵۸ مدرسه در پهنه بالای فرونشست است.»

● علی بیت‌اللهی رئیس بخش زلزله‌شناسی و خطرپذیری مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی گفته علاوه بر جمعیت ۵ میلیون نفری شهر اصفهان، بیش از یک میلیون نفر نیز در مناطق اطراف این کلانشهر زندگی می‌کنند که تحت تاثیر فرونشست زمین قرار دارند و ممکن است دولت ناچار شود سه میلیون نفر از جمعیت شهر را تخلیه کند.

● علی بیت‌اللهی گفته: «فرونشت زمین در محدوده شهری اصفهان و نوع خاک به ویژه در بخش‌های شمالی شهر، پتانسیل تشکیل فیش‌های واگرا را بیشتر و زمینه را برای توسعه فرسایش تونلی و فروریزش‌های متعاقب آن آماده می‌کند.»

● بر اساس گزارش‌ها، حجم گسترده برداشت از منابع آب زیرزمینی، پدیده فرونشست را در ۳۵۹ محدوده مطالعاتی رقم زده است؛ پدیده خطرناکی که کارشناسان آن را غیرقابل بازگشت می‌دانند.

طی یک هفته گذشته سه فرونشست در مرکز شهر اصفهان سبب ایجاد گودال‌هایی در معابر عمومی با عمق هفت تا ۱۵ متر شده است.

بر اساس ویدئویی که روز دوشنبه ۲۴ شهریورماه ۱۴۰۴ در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، یک فرونشست در خیابان بهارستان اصفهان ایجاد شد که سومین فرونشست در مرکز شهر اصفهان طی هفته گذشته بود.

روز دوشنبه ۱۷ شهریورماه هم فرونشستی با عمق ۱۵ متر و عرض شش متر در خیابان هشت بهشت اصفهان ایجاد شد و یک روز بعد نیز فرونشستی با عمق هفت متر در خیابان لاله شهر اصفهان ایجاد و سبب آسیب به شبکه فاضلاب شد. مهدی جمالی‌نژاد استاندار اصفهان اعلام کرده میزان فرونشست سالیانه در برخی مناطق این استان به ۱۵ تا ۱۸ سانتی‌متر رسیده است.

استاندار اصفهان وضعیت فرونشست در این شهر را نیز بحرانی توصیف کرد و گفت «۹ ایستگاه اصلی مترو اصفهان، ۲۷۴ فلکه اصلی آتش‌نشانی، ۳۲۸ مسجد، ۳۷ کتابخانه، سه بیمارستان اصلی، یک هتل و ۲۵۸ مدرسه در پهنه بالای فرونشست است.»

مهدی جمالی‌نژاد همچنین گفته ۷۰ تا ۸۰ مدرسه نیز به علت فرونشست تخلیه شدند که بسیاری از آنها به علت تشدید فرونشست تخریب شدند.

علی بیت‌اللهی رئیس بخش زلزله‌شناسی و خطرپذیری مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی روز سه‌شنبه ۲۵ شهریورماه ۱۴۰۴ در گفتگو با وبسایت «دیدبان»

استان‌های مختلف گسترش یافته و به یکی از جدی‌ترین مخاطرات محیطی بدل شده است. ترکیب این شرایط، با در نظر گرفتن احتمال زلزله آخرالزمانی در تهران که در پی آن درصد بالایی از جمعیت کشته یا زخمی می‌شوند، ضرورت برنامه‌ریزی منسجم برای مدیریت ریسک را بیش از پیش آشکار می‌کند.»

فریرز ناطق الهی با بیان اینکه «باید بپذیریم که بیشتر شهرها و روستاهای ایران در مناطق لرزه‌خیز و زلزله‌خیز قرار دارند» گفته «آسیب‌پذیری شهرها پارامتری است که نه تنها



به خود زلزله، بلکه به نوع ساخت‌وساز ما نیز بازمی‌گردد. ساخت‌وساز در طول تاریخ به شکل‌های مختلفی در ایران وجود داشته است؛ از ساختمان‌های خشتی و گلی گرفته تا چوبی، طاق‌های ضربی و نهایتاً سازه‌های فولادی و بتنی. این روند رفته‌رفته در طول سالیان توسعه یافته است.»

عضو هیئت علمی پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی با اشاره به اینکه «تا قبل از سال ۱۳۷۰، حداقل از نظر قانونی، هیچ آیین‌نامه جدی برای مقاوم‌سازی در برابر زلزله وجود نداشت» گفته پس از آن نیز «برخی پیمانکاران، با توجیه فنی «بهینه‌سازی» و استفاده درست از مصالح، به نوعی آیین‌نامه زلزله را دور زدند؛ روندی که تقریباً از سال‌های ۱۳۸۰ آغاز شد و تاکنون ادامه دارد بطوری که جزئیات و نکات فنی که باید مدنظر قرار می‌گرفت، اغلب رعایت نشده و این موضوع باعث افزایش آسیب‌پذیری شهرها شده است.»

فریرز ناطق الهی همچنین معتقد است از ۳۰ سال پیش احتمال بروز زلزله در تهران وجود داشته و عقب افتادن وقوع آن به معنای افزایش انرژی و تخریب بیشتر زلزله آینده و بروز بدترین سناریوها است.

این زلزله‌شناس تأکید کرده «برای سناریوی وقوع زلزله در شب در تهران، با فرض جمعیت ۱۰ میلیون نفر، یک و نیم میلیون نفر کشته و چهار میلیون و سیصد هزار نفر زخمی خواهیم داشت؛ یعنی ۶۰ درصد جمعیت. امدادسانی به این افراد ممکن است هفته‌ها طول بکشد و کسانی که باقی می‌مانند با شرایط بسیار دشواری مواجه خواهند شد. تأثیر این زلزله محدود به تهران نیست؛ کل کشور وابسته به تهران است و بسیاری از افراد حاضر در شهر مهاجر هستند. بنابراین فروپاشی تهران به معنای اختلال گسترده در کل جامعه ایران خواهد بود. اگر وضع فعلی ادامه یابد، پس از وقوع زلزله نمی‌توانیم از ناترازی‌ها و پیامدهای آن عبور کنیم.»

➔ مهدی زارع استاد پژوهشگاه زلزله‌شناسی درباره احتمال وقوع زمین‌لرزه‌های بزرگ در تهران با اشاره به «سکون لرزه‌ای» در گسل‌های اطراف تهران، از جمله گسل شمال تهران، مشا، ری و کهریزک، گفته که کاهش غیرعادی زلزله‌های کوچک در این مناطق می‌تواند نشانه‌ای از انباشت تنش برای یک زلزله بزرگ با بزرگی بیش از ۷ ریشتر باشد. استاد پژوهشگاه زلزله‌شناسی تأکید کرده که گسل‌های تهران از سال ۱۸۳۰ میلادی زلزله مخربی نداشته‌اند و این «آرامش قبل از توفان» می‌تواند به فاجعه‌ای در منطقه‌ای با بیش از ۱۰ میلیون نفر جمعیت منجر شود. هرچند پیش‌بینی دقیق زمان زلزله ممکن نیست، احتمال وقوع زمین‌لرزه‌های بزرگ در ۳۰ سال آینده بین ۵۰ تا ۷۰ درصد برآورد می‌شود.

مهدی زارع توضیح داده سکون لرزه‌ای، دوره‌ای از فعالیت غیرمعمول کم زلزله در منطقه‌ای است که معمولاً از نظر لرزه‌ای فعال است. فرض بر این است که این دوره، پیش‌زمینه بالقوه‌ای برای یک زلزله بزرگ است. این نظریه بر اساس «چرخه لرزه‌ای» و «بازتوزیع تنش» است.

او افزوده با حرکت ورقه‌های زمین‌ساختی، تنش در امتداد گسل ایجاد می‌شود. این تنش اغلب در مجموعه‌ای از زلزله‌های کوچک آزاد می‌شود. در برخی موارد، قبل از یک گسیختگی بزرگ، گسل ممکن است «قفل» شود یا وارد مرحله‌ای شود که حتی آزادسازی‌های کوچک انرژی نیز متوقف شود.

به گفته استاد دانشگاه زلزله‌شناسی این دوره آرامش می‌تواند ماه‌ها یا حتی سال‌ها طول بکشد. انباشت تنش در گسل ادامه می‌یابد تا به نقطه شکست برسد و در نتیجه، یک زلزله بزرگ تمام انرژی انباشته‌شده را آزاد کند. نکته قابل توجه مطرح شده از سوی مهدی زارع اینست که اندازه‌گیری‌های GPS تأیید می‌کند که ورقه‌های زمین‌ساختی در حال همگرایی هستند و گسل‌های اطراف تهران را با فشاری متناسب بارگذاری می‌کنند. گسل‌های اصلی در بخش‌های مهمی از طول خود در حال خزش نیستند؛ بلکه گیر کرده‌اند و انرژی را جمع می‌کنند.

او ادامه داده «فیزیک حکم می‌کند که این انرژی ذخیره‌شده در نهایت در یک زلزله بزرگ آزاد خواهد شد. خاموشی کنونی نشان می‌دهد که گسیختگی می‌تواند بزرگ باشد، زیرا تنش مدت زیادی است که در حال افزایش است. احتمال وقوع زلزله‌ای با بزرگی ۷ یا بیشتر، مستقیماً در یک منطقه شهری با بیش از ۱۰ میلیون نفر جمعیت و با ساخت‌وسازهای گسترده و آسیب‌پذیر، یک سناریوی فاجعه‌بار است.»

مجتبی موسوی، استادیار پژوهشگاه ژئوتکنیک پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله، نیز روز سه‌شنبه ۲۵ شهریورماه ۱۴۰۴ در وبینار «حریم گسل‌ها و برنامه‌های توسعه شهری» اعلام کرد بسیاری از کلان‌شهرهای ایران بر روی یا مجاور گسل‌های فعال ساخته شده‌اند و جایجایی تفاضلی دو سوی گسل در زمین می‌تواند حتی سازه‌های مهندسی‌شده را تحت تأثیر قرار دهد.

او با اشاره به مطالعات داخلی و تجربه زلزله‌های جهانی، تأکید کرد که بررسی دقیق خطر گسل سطحی و رعایت ضوابط فنی در برنامه‌ریزی شهری ضروری است.

فریرز ناطق الهی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی، در گفتگو با وبسایت «فرارو» وقوع زلزله در تهران را معادل روی دادن «شرایط آخر الزمانی» دانسته و گفته «ایران در شمار کشورهایی است که بخش وسیعی از سرزمین آن بر روی پهنه‌های لرزه‌خیز قرار دارد. همزمان، در سال‌های اخیر پدیده فرونشست نیز در

مناطق خاص، مانند دشت ورامین، حتی به ۳۶ سانتیمتر در سال نیز می‌رسد، که شش برابر میانگین جهانی محسوب می‌شود.

رضا شهبازی، هشدار داده «وضعیت فرونشست به حدی بحرانی است که باید از عبارت «فاجعه ملی» استفاده کنیم.»



او گفته ما در تهران شاهد تخلیه مخازن آب زیرزمینی در مقیاسی وسیع هستیم، وقتی آب این سفره‌ها را بیرون می‌کشید، مانند آن است که اسفنجی را فشار دهید؛ زمین منقبض می‌شود و برای همیشه ظرفیت ذخیره‌سازی خود را از دست می‌دهد. رضا شهبازی تأکید کرده ادامه این روند می‌تواند به ترکیدن لوله‌های اصلی آب و فاضلاب، آسیب به خطوط ریلی و مترو، و حتی بی‌ثبات کردن شالوده ساختمان‌ها و برج‌ها منجر شود.

کارشناسان محیط زیست هشدار می‌دهند که ادامه این روند می‌تواند منجر به غیرقابل سکونت شدن بخش‌هایی از تهران در آینده نزدیک شود.

در ایران بیش از ۸۵ درصد فرونشست زمین ناشی از برداشت بی‌رویه و غیرمنطقی از آب‌های زیرزمینی است. مقامات جمهوری اسلامی از یکسو مدیریت منابع آبی را بیش از چهار دهه است که رها کرده‌اند و از سوی دیگر با تأکید بر خودکفایی در محصولات کشاورزی سبب به هدر رفتن منابع آبی شده اما سوءمدیریت در دیگر بخش‌های حکومت‌داری سبب شده خودکفایی در تولید محصولات کشاورزی نیز با مجموعه‌ای از ابهامات روبرو باشد.

روزنامه «دنیای اقتصاد» هم در گزارشی با اشاره به عمیق‌تر شدن خشکسالی گسترده‌تر شدن پیامدهای آن هشدار داده «مسئله آب و فرونشست تنها یک چالش محیط‌زیستی نیست، بلکه مسئله‌ای امنیتی، اجتماعی و اقتصادی است.»

این گزارش تأکید کرده «فرونشست می‌تواند شبکه حمل‌ونقل، خطوط انتقال انرژی و حتی سکونتگاه‌های انسانی را به خطر بیندازد. هزینه‌های بازسازی و جبران خسارت به‌مাত্র بیشتر از هزینه پیشگیری خواهد بود. از این‌رو عقلانیت حکم می‌کند که هرچه زودتر به جای تداوم سیاست‌های گذشته، تصمیم‌های دشوار اما ضروری برای کاهش سطح زیرکشت و مدیریت منابع آب گرفته شود.»

علی بیت‌الهی افزوده «۲۸۸ مسجد در سطح شهر اصفهان دچار آسیب‌های ناشی از فرونشست زمین شده‌اند که برخی از آن‌ها جزو آثار تاریخی این شهر محسوب می‌شوند. همچنین نزدیک ۳۰۰ مدرسه و موسسه آموزشی در سطح شهر اصفهان در پهنه فرونشستی قرار گرفته‌اند و بر اساس اعلام سازمان نوسازی مدارس، در چند سال گذشته حدود ۴۰

مدرسه از این تعداد، تخلیه شده‌اند.» این کارشناس هشدار داده که «دولت باید اقدامات لازم برای کنترل پدیده فرونشست زمین در اصفهان را انجام دهد، زیرا اگر این کار انجام نشود، روزی می‌رسد که لازم است جمعیتی بین ۲.۵ تا ۳ میلیون نفر را در اصفهان و اطراف آن تخلیه کنیم و قطعاً اگر چنین اتفاقی در این منطقه بیفتد، نوعی بحران ملی رخ خواهد داد که عواقب آن به‌شدت گریبان‌گیر دولت خواهد شد.»

وضعیت فرونشست در دیگر نقاط ایران نیز بحرانی است اما آنطور که علی بیت‌الهی توضیح داده جنس خاک در اصفهان سبب برجسته شدن پیامدهای فرونشست در این شهر شده است.

به تازگی روزنامه «همشهری» گزارش داده برداشت بیش از ۱۵۰ میلیارد مترمکعبی از منابع زیرزمینی کسری بزرگی در مخازن آبی کشور ایجاد کرده است. بر اساس این گزارش، حجم گسترده برداشت از منابع آب زیرزمینی، پدیده فرونشست را در ۳۵۹ محدوده مطالعاتی رقم زده است؛ پدیده خطرناکی که کارشناسان آن را غیرقابل بازگشت می‌دانند.

رضا شهبازی مدیرکل سابق مرکز زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی منطقه شمال شرق کشور اعلام کرده «اطراف فرودگاه بین‌المللی «امام» شکاف‌های عمیقی در زمین پدیدار شده است. یکی از ساکنان کهریزک در جنوب تهران گفته دیوارهای خانه ما در طول پنج سال گذشته چندین بار ترک خورده است، اول فکر می‌کردیم به دلیل ساخت و ساز مترو است، اما همسایه‌ها می‌گویند، زمین دارد پایین می‌رود.»

بر اساس داده‌های مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرداری ایران، دشت جنوب و جنوب غربی تهران با نرخ متوسط سالانه ۲۵ تا ۲۷ سانتیمتر، یکی از بالاترین نرخ‌های فرونشست در جهان را تجربه می‌کند، این رقم در برخی

→ «ایران» اعلام کرده که عواملی مانند خشکی زاینده رود، کاهش بارندگی و برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی در استان اصفهان سبب گسترش پدیده فرونشست در این استان شده است.

او تأکید کرده «موضوع خطرناک این است که در شهر اصفهان و اطراف آن، شاهد همجواری زون فرونشست زمین

با سکونتگاه‌های شهری و حاشیه شهر هستیم؛ به نحوی که علاوه بر جمعیت ۵ میلیون نفری شهر اصفهان، بیش از یک میلیون نفر نیز در مناطق اطراف این کلانشهر زندگی می‌کنند که تحت تأثیر فرونشست زمین قرار دارند.»

علی بیت‌الهی توضیح داده «خاک شهر اصفهان دارای نوعی واگرایی است که بر اثر پایین رفتن سطح سفره‌های آب زیرزمینی، دچار شکاف و ترک‌های عدیده می‌شود که این امر متأسفانه ابعاد پدیده فرونشست و آثار مخرب آن را در این منطقه بیشتر می‌کند.»

او افزوده «فرونشست زمین در محدوده شهری اصفهان و نوع خاک به ویژه در بخش‌های شمالی شهر، پتانسیل تشکیل فیش‌های واگرا را بیشتر و زمینه را برای توسعه فرسایش تونلی و فروریزش‌های متعاقب آن آماده می‌کند.» رئیس بخش زلزله‌شناسی و خطرپذیری مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی گفته «بازدیدهای میدانی ما از مناطق مختلف شهر اصفهان حاکی از آن است که بسیاری از محله‌های این کلانشهر همین حالا بر اثر تشدید فرونشست در حال آسیب دیدن هستند.»

او افزوده «بطور مثال، در محله شهرک کاوه در شمال شرق اصفهان شاهد آن بودیم که دیوار حیاط‌ها و کف زمین دچار ترک‌خوردگی شده است و داخل منازل نیز شکاف‌هایی به اندازه پهنای دست انسان روی دیوارها ایجاد شده بود که طرف دیگر اتاق‌ها از پشت دیوار دیده می‌شد. همچنین نسبت بین سقف اتاق‌ها و دیوارها به هم خورده بود و ساختمان‌ها دچار چرخش و آسیب‌دیدگی زیادی شده بودند.»

به گفته علی بیت‌الهی، شمال غرب شهر و در محله «خانه اصفهان» حتی بیشتر از شهرک کاوه دچار آثار مخرب ناشی از فرونشست زمین شده است، به نحوی که شهرک نیروی هوایی که در حاشیه این محله قرار گرفته، چند سالی است که بطور کامل تخلیه شده است.»

۵۳/۶ درصد از واحدهای صنعتی تعطیل شده با مشکل تأمین منابع مالی روبرو بودند



● از ۶۵۸۹ واحد صنعتی غیرفعال، حدود ۳۶۹۶ واحد صنعتی یعنی حدود ۵۶ درصد از واحدهای صنعتی غیرفعال، در فاصله سالهای ۱۳۹۶ تا کنون تعطیل شده‌اند.

● آمارها نشان می‌دهند که ۲۷ درصد از واحدهای صنعتی که پیشتر تعطیل و در دولت ابراهیم رئیسی دوباره فعال شده بودند، بار دیگر به دلیل کمبود انرژی و جیره‌بندی برق در آستانه تعطیلی قرار دارند.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی اعلام کرده بیش از نیمی از واحدهای صنعتی تعطیل شده در شهرک‌های صنعتی طی سالهای گذشته به دلیل بحران در تأمین منابع مالی تعطیل شده‌اند.

در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی آمده که بیش از ۵۲ هزار واحد صنعتی در شهرک‌ها و نواحی صنعتی کشور به بهره‌برداری رسیده است که از این تعداد حدود ۴۵ هزار و ۴۹۸ واحد صنعتی فعال و حدود ۶۵۸۹ واحد صنعتی غیرفعال هستند.

این گزارش افزوده در نیمه دوم دهه ۹۰ شمسی به شمار واحدهای صنعتی غیرفعال، به طور قابل توجهی افزوده شده است. به طوری که از ۶۵۸۹ واحد صنعتی غیرفعال، حدود ۳۶۹۶ واحد صنعتی یعنی حدود ۵۶ درصد از واحدهای صنعتی غیرفعال، در فاصله سالهای ۱۳۹۶ تا کنون تعطیل شده‌اند. این روند با افزایش رکود تورمی در اقتصاد ایران، افزایش پرسرعت نرخ ارز و همچنین تشدید ساختار مافیایی در نظام تخصیص ارز برای واردات کالا و مواد اولیه مرتبط بوده است. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی از وضعیت واحدهای صنعتی کشور حاکی از آن است که، از کل واحدهای به بهره‌برداری رسیده تعداد ۴۸۱۲۴ (حدود ۹۲ درصد) از واحدهای صنعتی خرد و کوچک، تعداد ۳۰۶۴ واحد صنعتی (۶ درصد) با مقیاس متوسط و تنها ۸۹۹ واحد صنعتی (۲ درصد) در مقیاس بزرگ هستند.

همچنین، از میان واحدهای صنعتی فعال در شهرک‌های صنعتی نیز حدود ۱۳ هزار و ۸۸۳ واحد صنعتی (۳۱ درصد) با ظرفیت بالای ۷۰ درصد مشغول به فعالیت هستند، تعداد ۱۷ هزار و ۱۱۴ واحد صنعتی (۳۸ درصد) حدود ۵۰ تا ۷۰ درصد از ظرفیت خود را به کار گرفته‌اند و حدود ۱۴ هزار و ۵۰۱ واحد صنعتی (۳۲ درصد) با ظرفیت کمتر از ۵۰ درصد مشغول به فعالیت می‌باشند.

بر اساس این گزارش، ۵۳/۶ درصد از واحدهای صنعتی غیرفعال در شهرک‌های صنعتی به دلیل کمبود نقدینگی، ۱۶/۹ درصد از واحدهای صنعتی تعطیل شده در شهرک‌های صنعتی به دلیل عدم تقاضای بازار، نزدیک به ۴ درصد از واحدهای صنعتی به دلیل اختلاف فیما بین شرکا، نزدیک به ۴ درصد از واحدهای صنعتی غیرفعال به دلیل عدم تأمین مواد اولیه، حدود ۱/۳ درصد از واحدهای صنعتی غیرفعال به دلیل فرسودگی ماشین آلات و ضعف تکنولوژی، ۰/۹ درصد از واحدهای صنعتی تعطیل به موجب مشکلات زیرساختی، ۰/۸ درصد از واحدهای غیرفعال به دلیل مشکلات قضایی و حدود ۲۰ درصد از واحدهای صنعتی تعطیل در شهرک‌های صنعتی نیز به دلیل مواجهه با ترکیبی از مشکلات اشاره شده از ادامه فعالیت بازمانده‌اند.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تأکید کرده که

بوده است. در این میان، استمرار قطعی‌های انرژی، افت تقاضا، و تشدید نااطمینانی‌های سیاسی و ارزی، فضا را برای فعالان اقتصادی تاریک‌تر از همیشه کرده و انتظارات منفی نسبت به آینده را تقویت کرده‌اند.

شامخ بخش صنعت در خرداد ۱۴۰۴ به عدد ۴۲/۱ سقوط کرد و بدین ترتیب کمترین مقدار در کل دوره اجرای طرح شامخ صنعت از مهر ۱۳۹۷ تاکنون را ثبت کرده است. این سقوط تحت تأثیر کاهش هم‌زمان و شدید تمام مؤلفه‌های اصلی شاخص بوده و تصویری نگران‌کننده از آینده صنعت کشور ترسیم کرده است. حسین سلاح‌ورزی عضو هیئت مدیره کانون عالی کارفرمایی ایران نیز در یادداشتی با اشاره به آمارهای شاخص مدیران خرید (شامخ) نوشته است: «در بخش تولید، کاهش موجودی مواد اولیه و کاهش تقاضا، بسیاری از بنگاه‌ها را به آستانه ورشکستگی کشانده و موج تعدیل نیرو و بیکاری را شدت بخشیده است.»

وی افزوده ریشه‌های این بحران چندلایه‌اند. کسری بودجه مزمن دولت که اغلب با چاپ پول و افزایش نقدینگی جبران می‌شود، موتور تورم را روشن نگه داشته است. سیاست‌های انقباضی بانک مرکزی، مانند افزایش نرخ بهره، اگرچه برای مهار تورم طراحی شده‌اند، اما تقاضا و سرمایه‌گذاری را خفه کرده و رکود را عمیق‌تر کرده‌اند.

او در ادامه نوشته تحریم‌های بین‌المللی که به گفته تحلیلگران ۲۰ تا ۴۰ درصد بر تورم اثر دارند، دسترسی به منابع ارزی را محدود کرده و ارزش ریال را به قهقرا برده است. تنش‌های ژئوپلیتیک مانند جنگ بی‌اطمینانی را تشدید کرده و خروج نقدینگی از بورس را به دنبال داشته و شاخص کل بورس افت ۴۷ درصدی داشته است.

به عقیده حسین سلاح‌ورزی، مدیریت رکود تورمی مانند راه رفتن روی لبه تیغ است. سیاست‌های انقباضی پولی برای کنترل تورم ضروری‌اند؛ اما خطر تعمیق رکود را دارند. اصلاحات ساختاری، از کاهش کسری بودجه و وابستگی به نفت گرفته تا تقویت تولید داخلی، دیگر یک انتخاب نیست، بلکه یک ضرورت است.

بررسی میزان تشکیل سرمایه در ماشین آلات و لوازم کسب و کار بیانگر آن است که به علت مستهلک بودن خطوط تولید، تشکیل سرمایه در ماشین آلات و لوازم کسب و کار در دو بخش «صنایع و معادن» و «خدمات»، افول چشمگیری را تجربه کرده است.

این گزارش توضیح داده تشکیل سرمایه در ماشین آلات کسب و کارهای فعال در بخش صنایع و معادن ۵۷ درصد و در بخش خدمات ۵۹ درصد کاهش یافته است. همچنین فرسودگی ماشین آلات خطوط تولید و ناکامی در اجرای طرح نوسازی صنایع در عمل منجر به آن شده که بخش قابل توجهی از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در اقتصاد کشور، صرف جبران استهلاک سرمایه و حفظ ظرفیت‌های تولیدی موجود شود. قابل توجه اینکه در طرح ششم و هفتم توسعه طرح بازسازی و نوسازی واحدهای صنعتی فرسوده هدفگذاری شده اما نه در برنامه ششم توسعه و نه پیش از یک سالی که از برنامه هفتم توسعه گذشته برنامه‌ای در اینباره از سوی دولت اجرایی نشده است.

اینهمه در حالیکه بحران کمبود انرژی و جیره‌بندی گسترده برق و گاز در شهرک‌های صنعتی نیز به مشکل جدیدی برای این واحدها تبدیل و موجی از تعطیل و نیمه تعطیل شدن واحدهای صنعتی را ایجاد کرده است.

در همین رابطه آمارها نشان می‌دهند که ۲۷ درصد از واحدهای صنعتی که پیشتر تعطیل و در دولت ابراهیم رئیسی دوباره فعال شده بودند، بار دیگر به دلیل بحران کمبود انرژی و جیره‌بندی برق در آستانه تعطیلی قرار دارند. آمارها نشان می‌دهند در خردادماه ۱۴۰۴ شاخص مدیران خرید کل اقتصاد ایران (شامخ) به عدد ۴۲/۹ رسید؛ رقمی که کمترین سطح در ۶۲ ماه اخیر و یکی از پایین‌ترین مقادیر ثبت‌شده در کل تاریخ این شاخص محسوب می‌شود.

کاهش شدید هر پنج مؤلفه اصلی شامخ شامل میزان تولید، سفارشات جدید، سرعت انجام سفارشات، موجودی مواد اولیه، و به‌کارگیری نیروی انسانی، نشان می‌دهد که اقتصاد کشور در خرداد با رکودی عمیق و فراگیر مواجه

آمارهای متناقض و تکاندهنده از سه نهاد درباره قربانیان حوادث کار



● آخرین آمار رسمی حوادث کار که از سوی وزارت کار منتشر شده مربوط به شش ماه نخست سال ۱۴۰۳ است و پزشکی قانونی به عنوان دومین نهاد منتشرکننده آمار حوادث در محل کار نیز یکسال است که آماری منتشر نکرده است.

● در حالی که سازمان پزشکی قانونی اعلام کرده است فقط در شش ماه نخست سال قبل یک هزار و ۷۷ کارگر بر اثر حادثه کار جان خود را از دست داده‌اند، داده‌های تأمین اجتماعی نشان از فوت حدود ۶۵۰ کارگر در یکسال دارد.

وزارت کار، سازمان تأمین اجتماعی و سازمان پزشکی قانونی آمارهایی مرتبط با حوادث در محیط کار ارائه می‌کنند اما گزارش‌ها نشان می‌دهد نه تنها آمار این سه نهاد هیچ تناسبی با هم ندارد بلکه هیچیک نتوانسته تصویری واقعی از بروز حادثه در محیط کار برای کارگران ارائه کند. در شرایطی که حادثه در محیط کار در ایران آمار بالایی نسبت به میانگین جهانی دارد اما همین آمارهای موجود نیز با تردید روبروست و سه نهاد منتشرکننده آمار نیز در به‌روزرسانی داده‌ها کند و نامنظم عمل می‌کنند.

آخرین آمار رسمی حوادث کار که از سوی وزارت کار منتشر شده مربوط به شش ماه نخست سال ۱۴۰۳ است و پزشکی قانونی به عنوان دومین نهاد منتشرکننده آمار حوادث در محل کار نیز یکسال است که آماری منتشر نکرده است.

آمارهای سازمان تأمین اجتماعی نیز فقط مربوط به حادثه برای کارگرانی است که با قرارداد رسمی مشغول به کار هستند و بیمه پرداخت می‌کنند. این در حالیست که منابع کارگری می‌گویند بخش قابل توجهی از کارگران با قراردادهای سفیدپام یا موقت مشغول به کار هستند و کارفرما برای آنها بیمه پرداخت نمی‌کند.

بر اساس آمارهای ارائه شده از سوی وزارت کار در شش ماه نخست سال ۱۴۰۳، یکهزار و ۷۷ کارگر بر اثر حوادث ناشی از کار جان خود را از دست داده‌اند. این گزارش نشان می‌دهد در این بازه زمانی بطور متوسط در هر ماه حدود ۱۸۰ کارگر، هر هفته نزدیک به ۴۵ کارگر و هر روز بین ۶ تا ۷ کارگر جان خود را به علت بروز حادثه در محیط کار از دست داده‌اند.

بررسی داده‌های آماری سازمان پزشکی قانونی کشور، افزایش ۱۵/۷ درصدی آمار فوتی‌های حوادث کار در شش ماه نخست سال ۱۴۰۳ نسبت به مدت مشابه سال قبل را نشان می‌دهد. طبق گزارش این نهاد، در شش ماه نخست سال، یکهزار و ۶۶ مرد، و ۱۱ زن بر اثر حوادث کار جان خود را از دست داده‌اند. همچنین سازمان تأمین اجتماعی که فقط آمار مربوط به کارگرانی که با قرارداد رسمی شاغل هستند و بیمه پرداخت می‌کنند را بازتاب می‌دهد اعلام کرده مجموع حوادث در محیط کار ۴۹ هزار و ۱۹۸ مورد در سال ۱۴۰۳ و ۴۸ هزار و ۸۶۸ مورد در سال ۱۴۰۲ بوده است. در حالیکه سازمان پزشکی قانونی اعلام کرده است فقط در شش ماه نخست سال قبل یک هزار و ۷۷ کارگر بر اثر حادثه کار جان خود را از دست داده‌اند، داده‌های تأمین اجتماعی نشان از فوت حدود ۶۵۰ کارگر در یکسال دارد.

محسن باقری فعال کارگری در گفتگو با روزنامه «پیام ما» درباره اختلاف آماری سازمان پزشکی قانونی و سازمان تأمین اجتماعی گفته «این تفاوت بزرگ نشان می‌دهد کارگران

ساعات بامداد جان خود را بر اثر تصادف در خیابان از دست می‌دهند در رده بعدی قرار دارند؛ سیم‌بانان گروه شغلی دیگری هستند که آمار مرگ و میر آنها به بالاست که اکثراً دچار سقوط از ارتفاع و یا برق‌گرفتگی می‌شوند.

یکی از مهمترین عوامل افزایش آمار حوادث در محل کار، عدم رعایت ایمنی از سوی کارفرمایان است. احمدرضا پرنده مدیرکل بازرسی کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اعلام کرده که «۷۰ درصد حوادث محیط‌های کارگری به دلیل نا ایمن بودن محیط کار و ۲۰ تا ۳۰ درصد به علت بی احتیاطی کارگران است.» مدیرکل بازرسی کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی یکی از وظایفی که برای حفظ و صیانت نیروی کار با جدیت دنبال می‌شود پیشگیری از حوادث است تا آسیب مالی و روحی کمتری به کارگران و کارفرمایان وارد شود.

بسیاری از کارشناسان معتقدند طی سال‌های گذشته و در پی افزایش تورم در کشور، هزینه‌ها در کارگاه‌ها و مجتمع‌های صنعتی و تولیدی با افزایش روبرو شده است. در چنین شرایطی کارفرمایان برای جلوگیری از زیان و ورشکستگی ناچار می‌شوند هزینه‌های جاری را کاهش دهند و یکی از این هزینه‌ها مربوط به رعایت و افزایش استانداردهای ایمنی محل کار است. قربانیان این روند بطور مشخص کارگران هستند.

این در حالیست که قوانینی برای اجبار کارفرمایان به رعایت استانداردهای ایمنی وجود دارد اما این قوانین اجرا نشده و نهادهای نظارتی نیز بی‌تفاوت از کنار این قانون‌شکنی عبور می‌کنند. برای نمونه ماده (۹۵) قانون کار نیز تأکید کرده که مسئولیت اجرای مقررات و ضوابط فنی و بهداشت کار، بر عهده کارفرما است.

ماده (۶۱) آیین‌نامه حفاظت و بهداشت عمومی در کارگاه‌ها می‌گوید که کارفرمایان موظف هستند در سال، ۲ دست لباس کار مجانی در اختیار کارگران بگذارند. لباس کار نیز باید متناسب با نوع کار باشد و طوری تهیه شود که کارگر بتواند به راحتی وظایف محوله خود را بدون احتمال بروز حوادث ناگوار انجام دهد.

غیررسمی و خارج از چتر حمایتی تأمین اجتماعی، تعداد قابل توجهی از فوتی‌های حوادث کار را تشکیل می‌دهند که این واقعیت، باید زنگ هشدار جدی تلقی شود.

این فعال کارگری توضیح داده: «هرچند در داده‌های سازمان پزشکی قانونی کشور، اطلاعاتی در مورد اینکه چه تعداد از این فوتی‌ها در کارگاه‌های رسمی و بیمه‌شده و چه تعداد در اقتصاد زیرپله‌ای و غیررسمی مشغول به کار بوده‌اند، ارائه نشده؛ ولی یک قیاس آماری ساده بین داده‌های این نهاد و اطلاعاتی که سازمان تأمین اجتماعی بر مبنای حوادث کار کارگران بیمه‌شده منتشر کرده، نشان می‌دهد تعداد قابل توجهی از کارگران حادثه‌دیده و فوت‌شده، کارگران غیررسمی و فاقد بیمه هستند که در صورت مصدومیت جزئی و کلی و فوت، مستمری و غرامت به آنها تعلق نمی‌گیرد. در نتیجه خانواده‌های این کارگران که عموماً متعلق به دهک‌های فرودست و کم‌درآمد هستند، با هر نوع حادثه کاری که منجر به آسیب جدی شود، بدون منبع درآمد و حقوق و دستمزد می‌مانند.»

محسن باقری تنها راهکار رسیدن به جامعیت آماری در حوزه حوادث کار را ایجاد و ساماندهی یک سامانه جامع حوادث کار دانست و گفت: «این سامانه باید دربرگیرنده آخرین داده‌ها و اطلاعات حوزه حوادث کار باشد و برای رسیدن به چنین اجماعی، نیازمند همکاری بین نهادهای هستیم؛ یعنی داده‌ها و اطلاعات نهادهای ذی‌ربط از جمله تأمین اجتماعی و سازمان پزشکی قانونی، باید در این سامانه ثبت و به‌روزرسانی شود.» گزارش‌ها نشان می‌دهد ایران در زمینه رعایت مسائل ایمنی کار در میان کشورهای جهان در رتبه ۱۰۲ قرار دارد که رتبه بسیار پایینی است.

بر اساس گزارش‌ها بیشترین نرخ حوادث کار و فوت ناشی از آن، مربوط به کارگران ساختمانی است؛ سقوط از ارتفاع و داربست یا اصابت جسم سخت مانند میلگرد به سر؛ بعد از آن، کارگران فنی و غالباً پیمانکاری در واحدهای سخت و زیان‌آور مثل کارخانجات ذوب فلز قرار دارند.

کارگران شهرداری که در تاریکی نیمه‌های شب یا نخستین



در دختران دانش آموز ایران
کم خونی و کمبود شدید آهن



اعتصاب کارگران شرکت
نفت و گاز آغاچاری



وضعیت فاطمه سپهری؛
فشارهای مضاعف و زندان در زندان!



وزارت خارجه بریتانیا بار دیگر
در مورد سفر شهروندان این کشور به
ایران هشدار داد



جنبش ملی مهسا
طرح و متن دریافتی



پاییز خشک و بی بارش
در راه است



دولت پزشکیان بارانه بخشی
از بازنشستگان را حذف کرد!



جان باختن شش شهروند
در اهواز بر اثر انفجار گاز



رئیس سازمان بازرسی؛
بانک های چینی برای ایرانیان
حساب بانکی باز نمی کنند



صادرات غیرنفتی ایران
کاهش یافت



امام جمعه یاسوج؛
چرا باید در ورودی شهرها تابلوها
به زبان انگلیسی باشد؟



اقدام جنبالی در دانشگاه «الزهراء»؛
قتل کردن در بیهوشی خوابگاه
از ساعت ۱۰ شب!



نیروی انتظامی هرمزگان مدعی شد؛
کشف ۷۱۹ ریزپرنده قاچاق



وزیر انرژی آمریکا؛
«ایران هسته ای» قابل تحمل نیست



بارش ها در تهران ۵۰ درصد
کمتر از سطح نرمال است



تعیین چهار گروه شبه نظامی
همسو یا جمهوری اسلامی ایران به عنوان
سازمان های تروریستی



صدور حکم اعدام در ملاء عام
برای قاتل یک پزشک در یاسوج



وضعیت بحرانی آب در استان البرز؛
تالاب صالحیه و سدهای استان در
آستانه خشکی کامل



کارزار پرسنل تاراضی نیروی انتظامی؛
«یک وطن، یک درد، یک صدا»



دسترسی به حساب های
«بانک ملت» مختل شد



پدیده دو شرکت «ایران خودرو»
و «سایپا» به ۶۲۰ هزار میلیارد تومان رسید



«دشمن» برای «نفوذ» در
حوزه علمیه بودجه اختصاص
داده است



افزایش ۴۰ درصدی هزینه
اجاره خوابگاه های دانشجویی



نماینده مجلس شورای اسلامی
درباره توافق «قاهره»:
هم چوب خوردیم هم پیاز!



بیانیه مکانیسم واکنش سریع
گروه هفت در مورد سرکوب فرامرزی و
سایر فعالیت های مخرب جمهوری اسلامی





عکس هفته | رهبران آمریکا و بریتانیا

دونالد ترامپ رئیس جمهور ایالات متحده همراه با همسرش ملانیا، بانوی نخست آمریکا، مهمان چارلز سوم پادشاه انگلستان و همسرش ملکه کامیلا بودند

کاخ ویندزور / ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۵